هذا

كتاب تمدن الاسلام

في بيان فلسفة الاحكام ويتلوه الجلد الثانی

(عظمت الاسلام في كيفيت اصول الازدواج في الاسلام)

مندرجات كتاب تمدن الاسلام

١ـ در بيان اثبات صانع غيبي ازروی دلایل عقليه وذكر فلاسفهٔ عصر ازقبيل حيون و اليميون

٢ـ در بيان اثبات منفع ديانت خصوص ديانت حقهٔ اسلاميه در قبل منكرين الوهيت و مخالفين ديانت بر وفق علوم عصريه .

٣ـ در بيان ذكر بعضی مواد ديانات سائره و رد آن فنا .

٤ـ در بيان ذكر مسلكهای مختلفهٔ ظاهره در عالم و فرق ميان مذهب و مسلك

٥ـ در ذكر مضرات فرقهٔ ضاله منكرين ديانت و ذكر مرام آن‌ها و كشف مرام فرقه های مختلفه ارامنه از قبيل داشناق ـ و اينچاق ـ و آرادا.ارت و سائره ازروی مدارك موثوقه و خاتمه در ذكر مسائل متفرقه .



کتاب تمدن الاسلام فی بیان فلسفة الاحکام تألیف حضرت مستطاب مروج الاحکام
و داعی الخلق الی دارالسلام و مصباح الظلام آقای آقا شیخ قاسم آقا واعظ مهاجر
دامت افاضاته که چندی تحریر یافته و اجازهٔ طبع از ناحیه مقدسه وزارت معارف
و نظارت شرعیات تحت نمره ۴۵۶۷ و ۱۴۱۰۸ صادر شده و مؤلف معظم له بنام
انتباه افکار عمومی و اصلاح اخلاق جوانان ناحس مملکت باستانی مدرک مطالب
و مندرجات آن کتب را علاوه از کتب های مقدسه دینی و نهج البلاغه و فقه الاسلام
پارهٔ مطالب و مدارک استدلالی آن کتاب مقدس را با زحمات کثیره از مراکز رسمیه
ملل مجاوره جلب و تهیه کرده بود الحق تا حال در وطن عزیز ما همچو کتابی
تدوین نیافته و تألیف نشده چون متکفل دلایل عقلیه و هم حاوی بعضی مطالب راجعه
در ذکر مسلکهای متضاده است چون در موضوع اصول منحوسه کاپیتولاسیون از طرف
جامع الشرف یگانه منجی ملت و محافظ حقوق اسلامیت شهریار مهین تاجدار اعلیحضرت
قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه تدوین یافته بود که از عمده اعیاد ملی ایرانیان
محسوب و سبب افتخار افراد وطن محبوب ما معدود است و خود این کتاب مورد
استفاده تمامی اصناف عالیه و طبقات ممتازه بوده و یک گنجینه معارفی است برای
مطالعه کنندگان مبنی براین کتابخانه **شرکت سنائی** در خوی بلحاظ خدمت بدیانت
و مملکت بطبع و نشر آن اقدام نمود تااینکه جوان های منورالفکر در خصوص
روحانیان محترمین و حضرات وعاظ و مبلغین مطالعه و فایده مند شده در قبال مبلغین
جانب اظهار وجود بنمایند و در خاتمه از اشعار بیک نکته ناگزیرم که افراد ملت

و سایر طبقات ممالک ترقی مصالح و لوازم تحریر و طبع و نشر را با نزاکت ایرانی و نجابت اسلامی ملحوظ داشته با بذل مبلغ جزیی بنام شرکت و معاونت بطبع سایر تالیفات حضرت معظم‌له مضایقه نفرمایند که هم خدمت بدیانت وهم نشر معارف دیانت بمعارف محسوب است.

تاریخ هفدهم شوال هزار و سیصد و پنجاه یك هجری

محل فروش عمده: خوی ـ کتابخانهٔ شرکت سنائی

تك فروشی در تمام کتابخانه‌های طهران و تبریز



بسمه تعالی

ایضاح مرام

کسی تصور نکند که ما فقط از نقطه نظر مذهبی می‌خواهیم این گونه حقایق را نشر نمائیم بلکه با قطهٔ نظر استطرادی (یك تیر دو نشان) مصالح وطنی و توحید افکار دین توحیدی را در مخزنهٔ افراد وطن محبوب خودمان تلقین نموده و با عشق مفرطی که باین خاك پاك داشته و باتجربه کاملا معلوم شده که تمامی موجودیت وقتی میشود از دست رفته ولی در سایهٔ یکجا مه مذهبی انسان صاحب وجهه و بلکه دارای همه چیز می‌باشد لذا لازم دانسته و وظیفه دینی شمرده مطالب دیانتی را ذکر که باعث تشئید مبانی سلطنت اسلامیه و وجدانیه ماله است بنام هدیه بافراد مملکت تقدیم نمائیم و بدین وسیله خدمتی مور بانه در پیشگاه اقدس خداوندی و درانظار علاقه مندان ملیت و اولاد وطن محسوب شود زیرا مبلغین مذاهب مختلفه با تبلیغ خائنانه خودشان لطمه بزرگی بوحدت ملی می‌زنند و از اینرو مسلکهای مختلفه را از قبیل (بولشه‌ویزم – قومونیزم – نهیلزم – دارونیزم) را ذکر و مرامشان را تشریح کرده و در تضاعیف کلمات قدسیت سمات حضرت فخر کائنات و جانشینان آن بزرگوار و مرام و مقصد خبیث فوق مختلفه از داشناق – هوربزون – اینجاق – آزادامارت وفرق سایره را پس از اثبات صانع حکیم و قادر علیم و مدلل داشتن حقانیت اسلام کاملا گوش زد خاص و عام نموده ام تا اینکه برادران دینی با فطانت ذاتی و مذهبی مرامهای فرقهٔ متضادهٔ اسلامی را فهمیده و تابع تلقینات شان نباشند و از غرور ملی و انانیت شخصی کنار نروند. وعلی الله التوکل و به الاعتصام

کتاب تمدن الاسلام

فی بیان فلسفة الاحکام

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدانا للاسلام و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و الصلوة و السلام علی نبیه الذی اکرمنا به علی سائر الامم و علی اوصیائه و خلفائه الراشدین علیهم السلام بعد

مقدمه

بر ارباب اطلاع و اهل تاریخ معلوم است که پیش از طلوع نجم سعادت در افق ممالک عزیزمان وقبل ازدورهٔ درخشان یگانه‌پناه اسلامیان مهین‌شهریار گیتی مدار اعلیحضرت قدر قدرت خلد الله ملکه هر چیزی در محور خود در تنزل و انحطاط بوده حالات ننگین و اعمال شرمگین اولیاء امور و بالواسطه غفلات و عطلات کلیه طبقات مردم باندازهٔ عمومیت پیدا کرده بود که هر صاحب فکر و انصاف نام ایران و ایرانیت از خود سلب ودر نظر اجانب از منسوب بودن بایران متنفر می نمود و مسئلهٔ روحانیت از این مرحله تنزل خارج نبوده بلکه با تمامی معنایش از هر چیز نازلتر شده بود اغلب محصلین علوم قدیمه غیر از جلب منافع شخصیه در مخیلهٔ فکریه اش مقصدی دیگر مرکوز نبود ولی در این عصر فرخنده سیر کلیه امور مادی و معنوی موافق دورهٔ عصر و سعی و عمل رو باصلاحات و

اکتشافات است از آن جمله امور روحانیه و کیفیت ترتیب مقدمات تحصیلات
علوم مذهبیه و طرز تبلیغ و دعوت بر عظمت دیانت مقدس اسلامیه برای علاقه‌مندان
دیانت و محب ملیت یك اقدامات امید بخشی بوده با کمال اطمینان اذعان لازم است
که در آتیه یکدوره درخشان را نائل خواهیم شد طوریکه تنظیم مدارس
قدیمه و تعمیم مرام انتظامات مخصوصه بر طلاب علوم دیانتی وتعیین مدرسین
و امداد و معاونت معاش برای فقراء طلاب و محصلین از طرف جامع الشرف
اعلیحضرت و صدور دستورات لازمه از وزارت معارف در کیفیت تحصیلات و
امتحانات در محضر هیئت ممتحنه و بمعنای عالی (الملك و الدین توءامان) پی
برده کتابخانه ها تشکیل و بایست که صنوف ممتازه و کافهٔ طبقات اهالی عن صمیم
القلب تشکر نموده ودر تشئید مبانی سلطنت چون روح واحد در اجسام مختلفه
قیام و در ترویج مقصد مقدس توحید افکار و وحدانیت مایه اقدام نمایند
(۲) واین معناء هم از نظر نبایددور داشتن که فعلا در اغلب مناطق عالم از ملل
مترقیهٔ کره باموور دیانتی فکری داده مثل علوم مادی و صنعتی علوم دینی را
تدقیق و در اطراف آن جدیت کرده و ترقی محیر العقول هم داده‌اند وبیست
ملیون نفوس از ارباب علم و فن تابع و طرفدار عقاید روحی شده و هرروز
در علم روح مذاکرات نموده و اکتشافات غریبه و تدقیقات عجیبه انتشار مینمایند
و در قبال مادیین و طبیعیون فوق العاده مجاهداتی دارند امید است در اندك
زمانی کلمات طبیعیون در انظار اهل علم بی قیمت مانده و اهمیت ادلهٔ روحیون
جلب توجه عموم ملل را بنماید و عجب تر اینکه در اغلب مواد و اکثر مطالب

روحیون با دین اسلام موافق و با کلمات علماء روحیون اسلامیه مطابقت دارد
از قبیل احیاء العلوم غزالی خراسانی و فخر رازی و شیخ نراقی و محقق اردبیلی
بدینوسیله اکثر غوامض قرآن و بسیاری از مشکلات احادیث و اخبار کتب
اسلامی حل خواهد شد و تا بحال در موضوع بقاء روح و آثار روحیه کلمات
کماین گوش زد افراد مسلمین بوده و از جملهٔ امور معنویه محسوب شده
چندان مورد تصدیق نمی گردید مثلا حاضر شدن ارواح مؤمنین در لیالی جمعه
در منزل باقی ماندگان از صلهٔ رحم و یا اینکه تقدیم هدایاء و تحف بموتاء و
مغفرت ذنوب به سعی اولاد و احفاد و باز ماندگان و رؤیاء صادق در کیفیت
زندگانی ارواح که مجهول بود و الان از طرف علماء (سپرتیست) عملا
تصدیق شده و بعضاً آثار روحی را بالعیان مشاهده هم می کنند و در آخر
این رساله با طور اختصار ذکر و تطبیق بدستورات کماین اسلام خواهد شد

(۳) مادامیکه گنجینهٔ معارف و منابع علوم معنوی و در دست مسلمین است
و در حقیقت کتب اسلامی و مدارک تاریخیه اسلامیه (بقول هوواس نام محرر
فرانسوی) سبب سعادت وحشیان عالم غرب شده و فعلا قصر به بعضی ملاحظات
سیاسیه در پای تخت اسپانیه پنهان و مخفی توقیف شده لازم است که خود مسلمین
از آن معدن معارف استفاده و در اطراف آن بحث نمایند و دورهٔ غفلت منقضی
و زمان عیاشی و عطالت سپری شده و البته جنك بین المللی اخیرتی مجازاتهٔ عادیه
نبوده بلکه یکنوع تازیانه تأدیبی بود که بر تن عریان مسلمین زده خورده و
الم آن را حس کردند و زمان ماضی بمثابه موت ابدی است ولی اثرات تاریخیه اش

در صحایف روزگار باقی و پایدار است و کلیه افراد اسلامی حاضر وقعات خونین جنگ عمومی شده و فهمیدند که آن جنگ متعارفی نبوده بلکه مقابله علم با جهل را تشکیل می داد و بالسان ازلی این حقیقت واقعیه بواسطه مبلغین روحانی و معلمین نوع بشری برای ما ابلاغ شده که (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) بدیهی است که افیون با غاز مهلك و آلکول و استعمال مشروبات الکولی با (سالوارزان) و (هیوستر و سروم) و استعمال ماده مهلکه (قاقائن) با صرف مواد مقویه معموله طبیه تقابلی نداشته و قمه و قدار های قدیمه با شصت تیرهای معموله و عراده کاوی با (تانقهای) مهیبه و الاغهای لاغری با اتولهای زره پوش و شمع دانهای آهن باالکتریستهای معشیته و سواران دوره نادری با پلیسهای آهنی امروزی برابری نمی تواند بکند اولی اثر علم و ثانوی اثرات جهل است پس باید هر کس از افراد ملت اسلامی با عطف نظر بتواریخ ایام ماضیه ملتفت شده مهما امکن و لو با حرکات مورچانه هم بوده باشد برای انتباه افکار عمومی سعی نموده و خدمتی بجامعه ملیه بنماید آنچه وظیفه سیاسیون ایران است در قبال اقدامات فوق العاده مال مسیحیه اثبات وجود نموده با عملیات مجدانه مقاصد قلبیه ایشان را عقیم گذاشته وطن عزیز خود را از تهلکهٔ نفوذ و سلطهٔ اجنبیان خلاص خواهد کرد و بحمد الله فعلا آنچنان اشخاصی در ایران ما از برکت توجهات مولی عصر و اقدامات خدا پسندانه منجی ملت یگانه قائد توانا مهین شهریار گیتی مدار اعلیحضرتی وجودی دارند واما راجع بقطع احتیاجات ملیه از امتعه خارجه بسی اهمیت نگذاشته و مسئله حیوة و ممات را مصداق آنهم بعهده

شرافت تجار است که این ملت و کارکنان مملکت است که با تأسیس مبانی شرکت و تزیید منابع ثروت خدمت بعالم دیانت نموده و مانع از دخول مواد ضروریه باشند از خارج بداخله محیط که با ورود بعضی متاع خارجه یکنوع انقلاب در زبان و عادت و فکر دیانت می شود و اما آنچه راجع بمسئله روحانیت و ترویج دیانت است آنهم وظیفه علماء ملت است که دعوت مبلغین و داعیان مسیحی را بی نتیجه گذاشته با نشر حقایق اسلامی بوسیله نشر رسائل ومقاله های مفیده افکار افراد اسلامیه را تنویر و با کلمات قیمت دار هدیان نوع ازمنحرف بودن عوام الناس جلوگیری نمایند طوری که داعیان مسیحی اناجیل کاذبه را در دست شهر به شهر در مجامع عمومی و مریضخانه ها و سایر مواقع مناسبه گوش زد خاص و عام می نمایند و بدین واسطه قلوب ضعفاء را متزلزل میدارند و علماء اسلام بموجب (اذا ظهرت البدع فالعالم ان یظهر علمه) لازم است که چشم عبرت گشوده و باطراف عالم نگریسته راحت نه نشسته افکار باطلهٔ علماء نصارائی را رد و منع نمایند و در خانه نشسته و در بر روی خود بسته با زهد خشك و خالی و رهبانیت امرار وقت گران بهاء ننمایند

اگر با دقت ملاحظه شود معلوم خواهد شد که قسم اعظم پولهای مخصوصه اوقاف و وصایای ملت مسیحی در راه دعوت بر مسلك صرف شده و از آن منبع کتاب های دینی و مذهبی طبع و نشر می‌نمایند یك نفر قسیس اعظم لندن درهرسالی هفتاد ملیون تقریبی کتب ورسایل دعوتی از واردات کنیسهٔ بزرگ در زبان های مختلفه بطبع رسانیده بتوسط مبلغان چرب زبان با لهجه مزورانه

به شهر ها و قصبات عالم شرق توزیع می کنند (رجوع کنید به کتاب تحفه نصوحیه ترجمهٔ شیخ الاسلام مملکت قفقاز) و بر علماء اسلامی یك وظیفه مقدسه است که در قبال تشبثات مضرانه ایشان دعوت بر حکمت اسلامیه نمایند امیدواریم در این موضوع مهم که فواید دینی و دنیوی را حائز است اولیاء امور بذل مساعی جمیله فرموده و از اموال موقوفه و سایر اقسام واردات اسلامی حوزهٔ عمومیه دعوتی تشکیل داده و داعیان مبرز و دانا بمقتضای عصر باطراف و اکناف عالم گسیل دارند طوریکه شیوهٔ مرضیه قدماء از مسلمین همین بود و این گونه جمعیات را اخوان الصفاء و اعضاء آن جمعیت رساله ها ترتیب و برسائل الصفاء موسوم میداشتند . (۴) و راقم یك نفر از جزء ضعیف روحانی بوده بنام دعوت بر حقایق اسلامی که سعادت بخش عموم ملل عالم است یك دوره تمدن الاسلام که عبارت از ده جلد اثر عاجزی تالیف و ازروی مدارك مثبته از منابع موثوقه که حاوی مطالب مفیده است تدوین و برای انتباه افکار عمومی آن چه وظیفه مقدسه ارائه طریق است ایفاء کرده و بدین وسیله خدمتی بعالم دیانت محسوب گردد و امید اینکه قاریین گرامی با حس غرور ملی و شرافت ملحوظ دارند و سائق تالیف و باعث تحریر این مجلدات ده گانه با وجود کثرة مشاغل و نبودن وسایل طبع و نشر و بسیاری مشکلات فکری همانا وقوعات سنوات ماضیه و حوادث ایام گذشته است طوری که صاحب حس و انصاف اگر ملاحظه نموده و عطف نظر بتاریخ چند صد سال قبل بر این بنماید برایش منکشف می شود که ما مسلمانان مالك عنعنات اسلامیه بوده و

حایز افتخارات ملیه بوده‌ایم و امثال الشیخ الرئیس و محمد ابن ذکریا العوام و حاجی الیاس یعیش در حکمت و شیخ صدوق و شیخ مفید و علم الهدی و علامة در قوانین شریعت فضلاء نامدار بجامعه بشریه هدیه نموده ایم و امثال شیخ سعدی و ملا جلال الدین دوانی و ملاء رومی عرفا و حکماء صحایف تاریخ روزگار را زینت بخش بوده و مقتدای صاحبان افکار سلیمه شده اند طوریکه ملت روس با وجود (تولستوی) شاعر معروف افتخاری‌ها دارند که مشار الیه درطی مراحل سه‌کانه حماست وحکمت و اخلاقیات به‌شیخ مصلح‌الدین سعدی شباهتی دارد و کتاب گلستان سعدی در میان تمامی ملل عالم معروفیت داشته و بزبان های مختلفه ترجمه گردیده طوری که هر کسی که بمنزل دوست خویش وارد می‌شود اول کتاب سعدی را از روی میز ملاحظه کرده و از کلمات سعدی سر سخن برای خوش گذرانی مجلس انتخاب خواهند کرد پس توده که این چنین اشخاص با فضیات بجامعه ملیه گنجینه معارف هدیه و ودیعه گذاشته است از کلمات با قیمت و جملات با منفعت ایشان صرف نظر نموده عمر عزیز و اوقات گران بهای خود را صرف لهویات کند و شبهای طولانی را در پی کار های بی معناء به آخر رسانیده هم ریشه باساس زندگانی خود زده و هم پول ملت و اندوختهٔ چند سالهٔ نیاکان و اجداد خویش را خرج سفاهت و عیاشی متعارفی امروزی نماید چه اندازه ضیاع عظیم است و اگر اهل مطالعه بوده اوقات بیکاریرا با مطالعات کتب دینی و اخلاقی و عرفانی امرار کند بلا شبهه هم وجودش سلامت از امراض تناسلی و تمدنی امروزی

بوده و هم پولش در کیسه اش مانده و هم روحاً با مطالب عالی و مواد عالیه التذاذی داشته و محظوظ خواهد شد و در عداد محصلین و طالبان معرفت محسوب می شود که عقلا مرغوب و مذهبا مثاب و ماجور است . (ه) و قبل از شروع بمقصد نکتهٔ مهمه را تقدیم مطالعه کنندگان این تالیف عاجزی می نماید تااینکه با بصیرت کامله و خبرویت تامه در مواد تاریخی قسمت اولش تدقیق و ازقسمت ثانویه که شرح حال حاضر اسلام است استفاده نماید و بنظر بی قیدی و بی اهمیتی امرار نظر ساده نکنند نکتهٔ که از ذکر آن ناگزیریم همین است که عالم اسلام چند صد سال بود مبتلا بمرض تفسخ شده و در زیر تضییق و و فشار مادی و معنوی اجانب با مشکلات فوق العاده و قانون شکنانه متحمل آن فشاری بود و از اثر اصول منحوسه (کاپیتولاسیون) که امتیازات دول مقتدره مسیحیه بر علیه دول ضعیفه اسلام است شیرازه جامعه ملیه ازهم پاشیده وتمامی امور مادی و معنوی مسلمین مختل و پریشانی تمام داشت وللّه‌الحمد ازبرکت حقیقت دیانت اسلامی و از توجهات ولی عصر برای محافظه شئونات دینی و حفظ حقوق ملی یك شخصیت تاریخی قدم گذار میدان سیاست شده و لواء جامعه اسلام و بیرق شیر و خورشید ایران را حامل و شمشیر شرافت را حمایل با علاقه دیانت دست بر سینه نامحرم زده قد خمیده اسلامیان را راست و مصداق بعث بعد الموت را نسبت بعالم اسلامیت بمنصه شهود گذاشت و اصول منحوسه کاپیتولاسیون را الغاء و امنیت کامله بر پا و ملوك الطوایفی را محو و بدین وسیله دست اجانب از مداخله بامور داخلی و خارجی اسلامیان قطع شد

که در حقیقت اقدامات مجدانه شهریار مهین تاجدار اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه نمونه امتثال و اماره سعی و عمل است برای ارباب فکر و یك برهان قاطعی است به اعجاز (لیس للانسان الا ما سعی) یعنی بعالمیان مدلل فرمودند که در قبال سعی و جدیت کامل بشری محال وجودی ندارد و در سایه عملیات و صحت آن هر چیز نایل شدن از ممکنات بلکه از وقوعات و واقعات است طوریکه ایران مرده زنده و پس از گرفتاری مذلت و فلاکت تاریخیه ایرانیان در پیشگاه انظار سیاسیون عالم اثبات وجود نمودند فقط بااین وصف دشمنان خارجی دست از مقصد خبیث خودشان بر نداشته درظاهر دخالتی ندارند اما در باطن با تشکیلات خفیه و با کید و دسیسه جاسوسان چرب زبان با انواع شغلهای رذیله داخل وطن عزیز ما شده افکار مضرانه را بافراد جوانان ملت اسلامی تزریق و تلقین می کنند و در راه پیشرفت مقصد شان دختران خوشکل و زیبائی هم آلت مرام و ملعبهٔ جوانان عالم اسلام می نمایند باشد که بدین وسیله یکنوع اختلال در امور دیانتی در میان مسلمانان پیدا و از مذهب و احکام دست بر دار شده و انقلاب سیاسی ظهور کند و ضمنا ترویج اسباب عیاشی نموده و تکثیر مقدمات آن را می نمایند از قبیل ترغیب کشف حجاب و تحریك به استعمال شرب ماده خبیثه ام الفساد شراب و داخل کردن مواد مضره را از حدود بداخلهٔ مملکت (مثل قاقائن) که یکنوع سم قاتلی است که جوانان مملکت عزیز ما معتاد شده اند و از عمده ترین دسیسه های اجانب تحریر بعضی کتاب های رومانی و تالیف رساله های عاشقانه نموده و ترجمهٔ

آن را با وسایل ممکنه تهیه می کنند و خود جوانان مسیحی که در مملکت اسلام اقامت دارند جد یا با کتب علمیه و مجلات فنیه و رسایل دینیه و ادبیه امرار اوقات گران بهاء کرده و باوج مراتب عالیه و کمالات علمیه واخلاقیه ارتقاء می نمایند فقط بعضی از مسلمانان کتاب های رومانی و عاشقانی سفالت پاریس را که در واقع یك هذیان نامه ایست قرائت کرده افکار خودشان را زهر ناك می نمایند و عوض کتاب های عائله وی و اخلاقی مفیده و نافعه اشتغال به آن گونه هذیان نامه ها ورزیده جامعه ملیه خود شان را زهر ناك می کنند حالیکه بما و حال ما آن کتاب ها لازم و ضروراست که محتوی مواد اخلاقیه عالیه اسلامیه بوده و از فنون عصریه و علوم ملل حیهٔ کنونیه شده بحال ملت و مملکت بر خورد طوری که در باره ازمنهٔ قدیمه از خود احکام مقدسه اسلامیه و فضایل قضائیه روحانیهٔ علماء اسلام ترجمه بزبانهای مختلفه عالم شده و فعلا طرف احتیاجات ما می باشد اگر به ستون های روزنامه ملی اسلامی عطف نظر نمائیم خواهیم دید که غیر از اعلان فروش امتعه مضره خارجه و مندرجات کتب رومانی چیز دیگری نخواهیم دید و اعلان تیاتر و سینما های عاشقانه ستون های جراید ملی را پر کرده و از حقایق برجسته اسلامیه وکلمات قدسیت سمات کملین و روحانیین اسلامیه ابداً تذکر نداده و نام فضلاء و فلاسفه قدیمه اسلامی‌را نسیاً منسیاً گذاشته اند و روزنامه پیدا نتوان نمود که پاورقی آن(بافزاویه — مونتهٔن) و (میثل زاده قولری) و(معاشقه ناپالیون) و(قونت مونت) و سه تفنگدار و جاسوس آلمان و یهودی سرگردان و خانم آسنیه ر)

مزین نشده و با عروسی ولیعهد اطریش و طلاق زن فلان پاشا و سیاحت رئیس جمهور فلانی و نطق هـای (ماقسیم کورکی) روسی در شهر (راستوو) و سایر مطالب غیر لازمه ورق های روزنامه های مسلمانان را پر کرده اینك راقم بنام خدمت بدیانت و محبت بجامعهٔ ملیت تألیفات چندی را هدیه ابناء ملت و علاقه مندان مملکت و دیانت نموده امیـد که با سیر بمطالب تاریخی و نکات فلسفی و مواد اخلاقی فرزندان این خاك پاك اصلاح اخلاق نموده و با حس ملی و انتقام از ادوار فلاکتی قدیمی روحشان پروریده باشد و این حصه اولی یك باب از حصه پنج گانه کتاب ﴿تمدن الاسلام﴾ تخصیص و بنام تجلیات اسلام موسوم و بایك مقدمه و پنج فصل و خاتمه ختام پذیر است و هر فصلی با پنج شماره تعداد و بدو قسمت منقسم شده قسمت اول ترقی و تنزل دیانت مقدسه اسلامی در پاره ازمنه سابقه از روی علل و اسباب عارضه و تجلی آن با تاییدات غیبیه پس از انحطاط ظاهریه. و قسمت دومی در بیان انکشافت واقعیه آن دین ضعیف با تصدیق فلاسفهٔ عصر اخیر از ملل حیهٔ عالم وامید ترقی فوق‌العاده در آینده و کشف بعضی حیله های طایفه‌ارامنه بنام (پان آریانیزم) با مدارك مثبته از منابع موثوقه است ونسئل الله ان یجعل ذالك وسیلة الی مرضاته و ان یوفقنا الی خیراته و زاداً لیوم معاده و نرجو امن فضله العمیم و لطفه العظیم ان یجعله خالصا لوجهه الکریم بحق النبی الصاحب الخلق العظیم و عترته الطاهرین من آل طه و یس اله الحق آمین .

فصل اول

شماره ۱

بر اهل بصیرت و ارباب تاریخ واضح است که دین مقدس اسلام از بدو ظهورش دورهای متعددهٔ تاریخی گذرانیده و از روی علل و اسباب ظاهریه و باطنیه گاهی ترقی و اعتلاء نموده وگاهی در نظر ساده دلان تنزل نموده و در نظر نزدیك بینان انحطاط و انقراض امت و محویت ملت اسلامی مرتسم گردیده و پس از اندك زمانی با وسیله یك شخصیت تاریخی که غیر مترقب بوده بادست غیبی و مدد لازمی بر سینه نا محرم زده معنویت اسلام عالم شمول وباحقیقت و صفوت ذاتیه اش جهان گیر شده طوریکه در اول بعثت ختمی مرتبت به طرز تانی و تدریج فدای فکر توحیدی را بگوش اهالی محیط رسانیده و بتوسط مهاجرین در ممالك اجنبیه چون حبشه صیت اسلام انتشار یافته تا اینکه در ظرف بیست سال تقریبی کلیه جزیرهٔ عربستان با نور اسلام منور و بدایرهٔ اهتداء این دین حقیقی داخل یا اینکه در ظاهر حال بعظمت اسلام سرفرو شدند و سلاطین عالم با طرز محیر العقول و طور آمرانه اعلان نامه ها ارسال و با یکسرعت برقیه فوق التصور اذان محمدی در اطراف و اکناف عالم طنین انداز و کلبانك احمدی در قلل جبال و بطون اودیه بتوسط مجاهدین اسلام گوش شنوندکان را محظوظ نمود این گونه غالبیت واستیلاء از یکنفر شخص بلا معین و بدون نصرت غیبی در آن چنان محیط عاصی و جماعت وحشی

متصور نبود و این معناء بخودی خود یك معجزهٔ باهره ایست و هرچندی که از بعضی محررین مسیحی این گونه سرعت مرقیه را عطف باقتضاء محیط کرده و حمل می نماید براینکه چون جماعت فکراً دربی قبول یك آئین بوده و از بت پرستی رو گردان شده حاضر بقبولی یك آئین هر چه بوده و از هر که باشد بودند ولی زحمت فوق العاده در مدت ده سال اقامت مکه و عناد اهالی در عدم قبول مرام مقدس و اخراج طرفدارانش بسوی شعب ابی‌طالب و قطع مناسبات چند ساله و هجرت از وطن و فرار مسلمین و پناهندگی سلطان حبشه و غیر ذلك دلیل ظاهراست براینکه اثل دکتر دوزی از روی غرض حمل بر اقتضاء کرده اند باکه دین اسلام با حقیقت ذاتیه بمحیط جلوه نمون گردیده نه اینکه ایشان بخودی خود حاضر بقبول دین بودند هر چه بوده و از هر که باشد.

اجمالا قریب زمان ارتحال نبی ذیشان اسلام در حالیکه جزیره عربستان کاية با نور اسلام منور و از صیت شهامت قائدین و مجاهدین فاتح و غیور اسلامی قلوب اعداء مضطرب بود بناگاه با ظهور بعضی انبیاء کاذبه چون سلیمهٔ کذاب و سجاح در اطراف یمامه و سائر نواحی جزیره خیال خام در مخیلهٔ دماغ مرتدین و منافقین و بعضی از سلاطین پروریده یك نوع اختلال داخلی و جنك خانگی بر پا و در این زمینه مناسبه برای مقصد خبیث دشمن دین تخم بار وری بود و انحطاط اسلام و افول آفتاب عالمتاب نور حقیقت را ظن کرده تخم نفاق و اختلاف را پاشیدند در خلال این حال مجاهدین اسلام

با دست یمین اعتماد بقرآن و با دست دیگر جنگ به شمشیر بران زده تمامی منافقین را مطیع اوامر خودشان کردند و کاذبین را محو و با اصول توحید اسلام و دین وحدانی را در کاه صفحات جزیرهٔ عربستان وحبشستان نشر و انتشار دادند و ایضاً پس از ارتحال و احتجاب آن حضرت اختلال داخلی شروع و ظن و گمان های بد در فکر اغلب متنفذین آن زمان دو باره تنزل و انحطاط آن دین حنیف حصول یافت و در واقع یك دوره مهمی تاریخی بود که در عالم اسلام بوقوع پیوست که منافقین و مرتدین اطمینان کاملی داشتند که این کونه اختلاف قابل دلج و اصلاح نیست زیرا که حقوق حقه بنی هاشم و مؤسسین دین از دست رفته و کسان دیگر شاغل مقام مهم سلطنت اسلامی بوده و حضرت معلم نوع بشر علیه سلام الله الملك الاکبر تابع افکار مادون خودشان نموده بدین لحاظ نائره انقلاب اشتعال یافته دین الهی از میان خواهد رفت و باز هم آتش فتنه با فکر مقدس حضرت مولی الوری اطفاء و این غائله کبری را با کلمات مشفقانه و نصایح حکیمانه اسکات و در موقع انگیزش فتنه از طرف مفسدان مثل ابی سفیان با کلمات قیمت دار مرام خبیث شان را عقیم گذشته و فرمودند (ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة و عرجوا عن طریق المنافرة وضعوا تیجان المفاخرة ماء آجن و لقمة الخ نهج البلاغه) یعنی ایمردم موج های فتنه ها را با کشتی های نجاتی پاره کرده از راه نفرت و اختلاف بیکسوی شده و تاج مفاخره را کنار گذارید و چون ایام جاهلیه با یکدیگر مباهات نکنید این مسئله خلافت بمنزلهٔ آبی است تلخ و طعامی است

که درکاوی فرو برنده مانده باشد و چندان قیمت و اهمیت را حایز نیست)
و بر خلاف مشهور بین الناس کلمه انقلابی را تکلم نکرده و مظالم معنوی را
متحمل و زحمات مادی را متقبل شده و ضایع شدن حقوق معنویه اش سهل و
ضیاع اسلامی را بزرگتر شمرده و عصیان عمومی و هیجان مردم را به نصایح
مشفقانه و اندرزهای حکیمانه اسکات و انقلاب داخلی را اصلاح و به شورای
های داخلی شده و درامدت زمانی از اثر فکر صائب آنحضرت کل نشر افکار توحیدی
در میان افراد محیط حصول پذیر شده و در سایهٔ اتحاد معنوی و از برکات
کلمه مقدسه اسلام نور ایمان در قلوب ظلمانی اشعه پاش و اوهام بت پرستی
و خرافات قدیمه شرک در کره ارض تقلیل و تمدن ایران و روم قدیمی بر
مدنیت اسلامی تبدیل یافته و هیکل عظمای الهیه آن زمانی در قبال مجاهدین
غیور اسلام فرود و سلاطین معظمه آن زمان در پیشگاه عظمت اسلام مجبور
به تعظیم و به تمامی فرق مختلفه و ملل سایره فهمانیدند که اسلام باقی و لا
یزول است . و ایضاً پس از بعضی زمانی که اسلام بلاد متعدده را بدائره
اهتداء خود آورده و توسیع دائره غلبه و تسخیر کرده بود با فرمان خلقت
این نکته مجبوری است که هر چیز ترقی کرده و انبساط تمامی داشته و
وسعت پیدا نماید که یک نوع انقباض و انبساط است تکرار تنزل نموده و
انحطاط می نماید از این لحاظ فاتحین کره یعنی مجاهدین اسلام معیشت ملل
متمدنهٔ آن زمانی را عادت و استراحت و آسودگی را یاد گرفته و یک اندازه
مسامحه کار شدند و ضمنا منافقین که همواره منتظر فرصت بوده با حس انتقام

از پاره ازمنهٔ سابقه و ادوار سالفه آرزوی قلبی پرورانیده و خیال خام در محویت اسلام در مخیلهٔ دماغشان مرکوز بود و بازگشت ایام جاهلیه را مایل بودند مبنی بر این گونه اسباب داخلی و خارجی اشخاص پست فطرت و دون طبیعت امثال معویة و بسر بن ارطاة و عمرو بن العاص مقدماتی ترتیب داده و منتظر نتیجهٔ آن بودند اینك در حدود سنه شصت از هجرت پس از ختام جنك خونین وقعهٔ صفین و مظلومیت امیر المؤمنین و مصالحهٔ حضرت حسن ابن علی علیهما السلام آن چنان نوعی موفق به آرزوی دیرینهٔ خودشان شده تا اینکه در عصر شقاوت یزید ابن معاویه احکام در معناء تعطیل و حدود دیانت مختل باندازهٔ در منابر مسلمین باطور علنی به کملین دین ناسزا گوئی و سب را متجاسر بوده مدتی این عادت مشئومه در میان مسلمانان معمول گردید حتی در زمان عمر بن عبدالعزیز صالح بن امیة عادت منحوسهٔ ناسزا گوئی را باطور متحد المال با توسط حکومت های تابعه بکلیه ایالات و ولایات ابلاغ و قدغن اکید و منع شدید نمودند و حاکم اصفهان این خبر را باهالی اعلام و از این واقعه اهالی خوشنود نکردیده هفت هزار تومان پول نقدی اینزمان جمع و بطور تعارف بحاکم تقدیم و اجازه سب و ناسزا گوئی را در ظرف یك هفته تقاضا کویا بدین وسیله خدمتی بعالم دیانت نموده باشند رجوع کنید بکتاب ینابیع الموده شیخ سلیمان نقشبندی المشرب حنفی المذهب بخارائی اجمالا برای ارجاع دیانت بعافیت اولیه خود و اصلاح اخلاق عمومی و ارتقاء عالم دیانت را بمقام ذاتی و خلاصی دادن

سیصد و هشتاد هزار نفر نفوس مظلومه را با تهمت محبت خانواده عصمت
از محبس آل سفیان در شهرهای مختلفه و الحاصل برای محو نمودن هیکل
ظلم و خرافات بنی امیه و ترویج قوانین مقدسهٔ اسلامیه در آن چنان قرن
ظلمت و عصر وحشت یك شخصیت تاریخی و مرد بزرگ روحانی لازم بوده
و شدیداً طرف احتیاج عالم دیانت بود که لطفاً از ناحیه مقدسه الوهیت از
پرده غیبیه ظهور و حدود اسلامیه را اجراء و وظائف مقدسه راهنمائی را
ایفا نماید لذا در این دوره مهم تاریخی (ثانی محمد ابن عبد الله) با جمال
عدیم المثال از افق کوههای مکه طلوع و با عزم قوی و جد روحانی و
سیمای ربانی نمایان و با صداء رساء بگوش اهالی دنیا در روز عاشورا رسانید
که برای ارتقاء و اعتلاء لواء جامعه اسلام و احیاء احکام سید الانام جانبازی و
فدا کاری وظیفه مقدسه عموم علاقه مندان شریعت و طرفداران دیانت است و در
قبال این چنین مرام عالی و فکر مقدس مال و جان و موجودات اهمیتی نداشته
و قیمتی ندارد جمله (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) را با معنای عالی و
قیمت دارش به پیروان و تابعان خویش در صحایف روزگار در صفحات تاریخی
با قلم حقیقت و خون معنویت ترقیم و زینت وقایع خونین روزگار فرمودند که هر
روز عاشورا و هر جا زمین کربلاء است هر کس بنوعی خدمت بدیانت نموده و
برای تقابل ظلم ظالمین بذل نفس کند چنان است که حاضر وقعه طف و روز
عاشورا شده فدا کاری در راه دیانت و ترویج شریعت نموده و با لفظ خشك و
خالی (یا لیتنا کنا معك) را ورد زبان نموده و درموقع خدمت سکوت نکنند

و برای ایفاء وظیفهٔ مقدسه راهنمائی و جان‌بازی در اعتلاء دین و فدا کاری در ترویج شریعت سید المرسلین غیر از آن بزرگوار و یاران وفاداران که نجباء عالم هستند کسی دیگری مرد این میدان نبودی از این است که پس از وقوع فاجعهٔ اسفناك وقعهٔ هولناك کربلاء اندکی نگذشته بود دیانت مقدسه از اسارت اشرار خلاصی یافته و رونقی برای علاقه‌مندان شریعت حصول پذیرفته و ظلام و اشقیاء از میان رفته اسراء بنی امیه سادات ایشان شده و اسارت حضرت سجاد و ورودش بشام یك انتباه افکار عمومی را در آن صفحات سبب شده اساس سلطنت بنی سفیان را به تزلزل افکند و تاریخاً بسیار اتفاق افتاده که قومیکه اسیر جماعتی بوده‌اند و با اسارت خودشان اسیر کنندگان را محو و پریشان کرده‌اند.

(۲) و پس از وقعهٔ هایله کربلاء مدتی عالم اسلام در ظاهر حال با شکل ترقی و اعتلاء جلوه کرده و باساس دین صدمه مهمه وارد نیامده و گاهی باد مخالفی سر درخت شاخ‌های اصول را به حرکت آورده و با فدای نفوس ذکیه از کملین استقامت حاصل و دوره بنی عباسیان دین مقدس بحسب ظاهر از حیث ترقی مادی و تمدن عصری یك دوره درخشان اسلامی بود هر چندی که در باطن از حیث اخلاق دیانتی رو به تنزل و انحطاط گذاشته بود و مدنیت آن عصر جهان گیر و عالم شمول گردیده مترجمین ماهر از یونانیان و رومیان جلب مثل (هونین) مترجم با معاش وافر مشغول به ترجمه های کتب علمی بوده و از یکطرف با اختراعات محیر العقول چون

ساعت ضاربه و ساعت آبی و تسطیح راه (شوسه) و تعلیم کبوتران برای وظیفه پستی خدمت بعالم مدنیت می کردند. و در تحت نظارت حضرت ثامن الائمه علیه الف سلام و تحیة تشکیل مجالس کرده و مشغول به تذکرات دیانتی می شدند و خصوصاً هیئت سیاره برای کشف کرویت زمین بصحرای کبیر آفریقا اعزام و با اصول مساحة بوسیلهٔ نصب درخت ها کرده وریسمانی با شکل سیمهای تلگراف به آن وصل و در مسافت شصت فرسخ از زمین مقیاس گرفته بر آمدگی زمین را فهمیده و کرویت و حرکت آن بدینوسیله کشف می شد و در صحرای کوفه عین ترتیبات را در حضور هیئت علمیه با امتحانات عملیه بمنصه شهود گذاشته بدین لحاظ خدمتی بعالم مدنیت ومعارف نمودند طوری که در جزء هدایاء یك ساعت به شارلمان پادشاه فرانسه ارسال کرده فرنگیان آن زمان مشاهده و سؤال از اختراع کننده آن نمودند شارلمان جواب داد که از مخترعات (امپراطور) شرق هرون الرشید است فرنگی ها تعجب کردند و حضرت رضا علیه السلام را مأمون به طوس برای ریاست شورای علمیه دیانتی جلب نمود و مذاکره آن بزرگوار در مجالس سلطنتی با علماء ملل مختلفه در کتب تواریخ مسطور است و آلتی اختراع کردند در مورد بارش باران یك ظرفی گذاشته در چند دقیقه آب باران به آن جا جمع شده و بعد ملاحظه و مقیاس نموده آب باری یك منطقه را میزان می گرفتند که فعلا در فرنگستان معمول بوده و از آن زمان اقتباس از مسلمانان کرده اند اجمالا مدنیت و ترقیات آن زمانی دلیل واضحی است

بر ابتلاء دین مقدس اسلام مانع نبوده بلکه عین ترقی و محض اصلاحات نوع بشری است و بر خلاف فکر بعضی از محررین اوروپا دین حنیف اسلام آزادی فکر و توسیع دایره علم و فن را بعموم عالم اعطاء و سبب تعمیر بلاد و رفاه حال عباد است و خدمات خلفاء عباسی در نظر تاریخ شناسان بدیهی است هر چندی که به مقتضای سیاست خبیثه مظالم فوق العاده به اولاد نبی (ص ع) از ایشان تاریخ معنویت اسلام را لکه دار نموده آن مبحث دیگری است که در محل خود موجب بد نامی شخصی است برای شان مربوط بخود دیانت و حقیقت اسلامیت نیست (هر کسی بر طینت خود می تند) ایضا این دین الهی و پیروانش در زمان قرامطه در ظاهر تنزل کرده و دچار مشکلات فوق العاده گردید طوری که یکنفر (عبد الله ابن میمون) نام بسمت مجدد ثانی این مسلك بوده ظهور نموده و یك نفر از اجداد وی منسوب بمذهب (باردسان) و قائل بوجود دو گونه قوه ظلمت و نور بوده و در امراض چشمی طبیب و بلکه متخصص بود و خود عبد الله با این حال داخل مسلك شیعی شده و مروج مذهب اسماعیلیان گردید چون پس از ارتحال حضرت صادق علیه السلام شیعیان منقسم به دو فرقه شده یکی معتقد اسماعیل و دیگری بامامت حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام معترف شدند و عبد الله چون اصلا ایرانی و معتقد بدیانت زردشتی بود در ظاهر مردم را بامامت اسماعیل دعوت نموده و ضمنا تلقین می کرد که گویا امام گاهی غایب و گاهی ظاهر می شود و من شما را بامام غایب دعوت می کنم که عنقریب ظاهر خواهد شد

و از طرف عبد الله داعیان چرب زبان باطراف گسیل واعزام گردیده خلق را بدین مسلك دعوت می کردند و پیمانها می گرفتند و کیفیت داخل شدن به مسلك عبد الله موافق اصول مخصوصه بود (۱) یکمقدار وجه نقدی حق دخولیه می گرفتند (۲) و کلمات علماء قدیمه بنظر عوام خرافات انگاشته و موهومات ارائه و غیر از اسماعیل کسی اسرار خلقت و احکام دیانت را واقف نیست (۳) و امام دوازده نبوده منحصر به هفت نفر است زیرا که عدد هفت گانه مقدس بوده و سیارات هفت گانه و آسمان و زمین هم بهمین طرز است و امام باید که باین عدد موافق باشد (٤) و هر هفت نفر را هفت نفر معاونی دارند که آن ها را شخص صامت می گویند و آخرین شخص صامت اسماعیل است (٥) احادیث بی قیمت و بی اهمیت است و احکام اسلام دراندك زمان لغو خواهد گردید و در صورت ایرانی بودن تلمیذ مظلومیت ایرانیان را با زبان تظلم بیان کرده قلوب شان را از اعراب پر غیظ می نمودند واگر شاگرد از نژاد عرب باشد با شکل دیگر از حکومت اسلامیه متنفر می کردند که گویا حاکمیت در ایرانیان بوده و نام خشك و خالی در عرب ها است بدین وسیله هر دو صفت را از اسلامیت دست بردار می کردند (٦) در آخر شاگرد را به ترك کردن نماز و روزه دعوت کرده اجمالا عبد الله درسلامیه (نام جائی است) ناحیه شامات فوت و پسرش احمد بجای وی بنام استاداعظم خلف و نایب گشته و ترویج مرام نمود و از شعبه اسماعلیه است مسلك قرامطه که در تاریخ سیصد هجری اسلامی بنام موجد یکنفر از داعی هـای احمد

ابن عبدالله المیمون (حسین) الاهوازی به سوی ناحیهٔ عراق عازم شده و بر یکنفری ملقب بلقب قرمط مهمان بوده براهنمائی میزبان خویش بطور ماهرانه نشر مسلك نموده و تدریجاً مرام خبیث (قومونیزم) اشتراکیون و اباحیون که فعلا در مملکت روسیه رواجی دارد با فکار تابعین خود تلقین و چنین بیاناتی اظهار می کرد که اموال تمامی مناطق کره زمین بالاخره مال امام است مادامی که راجع بامام است اموال جزئی که در تصرف اشخاص و افراد است چندان حایز اهمیت نبوده و مال من و یا مال تو غلط است و برای حوایج هر کس صرف شده و بهر کس مباح است که صرف و خرج کنند با ترویج این مرام طوری مسلط گشتند که آشکارا فرایض اسلامیه را ترك و حدود دیانت را تضئیع نمودند و اغلب مردم یا از ترس اتلاف نفوس مظلومه و از خوف قتل و یغماء داخل این مسلك قرامطه شدند و یا اینکه در ظاهر اظهار طرفداری از این مسلك مضر نمودند و چیزی برای تشئید مبانی تشکیلات اشتراکی لازم بود وجود یك قلعه بس متین و محکمی بود و در اندك زمانی (سواد) ر برای همین کار انتخاب و سنکهای جسیمه از اطراف جلب و یك حصار محکم و متین احداث و دار الهجره نام نهادند و همه مردم از ایشان هراسناك شدند و ایشان از کسی مخوف نبودند و اغلب مردم بایشان ملحق و باطراف و اکناف داعیان چرب زبان اعزام و بمنطقه بحرین یکنفر حسن ابن بهرام جنابی (چون در شهر جناب ساحل بحر فارس تولد یافته لذا بلقب جناب ملقب است) ارسال کردند و در همان تاریخ با ابو سعید المعتضد خلیفه جنك سختی شروع و با

غلبیت ابو سعید ختام در تاریخ سیصد و سیزده هجری ابو طاهر نام با قواء کامل باطراف مکه مکرمه هجوم و در موسم حج غلبه یافته و داخل شهر مقدس گشته حجاج را قتل و اتلاف و زنان را اسیر و در اثناء کشتار بی رحمانه خود ابو طاهر بایهٔ مبارکه (و من دخله کان آمناً) استهزاء کرده بمظلومین می گفت آن امن کجا شد که شما را اندرون حرم قتل میکنم با نعرهٔ هولناك مردم را هراسناس کرده شش روز مشغول قتل و غارت شدند و اساری در میان قرامطه تقسیم گردید و نظر بقول بعضی از مورخین هفتاد هزار نفوس مظلومه در آن گیرودار تلف گردید و این قول اغراق و ضمنا هم طرف اعتماد نیست (دکتر دوزی هولاندی رئیس آکادمی تاریخی پاریس است) در کتاب مدنیه اسلامیه خود نوشته و از اشخاص با عرض است که اعتماد بقول او نتوان کرد ولی همین قدر معلوم است که این وقعهٔ اسفناك از جملهٔ فلاکتهای تاریخی بوده و از بزرگترین مصائب اسلامیه معدود است وبالاخره حجر الاسود را از موقع مقدس کنده و بمرکز قرامطه که دار الهجره میگفتند برده علاقه مندان دیانت را محزون و مسلمین را دلخون کردند پس از وقوع این قضیه هایله ورزیه عظمی خیال کردند که مسئله حج و زیارت مکه بکلی از میان رفته و این مقصد عالی اسلامی متروك شد با این وصف اصل ایمان و حقیقت اسلام متزازل نگشته و معنویت آن دین الهی با لباس دیگر و شکلی علیحده جلوه نمون گردید و مسلمانان بزیارت شهر مقدس مکه با قرار سابق حاضر و عوض حجر الاسود مکان و موقع مخصوص را

لمس و استلام می نمودند و در حدود سنه ۳۳۰ برای حجاج مبالغ معین حق دخولیه شهر قرار و تحمیل شده و عینا تادیه و ایضا اعمال حج اجراء و عمل شده و مظالم قرامطه تا حدود سنه ۳۹۶ سیصد و نود و شش هجری بر مسلمانان وارد و در آن تاریخ در آفریقا در شهر مصر یکنفر از سلاطین فاطمیین بنام (الحاکم بالله محمد) به تخت سلطنت جالس و به سیمای غریب و قیافهٔ عجیب قدم گذار عالم سیاست شده و متصدی امور خلافت اسلامیه گردید .

شماره ۳

و خدمت بعالم تشیع و دیانت اسلام نمود و دوره زندگانی و تاریخ حیوانش منقسم می گردد بر دو قسم آن چه دوره اولیه است که قریب چهار صد و هفده هجری میباشد شیعی خالص و مفرط و مروج مذهب حق بوده که پس از انحطاط و تنزل فوق التصور این شخص تاریخی باحکام از سر نو رواجی کامل و فروغی تمام داده و بعالمیان اثبات کرد که معنویت اسلام را حافظی غیبی بوده در هر قرن و زمان حفظ فرموده و الی الابد از تجاوزات اشرار حفظ خواهد کرد و بوسیله هر که بوده و بمعاونت هر کسی باشد و ظنون مختلفه ملل متعدده را ابطال کرده و فهمانید که تقدیرات آسمانی با تدبیرات انسانی موافق نیامده این است که الحاکم نماینده و روحانیان مذاهب مختلفه را احضار و در جلسه عمومی بر ایشان اعلان نمود که چهار صد سال تقریبی است جد من حضرت محمد ابن عبد الله (ص ع) باجداد شما با عنوان دعوت بر دیانت اسلامیه ابلاغ فرمود ایمان آورند ولی ایشان در جواب صوابش

گفتند که حالا همان رسول موعود نیامده و مبعوث نگردیده اینك به شما
می گویم که آن پیغمبر موعود در توراة و انجیل همان بزرگواری بوده و
اجداد و اسلاف شما ایمان نیاوردند یا من همان شخصم که نامم محمد است
و از اخلاف آن بزرگوارم بواسطه من بدیانت مقدسه اسلامی ایمان آورید
و اگر نه شما را قتل و کنیسه و سیناغوغ شما را تخریب خواهم کرد
پس از این ابلاغیه اکثر اهالی مصر و توابع آن از ملل مختلفه یا دین اسلام
را قبول کردند و یا معرض قتل و نفی واقع شدند و دین مقدس اسلام با
صافیت ذاتیه و معنویت واقعیه خود جلوه نمون گردید هر چندیکه بعضی از
مورخین ملل مسیحیه مجنون این شخص تاریخی حکم نموده طوریکه (دکتر
دوزی) هولاندی از اعضای آکادمی مادرید و پروفسور دار الفنون (لایدن)
در جلد ثانی تاریخ مدنیه اسلامیه (صفحه ۳۷۰) می نویسد که الحاکم
بالله محمد سلطان مصر در اوایل دوره ثانی زندگانی خود دیوانه شد ولی
بنظر عاجزانه راقم آن چه از الحاکم سر زدهٔ ظهور گردیده در قبال
مظالم مسیحین نسبت بر مسلمین یکنوع حکم عادلانه و عاقلانه است و عملیات
این شخص تاریخی عبارت است از خراب کردن کنائیس و سیناغوغها اوراق
انجیل و توراة را بکار بردن عطاران در موقع حناء فروشی و بد اخلاقی را
با حکم انضباط به پایان رسانیدن و قدغن کردن فروش شراب حتی انگور
خشك و منع نمودن قمار را با تمامی اقسامش و مسدود شدن محل تفرج و
تنزه و کلیه زنان را از عبور بازار و مرور مجامع عمومی و نمایان شدن

در انظار مردم نهی کرده و در صورت خلاف امر بقتل و مجازات مینمودند و ایضا در این باب بعضی از مورخین نسبت ظلم بر زنان در حق سلطان داده اگر تامل کرده و با انصاف ملاحظه نمائیم که این گونه حرکات بعقیده او موافق دین اسلام بوده و محافظه امنیت و بقاء سعادت بسته بر این است وتاریخ آتیه ماضی و عبرت آتیه است و بر تمامی ملل عالم معلوم است که ملت روسیه و خود روسها با آن وحشت ذاتیه که دارند بر تمامی ملل مختلفه عالم میدان میخواندند و ملت نجیبه ایران با داخل شدن بتابعیت دولت امپراطوری روس افتخاری ها مینمودند قبل از وقوع جنك بین المللی اخیری یعنی پانزده سال پیش از این تاریخ اغلب سلاطین عالم از قوه استیلاء روسها ترسناك بودند ولی الحال که تاریخ یکهزار و سیصد و چهل و هشت است از اثر کشف حجاب و آزادی کامل زنان و اختلال در اصول دیانت امنیت از میان رفته و هر روز هزاران موت انتحاری و خود کشیهای بی موقع بوقوع پیوسته و اهالی در سر کوهها و بطون دره ها شبها بروز آورده و اغلب آنانیکه قادر بر حرکت هستند دست اطفال و زنان را گرفته بدول همسایه و نزدیك فرار کرده و بعضی اشخاصیکه فرصت نیافته از اهل و عیال و مال و منال دست بردار شده به تنهائی بخاك پاك ایران و خاك ترکیه پناهنده می باشند و غیر از این چاره دیگری هم ندارند و علاوه از این وحشت و غیر از این فلاکت آنچه درد بیدرمان است عبارت از اختلال نظام امورات خانگی است مثلا ملاحظه فرمائید چند ماه قبل از این حال نگارش رساله یك نفر دختری از اهالی دهات

قفقاز از مسلمانان حامله شده و بدون شوهر بوده از این لحاظ مورد تفحص و محل تفتیش واقع گردید بالاخره معلوم که از برادر خودش این گونه عمل قبیح وقوع یافته و در قبال این خدمت از طرف دولت مورد تلطیف واقع و اکرایه برایش تخصیص یافت ولی افراد خانواری از همدیگر جدائی اختیار کردند وایضا در عین تاریخ تحریر این اوراق در نزدیکی قصبهٔ (نیکچه) از ولایت شرور از توابع ایروان ممالکت قضیه واقع شد که در واقع بر ارباب فکر و وجدان مدنیت آزادی طلبان کذائی را بخوبی نمایان می کند طوریکه یك نفر پس از وفات زن اولی خودش زن دیگری گرفته و یك پسر جوانی در خانه داشته یکروز همان زن تازه از اداره (چیقاء) بدون اطلاع شوهر طلاق مرسوم آن ولایت را گرفته و پس از این چند روز در همان اداره به پسر آن شخص که همان جوان سابق الذکر قرار ازدواج گذاشته و در حین اطلاع پدرش زن با شوهر تازه خودش که پسر همان پدر است از خانه گریخته و در موقف (ایستاسیون) منزل کرده‌اند

شماره ۳ از فصل اول

و آن چه در کتاب مبداء الاسلام اثر راقم در بیان مسلك اشتراکیون تحریر شده در حین تسوید سطور از منابع موثوقه دست رس ما گردید که همان مرام مخصوص را بموقع اجرا گذاشته و بعالم حیواة و زندگانی تطبیق کردند کلیهٔ مردم را مجبور می نمایند بر اینکه از یك مرکز خوراك و پوشاك خود شان را اخذ کرده و هیچ کس صاحب خانه و اهل عیال نباشند

و اطفال را در موقع تولد از مادرشان جداء کرده در محل جداگانه تربیه کنند تا اینکه پس از نشو و نما قوم و قبیله و مذهب و ملت و مادر و خواهر نشناسند طوریکه مردم بطبقات چندی منقسم شده اند آنچه طرفدار دولت است چند شعبه است : (۱) اطفال سه ساله و یك ساله در باغچه مخصوص جمع آوری شده تغذیه و تربیه کردیده بدون ملاقات والدین که بعداً غیر از دولت و حکومت چیز دیگری در عالم معتقد نشده و ندانند (۲ پیانه ها یعنی ایتامی که ده سال و زیاده سنی را دارا هستند که بالباس های مخصوصه و غذاهای مناسبه با کمال مهارت پرستاری کرده و تعلیمات مسلك اشتراکیون را مینمایند که در آتیه با بدن مرطوب و شکل مرغوب رجال دولت و زمامداران مملکت و نظامیان حکومت از ایشان است . (۳) قومسومولها یعنی آنانیکه نزدیك است که داخل فرقه های سیاسیه و ماموریت دولتی بشوند (۴) قومونیست ها یعنی آنانیکه داخل فرقه های سیاسیه شده و مامورین دولت شده اند و لازمه آن نفی الوهیت کرده و تمامی معنویات و اعتقادیات را ملغاء می دانند (۵) دستهٔ بی خدایان که در اصطلاح آن نواحی (الله سیزلار پارتیه سی) نامیده می شوند و شغلشان دعوت کردن خلق است بر انکار دیانات و ایراد کردن بر روحیات و روحانیات و عریان در بازار و کوچه گردش لعنت بر حیاء کرده و نداء می کنند (یوغ دالوی) یعنی خدا رفت و حیاء هم رفت و افتخار می کنند بر اینکه امتیازی دارند در ایشان اثر حیاء نبوده زن ها در مجلس عمومی عریان و مادر زاد جمع شده

اکل و شرب مینمایند . (٦) رجال دولت و اهل شوری که در مراکز عالیه
نشسته قانون گذار بوده و مدیر امورات خلق هستند و اما طبقات رعیت آن
هم چند فرقه تشکیل میدهند مثلا (قولاق) یعنی کسانیکه گوش محض هستند
و تمامی اختیارات و حقوق شخصیه از ایشان مسلوب و از رأی دادن و
رأی گرفتن ممنوع بوده غیر از خانه نشینی حق دیگری ندارند و مثل
زارع رنج بر کار گر و بورژویست یعنی صاحب مکنت و روحانی وصاحب
اصالت و نجابت قدیمه هر یك از این طبقات موقع مخصوصی دارند که
بلا اشکال مرگ بهتر از چنان زندگی است و معیشت قسم اعظم اهالی بعضی
طبقات بمراتب از زندگی و معیشت حیوانات و پست ترین آن ها پست تراست
اجمالا گشادگی زنان و آزادی کامل نسوان بلای جانسوزی است که خلاصی
از آن مشکل تر است از نجات یافتن از وباء و از دوره ثانی زندکانی الحاکم
باالله محمد صرف نظر شد همین قدر لازم الذکر که در آن چنـان عصر
وحشت و تنزل اسلامیت قدم گذار عالم سیاست و زمام دار امور سلطنت شده
قد خمیده اسلامیان را کالا راست و حجر الاسود را از دارالهجره قرامطه
(سواد) بمرکز اصلی خود باز و تکرار اعمال حج را مرسوم و عالم اسلام
را رونق تازه و فروغ بی اندازه بخشیده و بمعرم ملل حیه آن زمان قبولانید
که اسلام لایزول و ابدی است .

شماره ۴

نتیجه مطالب مندرجهٔ شماره سابقه این است که دین مقدس اسلام پس از

تنزل ظاهری و گرفتاری مسلمانان بانواع فلاکتها مبتلا بودن و غارت مکه
و قتل حجاج در ایام قرامطه و اسماعیلیه سلاطین مصر از فاطمیون در زمان
المنصور مصری رو به ترقی گذاشته کسوف آفتاب عالمتاب رو بانکشاف و
انجلاء گذاشته و در زمان الحاکم بالله کاملا صاف و با نور حقیقی عالم را
منور نمود ایضا در زمان حشاشین باز هم دوره انحطاط و تنزل است طوریکه
حسن صباح این مسلك را اختراع و بعد از اکمال تحصیلات علمیه با عمر
خیام و نظام الملك در مکتب نیشابور در محضر (امام موفق نیشابوری) موفق
نائل شدن بمقام عالی علمی آن زمانی گردیدند حسن صباح در قلعه الموته
تشکیلاتی احداث و از یك نوع علف مشروبی ترتیب و با اینکه یك قسم تدخین
اختراع و بر جوانان و ساده دلان تزریق کرده و کیفیت استعمال آنرا تعلیم
نمودند و بعد از استعمال قوهٔ خیال بر ایشان غلبه و خودشان را در عالم
بهشت دیده و با وجد و نشاط امرار حیات و اوقات می کردند و با ایشان
با یك اصولی رفتار می کردند که گویا بهشت موعود همان التذاذ جسمانیه
است که از قوه حشیش تحصیل می شود و در این باب تکثیر نفوس کرده و
دستهٔ فدائیان تشکیل آنانیکه ضد مسلك حشاشین بودند محو و قتل نموده و
ترس بر قلوب دشمنان میافکندند و قضیه امام فخر رازی با فدائیان حشاشین
در کتب تواریخ مشهور است و این فرقه یك شعبه معدود است از شعبهٔ قرامطه
و این فرقه بعد از تخریبات و کشتارهای نا حق محو و نابود شده و اصول
صوفیت با اشکال و اسامی متنوعه جلوه نمون گردید و صالح نام در تحت عنوان

براغواطه قرانی تالیف و بعضی عملیات را شروع ولی در اندك زمانی محو و مضمحل شد و در حدود سنه چهار صد و سی هجری اثر اقدامات خدا پسندانه داعی اسلام (عبدالله ابن یسن در رباطی ساکن شده با خلیفه وقت منزویانه عبادت و اهالی از این حال متنبه (الناس علی دین ملوکهم) اهالی آن صفحات کلمهٔ واحده با حاکم ممالکت و مبلغ اسلام هم رأی و داخل دائرهٔ دین مقدس شده و اسلامیت با کمال وضوح انتشار یافت و در این دوره بوسیاه (فرقهٔ مرابطین) که بمناسبت منزل کردنشان (در رباط) کاروانسرای مرابط نامیده شدند خدمات لایقه بعالم اسلام ظاهر گردید و بعد از عبدالله یسن یوسف ابن تاشفین در قطعه آفریقا فدا کاری ها ابراز و جان نثاری ها اظهار کرده پس از آن بطرف اندلس حرکت و بملوك الطوایفی غلبه و در آن صفحات هم جلادتها نموده خدمت بعالم اسلام کرد و در حدود سال پانصد و چهل ایضاً موحدین در قطعه اندلس و تونس خدمات شایان بعالم دیانت کردند و این شخص بزرك نصارائیان و روحانیان ایشان را احضار و عبدالمؤمن سلطان وقت خطابهٔ انشاء و لایحه قریب بدین مضمون قرائت نمود: ای نمایندگان ملل مختلفهٔ عالم بدانید و آگاه باشید اجداد و اسلاف شما به پیغمبر ما ص ع در زمان بعثت ایمان نیاورند و پیغمبر موعود در انجیل را بزمان آینده حمل کردند اینك متجاوز از پانصد سال می گذرد یا ایمان آورید یا مقتول خواهید شد اختیار یکی از این دو شق با شما است از شنیدن این خبر وحشت اثر همه محزون و مغموم شده در نتیجه یا محکوم ذلت و یا مجبور به تبدیل دیانت و

یا اختیار مهاجرت کردند و اغلب کنیسه ها و سیناغوغها تخریب شده و مبدل بمساجد گردید و پس از این تاریخ مدتی عالم اسلام در حال توقف باقی مانده و سیمای اصلیه را محافظه کرد .

(نظر بعالم شرق) در این اوقات در طرف شرق ستاره درخشان لمعان و عالم اسلام را با نور عدالت اسلامی منور نمود که عبارت از سلطنت بدایت غزنویان است که بوسیلهٔ ایشان نور دیانت اسلامی بطرف افغان و هندوستان انتشار یافته و لواء جامعه محمدی در آن صفحات اعتلاء و تموج نمود طوریکه آلب تکین که یکنفر از سلاطین بوده و سبکتکین یك نفر مملوك بود و آثار سلطنت و شائبه حکومتی در حال او مشهود نبودی ولی از تائیدات غیبیه که آزاد کردن بچهٔ آهو و خواب دیدن او و بشارت نبی اسلامی علیه السلام به سلطنت و حکومت مشهور و در تاریخ سرجان ملکم انکلیزی هم مسطور است رجوع بتاریخ مشار الیه شود اجمالا سبکتکین داماد آلب تکین جالس تخت سلطنت و چند قلاع مستحکمه فتح و بلقب ناصر الدینی از ناحیه امیر منصر نوح ملقب شده و در تاریخ چهار صد و بیست سال در گذشت و پیروی محمود غزنوی در جای وی نشسته اغلب نواحی شرق را گرفته و در تاریخ یکهزار و بیست و پنج) میلادی در ساحل کجرات بسوی قلعه سومنات هجوم و قلعه را فتح و بت کبیر (شیواء) را که معبود بودائیان است شکسته و دوقسمت کرده به پای تخت خود نقـل نموده و یکقطعه آستانه مسجد شاهی و قطعـهٔ به آستانه سرای سلطنتی و یکقسمت بمدینه و قسمتی هم بمکه مکرمه ارسال و اهداء

و یکقطعه هم در نزد هیکل (ویشنو) بت اعظم ایشان که قبلا فتح و مالك شده بود گذاشته و چندین ملیون تومان ایرانی از هندوستان بممالکت اسلامی آورده و با فتوحات متوالیه در اطراف خدمات لایقه بعالم اسلامیت کرد و با سیاست اسلامیه در اکثر قطعات هندوستان موجب هدایت اکثر اهالی آن نقاط گردید در تاریخ (۱۸٤۲) انکلیزیان شهر غزنه را مستولی شده وغنائم فتوحات سلطان محمود رابقلعه سومنات ارسال و بدین وسیله بودائیان راخوشنود کردند

شماره ٤

و ایضا (محمد غوری) در اوایل عصر دوانزدهم شهر بنارس هند را فتح و بت های کبیر آن ها را شکست و بیرق اسلام را در نقاط عالیه تمرکز داده و در بعضی قطعات هند به تموج آورد و فعلا قریب صد ملیون نفوس در صفحات هند و جزایر هندوستان در سایه اقدامات معدلت سمات آنذوات معظمه ایست و عمده ترین اسباب هدایت اهالی آن سامان اولاد پیغمبر آخر الزمان بوده و بدعوت آن بزرگواران مردم آن سامان بدایره اهتداء دین اسلام داخل می شدند طوری که در غزریك یکنفر از اولاد حضرت سجاد علیه السلام مولانا ابراهیم نام مدفون و در زمان خود ازداعیان اسلام بود و از اولاد حضرت موسی ابن جعفر سلام الله علیه در یکی از جزایر هند اطراف کجرات مدفون بوده و از بقعه متبرکه‌اش کرامات باهرات ظهور نموده موجب تشئید ایمان قلوب اهل توحید است و از بعضی کراماتش یکی این است که در حین ارتحالش وصیت نمود مسواك استعمال شده ش

بالای سر دفن کنند پس از دفن روئیده و خضارت کامل حاصل و هر گاه تفصیل این کرامت را و اینکه تا کنون هم اثر آن در بقعه این امام زاده باقی است خواسته باشید (رجوع کنید بکتاب تاریخ جام جم اثر سید محمد علی خان کار پرداز دولت علیه ایران) در آن تاریخ که دین مقدس اسلام از برکت اقدامات مسلمانان و سلاطین معظمه اسلامیان و در سایه داعیان مذهب حق در عالم شرق ترقی تمامی داشت غفلتا در قطعه آسیا یک نوع تبدلات مهمة و سوانح غریبه و قضایای سر زده ظهور شد طوری که در وسط آسیا و از قطعه سیبیریا از دامنه کوهها قوم عجیبی قدم گذار عالم فتوحات و قهرمان سیاسیات آن زمانی شده بموجب خطبه مبارکه نهج البلاغه که مسطور است (وکانی بقوم وجوههم الخ) در توصیف چنگیزیان است در زیر بیرق چنگیز خان مغول (مونغول) قشون خون خوار و جرار ترك جمع و چون سیل بنیان کن انسانی قلاع محکمه را زیر پای استیلاء خودشان آورده از شرق و غرب فتوحات عظیمه را نایل چین را تا دریای (پیهو) دریای اصفر فتح و رو بجنوب خراسان و سایر قطعات ایران نموده و جزایر (سیندوس) و نهر فرات را تا دریای سیاه و قریم بحیطه تصرف آورده مجارستان وارمنستان و گرجستان و آناطولی از تیبت تا بغداد و قسم اعظم هندوستان ملك ایشان معدود گردیده و بلای آسمانی آسیا محسوب شدند و در این ضمن مسلمانان پریشان و اموال ایشان یغما و تالان و مقدسات ملیه تلویث و ناموس اسلامیان هتك و کسی در باره دین اسلام و مسلمانان احتمال خلاصی نداده و ظنون

مختلفه در باب دیانت مقدسه در قلوب مردم خلجان مینمود و محویت اسلام در مخیله دماغ همه کس جا گیر شد و خود چنگیزیان از حیث دیانت معتقد بذات غیبی بوده و در هر محلی به چیزی عبادت می کردند و گاهی رو به جنوب زانو بزمین گذاشته سجده می نمودند و به (اونقون) یعنی صورت دوئی را که (صورات) می گویند از دیواری آویزان و آئین روحانی اجرا میکردند و بت چنگیزیان از تکه چوبی یا از پارچه نمدی بود و ایضاً در موقع آب خوردن واجب میدانستند که اول مقداری بزمین ریخته بعد از آن مینوشیدند و خیلی خرافات پرور بودند و به (قامس) فالچی مخصوصی را گویند اعتقاد کاملی داشتند صحت و مرض خودشان را موکول بایشان دانسته و از قامس شفا می طلبیدند و در عصر چنگیزی یهودیان از تمامی ملل بیشتر محبوب و محترم بودند طوریکه (سعد الدوله) وزیر مشهور یهودی الاصل و بخیال یهودیان وجود سعد الدوله که به آل ابراهیم یکنوعی هدیهٔ آسمانی بود و از اطراف کره یهودیان فوج فوج به نزد وزیر جمع و دستور ها اخذ و مورد تلطیف واقع می شدند و سلطان وقت با سعد الدوله هم فکر شده در این خیال بودند که مسلمین را مجبور بقبول دیانت بت پرستی بنمایند و العیاذ بالله کعبه مقدسه را دار الاصنام قرار دهند در این حال (آرغون) نام سلطان وقت مریض شده و بنا بقول قامس فالچی سحر زده و از حیواتش مایوس بوده قبل از تسلیم روح آنانیکه از سعد الدوله نا راضی بودند و از ملت یهود در قلوب خودشان یك حس انتقام می پرورانیدند جمع شده سعد الدوله را حبس و بعد

ائتلافش کردند بدین لحاظ مقصد یهودیان بی نتیجه مانده علاوه معرض قتـل و کشتار واقع شدند ولی در انظار عموم و افکار مردم یکی از ادیان سه کانه از بوداء و اسلام و مسیحیت برای قبولی در باریان چنگیزی منظور و محتمل بودی و چون سلطنت عظیمه و دولت قویمه هر یکی را از این ادیان سه کانه قبول کردندی باالبدایه همان دین در تمام منـاطق عالم مظهر قبول عامه می کردیدی و در این زمینه پیروان هر دینی و متدین هر آئینی با همدیکر رقابت کرده و مبارزه مینمودند و آن یکی از صمیم القاب کشتار و امحاء آن دیکری را با کمال اشتیاق آرزو می کرد و در این ضمن موفقیت نصارائیان بحسب ظاهر امارات و علائم ملحوظ بوده و قطعه آناطولی و صفحات بغداد و سوریه و سایر قطعات نزدیکی چنگیزیان از راهبـان و کشیشان مسیحی مملو بوده بنام دعوت بر مسیحیت با دستورات لازمه از (قونسولات) اداره روحانیه مسیحیه از ناحیه ریم پاپ اعزام شده بودند در زمانی که (فردریق) دوم پاپ را درفشار معنوی ناراحت می نمود و با لحاظ بی قیدی بامور مذهب کاتولیکی تخت (سه‌ن پیه‌ر) خالی از سلطان روحانی ارائه می کرد در این تاریخ سلطان وقت بویوك خان قویوق به سلطنت غیر لایق و دایماً مست و از اداره امور سلطنتی غافل و عاجز و زمام امور را بدست کفایت دو نفر ناظر عیسوی سپرده و بوسیله آن دو نفر مسیحی یك باب کنیسه عالی در پیشکاه عمارت در بار سلطنتی بناء و بعضی از شهزادکان و خانمهای دولتیان رسماً قبول دیانت عیسوی نمودند واهالی قطعات عالم با چهار چشم بسوی قطعه آسیا نکران

و در تاخیر انتشار و تعمیم دین عیسوی با وجود این وسایل تعجب میکردند و منتظر بودند که بواسطهٔ اعلانها در آن روزها داخل شدن دولتیان بمذهب مسیحی اخبار خواهد شد و در عین زمان دو نفر سفیر از جانب رئیس روحانی مسیحی با سمت تبلیغ با زبان مشهور با مکتوب خصوصی بایران وارد و خان بوبوك را رسما بنصرانیت دعوت کردند و این حرکت خشن موافق طبع موغولها نشده ایشان را باندازه فشار و تضییق دادند که از تقلیل اطعمه و اشربه چندان نمانده بود که تلف شوند و بعضی از صاحب منصبان به نمایندگان پاپ گفتند مگر پاپها شما را به نزد ما برای وعظ و ابلاغ احکام مسیحی ارسال داشته اند بروید و بیرون شوید از مملکت ما وگرنه تلف خواهید شد در این تاریخ که چندان نمانده بود که دین عیسوی جهان گیر و عالم شمول گردد در هفتصد هجری تقریبی (تاجدار اوغول) نام از اولاد چنگیز خان جالس سریر سلطنت شد باز امیدواری نصارائیان زیادتر گردید زیرا که سلطان مزبور را در زمان ولادت با آب تعمید غسل داده و با نام نیقولا تسمیت کرده بودند و مسلمانان از این لحاظ نهایت مضطرب و ناراحت امرار اوقات می نمودند ناگاه از طرف سلطان وقت تاجدار اوغول مشهور به اسم نیقالای بیان نامهٔ باهالی بغداد بتوسط حکومت محلی اعلان شد قریب بمضمون ذیل: (ما بر تخت سلطنت جلوس نموده و هم مسلمانیم این خبر خیر را باهالی بغداد ابلاغ نمائید هر عنوانیکه در دوره خلفای بنی عباس داشتید همان را محفوظ و مدارس و مساجد را محترم داشته و باحکام شریعت مقدسه رعایت

کنید و ای اهالی بغداد که پیغمبر اسلام علیه السلام فرموده است دین اسلام تا قیامت باقی است و ما بقناعت وجدانیه باین کلام عالی امین بوده و اعتقاد می نمائیم که خدا یکی بوده و ابدی است).

و تاجدار اوغول از نام نیقولا برائت جسته و خود را سلطان احمد نامید مطالعه کنندگان از این اعلان در آن چنان زمان از آن گونه سلطان برای مسلمانان چه اندازه فرح و سرور روی خواهد داد ملاحظه نمائید و داعیه دعوت بر نصرانیت از طرف روحانیت مسیحیت با یاس و خسران نتیجه بخشیده و حقانیت اسلام و حافظ شدن یك قوه غیبیه به آن دین الهی واضح گردید ودرواقع حدیث شریف (شرع محمد ص ع مستمر الی یوم القیامه) را تبدلات عصریه و انکشافات واقعیه پس از انحطاط و تنزلات فوق العاده در ظاهر اسلام واضح ترین براهین بوده و اثبات می کند که دین اسلام را حافظی است غیبی که حفظ خواهد نمود و اسلام پایدار و بر قرار است و بقول (شاتت بی دولاسه سی) رئیس فرقه انتقادیون اسلام یك قلعه متین و حصن حصین است که انقلابات عصریه یك خشتی از دیوار قلعه متین دیانت مقدسه از جایش حرکت نمی تواند بکند و ایضاً هلاکو خان از جمله سلاطین مغول است که بدستیاری خواجه نصیرالدین طوسی خدماتی بدیانت اسلامی نموده و در مراغه با تصویب فاضل مومی الیه یك کتابخانه عمومی تاسیس و چهار صد هزار از مؤلفات افاضل اسلام دایر بر علوم متنوعه جمع و رصد خانه ترتیب دادند که فعلا آثار باقیه اش عقول سیاحین و فلاسفه عصر حاضر را به حیرت افکنده

و ایضاً مسلمین آن زمان در مسئلهٔ رصد خانه و علم هیئت از تمام ملل عالم مقدم بودند طوری که در مراغه و در کوه مقطم نزدیکی مصر و در بغداد هاشمیه هم رصد خانه های عالیه تاسیس کرده بودند اجمالا پس از سلطان احمد مزبور (غازان خان) مغول در امور دینیه با غیرت بوده و با جدیت کامله رعایت کننده احکام دیانت بودی و بمذهب رونق تمام داد حتی غیر از مساجد کلیه مبانی روحانیه ملل مختلفه را از قبیل (بایدو) معبد بودائی و (کنیسه) معبد نصارائی و (سیناغوغ) معبد یهودیان را بکلی تخریب نمود و هر چندی که بعضی از مغرضین مورخین اوروپائی قبول سلاطین مغول دین اسلام را در آن چنان زمان حمل بر سیاست و منفعت شخصیه می کنند گویا فتح هندوستان باعث اسلام آوردن ایشان گردید در ایران و با قناعت وجدانیه ایمان نیاوردند دوقتور دوزی هولاندی در تمدن الاسلام تالیف خود (صفحهٔ ۲۰ه) همان معنی را می نویسد و خواب دیدن غازان خان پیغمبر آخرالزمان را و امر فرمودن آن حضرت به بوسیدن دست مبارك حسین را و تعمیر قبور ائمه هدای سلام الله علیهم و عازم بزیارت شدن و غرق انعام و احسان کردن سادات را و سایر علامات دلیل پاك نفسی غازان خان و ایمان آوردن آن سلطان پاك وجدان است بدین اسلام از روی حقیقت و خصوصا علاوه کنیم دلایل تاریخیه را که در آن زمان قبول دیانت بودائی اقرب به سیاست آن زمان و پیشرفت امور چنگیزیان بود و فتح هندوستان با قبول دین بودائی ممکن بودی نه اینکه با داخل شدن دیانت اسلامی و الجایتو ایضا در حالیکه باعقیده

مش جالس سریر سلطنت گردید ولی بعد با خواب دیدن خودرا متشیع اعلان کرد
و بعضی از محررین مسیحی تشیع الجایتو را باز حمل بر سیاست شخصیه
نموده فقط بر ارباب اطلاع و تتبع بدیهی است که مؤلفین و محررین خارجه
غالباً آمال و مرامشان از تحریر یك مقاله و یا تألیف یك کتابی مخصوص
اعتراض و ایراد یك ماده ایست بدیانت اسلام (طوری که پروفسور دارالفنون
آکادمی تاریخی (لابد) واعضای آکادمی انستیتوی) در فرانس (دوزی هولاندی)
دو جلد کتابی نوشتند یکی تقریبا هفتصد و بیست صفحه مقصدش از تالیف
اثبات مرض (هستر باثی) است به پیغمبر اسلام علیه السلام غلطاً و می خواهد
که با اغراض مغلطه کارانه با علم طب مدلل نماید و ساده دلان و بی اطلاعان
باور کنند مبنی بر این غرض دنی در اول مدخل کتابش می نویسد که نبی
اسلامی متولد شده از یکنفر خانم عصبی المزاج حاد و حار نامش آمنه خاتون
و راقم در موقع مناسب جواب داده و غرض رانی مؤلف بی انصاف را مدلل
داشته ام طوری که عصبی المزاج بودن خانم معظمه که باعث بر انتقال مرض
هستر باثی بولد ارجمندش باشد در هیچ یکی از مؤلفات اسلامی و اخبار ائمه هدی
پیدا نیست از کجا این نکته علمی دروغی را نوشته این نیست مگر لطف غیبی
که دروغشان را آشکار فرماید و از تفضلات غیبیه است که بت پرستان در
عصر وحشت و قرن ظلمت بدایره اهتداء دین مقدس داخل و مذهب حقه را
رواجی و احکام را فروغی دادند و از اولاد چنگیز خان غیر از آنچه ذکر
شد کسانی هستند که با اسلامیت خدمات لایقه بجامعه ملیه کرده اند واو اینکه

با کشتار های ظالمانه عالم بشریت را یك اندازه مضطرب کردند مثل تیمور لنك ولی از اولاد تیمور اشخاص بزرك داخل کار شده اند و تاریخ نامهای ایشان را با انصاف بعلم و عرفان یاد و تذکار می کند چون میرزا بایقرا و ایضاً از سلاطین هند همچو اکبر شاه هند که با عملیات تاریخی خود شهرت یافته .

شماره ٥

باری نظری بعالم غرب نمائیم چنانچه ذکر شد اسلام با تمام معنای حقیقی خود و صافیت ذاتیه و حقیقت باطنیه خود تجلیاتی دارد و هردم بلباس دیکر آید کاهی خسوف مانند ابر های متراکمه مانع از تابش اشعهٔ انوار آفتاب عالمتاب می باشد ولی در هر عصر و دور ید غیبی با ارادهٔ غیبیه با مشیت ازلیه آن سحاب ظلمانی را پراکنده و با نور معنوی عالم را منور نموده طوریکه دین مقدس اسلام از حیث علم و عرفان و صنایع غریبه و ترقیات عجیبه بر تمامی ملل عالم برتری داشته و مسلمانان در امور سیاست باهالی کره میدان می خواندند تا کاه از طرف غرب و باصطلاح عصر حاضر از اثر تبلیغات متعصبین اوروپا آتش فتنه بطوری مشتعل و مدتی خانمانسوز کردید و بالمقابله بعالم اسلام مضراتی ایراث و خساراتی ایراد کردند زیرا که کشیشان مسیحی هر چندی که بر حسب ظاهر داخل مذهب نصرانی شده بودند ولی در واقع در زمان (قونستانتین) که از بت پرستی عدول نموده و در معنا اثر اوهام و خرافات بت پرستی در باطن قلوبشان جاکیر بود و راهبان احکام و مواد اناجیل

حاضره را تطبیق و توفیق به بت‌پرستی کرده و آیهٔ اول انجیل که بامر قونستانتین
تحریر شده معنای بت پرستی را نشان می دهد دلیل است بر آنچه نوشتیم اجمالا
راهبان بظاهر داخل شدن عالم دیانت توحیدی از کریوه عصبیت جاهلانه بت‌پرستی
و اوهام و خرافات قدیمه بشریه تخلیص گریبان نکرده با این وصف از تعلیم
و تربیهٔ ناقصه افراد مسیحی دست بردار نشده فرقه ها تشکیل داده و مظالم
فوق العاده بعالم بشریت و خصوص به محیط اسلامیت وارد آوردند که قلم از
تحریرش انفعالی دارد طوریکه در قرون وسطی فرقهٔ (الکتر یسیون) که
از رهبانان تشکیل یافته ضد مذهب کاتولیکی را فوج فوج در آتش جهالت و
عصبیت می سوزانیدند و فرقهٔ جزویت (ژوزویت) که با طور مجدانه دو
خفیه دسیسه ترتیب و اموال در اعراض مردم از ترس شان مأمون نبود
(رجوع کنید بکتاب یهودی سرگردان) که از آثار فکریه و قلمیهٔ یکنفر
از محررین شهر پاریس است تفصیلات مظالم راهبان را بخوبی تصویر نموده و
مورد انتقادات و اعتراضات واقع شده ولی اهمیت بانگونه اعتراض ها نداده
تفصیل مظالم فرقهٔ جزویت را کاملا نوشته و فعلا مصنفین نصارا از اعمال ننگین
و وقایع شرمگین آنها انفعالی دارند و مکرراً اتفاق افتاد که (ریم پاپ ایطالیائی
اهالی را بمجرد قرائت و مطالعه کتب طبی اسلامی از قبیل تالیفات شیخ رئیس
ایرانی و محمد ابن زکریاء اندلس و حاجی الیاس یعیش تکفیر (افوروز)
کرده و امر نمود که نسخه‌های موجوده را از هر قبیل جمع و بسوزانند از
جمله فرقه هائی که روحانیان مسیحی تشکیل و تاسیس نموده یکی هم فرقهٔ

صلیب است چون اعضاء آن فرقه علامت صلیب (⊣⊢) را با پارچهٔ قرمز به بازوی خودشان بسته و علامت معرفی خود قرار گذاشته بودند بدین لحاظ صلیبیون تسمیه شدند اجمالا نظر بمنابع تاریخی در قرون وسطی مسلمانان از حیث علم و مدنیت و سایر امور زندگانی از همه مال مقدم تر و مترقی بوده و مسیحیان آن زمانی در کمال بربریت و وحشت امرار حیواة می کردند و در آن تاریخ یکنفر کشیشی بنام (پیەرلرمت) یا پطرس برای انتباه افکار اوروپائیان ممالك مسیحیه را گردش و بنام توهین شدن یك نفر زواری از زائرین بیت المقدس از طرف مسلمانان در آن زمان مردم را دعوت باستخلاص بیت المقدس کرده و با تعلیمات متحسسانه انتقام از مسلمانان را بر قلوب افراد نصارائیان تزریق کرده و بجنك ترغیب نمود حالیکه مسلمین آن مکان شریف را از مسیحیان مقدس تر شمرده و به تعظیم و تکریم آن می کوشیدند با این وصف روحانیان دست از مقصد شان بر نداشته تمام دول مسیحیه غربی را تحریك بر جمع لشکر و ترغیب بجنك مسلمانان کردند طوری که اثر نطقهای آتشین زنان یك نوع رقص مجنونانه کرده و اطفال خودشانرا تحریص بخلاصی بیت المقدس نموده از اطفال دسته ها تشکیل در سر کوهها جمع و به شبانان ملحق و بنام اطفال صلیبی بطرف بیت المقدس رهسپار می شدند و از این اجتماع و تجمع اثر کثافات که مخصوص نصارائیان آن زمانی بود هم خبط دماغ و هم مرض طاعون سیاه شیوع یافته و باعث هلاکت سایر طبقات گردید و از فلاسفه آلمان یکنفری می نویسد که فعلا در نژاد اوروپائیان

یکنوع مرض (هستریا) شبیه بمرض صرع است از آن زمان ارث مانده و کاملا رفع نشده و تاریخ شیوع امراض مزبوره در تاریخ (۱۱۱۲) میلادی رو نما شد و عجب‌تر اینکه مسیحیان خودشان را مامور خدائی خیال می کردند در آن تاریخ از بعضی اشخاص نالایق و پست فطرت که دین را آلت مقاصد خبیثه قرار می گذارند هفت قطعه کشتی از اطفال صلیبی پر کرده بنام غلامان حمل و نقل باسکندریه کرده بفروختند (رجوع بکتاب مقالات عمومیه نمائید اثر خالد بیك که از انکلیزی به ترکی ترجمه و از ترکی بفرانسوی هم ترجمه شده) و بعضی کودکای پیدا شدند که خودشان‌را پیغمبران‌خیال می کردند خصوصا در مملکت آلمان و بالخصوص در شهر (رین) و اغلب ایشان در راهها تلف شدند و نایل بمقصد نگشتند و در تاریخ (۱۲۳۶) مطابق ششصد هجری تقریبی همان مرض خبط دماغ شیوع کامل پیدا کرد و هزار نفر از آن کودکان مامورین خدائی در شهر (آرفورد) جمع با حال دهشتناك از دره عمیق (ژولوارد) گذشته بطرف قصبه (آرمنستاد) عازم شدند و از اثر کثافات و نتیجهٔ جهالت چنانچه سابقا ذکر شد از مرض طاعون مردم تلف می شدند باز از مقصد دست بر نمی داشتند و محل سرایت همان مرض (نهر آخن) بوده و بممالك سایره سرایت کرد و چند سال با این حال کشتار های بی رحمانه و تجاوزات غیر لایقانه بوقوع پیوسته و در نتیجه این خون ریزیهای وحشیانه ایضاً بیت المقدس در تصرف مسلمانان باقی مانده و زحمات صلیبیون بی ثمر شد و پهلوان میدان و قهرمان دوران یا باصطلاح

عصر حاضر (بازیگر این تئاتر) عجیب رئیس روحانی نسیحی (آربن) دویم پاپ ایتالیائی بوده از تاریخ (۱۰۹۶) جنك صلیبی شروع و تکرار در سال (۱۰۹۹) چهار صنف آزاد روی صلیبی تشکیل و فرمانده کل قواء امپراطور شرق (آلکس قومنان شده باعث تولید نفاق میان مسیحیان کردید و این اوردوی چهار صنفی پس از ایقاع وحشت های فوق العاده بفتح انطاکیه شام نایل و بیت المقدس ایضاً در حیطهٔ سلطنت اسلامیه باقی ماند و ایضا در سال (۱۱۰۱) بانصد هزار نفر مرد جنکی داخل صفحات حرب شده و تلفات زیادی داده و نتیجهٔ مطلوبه را موفق نشدند و ایضاً در سال (۱۱٤۷) امپراطور فرانس (لوئی هفتم) و پادشاه جرمان (کرمان) (قونراد) اعلان جنك داده بعد از کشتن و کوششهای بیفایده بیت المقدس در دست مسلمانان باقی ماند در آن اوان سلطان صلاح لدین ایوبی فتح مشهور بیرق استقلال بر افراشته و صلیبیان را مقهور و مسیحیان را از تصرف و سلطنت بیت المقدس مأیوس نمود و پس از این تاریخها بعضی جنکهای بی فایده واقع و پاپ سیم (آربن) باکمال تهور و جلادت خودش را قهرمان این میدان و پهلوان معرکهٔ دوران معرفی کرده با معیت فرانس (آوغوست) و بادشـاه آلمان (فردریق) و قرال (انکلستان ریشارد) مشهور به شیرول تکرار اعلان جنك شده و شهر عکاء و جزیره قبریس را بدست آوردند و در این تاریخ (لاتینیان) اعلان جنك داده وشهر قسطنطنیه اسلامبول را فتح و مقصد صلیبیان بی نتیجه مانده و تکرار با سلطان مصر الملك العادل مشهور جنك کردند و با مغلوبیت کامله بی نیـل

مرام بمقام خودشان باز گشتند و سلطان آلمان (فردریق) باز شروع به جنك نموده و تا اندازه موفق به فتح بیت المقدس شده و ده سال آن مکان شریف را متصرف گشتند و پس از ختام ده سال باز بیت المقدس بخود مسلمانان باز گشت کردید و از طرف (سن لوئی) شروع بجنك و با فرار و مغلوبیت کامله در این جنك اخیری صلیبیان دست از عملیات وحشیانه برداشته و این جنك خونین با پریشانی ایشان ختام یافت و دفعهٔ هشتم به تکرار از طرف (سن لوئی) بطرف تونس هجوم و با فوت آن از مرض طاعون سیاه جنك صلیبی بنام خلاص بیت المقدس در عالم واقع نشد این است اجمال وقایع جنگهای صلیبی و پس از محاکمه تاریخیه از این سلسله وقایع نتایج چندی عبرت آور دست رس می گردد چون عام تاریخ بمثابه آئینهٔ ماضی و عبرت آتی است [اولا] روحانیان مسیحی منبع اغراض شخصیه بوده با تلقینات مضره عالم بشریت و محیط مدنیت با اظهارات دروغین یکنفر کشیشی درموضوع ایذاء زوار نصارائی بلا واقع و بدون وقوع محزون کرده و باعث خونریزیهای چند صد سال شده و ضرات فوق العاده عالم اسلامیت را ایراث کردند [ثانیا] در آن زمان نصارائیان از قافلهٔ تمدن و ترقی بکلی عقب تر و از علم و عرفان و اصول زندگانی کاملا محروم بودند طوری که تاریخ نشان می دهد قانون پیراهن پوشیدن را هم نمی دانستند و لفظ [شومیز] که محرف قمیص است لفظاً و معناً از مسلمانان آن زمان اخذ و اقتباس کرده اند و از علت جهالت و بربریت و ندانستن اصول نظافت بکلی محروم بوده و از اجتماعیات

و تجمعات مرض طاعون سیاه شیوع و انتشار یافت و اما از حیث سیاسیات و ترتیبات ادارات منتظمه و تنظیم امور لشکری و کشوری در عالم غرب اثری نبوده و در عین فلاکت و سفالت امرار حیات رذیلانه می نمودند و در سایهٔ مراوده و مخالطه با مسلمانان بملاحظهٔ مشاهده بالعیان اصول زندکانی و قانون اصلاحات و مراقبت بامور حفظ الصحه و سایر مواد ضروری عصر حاضری را از مسلمانان تقلید و اخذ و اقتباس کرده که در واقع علم اسلام تاج مدنیت قدیمه و اصل اساس مدنیت جدیده است پس دین اسلام و خود مسلمانان معلم و مربی عالم بشریت است و تعظیم معلم و تکریم آن از اخص وظائف انسانی است با این وصف محررین مسیحی و کلیهٔ طبقات ایشان از آنانی که از دایرهٔ انصاف بیرون است بر علم اسلام و مسلمانان در کتب علمیه و مقالات دینیه خودشان اعتراضاتی وارد و دین اسلام و پیروانش را وحشی و عالم نصرانیت را مدنی می نامند و بر مقام شامخ مذهب حقه تعریفاتی دارند که قلم از تحریرش عاجز و لایق مقام انسانیت نبوده است مثلا کلادستون مؤسس قوانین دولتی بریطانیای کبیر در اغلب نطقهایش می کفت : جماعت بکشید این حیوان های دو پا را (یعنی مسلمانان را) و مستر لیخ رئیس دار الشورای انکلستان می کفت در مجامع عمومیه جماعت القران القران یعنی قران را از میان بردارید مادامی که قران عظیم الشان در دست مسلمانان است نصرانیت داخل میان شان نخواهد شد و بنظر عوام الناس چنین ارائه می کنند که کویا دین اسلام امر می نماید متدینین خود را که چهار زن بکیرند لزوما و در مورد ازدواج

با زن دویم باید که زن اولی را بکشند (رجوع کنید بکتاب اسلام و فنون اثر طبیب و فیلسوف اسلام اسماعیل بیك میلاسلی منطبعه در اسلامبول) و ایضا می گویند که پیغمبر اسلام علیه السلام زن پسر صلبی خودش را تزویج کرد حالی که هیچ یکی از این نسبتهای دروغی وقوعی ندارد و اسلام عالی و متعالی است که از این گونه افترآت به ساحت مقدسش لوثی واقع شود و این راقم در کتاب مبداء الاسلام اثر عاجزی جواب ملخص اعتراضات ایشان را مشروحا بیان نموده و حکمت بعضی وقایع را اجمالا ذکر نموده ام رجوع نمائید. (ثالثا) انتباه و تنبه واجب است که افراد ملت نجیبه اسلامی درحین وقوع بعضی قضایای مهمه تاریخ را مطمح نظر خودشان قرار داده و بر طبق عملیات دشمنان دین در امثال آن چنان قضایاء عمل کنند مثل قضیهٔ هایلهٔ خراسان و بمباردمان شدن آن بقعه متبرکه و روضهٔ مقدسه و متولی بردن خرس شمالی (روسها) بمرکز یك مملکت قدیمه و متمدنه چون تبریز و ایقاع مظالم وحشیانه و وقوع فاجعه دهشتناك مدینه منوره و قتل نفوس محترمه در آن چنان روز تاریخی در مقابل انظار عمومی و ایضا قضیه وهابی ها و داخل شدن روسها بمرکز اسلام شهر طهران و ضبط کردن باغ شعاع السلطنه در موقع عصیان و دست بردار شدن از شغل خود (موسیو شوشتر) رئیس مالیه ایران آن زمان و بسا قضایای موجعه و اسفناك که در تاریخ مسیو شوشتر آمریکائی و کتاب اختلال فرقهٔ داشناق و کتابچهٔ فاجعه ازمیر و استیلاء ارامنهٔ قفقاز که در حین وقوع این گونه قضایای دهشتناك کلیه صفحات مسلمانان

بمثابهٔ یك وادی خاموشانی است گویا از سکنه و صمت محض و رگ غیرت حرکت نکرده و عین رکود و محض جمود و بمناء خمود در محیط اسلام وجود خارجی پیدا می کند و غیر از عطالت و آه کشیدن شغل دیگری ندارند و انتقام را موکول بمشیت خلاق لا ینام دانسته و خودشان دست بر روی دست منتظر امداد غیبی می شوند (سؤال) آیا مسلمانان چه وظیفهٔ داشتند که عامل نشده در پیشگاه مقدس الوهیت و در عالم علاقه مندی ملیت مقصر شده اند (جواب) البته درآن گونه موارد بر کافهٔ مسلمانان از حیث نقطهٔ نظر دیانت بموجب آیه فاعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله واجب بود که برای محافظه شئونات دینیه و مقدسات ملیه قواء نظامی ترتیب داده و موافق تشکیلات عصر حاضر تعلیم کرده در مقابل دشمنان دین اثبات و ... نمرده دشمنان را به تزلزل افکنده مانع از تجاوزات اجانب بودندی زیرا که از بدیهیات اولیه است که امیر مؤمنان بمالك اشتر النخعی در مکاتبات خود می نویسد فان الجیوش عز الدین و زین الولاة یعنی قشون زینت دین و عزت حکومت است و فلسفه این کلام عالی محتاج باقامه براهین نبوده و نیست و تاریخ هم مؤید اینست هر وقتی که یك ملت دارای قشون منظم نبوده تمامی حقوق شرعی و سیاسی آن ملت ضایع شده (آزادیت قبضه شمشیر بسته اند مردان همیشه تکیه خود را بدو کنند) اجمالا پس بر مسلمین لازم و واجب بود که تمامی اثلاث و اوقاف و صدقات و نذورات مشاهد مشرفه را جمع آوری کرده در موقعیکه گنبد مقدس رضوی از طرف وحشیان روس

رخنه دار شده بود از آن منبع واردات اسلامی با علاوه اعانات ملی و بعضی مصارف غیر لازمه که متعارف ناس است شروع به تاسیس راه آهن نموده و خطوط متقابله از مرکز تشکیل داده بنام (طریق رضوی) و طریق حسینی نامیده و از سادات حسنی و حسینی و رضوی قشون منظم تهیه و عایدات روضات مقدسه را صرف بخارج قشون اسلامی نموده و بممالک مختلفهٔ دنیا میدان خوانده اثبات شهامت اسلام بنمایند و هم در موقع حمل جنازه بدرد ملت و دولت بر خورده عملیات ننگین و حالات شرمگین از نظر ها دور شده مورد طعنه و سخریه ملل اجنبیه نباشند و هم اساس مفت خواری و ویل گردی سادات قلع و قمع می شدی و ایضا مبانی علمیه مطابق اصول عصریه تاسیس و مبلغان چرب زبان بصیر باوضاع زمان و خبیر از مقتضیات دوران از آن مبانی علمیه با تصدیق نامه های رسمیه خارج شده باطراف و اکناف عالم منتشر و افکار افراد ملت را با نور معارف اسلام منور و با حس انتقام از ادوار سابقه توده ملت را تربیه نمایند و غرور ملی و انانیت شخصیه در جزء مرام تربیهٔ دیانتی یاد دهند و وحدانیت ملیه و توحید افکار را طوری که مقتضای دیانت است تعلیم گرفته در موقع لزوم چون روح واحد در اجسام مختلفه قیام و محافظه شئونات ملیه اقدام نمایند.

شماره ٥ از فصل (١)

و عوض تقلید کور و کورانه اجانب و اغیار در موضوع بی قیدی از دیانت لاابالیگری در شئونات ملیت و ظاهر آرائی محض و بد اخلاقی صرف

و صرف آلکول و امثال این گونه رذائل و عادات مشئومه محاربه صلیب را نصب العین قرار گذاشته که بنام توهین بزوار بیت المقدس چندین سال خون ریزی های بی رحمانه واقع و از فرط انتقام خبط دماغ با حال دهشت نمون شیوع یافته و حالا در نژاد شان اثر همان مرض باقی است و بالعکس ما مسلمانان در تاریخ خسارات وارده بر بقعه مقدسه رضویه و وحشت فوق العادة روسها در قضیه اعدام محترمین در تبریز روز عاشورا و قضیه هایله مدینه از طرف وهابیها غیر از سینه زنی و نوحه خوانی و ذکر بعضی اشعار و ادبیاتی که نتیجه اش محو کردن حس انتقام است چیز دیگر مشهود نکردید حالیکه گریه و ندبه در آن گونه مواقع ضد شهامت اسلام است و قیاس بقضیه عاشورا نتوان کرد چون در یوم عاشورا حاضر نبودیم لازم است الی الابد بجای آن فوز عظیم که از ما فوت گردیده گریه کرده و ناله نمائیم و اسف کنیم که چرا حاضر نتوانسته ایم بشویم و جان فدا کنیم لذا می گوئیم (یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیما) چون زمان ما بتاخیر افکنده اقتداء بولی عصر کنیم و بنالیم ولی در مثل آن قضایائیکه در عالم شهود و محور وجود بوده و عملیاتی که قادر هستیم و قدرت داریم که بکنیم نکرده ایم و نمی کنیم عوض عمل گریه می کنیم که چرا و بچه سبب نمی کنم این گریه و نالـه چه معنی دارد و غیر از اطفاء حس انتقام و محو کردن غرور ملی فایدهٔ دارد و مگر آن جنابان نفرموده اند که (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) هر کس از پیروان شان در هر روزی و در هر مکانی خدمت بدیانت کنند عیـن همان است که در

روز عاشورا و در محضر سرور اولیاء نموده و فلسفه عالی آن کلام عالی نظام همین است که در مقابل دشمنان در آن چنان زمان که امید کمك داری در میان نبوده و از زندگانی قیمت دارش پس از فوت یارانش نا امید شده باز می فرمودند (الاهل من ناصر ینصرنا) و بطور استفهام سؤال نموده و به شکل التماس و با صیغه امر (انصرونی) نمی فرمودند زیرا که خطاب بایشان نبود بلکه بذریه اخلاف و آیندکان پیروانش ابلاغ می فرمودند که در هر وقت بما نصرت و بدیانت اسلام معاونت نمائید و در راه اعتلاء لواء اسلام کشته شوید و جان و مال را در عشق مفرط شریعت به چیز مشمارید اجمالا در فلسفه عالیه سر شهادت رساله علیحده لازم است آن هم موکول به لطف خالق منان است مقصد اینکه لازم است در موقع ورود مصیبت عظمی بر دیانت و یا جامعه ملیت افراد مملکت جمع و بطور رسمی جلسه ها تشکیل و پولها جمع آوری و باطراف و بهم مسلکان تلگرافات ارتباطیه مخابره و بمحافل سیاسیه ابلاغات اعتراضیه (پروتست) و زینت های غیر مهمه را ترك و بافراد تبلیغ و تلقین احساسات انتقام بنمایند و صندوقهای اعانه تشکیل و مقصد عالی تعقیب نمایند و دستگاه معظم تعزیه داری سید مظلومان روحی و ارواح العالمین له الفداء یك جوهرهٔ نفیسه است که توده از هر صنف و هر طبقه در هر زمان و هر مکان بلا مانع و بدون منع ممکن است جمع شده مطالب مهمه را استماع و فایده عمومیه را بدون طبع اعلان نامه ها و دعوت نامه ها با یك بیرق سیاه مشکی آویخته فوج فوج حضار حاضر و به شنیدن مواعظ و تبلیغات

رسمیه و معاونت دولت و ترقی مملکت از جان دل فدا کاری نمایند افسوس که مسلمانان از دستگاه معظم و جوهرهٔ نفیسه غیر از چای خوری و شرب قهوه و صرف دخانیات مضره بحال عمومی و سوای شمشیر بازی و طوغ گردان که علامت بت پرستی قدیمه است و بغیر از جلب منافع شخصیه و قفل بندی و خونریزی بی جهت و بدون حکمت چیزی دیگری استفاده نمی کنند و کسی از گوینده و شنونده ملتفت فلسفهٔ آن قضیهٔ مهمه نمی شود که بچه علت آن منبع شهامت و معدن شرافت و حامل لواء عدالت و حایل کنندهٔ شمشیر حقانیت از وطن اصلی مهاجرت کرده و چرا مخدرات را با خودش برده و باسیری ایشان که اهل عصمت هستند رضاء داده و چه طور شده که با وجود کثرت دشمنان و قلت یاران تسلیم ایشان نشده و تا جان در بدن عنصری بود زنده نتوانستند بدست آورند و تا کشته شدن در مدافعهٔ حقوق کوشیده و در آخرین حال مدافعه با صدای رسا بعموم اهل دنیا بفهمانید و یك کلام عالی قیمت داری در صحایف روزکار و صفحات تاریخ بیادکار گذاشت که (القتل اولی من رکوب العار) و (لا اقر اقرار العبید) و چرا تمامی موجودیت خود را از صغیر و کبیر و مال و نفوس همه اش را بذل نمود اگر فکری داده تأمل نمائیم در هر یکی از این جملات حکمتها دارد) امید از حقیقت اسلامیه و قوه باطنیه ارواح طیبه و اقدامات خدا پسندانه اولیاء امور از برکت بذل مساعی جمیله مطالب مسطوره در عنقریب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد بعون الله تعالی

فصل دوم

(شماره ۱)

در آن تاریخ که این تهاجمات و تجاوزات واقع شده و کشتاری های ناحق تاریخ مدنیت را لکه دار می نمود آن وقت ملل نصارائیه با وحشت بربری امرار اوقات سفیلانه می کردند و از علم و عرفان در میان مسیحیان اثری مشهود نبودی ولکن در نقاط بعیده دنیا که فرسخها از مرکز اسلامی دور است مفهوم عالی (الاسلام یعلو و لا یعلی علیه) مصداقی پیدا کرده و مدنیت حقیقهٔ اسلامیه با تمام معنایش جلوه نمون گردید و در جنوب غربی اوروپا در قطعه اندلس یك طور مدنیتی را نائل که فعلا ملل متمدنهٔ عالم بوسائل کثیره در عصر ترقی اذهان بشریه به آن اندازه مدنی و مترقی نشده اند و پس از مرور دهور به آن چنان قانون تکاملی پی نه برده اند و به ترقیات مادی و معنوی اهالی آن صفحات معاً نائل بوده و استاد ملل حیهٔ عالم گشتند تاج مدنیت قدیم و پایه مدنیت حاضره و جدیده شدند مندرجات یك جلد کتاب تاریخ را با چند سطر فهرست داده و ایضاح شود و ترقی اهالی اسلامیه را از این مجمل مقیاس توان نمود مثلا شهر غرناطه و قرطبه و لیزبون پای تخت اسلامیه آن زمان بوده و دار الفنون متعدده و کتابخانه هائی مختلفه در آن شهر تاسیس شده و چون محمد زکریا فاضل نامدار بجامعه بشریه تقدیم گردید و مثل حاجی الیاس یجیش عالم میکانیکی تربیه دادند

طوری که بدون وجود قوه ارتجاعیه بخار و با نبودن قوه (رادیو) و الکتریك یك نوعی عراده اختراع کرده بود که امیر اندلس سوار شده و بجامع عمومی برای انشاء خطبه حاضر می شد بخودی خود حرکت می کرد و یك نوع ساعتی درست کرده بود در موقع کامل شدن یك قسمت از دوازده گانه قسمت روزانه یك حب طلائی از بالا به پائین بکاسه زرین افتاده و یك هیکل مجسمه مرغی سر از دریچه باز کرده و نوعی مترنم می نمود که جالب توجه شنوندگان می شد وقتی که ظلمت شب عالم را فرا می گرفت آن ساعت طلائی با صفحهٔ زرینش اسباب روشنائی تشکیل داده تماماً سرای سلطنتی و دربار دولتی را روشنائی می داد و این دستگاه عجیب در باب دروازه قلعهٔ جیروم تاسیس یافته بود که یکی از دروازه های شهر بود و تا بحال سیاحین اوروپا در حیرتند که در زمانی که قوه الکتریك و رادیو در میان نبود این چه ماده بوده که این گونه آثار غریبه از آن بظهور می رسیدی (رجوع کنید بتاریخ ضیاء پاشا و خصوص تاریخ اندلس) ایضاً اصول تعلیمات جدیده (پانسیونی) که فعلا معمول اهل کره است از دور با عظمت سلطان اندلس امیر عبد الرحمن الفهری بیادگار مانده و اوروپائیان پس از مرور یانصد سال تقریبی بوسیلهٔ کاردینال پاپ ریم به ترجمه کتب فضلاء مسلمانان یاد و تعلیم گرفته اند و محصلین اوروپا از مسافات بعیده بمرکز اسلامیه حاضر و بعد از اکمال دوره تحصیلات علمیه با اخذ ورقهٔ تصدیق بوطن خودشان عودت می کردند و غالبا محصلین خارجه با قبول تابعیت دیانت مقدسه ترك وطن

اصلی و اقامت در شهر های مسلمانان می نمودند و از یکطرف سفینه هـای کشافه برای کشف جزایر جدیده بدریا افکنده خدمات لایقه بعالم مدنیت می نمودند و اگر با انصاف دقت نموده و نظر بتاریخ نمائیم ثابت می شود که در عالم اکتشـافات مسلمانان از تمامی ملل مقدم است و کشف ممالکت آمریکا یك نوع فضیلت تاریخیه است عاید مسلمانان آن زمان است طوری که از آثار تاریخیه معلوم می شود اینکه یك هیئت کشافه سوار کشتی شده از غرناطه حرکت و رو بجنـوب سیر کرده بجزیره رسیدند که غیر از گوسفندان قبر مه ذیحیوانی در آن جا نبودی و یك گوسفندی ذبح کرده گوشت را معاینه نموده معلوم گردید از تاثیر علفیات جزیره قابل خورش نبوده تلخ است از آن جا حرکت و رو بجنوب شرق سیر و یك جزیره دیگر کشف کردند که اهالی آن جا با وحشت و بربریت امرار حیوة می کردند از پاسبانان سیاحان اسلامیه را توقیفا بمحضر رئیس جلب و چون زبان یکدیگر را بلد نبودند پس از زحمت های بی فایده تکرار عودت بکنار دریا داده در حالیکه چشم ایشان بسته بود و بدرخت ها بستند با آن حال اسف اشتمال در جزیره کنار دریا گذاشتند طرف صبح بصدای ایشان یك نفر شبانی پیدا و لغت عرب را دانا با آن ها مذاکره و مقصد شان را فهمیده و دانستند که از آن نقطه تا شهر غرناطه چهل و پنج روزه مسافتی را طی کردن لازم است و از همان نقطه باز گشته به غرناطه رسیده و معلومات مهمه بمرکز ثبت نمودند و پس از چندین صد سال کریستوف کلمب قطعهٔ آمریك را با همان اصول

و روی آن خریطه کشف جدیدی را موفق شد و در هر سال بمناسبت همان روز بنام کاشف آن در تمامی روی زمین از ملل حیة عالم جشن با شکوهی برپا و اقامه می‌گردد که در واقع آن فخر ما مسلمانان بود و جشن بنام مسلمانان آن زمان اقامه شدنی است و شوکت مسلمانان بمثابهٔ بود که سیصد باب حمام برای تنظیف عمومی مجانی ترتیب و هشت صد باب کاروانسرا محض برای استراحت و اقامت مسافرین مجانی تعمیر و اصلاح شده بود و هر سالی یك دفعه مجلس امتحان تشکیل داده و از اطباء از طرف هیئت ممتحنه امتحانات علمیه گرفته و اجازه رسمیه می‌دادند و یك نفر طبیب معمر و مسن را حاضر مجلس امتحان نموده از کیفیت تحصیل طب و ترتیب ادویه و اصول معالجه سؤال کردند آن طبیب پیر با لحن شدید و صدای خشن با قیافهٔ غیظناك جواب که از مثل من سؤال می‌کنند که چند جلد کتب طبی تالیف کرده و چند نفر شاگرد از حوزهٔ طبیه ات با تصدیق حاضر طبابت شده نه اینکه از من سؤال می‌نمایند که در کدام مدرسه تحصیل و از کدام معلم طب تعلیم و با کدام اصول تداوی می‌کنی. از این گونه جواب پیر رئیس هیئت ممتحنه منفعل و حضار متعجب شدند و عذرها خواستند و پس از فراغ از امتحان با کمال تواضع از حقیقت حالش مخفیاً سؤال نمودند طبیب مسن بیان حال را حقیقتاً اظهار داشت که من ابدا تحصیل نکرده و از علم طب رسما چیزی را مستحضر نیستم فقط با اصول ساده وجه معاش چند فر افراد عائله‌ام را از این ممر تأمین می‌کنم و عذر هم می‌خواهم. از این بیانات و کیفیت

مهارت آن پیر جهان دیده بسیار تعجب کرده و قدغن اکید و منع شدید نمودند که دیگر بار مداخله بامور طبابتی نکنند و ایضا پس از مدتی یکنفری را حاضر مجلس امتحان نموده از وی سؤال کردند علم طبابت را در نزد کدام مدرس طب تحصیل کرده و یاد گرفتهٔ جواب داد که از پدرم تعلیم نموده ام معلوم شد که پسر همان طبیب پیر است حضار خندیدند و آن را هم منع از مداخلهٔ امور طبابت کردند . اجمالا در سایر علوم (آکادمی) یعنی حوزه دانش عمومی ترتیب داده مذاکره می کردند و راقم در کتاب مبدء الاسلام اثر عاجزی ذکر نموده که یونانیان از لفظ (آکادمی) اشتباه کرده چنان ظن کرده اند که لفظ یونانی و مؤسس آن یونانیان هستند حالیکه یکنفر از یونانیان خانه شخصی خود را بمکتب تخصیص داد و نام آن شخص (آقادیموس) بود این مسئله ربط به آقادیمیاء ندارد زیرا که حوزه دانش عمومی غیر از مکتب است و مسلمانان در هر عصر و دوره در هر علم حوزه ها تشکیل داده و مذاکراتی داشتند در بغداد رئیس حوزه عمومیه حضرت رضا علیه السلام و سلطان العلماء غرناطه معروف است و در مصر با اشتراك حوزه علمیه کشتی های طراده و حراقه و کشافه یکروزی شش صد قطعه کشتی از این قبیل بدریا افکندند و سیبویهٔ و فراء و کسائی و خلف و مبرد و همکذا پس سایر ملل عالم پس از قرون انتباهات از مسلمانان اخذ و اقتباس کرده اند و ایضا ترقیات مسلمین از برکت دیانت اسلامیه و آزادی فکر در مذهب حق باندازه بود که اگر کسی چیزی گم می کردی باخبار و اعلان

و صدا کردن در بازارها محتاج نبودی بلکه یك اداره بنا (سر بر تخانه) ترتیب داده بودند با اطلاع آن اداره چیز گم شده را از آن جا پیدا میکردند و اعضاء آن اداره موظف و مامور بودند که بمجرد خبر دادن به آن اداره شیئی مفقود را پیدا و بصاحب آن می رسانیدند اجمالا تفصیلات مدنیت اسلامیه را ذکر نمودن موجب اطناب است و رسالهٔ مستقله لازم است همین قدر لازم است قبل از جنك صلیبی در تاریخ قرون وسطی که جهالت اوروپای غربی را استیلاء نموده و پرده عصبیت جلو چشم مردم گرفته بود اهالی تابع عصبانیت کشیشان بوده و خلق چنان تصور می کردند که دنیا عبارت از ممالك حوزه دریای سفید است و چهار طرف این ممالك اقیانوس کبیر محیط شده بواسطه اینکه در انتهای اقیانوس کبیر جن و شیاطین مکان دارند و امکان پذیر نیست که بیش از چند روز مسافت روی دریا طی و گذارش کردن و اختلاط با ملل غیر مسیحی را کفر و زندقه می دانستند پس از وقوع جنك صلیبی باب تجارت مفتوح گردید و در نتیجه تعصب بی ربط اوروپای غربی رو به تقلیل گذاشته مدنیتی که از شرق و اندلس در آن زمان در نقاط دنیا از اسلام انتشار یافت و اذهان اهالی منور شد بالنتیجه افکار روشن گردید و قضیه کروی بودن زمین مطرح گردید و بنا بر آن در قسمت جن و پری های اقیانوس کبیر از بین رفته و مطابق دستور و نقشه هائیکه از طرف ملت غرب از مسلمانان اتخاذ گردید ملاحان برای مسافرت بطرف دریا شرق سیاحت و کریستوف کلمب آمریکا را کشف نمود و پس از محاربهٔ صلیب این

اکتشافات و ترقیات از برکت دیانت اسلام و مسلمین بعالم بیادگار ماند لکن پس از اشتباه افکار اوروپائیان جدیت نموده از خود مسلمانان مقدم شدند مزیت فرع بر اصل شد و الان در هر سال یکقطعه از قطعات دنیا کشف می کنند طوریکه کنرال (استانلی) طفلی بود صغیر و پسر یك شخص فقیر و در فابریك با مزد دست خود اجرت گرفته و درس می خواند و در آخر از طرف اداره روزنامهٔ (هرالد) آمریکا مامور به کشف جزیره جدیده (تانکانیکا) آفریقا و کشف خط استوا شده در مدت چند سال غربت و مسافرت کرده و دو جلد کتاب سیاحت نامه کنرال استانلی مشهور است کتابی است قیمت دار .

شماره ۲ از فصل دوم

اما در عالم شرق وقتی که آخرین پادشاه ساسانی مغلوب قواء مقتدره اسلامی گردیده بناء با شهر قولین در دست آسیابانی مقتول و متجاوز از دویست سال کلیه مملکت ایران با ملوك الطوایفی و انقلابات امرار وقت کرده و تابع اوامر خلفاء بغداد بودند در آن اوقات که خلافت رو بضعفی گذاشته و ایرانیان در اطراف مملکت بخیال تشکیل سلطنت استقلالی افتادند و اولین سلسله که موفق به مقصد گردیدند سلاطین صفاریه بود و یعقوب ابن لیث اولین سلسله صفاریان بوده و پسر روی گری بود پس از وی عمرو بن لیث سلطان مقتدر و خدمات شایان بعالم اسلامیت نموده و بعد از انقراض شان سلاطین سامانی زمام امور دولتی را بدست گرفته و نه نفر از ایشان سلطنت کرده

و خدمات لایقه بعالم اسلامیت نموده اند و بعد از ایشان غزنویان که ذکرشان قبلا سمت نگارش یافت از الب تکین ابتداء شده بیست نفر از آن ها سلطنت کرده اند و خدمات شان بعالم دیانت قابل انکار نبوده و نیست و پس از ایشان دیالمه هشت نفر از ایشان قریب یکصد و پنجاه سال حکومت داشته اند و پس از انقراض حکومت دیالمه آل بویه که از اهالی گیلان بوده و هفده نفر از ایشان قریب صد و سی سال و معروفترین آن ها عضد الدوله دیلمی است که به علماء و فضلاء احترام و به تعظیم شعائر اسلام اهتمام می نمود و به ساختن ابنیه خیریه بیشتر مایل بوده و خدمات خدا پسندانه بعالم دیانت و نام نیکی در عالم تشیع در صفحات تاریخ بیادگار گذاشت و موقع مهمی در سالک نامهای اشخاص لایق اشغال نمود بعد از دیالمه سلجوقیان که قبیلهٔ از ترك بوده از ترکستان بایران آمده و قبول اسلامیت کرده و خدمت ها بعالم دیانت کرده اند و پس از انقراض ایشان خوارزمشاهیان از تاریخ چهار صد و نود و یك الی تاریخ شش صد و بیست و هشت حکومت داشته و بفکر دفع و قمع اسماعیلیان سعی کردند ولی بدست چنگیزیان که بلای آسمانی آسیا محسوب بود محو و منقرض شدند و ایضاً اتابکان مدتی سلطنت کرده اند که سعدی علیه الرحمه بنام ایشان اشتهار یافته اتابیك ابن سعد بن زنگی که ممدوح شیخ سعدی است و همهٔ ایشان اسلام پرست بودند و تیموریان که نژاد ایشان به چنگیزخان منتهی می شود مدتی سلطنت کرده اند و پس از دورهٔ تیموریان ملك ایران محل کشمکش اغیار و مورد انقلابات اجانب بوده و عالم تشیع رو بانحطاط

و تنزل گذاشته بود و امید به یأس و حقیقت به مجاز تبدیل یافته بود تا گاه در اوائل قرن شانزدهم سلسله جدیدی که احتمال سلطنت در خانواده ایشان نبود تشکیل یافته تکرار مملکت ایران در حقیقت عالم اسلام از انقلابات و هرج و مرج رهائی یافته و رو به ترقی گذاشته و در سایهٔ جدیت سلاطین با شهامت اسلام در نقاط بعیده بیرق اسلامی تمرکز و تموج نموده و اعتلاء نمون گردید و گوش مستمعین با شنیدن صدای اذان محمدی و گلبانك احمدی محظوظ شد و دویست و پنجاه سال سلطنت اسلامیه در سلطه سلسله جدیده بود و ترقی کامل عالم دیانت شدند و خصوصا مذهب تشیع را رونق تمامی رسانیدند و همان سلسله جدیده اولاد شیخ صفی الدین اردبیلی قدس سره بودند که شیخ مرحوم صاحب نفس ذکیه بوده و از وی کرامات ظاهر می شد و از اثر یك نوعی از قوه معنویه به عالم سایره دنیا اثبات کردند که دین اسلام لا یزول بوده و استمراری است طوری که علم تاریخ نشان می دهد عملیات شاه عباس کبیر در تمام نقاط قطعهٔ آسیا مشهور و با لعیان آثار باقیه اش مشهود است و عدالت اسلامیه آن شاه دل آگاه در تواریخ مسطور بوده و رأفت ملوکانه اش غیر قابل انکار است و کلیه صنوف مختلفهٔ رعایای دولت بدون فرق میان نژاد و ملیت از اهل مذاهب مختلفه در زیر لواء جامعه محمدی با کمال امنیت امرار حیواة مسعودانه می نمودند وقتی که به شرف عتبه بوسی آستان مقدس رضوی نایل شد و از زیارت فارغ گردید بعرض ملوکانه تبلیغ داشتند که مناسب است در شهر خراسان و آستان مقدس رضوی

بامر شاهانه یك باب مریضخانه عمومی برای معالجهٔ مرضای مسلمین بناء شود شاه جواب داد که من تصمیم کرده ام طوری اصلاحات نمایم که در توده ملت مریضی پیدا نشود نه اینکه مریض شوند و معالجه مرض نمایند و در قسمت شهامت و غرور ملی آن شاه بزرگ یك قضیه تاریخی کافی است که یك نفر سفیر فوق العاده بفرنگستان ارسال کرده و پس از انجام دادن عمل اعزامی خودش باز گشت و در مورد وصول باصفهان بااستقبال وارد شهر و پس حضور شاهانه را تشرف حاصل و بمحض داخل شدن حضور سلطان بدون درنك شاه از تخت خود پائین و در روی بساط شاهانه و محضر رجال دولت سفیر را قتل نمود پس از چند مقربان درگاه جسارتا بعرض رسانیدند که این بیچاره بچه علت معروض سخط سلطانی شد و انکهی بچه سبب بدیگران امر نفرمودید جواب داد چون نماینده اسلام در موقع اقامت پاریس که رئیس الوزرای آن مملکت فوت شده و اهالی پارچهٔ سیاهی به بازوی خودشان بسته و علامت عزاء قرار گذاشته بودند این نمایندهٔ مقتول با ایشان هم فکر و هم رنك شده بود و این معناء را مخفیاً بمن اطلاع داده بودند باندازه از این خبر متاثر شدم که مجال صبر کردن نمانده بود و بریختن خونش چنان شایق بودم که بدیگران محول نکردم و در قسمت معدلت و رعیت نوازی همینقدر کافی است که قوم ارامنه با وجود شیطنت که در نژاد ایشان مجبول و مجبوری بوده و در نزد تمامی اقوام و ملل دنیا مشهور است با این وصف مورد عطوفت شاهانه شدند و با کمال خوشوقتی در ایران قبول شده و زندگانی

کردند و حالا می کنند اجمالا ترقی اسلام در زمان سلاطین صفویه بمقامی رسید که از طرف امپراطور (دوره لیاخوف) وکیلی بنام ائتلاف و دولت دوست بایران اعزام گردید ولی چون بمقام سلطنت اسلام شایسته ندیده رد شد و از دولت (حجار آفستریا) یك نفر نماینده در ظرف مدت پنج سال به موصل واصل شده بدربار سلطنت متبوعه خود افتخاراً اخبار کرد که به نزدیکی حکومت ایران رسیده امید وارم که باشرف دوستی ایشان مشرف باشم باری تشرف بحضور سلطنتی حاصل با کمال بی اعتنائی مردود شد و ایضا از ناحیه دولت بریتانیای کبیر (خمیس نام) سفیری داخل دربار دولتی شده ایضاح مرام نمود ولی شاه طهماسب که سلطان وقت بود سؤال کرد آیا شما کافر هستید یا مسلمان جواب داد نه از آنیم و نه از این بلکه عیسوی هستیم گفت ما را با عیسویان کاری نداشته و دوستی ما صورت نه بندد نماینده را از دربار بیرون کردند ونکته تاریخی در این باب نوشته اند که حاجب مقداری خاکستر با خاك انداز بجای قدم سفیر ریخته گفت که اینجاها متنجس گردید و این معنی را یك عیب تاریخی دانسته اند نسبت به شاه طهماسب فقط اقتدار و نفوذ کامل همین حکم را دارد و از نصارائیان توهیناتی که به نمایندگان مسلمین وارد شده اگر مقایسه شود از صد یك کمتر است طوری که در جنك بین المللی اخیری دول عالم نماینده ها بجامعه ملل ارسال کردند وباز ایران نماینده بنام محافظه حقوق یك ملت نجیب و قوم اصیل قبول نشده چون اقتدار در ایشان و ضعف در طرف ایران بود و لله الحمد که در

موقع تحریر این رساله عظمت و شهامت دولت اسلام حقوق متقابله را اجزا و یك نفر نماینده محترم در مجمع ملل اثبات وجود نموده و حفظ حقوق مسلمانان می نماید مبارك آن چه ذکر شد کتاب (سر جان ملکم انکلیزی است رجوع نمائید) با این وصف در اواخر دوره سلطنت سلسله صفویه عالم اسلام بالخصوص مملکت ایران رو بضعف گذاشته و در زمان سلطنت شاه سلطان حسین کار بجائی رسیده و فلاکت ایران را فرا گرفته و عیاشان دور شاه را گرفته تنبلی و عطالت را شغل خود ساخته و از سلطنت بنام خشك و خالی قناعت کردند تا اینکه (میروسیس) نام افغانی از حقیقت حال اطلاع یافته بنای بد سلیقه گی را گذاشته و بعض نقاط ایران را مسلط کشته و بعد از وی پسرش محمود افغانی تسلط تمام یافته و اصفهان پای تخت ایرانی آن زمان را محاصره کرده و در جلفای اصفهان نشیمن نموده از شدت قحط و غلاء و زحمت محاصره و فقدان وسایط زندکانی کار چنان مشکل شد که اهالی اطفال معصوم را کشته و کوشت آن ها را می خوردند و مردکان را که بتازکی فوت شده بود از کوشت خالی کرده می خوردند و قس علیه از این حال اسف اشتمال خلق بستوه آمده و شاه با رجال مملکت و اعیان دولت و نمایندکان سایر طبقات از علماء و امراء جمع شده با بیرق های سیاه مشکی رنك با کریه و زاری از شهر خارج شده با هیئت مخصوصه حاضر تسلیم محمود افغانی کردیدند بنا بروایت شیخ محمد که از اجله مورخین اسلام است و قولش در نظر موثقین اهل علم طرف وثوق و اعتماد است که

می نویسد تقریباً سه ساعت شاه با ارکان هیئت مقابل آفتاب بیرون چادر محمود منتظر نشسته بعد اجازه دخول داده شد و پس از قبول ورود تاج کیان و شمشیر شرافت ایران را با دو دست خود تسلیم محمود کرده و با مذلت تمام زیر بار عار و ننگ حیات را بر ممات اختیار کرد شاه را بحرمخانه ارسال نمودند و چند روزی امرار حیواة سفیلانه کرده ترك حیواة دنیوی نمود و ظلم از حد گذشت و بیست چهار سال تقریبی ایران مورد برك ساز و محل کشمکش اجانب شده و شیخ محمد محزون از مشاهده این حال اقامت ایران بر وی سخت شد غربت و مهاجرت بهندوستان را اختیار کرده و در آن صفحات فوت شده فعلا مزارش معروف و بر زائرین مشهور است رحمة الله علیه رحمة واسعه از جمله لکه های تاریخی و ننك آور همین قضیهٔ افغانیان که مدتی اعزه مملکت محکوم بمذلت فوق التصور گردیده و مسلمین مغموم و عالم دیانت داخون گردید چون مقصد تاریخ نگاری نبوده بلکه نظر به معنویت دین مقدس اسلام است که در هر دوره و زمانی با قوه غیبیه از اسارت خلاصی یافته و ترقی نموده و خیال باطل را از نظرها دور و بدنیا اعلان نموده که اسلام باقی و لا یزول است و حافظ غیبی و امداد لا ریبی دارد.

شماره ۳ (از فصل ۲)

ایضا رجوع بمقصد زمانی که ایران محل سلطنت اغیار و مورد انقلابات ملوك الطوایفی گردیده و مسلمین از هر جهت در فشار و تضییق فوق العاده امرار اوقات سفیلانه می کردند و از هیچ طرف امید نجات در میان نبوده و منتظر معینی

نبودند غیر از اعتقاد دینی بر این که شرع محمد صع مستمر الی یوم القیامه به ترقی اسلام در ظاهر ملجائی و مرجعی نه بود در خلال این احوال از نژاد خالص ایرانیان نادر دوران سلطان با شرف و شأن شاه دل آگاه نادر شاه افشاری افتخار ایران از طبقهٔ سافله که شغلش راهزنی بود بدستیاری غیبی پس از دفع و طرد افغانیان و استرداد خراسان به ملك ایران قناعت نکرده با عزم متین جهان گیری رو بطرف هندوستان گذاشته کشمیر و پنجاب و تا دهلی پای تخت آن سامان پیش رفته و محمد شاه هندی را مغلوب و پس از مراجعت بحدود ترکیه هجوم و بروس ها غلبه و قریب هفتاد ملیون تومان حالیه ایران بداخلهٔ مملکت نقودی جلب و خدمات شایان بعالم اسلام ابراز نمود از شاهکاری های نادر بذل سعی کردن آن شخص بزرگی بود بتوحید افکار (فایده مهمه) توحید افکار و وحدانیت مایه و اتحاد معنوی میان افراد ملت اسلامیه یك مرام مهم و مقصد عالی است که تا حال هیچ یکی از سلاطین مقتدرهٔ اسلام نائل باجراء آن چنان مرام عالی نگشته اند توضیح مقال باطریق بسی اجمال اینست که البته متدینین دین مقدس اسلام از مواد دیانتی دین مطاع خود مسبوق است دین اسلام در محیط محافظه حقوق امر می کند (انما المؤمنون اخوة) و در محور اجتماعیات می فرماید (فاعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا) و در ضمن اعتقادیات اصولا مبرهن شده خدا یکی بوده و دو نیست و دین توحیدی همین است که با کلمه مقدسه جامعه (لا اله الا الله) جامع تشبیهی و تنزیهی بوده در هر محیط یك پیغمبر صاحب شرع و دین

مبعوث و قوه مجریه همان نبی در هر زمان یك نفر امامی بوده این است که
جانشین امام که حجة الاسلام است در هر عصر و زمانی یکنفر از حوزه
اسلامیه منتخب و اعلمیت آن محرز خواهد شد این است که در رساله عملیه
آقایان حجج الاسلام در دیباچه آن معنون است که تقلید اعلم واجب است و
بلا اشکال اعلم از همهٔ ناس یکنفر خواهد شد و دیگران عالمند نه اعلم پس
مجتهد حی اعلم در هر عصر یك نفری می شود و دیگران دم از اعلمیت
نمی زنند در آن صورت از یك مجری احکام دین و دستور امورات دنیوی
صادر شده و جریان پذیرفته و نقصی و نقصانی در عالم ملیت پدید نخواهد
شد مثلا دورهٔ مشروطیت ایران یك آئینه عبرتی است که جمال اسلام را
نشان می دهد این است که نادر بی بمحسنات توحید فکری برده و دراین
موضوع سعی نموده مصمم گردید که انقلاب دینی و اختلاف مذهبی از
میان برخاسته آن یکی دیگری را تلعین و یکدیگری را تضیق و یا تکفیر
نکنند که در واقع الاسلام یعلو و لا یعلی علیه با توحید افکار مصداق خارجی
پیدا می کند و اما در ممکن بودن این گونه مرام عالی و کیفیت واقع شدنش
فکری داده و تامل کنیم معلوم می شود که با تشکیل یك حوزه عمومیهٔ اسلامیه
از اهل علم و انصاف حقیقت واقعه بخوبی انکشاف یابد طوری که بملاحظه
این نکته که جبرائیل امین و حی بخانه نازل شده و احکام دیانت از محلی
انتشار یافته آن محل مسلم عموم عالم اسلام است و در صدر اسلام این معناء
اختلافی در این موضوع نبودی و بلا اشکال دین اسلام از خانواده رسالت و

دودمان امامت منتشر شده و از آن سلسله امام همام جعفر ابن محمد علیهما السلام بمقتضای وقت فضلاء و علماء وقت را بدور خود جمع و با تدریس و تعلیم علم فقه و سایر اصول و قواعد اسلامیه را کاملا نشر و انتشار داده و دین اسلام با لحاظ مشی و رفتار با آن اصول مذهب تسمیه شده و بمناسبت نشر کنندهٔ احکام آن دین مذهب جعفری نامیدند پس دین و مذهب یکی بوده و تغایر اعتباری در میان است و ایضا شریعت همان دین است چون تساوی حقوق در دین ملحوظ است لذا شرع نامیده شده اجمالا فقه اسلام مثل سایر علوم از امیر المؤمنین علیه السلام بدیگران رسیده و بعداً بید بامام همام علیه السلام هم از طرف الوهیت و هم از جنبهٔ خلافت امامیه به آن حضرت وصول شده و همان فقیه است که بشهادت اخبار و تصدیق علم تاریخ ابو حنیفه محمد ابن نعمان از منبع علم و عرفان تحصیل کرده و کسب فیوضات نموده و سؤالات مشار الیه از آن حضرت در بیان فلسفهٔ بعضی احکام مسطور است و خود آن بی چاره مدعی مقام امامت نه بوده سهل است همیشه با وجود مقدس امام عالی مقام افتخاری هائی داشت و محافظه ادب می نمود و در زمان هشام در راه محبت باستادش و احترام امام معصوم با کتك كاری با نحو مخصوص باسوء حال فوت گردید (رجوع کنید بکتاب تاریخ تمدن الاسلام احمد حلمی بیك مورخ و فیلسوف اسلام نه اینك تاریخ احمد رفیق بیك)

و پس از ابو حنیفه رئیس حوزه تدریس محمد بن ادریس بن احمد بن علی بن عبد الله بن عباس بن عبد المطلب است که مذهب شافعی باو

منسوب بوده و عم زاده حضرت صادق آل محمد سلام الله علیه می باشد و خودش بالواسطه شاگرد آن حضرت و محب خانوادهٔ عصمت و اقرباء اهل طهارت است و خطبهٔ عرفانش مشهور و بعضی از اشعارش درجه محبت و اخلاصش را نسبت به آن بزرگواران از آن معلوم است و یك شعرش این است

(لوکان رفضا حب آل محمد   فلیشهد الثقلان انی رافض)

یعنی اگر دوستداری آل محمد رافضی محسوب است تمامی خلائق شهادت کنند که من رافضیم یعنی دوستدار ایشانم و در جای دیگر می گوید

و مات الشافعی ولیس یدری   علی ربه ام ربه الله

یعنی در حین مرك شافعی ندانست خدایش علی است یا اینکه خدائی که مسلم است و در جای دیگر می گوید (انا عبد لفتی انزل فیه هل اتی) یعنی من غلام کسی هستم که در شأن آن کس سوره هل اتی نازل شده و آخر شعرش تصریح می کند بطور استفهام آیا غیر از علی در شأن او هل اتی نازل شده و احمد و مالك ایضا شاگرد شافعی هستند بالواسطه و بلا واسطه پس در این صورت سؤالی لازم است که آیا این مذاهب مختلفه از کجا احداث شده حالیکه صاحبان آن مذاهب خودشان از معدن عرفان کسب نور ایمان کرده و مدعی آن چنان مقام عالی برای خودشان نبودند و اثر این اختلافات مذهبی آن است که اسلامیان یکدیگر را دشمن دانسته و از دشمنان حقیقی چشم پوشیده و باطراف عالم نظر دائمی در پی اخلال و اغفال جمعی از هم کیشان خود بود و پیکر نازنین اسلام را با حربه غرض شخصی پاره نموده و چنان

ظن دارد که خوب کرده و لسان ازلی این معنا را خبر داده (و هم یحسبون انهم یحسنون صنعاً) و چنان ظن می کنند که اسلام همان است که اعتقاد کرده

(و کل یدعی وصلا للیلی و لیلی لا تقر لهم بذاکا)

هر کسی از ظن خود شد یار من وز درون من نجست اسرار من

و علاوه از این یك مضرتی عمومیه از این اختلاف مذهبی تولیـد شد که سد باب آن رخنه قابل نیست طوری که عالم نمایان که در واقع کرکان بوده در صفت میشان جلوه دارند قران خوانـد عالم را ویران می کنند تمسك به یك حـدیث عالی مضمون کرده و معنی آن را ندانستند فساد در اسلام حادث شد (اختلاف امتی رحمة) اصل معنای واقعی حدیث اینست که تردد برابواب علماء برای کسب علوم رحمت خدائی است و در لغت و حدیث در جاهای دیگر همین مضمون را مشعر است چنانچه وارد است (اختلفت الی باب ابی لیلی) یعنی تردد می کردم بخانهٔ آن کس فقط حدیث را معنا کردند که اختلاف در مذهب رحمت است حالیکه نقمت است و از طرف دیگر حـدیث دیگری عنوان شد که گویا ملل مسیحیه هفتاد و یك فرقه شده و مذهب اسلام هفتاد و دو خواهد شد از این لحاظ باختلاف مذاهب فکری دادند و عددش را افزودند لفظا قائل و معنا عامل نشدند (رفت چه ها رفت که هرگز مبـاد) در اطراف کره مسلمانان از یهود زیاده معرض توهینات غیر لایقه شدند و اعزه شان محکوم بذلت گشتند و اگر تفصیلات مذاهب اسلامیه را تفصیلا بنکاریم آن وقت (مثنوی هفتاد من کاغذ شود) جعفری ، حنفی ، مالکی ، حنبلی

زیدی ، فطحی ، کیانی ، جارودی ، خلیلی ، جوفی ، بیهقی ، عروسی ، عشقی حلولی ، اتحادی ، وحدتی ، علی اللهی و طریقت هائی که از آن ها منشعب گردیده قابل تعداد نیست از قبیل شیخی ، و کریمخانی ، و ذهبی ، و عبدالقادری و ادریسی و غیره که تفصیلات آن را در کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی تحریر نموده و اصل اصول عقائد شان را نوشته ام رجوع نمائید اجمالا براولیاء امور و صاحبان حل و عقد از همه اصلاحات مقدم تر این است که تشکیل حوزه های عمومیه علمیه نموده و از صدقات و موقوفات و نذورات و کفارات منبع واردات تعیین کرده و ارباب فکر و اطلاع و صاحبان خبرت و بصیرت را جلب نموده با دعوت محققانه طبع و نشر مجلات علمیه دینیه افراد ملت اسلامیه را بتوحید افکار و وحدانیه ملیه و اتحاد معنوی تلقین نمایند و عوض تقلید کور و کورانه بر اجانب بایك نوع اساس محکمی از اصول و قواعد اسلام افراد مربوط ساخته و به تفرق و اختلاف راه نداده عامل (فاعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا) باشند و ملتفت باشند بر اینکه دین مقدس اصولا و فروعا چه اندازه موافق عقل و معیشت و جامع سعادت دنیوی و اخروی بوده نورانیت بخش تمام کره عالم است و از استعمال الکول و قالن و کشف حجاب و آزادی نسوان و بی قیدی و لاابالیگری که هر یکی در محور خود مرض بنیان کن نوع انسانی بوده و هلاکت عباد و تخریب بلاد را منتج است بر کافه علماء اسلام واجب عملا بوظیفه مقدسه راهنمائی خلق را از معایب اینگونه اعمال وحشیانه تحذیر کرده و دعوت بر حکمت اسلامیه نمایند و تمدن کذائی

اروپائیان را نصب العین خودشان قرار نگذارند زیرا که آن گونه تمدن بمنزلهٔ یك نوع سرما خوردگی است که بر تن عریان مسلمانان وارد شد باعث هلاکت ایشان خواهد شد اجمالا نادر علاوه از طرد و دفع افغانیان و استخلاص ایران و ایرانیان از تعدیات دشمنان و غلبه بر ترکها و فتح هندوستان که هر یکی خدمت باسلامیت بوده و افتخار تاریخی بشمار است بفکر توحید افکار در میان افراد افتاد و سعی هم نمود ولی حسودان حایل میان همت عالی و مقصد مقدس او شده بدور وی جمع و القاء عداوت میان آن شاه دل آگاه و میان اولادش کرده بالاخره در صحرای خانی بقتلش رسانیدند و فکرش به آخر نرسید رحمة الله علیه رحمة واسعه.

شماره ٤ (از فصل دوم)

در این شماره بمناسبت اخذ و اقتباس مسیحیان علوم عصریه را از مسلمانان آن زمان و ترقی ایشان در سایه این گونه تقلید، تقلید بعضی از افراد مسلمین را بدون جهت و بلا علت که یکنوع مضرت عمومی است نگارش داده و بنظر مطالعه کنندگان عیوبات این قبیل فساد اخلاق را ارائه می نمائیم مطالبی که یك جلد کتاب برای درج آن لازم بحض از روی فقدان وسایل در چند سطری بیان و ایضاح مرام را مجبوریم باشد که ملتفت عیوبات تقلید کورانه اجانب باشند بدیهی است که سالهای سال است که عالم شرق پی در پی (بقول یکنفر محرر اسلامی) از صفحات بحرانی گذشته و موضوع تاریخش دگرگون گشته و مراوده و مخالطه با دول همجوار و نزدیك تر افکار شان را تبدیل و زندگانی

ایشان را تغییر داده مثلا از یکطرف اختراعات عجیبه و اسباب غریبه از قبیل خط آهن و تلگرافات و تلفون بی سیم و با سیم و سایر آلات نوین و از طرف دیگر دعوت و تبلیغات مامورین و مبلغین دول استعماری و استهلاکی اروپ و سرایت افکار و آثار در میانه شرق و غرب پیوند مناسبات را صمیمی و محکم تر ساخته و بقول شیخ مصلح الدین سعدی علیه الرحمه (بنی آدم بمنزله اعضای یك بدن و یا خود بمثابه افراد خانواده هستند و بدیهی است بعضی افکار از نوع بشر به یکدیگر بزودی سرایت کرده و در اندك مدتی عمومیت پیدا می کند و بالعیان در خود مان مشاهده هم می کنیم که این معنی طوری است که معروض گردید و مدنیت ظاهری که مدتی است برقلوب مردم استیلاء یافته و افکار را مسخر نموده بعلاوه مجاورت از نقطهٔ به نقطهٔ دیگر هر چه سریعتر است سرایت می کند و چنانچه تاریخ نشان می دهد در هر دوره تاریخیه یك ملتی ممتاز و مشعل کش میدان ترقی و تمدن بوده و شکل مدنیتی بر خود گرفته و این شاهد آمال عمومی را هر کسی بر وفق طبع و طبق خیال خود توجیه و تفسیر نموده مصریان و یونانیان و رومیان و ایرانیان قدیم در عالم تاریخ مدنیتی داشتند و در معرکهٔ ترقی شهسوار بودند و مسلمانان در قرون وسطی از همهٔ ایشان مدنیت ظاهریه و باطنیه را در مصر و بغداد و غرناطه نایل گردیدند ولی الان غربیان یعنی اروپائیان یکنوع ترقیات مادیه را مالك بوده و مدنیت را تغییر بهمان معنی نموده و خودشان را مدنی و شرقیان را وحشی می نامند و اهالی کره را بخودشان مجلوب و

مجذوب کرده اند و طبقات ناس چنان خیال می کنند که بهترین شکلهای مدنیت همانست که در اوروپائیان و غربیان جلوه نمون کردیده و ظن دارند که رعایت کنندهٔ حقوق بشری عین ادارهٔ متمدنانه غربیان است این خیال باطل بردماغ و مخیلهٔ شرقیان چنان مستولی شده و جا گیر گشته که دیگر فرصت فکر کردن عاقبت آن چنان تمدن کدائی بلکه کوش کردن بر آن چنان سخنانی که بر خلاف آنست وقتی ندارند و نمی فهمند که تمدن غربیان و کلیه عادات اجنبیان بمنزلهٔ سرمائی است بر تن عریان وارد شده و مبتلا بهر گونهٔ امراض مهلکه کرده و بالاخره هلاکت آن ها را منتج خواهد شد ادنی ترین امراضی که احداث می کند اینکه ملاحظه کنیم که متاعی از بازار اوروپا داخل بازار مسلمانان می شود با یك نفوذ کامل و تأثیر فوق العاده خود انقلابی بر پا می کند و سه گونه انقلابات را در میان افراد جامعه ملیه تولید می نماید اولا نقود ممالکت را که بمثابه روح ملت است به بازار اروپائیان سریان داده باعث فلاکت فوق العاده می شود . و ثانیا مضرت دینی منتج است طوری که قلوب عامه مایل به آن گونه امتعهٔ نفیسه و اسباب و آلات زینت و تجملات شده و از صمیم القلب بقاء و زندگانی شان خواهان می باشند و قال الصادق ع‌س کل ما یتقوی به الکفر فهو حرام بیعه و شرائه . و ثالثا وقتی که متاعی خوب و قشنك تازه وارد می شود با خودش یك لغت تازه اجنبیه چون مهمان نا خوانده آورده بمیان لغات مسلمانان داخل کرده بدین واسطه یك انقلابات لسانی پیدا و با وسیلهٔ آن کلید ملیت که زبان است ملاحظه کنید

ضروریات خانگی را که منزلها پر از متاع خارجه است و ما را
مجبور به تکلم زبان اجنبی می نماید چون لامپه و استکان و شکر که تحریف
شده (صخر) روسی است و سماور (بنام سوار) خودجوش ایضا روسی است
و اسطول و استکان و مبل و فاکول و ژاکت و ژلیتقا که فرانسوی و آمریکائی
و روسی است و قس علیه نظایر آن ها از سایر لوازمات عمومی مثل قایطون
که از عادات مسلمانان است متاعی که تازگی وارد بنظر آن ها بعیضد آمده
احتیاط هم می کنند وقتی که کهنه گی پیدا کرد چنان خیال می کنند که
مال خاص و ملک مخصوص ایشان بوده و از زمان پیغمبر اسلام علیه السلام
بیادگار مانده چون لفظ قایطون در مقابل اوتوموبیل و موتوسیکلت و دیلیسید
و آیروپلان و مونپلان کهنه گی وارد حالیکه همه آن ها لفظا و معنا مال
اجانب است که باندازه حریص تمدن اوروپائی غربی شده اند علاوه از
ضروریات در آن چنان چیزهائی که ابداً ازوی ندارد افراد ملت اسلامیه
مختص بنام خوش آیندگی دیگران الفاظ و معنا استعمال می نمایند راقم از یک
نفر جوان هوسران از مسلمانان دیدم که شمسیه در دست گرفته با رفیقش
گردش می کرد سؤال نمود که این ژون ترک را بچند خریده مقصدش
حرف زدن بالفظ روس بوده و شنیده بود که روسها به چتر و شمسیه چیزی
قریب به ژون ترک می گویند و نفهمید (زون تیق) نه (ژون ترک) که در
فرانسه بمعنی جوان ترک است چه ضرورت داعی باین شد گوئی غلط است
خدا می داند ویکی هم از تقلید کنندگان اجانب در موقع تشکر از رفیقش

با نقایم سیغار (مرثیه) گفت یعنی طوری که فرانسویان در مقام تعظیم وتشکر (مرس) می گویند بمعنی متشکرم و ممنون هستم می باشد این جوان بی علم و خالی از همه چیز و بری از تربیهٔ ذاتیه و عاری از غرور ملی طوری مرس تلفظ نمود که در صورت مرثیه شد یعنی بمرك تو گریه تاکم اجمالا این همه فساد اخلاق درافراد جامعه اثر ورود امتعهٔ ارزان و قشنك است به بازار مسلمانان در نتیجه عوض تقاید مدنیت اوروپائی در مادیات که غیر از کشف حجاب و گردش زن ها در مجامع عمومی و اختلاط بی معناء با مردان چیز دیگری نیست تقلید کردن لازم است در تاسیس مبانی عالیه تجارت و تشکیل حوزه های عمومیه علمیه و ترویج امتعهٔ داخلی وطنی و بکار انداختن بی کاران در امور اقتصاد و اختراعات مواد زندگانی چون در این دوره اشتباه فکری ممکن نیست شمع را مقابل قوه الکتریك در روشنائی استعمال کردن و کرباس را عوض لباسهای پشمینه مرغوبه پوشیدن چنانچه امکان پذیر نیست در قبال (تانکهای) مهیبه و اوتوموبیل های زره پوش لوازمات قشونی در عراده های گاوی بمحل ضرورت رسانیدن و تیر و کمان هزار ساله قدیمی را در قبال طوپ های شنیدر و شراپنیل و مورتر که از بیست فرسخ مسافه نشان گرفته تیر بهدف اصابت می کند عوض کردن و همکذا آیرو پلان های کشافه و غیرها و غاز های زهر دار مهلکه تقابل با گرز های رستمی و چوبه تهمتن و خنجر فولادینی پهلوانان قدیمی نمی کند و مشعلهای روغن آلوده در شبها برای گذرانیدن قشون از معبر ها مقاومت نمی تواند کند با طپانچه های تنویر

یا پروژ کتر های مضیئه که فرسخها شب را مثل روز روشن می نماید یا فنر های کشتی های حربی و کشفی و تجارتی و (اقلوز های) محیر العقول که در وسط دریای عمیقه برای تعمیرات کشتیهای آفت زده بناء شده و امثال اینگونه آثار فنون بشریه حالیه با اسباب روشنائی قدیمی برابری نمی تواند بکند پس آنانیکه اقتداری مالی و بدنی و فکری دارند برای شان وجوب شرعی در ذمه است که در مملکت خود شان مقابل اسباب و آلات نوین ترتیب قطع احتیاجات ملی را متکفل باشند تا اینکه انقلابات فکری و دینی و لسانی خاتمه یابد و تاجران ملت که امناء مملکت هستند دلال امتعه اجانب نبوده خدمت بعالم دیانت و ملیت نمایند والبته لازم است که افراد ملت اسلامی عبرت گیرند از جنگ اخیری بین المللی که سیلی تادیبی بود و مقابله علم با جهل نه اینکه یك محاربه عادی و متنبه باشند بر اینکه حقه تریاك و قار دره الکول و صندوق مار بازان و افیون ایشان با اختراعات دشمنان دین معاوضه نگردد و لسان ازلی خبر داده (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) مصدق آنست که ذکر شد در نتیجه با کمال تاسف مجبورم که اشعار به نکته نموده و بنام دعوت بر حقیقت دیانت از تقلید اجانب تحذیر نمایم که بعضی جوانان ملت نجیبه ایرانی شنیده اند مثلا (قونت) آلمانی یا (آرنست) فرانسوی یا (لنین) روسی یا (شیللی) آمریکائی بی دین است و شخص مذهبی نیست بمحض شنیدن بدون تامل در حقیقت واقعه فوراً یکنفر چغندر فروش یا شاگرد قناد یا دلال میدانچه های حیوانات فروشی سر و صورت خود را آراسته و

یك دست لباس تازه عاریتی گرفته با پوز عالی و جیب خالی مقلد قونت شده در بعضی مجمع با لهجهٔ شبیه فرنگیان می گوید برادر دین یعنی چه و مذهب برای چه اینها بازیچه صبیان و شایستهٔ مقام ساده دلان است منکه خودم شخص مـذهبی نیستم از قضای بی برکت اگر قونت لا مذهب شده از روی اصول بی اساس مخصوص خودش لا مذهب گشته و بعد از اکمال دوره ابتـداء تحصیلات (سیو سال) در علم فزیك و شیمی زحمت کشیده جزء فرد و مادهٔ و هیولا و (آتوم) جزء لایتجزی را زیر رو کرده در آنمیـانه کم گشته و حیران مانده بمقام عالی نهائی علم نرسیده و پی بمدبر ذرات و خالق کنندهٔ کائنات نبرده از این جا مانده و از آنجا رانده شده نه مثل پاستور و شوپنهاور شده و نه مثل عوام محض مقلد علماء گشته ولی تعجب از حمال است که متمول شده و تاسف از کسانیکه بتازگی چند کلاس مکتب دیده و یا بخارجه یك سیاحت خشك و خالی کرده بی چاره چنان خیال کرده که لازمه مدنیت بی دین شدن است حالی که سبب لا مـذهبی و علت محروم گشتن از نعمت عظمای دیانتی را هم ندانسته که چـه طور می شود انسان از دین و دیانت بکنار می افتد (ای هزاران لعن بر تقلید باد) پس مدنیت نه اینکه ترك کردن دین و بری شدن از مذهب است بلکه تمدن بمعنی توطن است در لغت عرب یعنی هر کس که فراری و وحشی و کوچری نبوده بلکه مقیم یك مملکتی بوده و کمك باجتماعیات بشری بنماید آن کس مدنی محسوب می شود اگر صاحب فکری بی غرض ملاحظه منصفانه نماید یقین برایش حاصل می شود که

همان معناء اسلام است لا غیر برای اینکه صوم و صلوة و اعتکاف اسلام و امثال آن گونه عبادات و تعبدیات تذکیهٔ نفس را متکفل است که انسان کامل و مانوس بجامعه بشریه تقدیم شود و حقوق همسایه و معاشرت افراد خانواده و صلهٔ رحم و قانون تناکح و اصول تطلیق و کیفیت اجراء حدود و استیفاء قصاص محض بنام عدم تجاوز نفوس شریره است باموال و اعراض مردم تا اینکه اجتماعیات مختل نگردد و تحریم معاملهٔ ربوی و عملیات قمار وحرمت مشروبات مخمره و غصب و قتل و زناء و ممنوعیت سحر و جادو و نیرنجات همان اصلاح حال عباد و اعمار بلاد است که سیاست مدنی می نمایند و این گونه تنظیمات همان مدنیت است و تفصیلات مهمه و تشریح آن در حصه چهارم این کتاب که جلد مخصوصی است نوشته شده انشاء الله بطبع می رسد و در قسمت ثانی این رساله هم در کلمات فلاسفه عصر اشاره می شود بعون الله .

شماره ۵ (از فصل ۲)

از جملهٔ مسائل مهمه که افکار شرقیان خصوصا اذهان مسلمانان را مشغول داشته و در تقلید غربیان حریصانه و خود کشانه دو اسپه می روند و ابداً عاقبت وخیمه آن را نمی اندیشند همانا مسئله آزادی نسوان است طوری که بعضی از افراد ملت که بوالهوس و مایل خوش گذرانی می باشند در بعضی ممالك عالم دیده و یا اینکه شنیده است که زنان با مردان معا خوش گفته و خوش نشسته اند فی الفور مقدماتی ترتیب داده و اخذ نتیجه می کند و مسلمانان را نیز آن مجالس خوش گذرانی برای اجراء مرام شهوانی خویش با لهجه های

مزورانه مبنی بر بعضی اسباب و علل غیر شرعیه دعوت بر بی حجابی و بی مبالاتی می کند و ضمنا طرفدار اعزام کردن دختران بفرنگستان بوده و مدنیت را تفسیر و توجیه به همان مرام می نماید اما مسئله اعزام دختران با کره بممالك خارجه مبحث مخصوصی است که بعدا ذکر می شود در فصل چهارم و پنجم این رساله و اما قسمت کشف حجاب و آزادی کامل اعطاء کردن بر زنان این مطلب در حصه خود یك مسئله حیواة و مماتی است هر کس بفکر خویش توجهات می کند ولی از حقیقت اسلام اطلاع کاملی ندارند و چندان خبرویتی برای شان نیست که بفهمند مستوریت و محجوبیت زنان در احکام دیانت مقدسه اسلام محض یك نوع سعادت عمومیه است که از ناحیه مقدسه الوهیت بر مسلمین لطف گردیده و می بینیم آنانی که زن ها را کاملا بحال خودشان گذاشته و مثل شتر های افسار گسیخته ویلشان کرده اند با وجود مرتب بودن لوازم زندگانی شان و با مباح بودن در شریعت ایشان در هر شب و روز از عادات یومیه بشمار است که جراید خبر می دهند از اهالی شهر ها بعضا پنجاه نفر و بعضا ده نفر با قتل انتحاری جوانانی هستند که ترك زندگانی می کنند مثلا یکی عاشق یك نفر شده و در کلوب و بولوار ها و رستورانها و تیاتر خانه ها و سینما ها مخالطه و مراوده کرده و از صحبت های شیرین محظوظانه و آزادانه به یکدیگر قول شرفی داده ولی پس از اینگونه عهد بستن و میثاق گذاشتن از طرف اقرباء و یا یك نفر عاشق دیگر که قبلا همین طور میثاقی داده مانع پیدا شده و به مقصد حایل گشته وصلت

و مرابطه ممکن نمی شود از فرط عشق حیوانی و حرص شهوانی یکی از
طرفین همان شب که نا امید می گردد خودش را می کشد و آن دیگری
از کثرت وفاداری هم قربان راه عشق کذائی می‌شود و از این فاجعه
خانواده طرفین معذب و پریشان شده نقل مجالس و رسوای عام می گردد
و ابضا اتفاق افتاده یك نفر زن جوان که قانونا و شرعا با یك نفر جوان
مزدی الفت کرده و وصلت بعمل آمده پس از چندروز یکنفر جوان خوشبو
خوشمو و شوخ شیك را دیده و یك شب از شبهای فرحناك در تیاتر
مصاحبت کرده فی الفور مرغ دلش از قفس جان پریده و به آشیانه آشنای
جدیدش منزل کرده باز هم قول شرفی به یکدیگر داده بفکر کشتن محبوب
اصلی و رفیق حیات قدیمی خود افتاده حالیکه قبلا او هم این معامله را
کرده بود یا شوهر شرعی خودش را می کشد یا اینکه خودش از زحمت
عشق خلاصی داده باعث فلاکت و عداوت چند اقرباء خودش می باشد اگر
هیچ یکی ممکن نشود شبی با رفیق جدید و شبی دیگری با رفیق قدیمش
امرار اوقات سفیلانه می کند و بعضا این معامله در میان نیست و بلکه صاحب
یك اندازه شرافت ذاتیه است ولی از مقتضای مدنیت کذائی که مسلمانان
طالب اویند بدون اذن شوهر به بازار عمومی رفته و با یك نفر جوان مصاحب
شده و به تیاتر رفته شب ساعت شش فارغ گشته و بمنزل اصلی بر گشته شوهرش
از بیچارگی مجبور است که تبریکش گفته و از خوش گذرانی رفیقه حیوانش
اظهار ممنونیتی بکند اگر از حال اهالی مملکت روسیه کاملا اطلاع داشته

باشیم تمامی آن چه نوشته شد در شهر ها و قصبه ها بلکه در قریه ها هر روز هزاران بار اتفاق می افتد و هر هفته رؤساء ادارات خصوصا رئیس اداره زنها اهالی را جمع کرده و نطقهـا سروده زنان را بر خلاف کردن شوهر ها دعوت می کنند و ضمنا متذکر می شوند که در صورت اذیت رسانیدن شوهران بر زنان به اداره (چیقا) اطلاع دهید تا شوهران شما را در محبس های تنك و رطوبی معذب نمائیم محو و اتلاف شان را از ما بخواهید و ضمنا هر زنی کـه از زندگی کردن با شوهر قدیمی خویش بیزار است اطلاع باداره داده و با میل خودش طلاق گرفته و به شوهر دیگر که دلخواه وی باشد رفته با وی زندگی کند و همچنان می کنند که دستور رئیس اداره است از این لحاظ است که هر روز و شب قتلها و نفی‌ها و مهاجرت و غربت هزاران هزار اتفاق افتاده و از زندکانی خودشان سیر شده و به خاك پاك ایران پناهنده بوده و از اهل و عیال خودشان دست کشیده اند و در تحریر این اوراق چند نفر از اعزه مملکت روسیه که صاحب ثروت و مکنت و مالك بر حیثیت و شرافت بودند تازه وارد شده بودند این مطالب را برایشان خوانده و قرائت نمودم تصدیق کردند و علاوه نمودند از هزاران یك نوشته نشده و کجا اینکه (شنیدن کی بود مانند دیدن) اگر از قارئین کسی را شبهة باقی مانده باشد مشتری شود به جریدهٔ (سؤ یملی آن) ماه خوش آینده طبع شده اسلامبول و مجلهٔ (پرشنبه) و مجلهٔ (یکی آذر) و روزنامه (یکی فکر) یعنی فکر نو و روز نامه (زاریاواستوق) این همه آوازها از شه بود تمامی

فلاکت روسیه عمده ترین اسباب یکی نبودن علاقهٔ دیانت و آزادی کامل و حریت نسوان است که باعث هزار قسم ذلت و کشتار بی رحمانه است که احدی از نفس و عرض و مال خود امین و مطمئن نبوده و مجبور به ترك وطن گردیده بدول همجوار پناهنده می شوند

(هردم که من ز آشیانهٔ خود یاد می کنم   نفرین به خانواده صیاد می کنم)

ایضا اثر تقلید کور و کورانه مسلمانان است بر اروپائیان که فعلا عوض حروف اسلامی در اغلب نقاط حروف لاتینی ترتیب و کلیه مطالب علمی و اخبار یومی را با آن حروف طبع و نشر می کنند گویا که حروفات عرب موافق افکار اطفال نبوده و سبب بی علمی مردم می شود و بمحض القاء اینگونه شبهه واهیه سخیفه آن مرام خبیث مشمول عموم و مقبول گردید حالیکه ملتفت قبح و متفکر بر عیوبات ظاهری و باطنی آن نیستند که اولا کتب دینی و تاریخ های اسلامی با آن حروف نوشته و نکات علمیه اش با تغییر حروف تغییر خواهد یافت و اگر زبان ملی تغییر یافته وهرج و مرج لغتی سر زده ظهور شد آن وقت بالملازمه انقلاب و هرج و مرجی فکری پیدا خواهد شد که عاقبت آن خیلی وخیم است و (ثانیا) مسلمانان در یکنوع زندگانی بین المللی اسلامی سالهای سالست که اساس ملیت خودشان را محافظه کرده و از مدنیت اسلامیه با یکدیگر اطلاعی داشته و اخذ علوم و عادات مینمایند از هر صنف و نژاد از قبیل ترك و فارس و عرب و کردولاز و چین و انیقوش و سایره بتوسط حروف عرب و با وسیله قران اسلام از مکنونات یکدیگر آشنائی داشتند در صورت

ممنوع بودن حروف عرب اکثر نفوس مسلمه که قدیما تحصیل کلمات و حروفات اسلامی کرده اند از حروف لاتینی بی خبر بوده و دانایان حروف لاتینی جدیدی از کلمات عرب بی بصیرت بوده در این کشمکش باطنی و انقلاب فکری اساس آز میان خواهد رفت و (ثالثا) آنانیکه از حروف عرب مطلع و در لغات فارس و عرب متخصص است از خواندن حروفات هم حصه یاب است ایضا از آن کلمات استفده نمی تواند بلکه برای اینکه بعضی حروفی هست که افاده یك معنا می کند و شبیه آن حروف در صورت و صدا حروفات دیگری هم دارد و بدیهی است که لغت عرب غنی و وسیع است ولی حروفات خارجه کلیة حتی فرانسوی بهر صدا یك حروفی وضع شده در مورد نوشتن اشتباه لفظی و معنوی سر می زند و باعث اختلال معناء می گردد توضیح این معناء محتاج بطبع یك رساله مستقله ایست ولی همین قدر واجب الذکر است که لفظ (ث و س و ص در صدا یکی بوده ولی معنا فرق کلی دارند) طوری که ثمن با ثاء بمعنای قیمت و ارزش اشیاء را گویند و با حروف سین بمعنای فربهی و چاقی است و در خط لاتینی هر دو با یك شکل (S) ترقیم میابد که باعث اشکال و اشتباه است و لفظ متبوعه در عرب تارة باشکل مطبوعه نوشتة می شود که مفید معنای مجله و کتاب است و تارة با صورت متبوعه می نویسند بمعنای خانمی که تابعه و پیروانی داشته اشعار می شود و و در حروف لاتین (چون لفظ ت یکتاء بوده و هر چیزی با آن می نویسند که (T) بدین شکل بوده و چه اندازه موجب اشکال می شود اهل خبره اش

خوب می دانند و هکذا ضرورت را بازاء زلزله می نویسند چون در ایشان] ض ذ ز ظ) موجود نبوده اشکالاتی پیدا می شود اگر اغلاط لاتینی را مشروحا بیان کنم (مثنوی هفتاد من کاغذ شود) و راقم هر هفته از مجلات اسلامبول بطریق استمراری تدریجی قرائت کرده ملتفت غلطها یش شده تعجب از حالات مسلمانان می نمایم که چکونه ملتفت قبایح اعمال وحشیانه خودشان نیستند و اختراع کننده حروف لاتینی مقدما ملت وحشی روسها هستند که در وقت الغاء کردن اصول و قوانین مذهبی و تاسیس ادارات وحشیانه ضمنا اغلاط لاتینی را ترتیب داده بخورد عوام و بی اطلاعان داده مضرتی بعالم دیانت اسلامیه رسانیدند که با وجود وحشت و رذالت ذاتیه خودشان در بعضی قطعات مسلمانان مقلد ایشان شده و در راه عشق تقلید اجانب ملتفت قبح آن نشدند حالی که تمام اعمال روسها که بولشه ویزم و قوموئیزم شده اند عموم عالم انسانیت و جامعه بشریت را متنفر داشته اند باندازه که اشخاصیکه رسما داخل فرقه شده اند در آخر زمان از ایشان سؤالاتی می نمایند که بعضی مطالبی بدست آورند طرفداران بولشه ویزم در جواب سؤالات طوری جواب می دهند که اگر تضییق و فشار معنوی و مادی از ایشان مرتفع شود قطعا ضدیت آن ها با اصول مملکت معلوم خواهد شد ولی با وجود ترس از یکدیگر با طور نازکانه ایضاح مرام کرده اظهار ناخوشنودی را می نمایند و احوال روحیه جملات جوابیهٔ همین معناء را اشعار می کند خود صاحبان مواجب و وظیفه اظهار بی رغبتی می کند کجا اینکه دیگران (روزنامه ملیکوف ۲۹ ماه دیقابر

(بوسلوودنی نوویستی) نمره ۳۲۰۳ سؤالات از طبقات سافله و کارگران که جواب کتبی داده شده :

۱) س. کلیسا برای چیست

ج. کلیسا اولین تهذیب کننده اخلاق عمومی است .

۲) س. آیا قانون قومونیست با فکر شما موافق است یا نه

ج. لزومی ندارد که ما بر ضد دیانات حرکت کنیم .

۳) س. آیا دین منفعتی دارد و با فرقه انقلابیون چه مناسبت دارد و چه ارتباطی در میان است ؟

ج. دین ضد انقلاب و سبب صلح و سکونت است.

۴) س. آیا شخص فرقه وی با اعتقادات مذهبی جمعش ممکن است یا نه؟

ج. بلی چه عیب دارد که شخص هم منسوب بفرقه قوموینست شده و هم معتقد مذهبی باشد چنانچه اغلب اشخاص که داخل فرقه شده اند باطنا هم مذهبی بوده و اظهار نمی کنند

۵) س. شخص بی دین چه طور است؟

ج. شخص بی دین و بی عقیده بمثابه حیوان وحشی درنده است

قریب صد تا سؤال از بی دینیان کرده اند پنجاه و پنج نفر در صد نفر مایل دیانات و ضد قانون مملکت است و چهل و پنج نفر در ظاهر مایل اصول قوموینست هستند و صاحبان عقاید جای خود را دارند . پس بی دینی و بی قیدی که از بی دیانتی تولید می گردد از قبیل کشف حجاب و آزادی

نسوان و شرب ماده خبیثه آلکول باعث خرابی مملکت و اختلال نظام قانون اجتماعیات و ضمنا امراضی را تولید می نماید که مرض بنیان کن اصول حفظ الصحه است از قبیل (سوزاك و سردی کمر و سفلیس و غیره و مرض استمناء که شرعا حرام است و (ریقو) کشفیاتی در اطراف مسئله استمناء کرده در حقیقت سبب هلاکت عباد و خرابی بلاد است و بر زنان اسلامیه است که قید دیانت را محکم تر و قدر شریعت عالی تر دانسته و آزادی زنان اسلامی را که عبارت از وجوب نفقه و کسوة و سایر لوازمات زوجیه است بهتر ملاحظه کرده و بکلمات واهیه آزادی طلبان و مقلدین اجنبیان را گوش ندهند برای اینکه در عالم مسلکی و یا مذهبی از دین مقدس اسلام حقوق نسوان را بالاتر محفوظ نداشته و حقوق شان را خوب تر رعایت نکرده و جوانان ملت را لازم و واجب محض بنام شرافت قدر نعمت عظمای دیانت را دانسته و عامل احکام مذهبی بوده هم فوز اخروی را نایل و هم صحت و سلامت و شرافت دنیوی را موفق باشند و آرزو مندیم که اولیاء دولت در سایه توجهات غیبیه و از برکت اقدامات خدا پسندانه قائد توانا شخص شخیص سلطان اسلام با تاسیس کردن حوزه علمیه عمومیه در مرکز و ترتیب شعبه های عالیه در ایالات و ولایات اخلاق افراد اولاد وطن را مطابق مقررات شرعیه اصلاح فرموده قطع اساس ریشه و رذایل نفسانیه را اولین مقاصد فکریه خودشان قرار و تربیه ذاتیه عمومی را با معارف مذهب مقدس حقه عمده ترین آمال اصلاحات وطنی و ملی دانند اللهم انصر سلطاننا سلطان المسلمین و اید جیوشه اولی الاید و

العلم بحق سید العرب و العجم و الرکن و الحطیه و الحرم و بالقران الاعظم و النبی الاکرم و لا سیما بالنون و القلم و فق اللهم جمیع المسلمین لما تحب و ترضی آمین رب العالمین .

فصل ۳

شماره (۱)

البته هر کسیکه از صدر رساله با دقت کامل قرائت و تفکر در نکات آن بنماید از بدو ظهور دین الهی تا ظهور نادر شاه افشاری فهرست حکومات اسلامیه و انحطاط و تنزلات عالم اسلام را در پاره از منهٔ سابقه بنظر و ترقیات فوق العاده ناگهانی را در عقب انحطاط کامل در اسلام را ملحوظ داشته و تامل و تعمق کند در اینکه هیچ قوه ظاهریه در میان نبود که اسلام را از مظالم اشرار مستخلص داشته و باوج اعتلاء برساند آن کس را یقین کامل حاصل شود که بلا اشکال قوه غیبی و مدبر لاریبی با دست قدرت بر سینه نامحرم زده و معنویت اسلام را بعالمیان ارائه نمود طوری که ذکر شد نادر شاه از طبقهٔ سافله و یکفری از رعایای دولت ایران بوده و کسی را گمان سلطنتش در مخزن فکریه نبود و غیر از امداد باطنی قوه مادی و اسباب ظاهری بنظر جلوه نمون نمی گردید .

با این وصف در اندك زمانی از جملهٔ فاتحین آسیا محسوب شده و بعالم

دیانت اسلامی خدمات لایقه ابراز نمود و معنویت اسلامیه را بعالمیان ارائه کرده اغلب بلاد بین النهرین و آناطولی و هندوستان و ایران مسلط شده و باکمال ابهت و قدرت بیرق اسلام را در نقاط بعیده تموج و تمرکز داده و اثبات نمود که اسلام پایدار و برقرار است الی یوم القیامه .

و پس از دوره نادری از معاصرین نادر شاه افشاری محمد ابن عبدالوهاب بصفت مجدد شهرت یافته و بنام تنقیح اصول و قواعد دیانت مقدسه از خرافات و مجعولات قیام و یك نوع بلای آسمانی آسیا محسوب شده نظر بتاریخ و جغرافیای (مالتا برون) که در مبحث مخصوص به بلاد آسیای عثمانی صحیفه ۱۱۷ از ناحیه حوطه در قضاء حمص و یا جبله نوشته شده اجمالا این شخص در شرق با نادر شاه و در غرب با (ولتر) فرانسوی معاصر بوده طوری که ولتر بر علیه روحانیان مسیحی و دین کاتولیکی قیام نمود بنا بعقیده بعضی از مورخین محمد ابن عبدالوهاب بر علیه دین اسلام و روحانیان اقدام کرد ولی آنچه راقم از کتب تواریخ بی‌طرف و از اصل مرام محمد ابن عبدالوهاب تحقیقات بدست آورده ام اینست که هیچ کس از مسلمانان بر ضد دیانت اسلام قیام نکرده و بر علیه روحانیان اقدامی ننموده فقط مقصد محمد مزبور تفکیك مجعولات از احکام و تهذیب احادیث بود از مدسوسات و اکاذیب باطله که از راویان خلط و مزج شده بود تنقیح نموده و بصافیت اولیه ارجاع کند و در این باب تند رفته و تیز تر گشته و پس از فوت وی شاگردانش از استاد تیز تر شدند و نسبت بعالم

اسلامیت مضرتی رسانیدند اما (ولتر) فرانسوی بر ضد تمامی ادیان خصوص دین کاتولیك اقدامات کرده و در آن موضوع کتابی هم نوشته چون (ولتر) از اهل علم محسوب نبوده و یك شاعر لطیف و نازك فرانسوی است بنـا بشهادت اهل بصیرت و خبرویت چندان قیمت علمیه ندارد اجمالا درحدود ۱۲۱۵ در شهر قاهره مصر یك جلسه عمومیه اسلامیه تشکیل شده و وهابیان را ملزم بقبول مذهب سنت و جمـاعت کردند با این وصف تعظیم قبور را بدعت و شفاعت اهل بیت عصمت را در قیامت منکر و استعمال توتون و ادارد سبحه در دست بغایت دشمن و غیر از لبـاس مخصوص که (قفتان) می نامند جائز ندانند و چنان ظن دارند که لباس پیغمبر اسلام همانست لاغیر و در تاریخ مزبور درفوق سفر بغداد کردند و در آن حوالی باهـالی ایران مضرت نموده و خساراتی بمشاهد مشرفه وارد و مدینه منوره را بحیطه تصرف خودشان آورده و اصل مرامشان از نظر غایب گشته از اثر تلقینـات اجانب و اعداء دین نسبت بدین اسلام یکدشمن خانگی شده و جنك داخلی بر پا نمودند ایضا از معنویت دین الهی برای خلاصی مسلمین و حقیقت شریعت خاتم المرسلین از شرارت وهابیین قریب تاریخ مزبور محمد علی باشای مصری بامر دولت عثمانیه مامور بدفع و قلع وهابی ها شده و قلعه متین ایشان را (درعیته) تخریب و بدستیاری و مباشرت ابراهیم باشا رئیس قشون پسر رئیس وهابیان عبد الله نام را اسیرا باستانبول برده و سر از تن جدا کرده و بااین حال شوکت وهابیان انکسار یافت و در آن حال باقی بودند تا حدود سنه ۱۳۴۳

هجری یك فاجعه دهشتناك در حرم مقدس مصداق لولاك ایران و عموم مسلمانان
را محزون کردند امید از تفضلات الهی اینکه عوض فاجعهٔ هولناك که از
ایشان سر زده ظهور گردیده و تاریخشان را لکه دار نموده در عنقریب با
اعمال خیریه و نصرت دیانت مقدسه اسلامیه تلافی مافات و تضاع ما باقی مینمایند
و از نفوذ اجانب بر داخله اسلام جلو گیری می کنند و این نکته را از
نظر نباید دور کرد که دشمنان اسلام منتظر آن هستند که از خود مسلمانان
یکفرقه انقلابیه و یا مسلك جدیدی بر خلاف عالم اسلامیت احداث شده و
زمینه بار وری برای مقصد شان حاصل شود حالی که غافلند که اگر عالم
طوفانی شود یك خشت از قلعه متین اسلام حرکت نمی کند و فیلسوف مشهور
(شانت بی دو لا سه ئی) این جمله را اعتراف دارد و از خود دول معظمه
مسیحی با وجود اقدامات مجدانه بر علیه اسلام چه مضرتی باصل دیانت وارد
آمده تا رسد باتانیکه از طرف ایشان تلقین یافته اند

(آن جا که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد)

شماره ۲ (از فصل سوم)

و پس از انقراض دولت افشاریه کریم خان زند که شخص معدلت پناه
و شاه دل آگاهی بودی هم خدمت بعالم اسلامیت نمود و از عادات حسنه اش
معدود است که هر روز علماء اسلام را در مجلس خاص خودش جمع کرده
و امورات مردم را با نظریات معروفین آن ها حل و موافق شرع مقدس

بحقوق ناس رسیدگی می نمود روزی پس از فراغت از داد رسی بمنزل خاص تشریف فرما بود تاجری صدا نمود (الامان) پرسید چه حال داری جواب داد امیر ده هزار تومان سرمایهٔ تجارتم را امشب خفته به یغما بردند فرمود چشمت کور باد چرا خفتی که مالت بردند گفت امیر من ظن داشتم که شما بیدارید من خفتم و الا بخواب نمی رفتم آن شخص عالیقدر التفات کرده امر فرمود که از خزینه عامره دولتی سرمایه اش تادیه شود و سارق را هم پیدا کنند و آن چه امر کرده بود بجای آوردند رحمة الله .

و پس از کریمخان زند (لقب زند از آن یافتند که در زمان زردشتی ایرانیان کتاب رسمی ایشان (زند) در خانواده ایشان محافظه می شد و با آن نام تسمیه شدند) مملکت ایران مورد تهاجمات داعیان سلطنت گردیده و انقلابات سر تا سر مملکت را فرا گرفت در این تاریخ آقا جار نویان که طائفه از مغول و از نزدیکان (آباقا خان) مغولی بوده و بنام قجار نامیده شدند که بعدا سلسله قاجاریه بنام او شهرت یافتند و محمد شاه مؤسس این سلسله و شخص مدبر و صاحب عزم متین بوده و ممالکت قفقازیه را بتصرف خود آورده و یک اندازه نام نیکی بیادگار گذاشت و پس از فوت وی قاجاریان هر چندی که با دولت روس زد و خوردها کردند ولی در واقع ایرانیان اخلاق شهامتی و غرور ملی را گم کرده در هرسال یکمرتبه از مراتب تنزل و انحطاط را طی رو باضمحلال و نیستی گذاشته و ایرانیت را از انظار معنا ساقط کرده ملعبهٔ اجانب و مورد کشکمش اغیار بودند طوری که

ارباب بصیرت مطلع هستند تا دوره ناصر الدین شاه ضعف و بی کفایتی دولت ایران از هر حیث چندان منکشف نبوده و محل تردید و شبهة بود فقط پس از فوت او از اثر فقدان رجال سیاسی و غفلت اولیاء امور و تقلب و تسلط بعضی از اصناف رعایا که غالبا در پی صید و شکار ساده دلان و در صدد اغفال و اخلال جمعی از هموطنان خویش هستند از این رو ملت اسلام وخصوص ایران طوری پریشان شدند که تمامی سیاسیون عالم مطلع گشتند و در پی تقسیم این مجلس آراستند و در جلسه مخصوصه از ملت مسیحی اتفاق خفی در موضوع تجزیه ایران صورت پذیر شد و در این باب محمد نام از جریده نویسان اسلام در مصر در روز نامه خود المسمی بالمستشرق فریاد کنان با نداء عالی و صدای رسا بعموم اسلامیان اعلان نمود و می نوشت هوشیار باشید ای مسلمین غربیان و اوروپائیان ترك و ایران را در میان خودشان تقسیم کردند بقراء مخصوص که منطقه جنوب ایران در تصرف انکلستان به نام خدیویت که از القاب مصر است باقی بوده و منطقه شمال در تحت نفوذ خرس شمالی روسها بوده بنام والی شمال مقرر گردید و در ظاهر اشغال نکردند برای عدم مداخله دول سایره با بن خوان یغما چه دشمن باشد و چه دوست و در محاربه اخیری بین المللی عمومی که ۱۳۳۲ (۲۲) شعبان شروع گردید دول معظمه که از هر حیث مالك قواء حربیه و مالیه بودند و عالم اسلام در قبال شوکت ایشان بمثابه یك صفری بلا عدد بودند و مناطق اسلامی ملعبه اجانب شد و قواء نظامی خارجه چون مهمانان نا خوانده داخل خانه های مسلمانان شده

هر چیزی که دلالت باصول و عادات وحشیانه بود عامل گردیدند و تقسیمات مخفیه را بموقع شهود گذاشتند و باطور قانون شکنانه مرتکب هر گونه رذائل شدند و ما در این قسمت اولی رساله اجمال فهرست مظالم مسیحیین بر مسلمین را از هزاران یکی بطور ساده و عبارت سهل از روی مواثیق مثبته مرقوم و بنظر قارئین گرامی تقدیم خواهیم داشت و معلوم دوست و دشمن بوده و یقین خواهند کرد که در آن وقت امید بقاء و دوام در اسلام و اسلامیان نبوده و از هیچ طرف بر ترقی و حیات جدیده سببی در ظاهر منظور نبودی فقط خونهای ناحق ریخته شد و دودمان ها خراب گردید و بناگاه همچو بعثت بعد الموت از اثر قوه غیبیه مددی به مسلمانان رسیده چون نفس مسیحی مرده را زنده مصداق شعر مشهور واقع گشته

(صد هزاران طفل سر ببریده شد تا کلیم الله صاحب دیده شد)

اینك که شخصیت تاریخی قدم گذار عالم شهود و سیاست گردید و اسلام را از اسارت رهانیده و از چنگال مظالم اجانب خلاصی بخشیده و پس از تنزل و انحطاط بمراتب عالیه ترقی و استقلال رسانیده و با الغاء اصول منحوسهٔ کاپیتالسیون مقاصد سیاسیه دول اوروپا را بی نتیجه گذاشت و اما کیفیت مظالم نصارائیان را بتقریب ذیل تصویر می نمائیم .

شماره ۲ (فصل سوم)

(اولا) این نکته بر ارباب اطلاع و اهل مطبوعات معلوم است که در میان ملل مختلفهٔ نصارا ملت روس از همه کس وحشی و از قافله تمدن و

عرفان عقب تر و از علم اخلاق بی بهره اند طوری که ملل غربیهٔ اوروپائی
روسها را خرس شمالی (دب) نامیده و بنام وحشیان مسکو شهرت داده اند
با این وصف خودشان را متمدن ترین اقوام سایره خیال کرده با وحشیگری
مخصوصی که اثر ذاتی روسها است فرق مختلفه و نقاط بعیده دنیا را ظلما و
غصبا تحت تصرف خودشان آورده اند و قدیما بت پرست قرب منطقه منجمده
شمالی نزدیکترین امکنه (اسکیولها) زیست می کردند و سیصد سال قبل
ازین تقریبی داخل سلك مذهب نصرانی شده و فرقه (آرتوذقس پراواسلاونی)
محسوبند و با قانون وحشت و اصول بربریت ذاتیه حکومات همجواری را
ضم مملکت (راسیا) کردند از لیتوا و پولشا و اوقرانیا و الکه وسیعه قریم
و تاتارستان و قرغیزستان و باشقردستان و کرجستان و ترکمانستان و قفقازستان
و داغستان هریکی از این ممالک صاحب سلطنت عظیمه و مالك عنعنات تاریخیه
بودند و (شمیل) شاه قائد شهیر سالهای سال در راه استقلال و محافظه شئونات
جنگهای متوالیه کرده بالاخره مغلوب وحشت روسها شده و زیاد خانوف ها
در کنجه حکومتی داشتند و تفصیل مظلومیت شان تاریخ اسفناکی است و
کرجستان در تحت ریالات (صیصائیان) معروف که دربند و تشکیلات قاجار
با دولت ایران زد و خوردی ها نمود بالاخره در دست روسها محو وشاهزادگان
در پست ترین خدمات دولتی امرار حیات سفیلانه می نمایند و ممالکت پولشا
که مرکز شان شهر (وارشاواء) است و قوم نجیب واصیلی هستند در بین
روس و آلمان تقسیم گردید و در نتیجه جنگ اخیری بین المللی نائل استقلالیت

و ممالك جمعيت بوده و از اصول منحوسه بالشه ویزم رهائی یافتند و خوانین ترکستان خیوه و بخارا و سمرقند و تاشکند صاحبان اصالت قدیمه و عنعنات تاریخیه چند سال قبل از این بدون جواز قانونی و عذر شرعی بزیر استیلاء در آورده و فعلا نالهٔ وا اسلاماء ایشان عالم دیانت و محیط مدنیت را محزون میکنند و در الکه قریم بسی امراء عظام و خوانین کرام صاحب تخت وتاج بودند در محویت ایشان غیر از بربریت و وحشت ظالمانه مدرکی در دست نبود و فعلا در زیر پرده (بولشه ویزم) که عین رذالت و مجسمه وحشت است با زحمات فوق التصور امرار اوقات مظلومانه می نمایند و اهالی مملکت (اوقرانیا) در سمت جنوب غربی اصل مملکت روسیه واقع و دارای چهل ملیون نفوس بوده با کمال مظلومیت متقبل هر گونه زحمات راه استخلاص می باشند با این وصف چنکال ظالمانه روس خاخول را از خودشان کنار نمی توانند بکنند و مسلمانان قفقازیه سفلی که معدن شهامت ذاتیه اند و جغرافیای مصور عثمانی رسمی تصریح می نماند بر اینکه عنصر صحیح قفقازی ذکی و شجاع و عاقل ترین ملل عالم بشمارند فعلا در تحت فشار و تضییق روحانی و جسمانی زیست کرده و مساجد عالیه و مأذنه های معموره و مبانی عالیه که از سلاطین با عظمت ایران بیادکار مانده محل ایقاع وحشت و موقع اجرا امور شناعتی روسهای شمالی است و قوم شجاع و عنصر صحیح اسلامی قفقاز در حین تسوید این اوراق از مظالم وحشیانه روسها اهالی مظلومه در سر کوهها و بطون دره ها جدا کانه از اهل و عیال با حال ترسناك و با قلب

هولناك امرار حیات می نمایند و غالبا اعزه مملکت مجبور به ترك دیار هستند اجمالا عملیات قانون شکنانه روسهای وحشی نه بمثابه است که با نوشتن و گفتن به آخر رسد همیقدر ختم مقال لازم است اشعار نمائیم که اگر قوه معنویه اسلام دست رد بر سینه آن نا محرمان اسرار تمدن اسلامی نزده و اختلال و پریشانی داخله مملکت آن ها را فرو نگرفته بودی با اصول مخصوصه خودشان بنای تصرف ایران گذاشته و تجاوز بر خاك پاك اسلامی نموده و با اشغال مملکت باستانی راه تسلط هندوستان را آمال خودشان قرار گذاشته و وصایای (پیوطر کبیر) را بموقع اجراء می گذاشتند طوری که در اثنای جنك بین المللی مقصد باطنی و مخفی روسها آشکار از جلفای ایران تا شهر همدان با اوردوی گنرال باراتوف مشهور اشغال گردیده بدون رعایت قانون بین المللی بر تمامی مقدسات ملیه توهین و با ادنی بهانه بنای ظام و تجاوز گذاشتند و از سمت شمال شرقی ایران قواء اشغالی ایشان به شهر مقدس خراسان استیلاء یافته و جسارت ورزیده و تعدی شان بمرتبه رسید که مرقد مقدس جگر گوشه رسول و نور دیده بتول قبله آمال ایرانیان و افتخار اسلامیان حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام را جریحه دار نمودند و روزنامه سبیل الرشاد منطبعه اسلامبول در آن تاریخ بوسیله فرقه اتحاد ترقی ترکها این وقعه هولناك و قضیه اسفناك را بعالمیان تشهیر و عین حادثه را تصویر کردند و از یکطرف قزاقهای وحشی روسیه مقیم طهران در مورد عصیان و مغلوبیت شعاع السلطنه و ضبط شدن املاك مشار الیه بامر مقدس شورای ملی و تصویب

وزارت مالیه یکدسته مسلح از قواء روس بر در باغ شعاع السلطنه حاضر و بنای تمالك و تصاحب گذاشته و بقرض قدیمی محسوب و بدین وسیله حق و حساب غیر مشروعی خودشان مفروغ نمودند و (مسیو شوستر) رئیس مالیه آن زمان شخص حقوقی و قانون شناس و مرد منصف آمریکائی بوده زیر بار گران این گونه ننك تاریخی نرفته و متحمل این ظلم وحشیانه نبوده مجبور باستعفاء شده و از شغل ریاست کناری جسته کتاب قیمت دار خودش را بایرانیان یکدرسی عبرتی بیادگار گذاشته راه وطن اصلی خویش را پیش گرفت رجوع بکتاب (اختناق ایران) اگر ایرانیان با حس نظر انتقام بتواریخ گذشته مطالعه کرده و اعمال ننگین روسهای وحشی را ملاحظه کنند بالضروره قطع روابط انسانی و ترك مراوده و مرابطه سیاسی می نمایند برای اینکه چه طور گنجایش مخزن فکریه یك ملت قدیمی را دارد اینکه در پای تخت یك دولت واو هر که باشد و از بهر چه بوده باشد امر و کلای دولت و نمایندگان ملت قربان حرص جهان گیری یکمشت افراد وحشی و غیر مدنی و بی علم مهمان نا خوانده باشد این گونه عملیات بعضی ذنوب لا یغفر و معصیت لا یکفر است که با توبه و کفاره مستور و مغفور نمیگردد بلکه کفاره اش انتقام و مقابله بمثل است گذشته از این ها قواء اشغالیه روسها وارد تبریز شده در یوم تاریخی و اجتماعی مسلمین که روز جوش و خروش عمومی بوده و تمامی ملل متمدنه و وحشیه عالم می دانند که روز عاشورا برای پیروان مذهب حقه جعفریه چه اهمیتی را حایز است ولی وحشیان

وم روس ابدا ملتفت این نکته مهمه نبوده و قیمتی نگذاشتند محترمین اهالی محلی خصوصا شخص بزرك روحانی که در واقع سیمای اسلامی و قیافه دین بوده و مصداق کل یوم عاشورا و مصدق فلسفه عالی کل ارض کربلا بود بدار آویخته در منظر عام وحشت و بربریت روسهای شمالی را یك آئینه عبرت جهان نمایی کردیدند

(در مدرسه کس را نرسد دعوی توحید
منزلیکه مردان بوحد سردار است)

هر چندی که عاشقان راه دیانت و صاحبان شرافت و علاقه مندان دیانت این مرام عالی و مقام شامخی را طالب بلکه شائقند ولی افسوس از غرور ملی یك ملت قدیمی است که در عمیق ترین کوشه خاطرات افراد خود حس محبت این قبیل اشخاص با شهامت پروریده نشده و فکر انتقام در مخزن افکار خودشان نگذارند و زمان ماضی بمنزله موت ابدی است ولی اثراتش باقی و استمراری است پس بر جوانان مملکت است که در تاریخ این وقایع الیمه را خوانده عوض کتابهای رومانی که در حقیقت غذاء زهرناك است برای افکار صائبه و اذهان ثاقبه که از پاریس و نظایرش انتشار می یابد کتابهای تاریخی اسلامی را مطالعه کرده و در صدد تلافی ما فات باشند و به مرتکبین آن فجایع با چشم بصیرت نکریسته و نفرت نمایند رجوع بمقصد نمائیم آن زمانیکه ملت روس با وحشت ذاتیه خودشان تجاوزات غیر قانونی را جایز دانسته و مشغول بپشرفت مقصد بوده و مقدمات فتوحات پی در پی ظالمانه خود را ترتیب

و تسخیر هندوستان و عمل بوصیت (پیوطر) پطر کبیر را مصمم بودند و ابدا مانعی و دافعی ظاهرا در میان نبوده در مقابل قواء اشغالیه ایشان قوه مادی در ایران نبود و از هیچ طرف امید خلاصی و چاره نجاتی بنظر متفکرین جلوه نمون نمی گردیدی در عالم یاس و نا امیدی باب رحمت کشوده شد و ناگاه دست غیبی ظاهر گردیده و آتش پارهای پنهان شده زیر خاکستری قطعه آذربایجان پای دشمنان سوزانیده و غفلتا هیکل وحست و مجسمه ظلمت را بخاك مذلت افکنده و دولت شبکمه روسیه را مضمحل و آفتاب عالمتاب اسلامیت و شیر و خورشید ایرانیت از زیر ابرهای ظلمانی با شکل نورانی با امر قوه روحانی ظاهر و با صافیت ذاتیه اولیه عالم را ضیاء دار کرد و آن امیدی که از میان دو کوه عربستان یکنفر شخص یتیم و بی یاور و معین را سید عالم قرار گذاشت و آن امیدی که از میان مدنیت شرق و غرب ایران و روم یکنور مدنیت حقیقی لمعه دار نموده و سلاطین با عظمت کره ارض را سر فرو بعظمت آن نور مقدس فرمود آن امیدی که پس از شهادت و اسارت یا یکنفر شخص مقدس مظلوم بوسیله اسارت و مظلومیت هیکل موهومات بنی امیه را زیر پای معنویتش افکند امیدی که قریستوف قولومب را پس از یاس کامل ومحکوم شدن بغرق بساحل نجات آمریك رسانیده نام کاشفی را نائل نمود همان امید مسلمانان را امیدوار به آتیه درخشان و عصر سعادت ایران نموده و مژده حیات بعد الموت را رسانید بطوری که در موقع باز گشت قواء اشغالیه روسها صاحبان منصب های عالیه در دست طبقات

مدافعه اسیر و از طرف اطفال ایرانی دستگیر می شدند و اهالی قفقاز را در آن صفحات اسلحه ایشان را ضبط و توقیف کرده و قطار های آهنی را یغما و تالان مینمودند و قشون روس با این حال فرار بر قرار اختیار می کردند

(شماره ۳ از فصل سوم)

با این وصف افعی کشتن و بچه نگاهداشتن و اخگر از آتش باقی گذاشتن کار خردمندان نیست زمانی که قواء اشغالیه روس می گریختند مهما امکن اسلحه حربیه و اجزاء ناریه را بملت ضعیفه ارمنستان سپرده و برای آتیه فکری می دادند بدین وسیله قصد داشتند که در آینده بتوسط همسایه قدیمی آتشی مشتعل نمایند پس از اندك مدتی این معناء هم بنوبه خود بموقع شهود گذاشته شد چون یاد کار آن ضمیر است این فطیر و عملیات شرم آور ارامنه بنام مدنیت مسیحی در حصه چهارم کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی از روی مدارك موثوقه بیان شده و آنچه باین رساله گنجایش دارد بطور اجمال ختم مقال می شود و قبل از شروع بمقصد هویت این ملت ضعیفه را به مطالعه کنندگان معرفی نموده بعد از آن شروع به مطلب نمائیم:

اولا مخفی نماند که قوم ضعیف ارامنه از نژاد آریا بوده و درزمان قدیم بت پرست بودند و اصلا محل سکونت و مکان معیشت و سلطنت ایشان ناحیه تراکیه (فراکیه) بود منطقه است میان دولت ترکیه و بلغار واقع قطعه آسیا و بتی که ارامنه پرستش می کردند موسوم بود بنام (هایق) و در تحت نظارت یکنفر قهرمان موسوم به (آرمنق) زندگانی می کردند

به همین لحاظ است ایشان را ارامنه گویند و بمناسبت بت معبود شان هایستان می گویند و پس از مهاجرت از ناحیه ترا کیه بحوالی کوه (آرارات) و در کتب قدیمه و توراة (آرارتو) تسمیه شده کوهیست واقع میان خاك ترکیه و روسیه و ایران و نهر ارس از نزدیکی آن کوه جاری و از نزدیکی شهر ارضروم بنمان و به دریای خضر ریخته می شود قبول نصرانیت کرده و مدتی سلطنت نموده اند و دیقران اول و ثانی و آرشاق و تریدات از سلاطین مقتدره ایشان است و در زمانیکه ناحیه (لیدیا و میدیا را) هم متصل کردند که عبارت از ولایات آناطولی و آسیای صغری و از نواحی همدان است که قدیما (آبقاتان) نامیده می شد سلطنت ایشان منقرض شده و در میان دولت روم و ایران تقسیم گردیده و قبل از تاریخ ظهور دین اسلام باعث انگیزش فتنه های متوالیه و سبب ریزش خونهای نا حق گشتند و در راه آزادی و استقلال قدیمی از آن تاریخ زحمت های بی فایده کشیده و نایل بمقصد نگشته اند و شکل (شیر) علامت دولت ارمنستان است که فعلا محکوم خورشید بوده و نشان ایران قدیم بعلامت ارمنستان قدیمی بطور حاکمانه و غلبانه حکومت می کند و شیر در زیر خورشید واقع است و ملت ارامنه از این نکته بغایت دلگیرند و کلیه مادران باولاد خودشان در موقع ایفاء وظایف مقدسه مادرانه و تربیه ذاتیه توصیه می نمایند که شیر را از حکومیت خورشید مستخلص داشته و در راه استقلالیت ارمنستان کبیر فداکاری کنند اجمالا وقتی که دولت ارمنستان محو و منقرض شده و خاك هایستان میان

دولت ایران و بیزانس تقسیم کردیده آن قوم ضعیف با انواع کوششهای خود نشانه برای تشکیل یافتن. حکومت مستقله عالمی را خراب و جهانی را برباد می نمایند و الان کما کان طوری که سابقا اشاره نمودیم در آن تاریخ که دولت روس تزاری سابق با شکل انقلاب و اختلال منقرض و نسل قدیم (رامانوف) در دست انقلابیون با کشتار وحشیان مقتول کردیدند و در موقع شورش و انقلاب روسها اسلحه حربیه و قوه ناریه را بارامنه سپرده و با اشارت های مخفیه در باب قتل و محو مسلمانان آنسامان مقدماتی ترتیب دادند کویا بدین وسیله زنده کردن ارمنستان کبیر در نظر داشتند و ایشان حاکم مطاق در منطقه ایروان و نواحی آن شده (ایروان شهریست واقع در مملکت قفقاز قریب بحدود ایران و ترك) و بنای تعدیات و مظالم کذاشته اهالی را بستوه آوردند و معلوم است که دول معظمه نصارائی در بذل مال و قواء حربیه در آن کونه مواقع مضایقه ندارند و دائما ایشان را تشجیع می کنند چون قوم ارامنه برای تخم سیاست ایشان زمینه بار آوری است و برای تولید نفاق و حدوث انقلاب بهترین وسایل مقتضیه است برای پیشرفت مقصد شان از آن قبیل است تسلیح ارمنستان و یونانیان برای قتل مسلمانان قفقاز و اهالی ازمیر (رجوع کنید برساله فاجعه ازمیر) مثلا روزنامه (خرونیکل) و (دائل مائل) فرانسه در روزنامه (تایمس) در انکلستان پس از ختام جنك بین المللی اخیری مکررا دول معظمه مسیحی را بمعاونت ارمنستان دعوت می کردند و در آخر جوانان نصارائی بنام ملیت تحریص کردند که حکومت

جدید ارامنه را از اشرار و اشقیاء اطراف خلاصی دهند (ایران و ترك و اهالی قفقاز مراد است) و همین طور شد که مقصود شان بود رجوع بمقصد قوم ارامنه از حیث نفوس کمترین ملل و اقوام دنیا هستند با این همه فرقه رسمیه و سیاسیه آن ها بسیار است و نادر کسی پیدا می شود که داخل یکی از فرقه های سیاسیه نباشد و عمده ترین فرقه ارامنه جزب (هنچاق) بوده و مؤسس آن (نظار بای) نظر بیك از اهالی قفقـاز است و بممالکت اسوبچره مهاجرت کرده با معاونت رفیقهٔ حیات خویش (مارد) نام هشت سال قبل از این تاریخ تقریبـا این فرقه را تشکیل داده و برای پیشرفت مقصد خویش (تررور) فدائیها ترتیب نمودند و فرقه دیگر (داشناق) چند سال پس از فرقه اول تاسیس یافته و اصل مرامشان محو عالم اسلام است و مرامشان با خون نوشته شده هر چندی که روزنامهٔ دروشاق پاریس مروج فرقه (داشناق) ستون این فرقه را با خونریزیهای فوق العاده که دارند فرقه بشری وحزب اجتماعی معرفی می کـنند غلطا و فرقه دیگر (وارا غامازال) و دیگری (ساهمانا تراغان) و فرقه دیگر (رامغاوار) یعنی حفظ کننده حقوق عمومی و هر فرقه برای نشر مرام خودشان روزنامهٔ طبع و نشر می نمایند از قبیل روزنامه (دروشاق) و روزنامه (موشاق) و جریده (آزادامارت) و روزنامه (واراغامازال) و اعضای این فرقه با روح ملی سرشار و ازدول مسیحیه دائما روی قبول دیده اند و بملاحظه یك نکته مهمه دائما برای ارامنه معاونت می نمایند و آن نکته عبارت است از اینکه چون عالم اسلام بمثابه یك

سیل خروشان است که هیچ قلعه محکمی مقاومت آن نتواند کرد و بیکدیگر متصل هستند از دامنه کوههای سیبریای روسیه شروع کرده تا ترکستان و قفقازستان و ایران و آناطولی و افغان و مصر و سودان و صحرای کبیر آفریقا و مراکش و الجزایر و تونس و توابع متصل به دریای کبیر می باشد و هیچ دولت و حکومت مسیحی در میان نیست اگر بنام مسیحیت یك حکومت ارمنستان در میان عالم اتصال مسلمانان تشکیل یابد آن وقت آلت پیشرفت مقاصد دول معظمه مسیحی شده بمثابه یك فرقه جاسوسند که همواره ازمقاصد ملیه و مدنیه مسلمانان مسیحیان را مطلع نموده و در موقع انقلاب انگشت مات مسیحیه هستند و این معناء را یکنفر از حقوق شناسان ملت آمریك (آدام کیوان) نام آمریکائی بجامعه ملل در زمان انحطاط اسلام و پایمال شدن حقوق حقه ایشان یك لایحه تقدیم داشته و اظهار کرد که حقوق مسلمانان را تضییع نمودن باعث اتحاد معنوی و اعلان جهاد مقدس عمومی از مرکز روحانیت بوده در آن صورت در مقابل سیل خروشان قلعه محکم مقاومت نکند و از دامنه کوههای سیبریاء تا بحر محیط فاصله میان حکومات اسلامیه نبوده بل رتباط معنوی و اتصال مادی حلقه زنجیری تشکیل داده اند که بهیچ وجهی قابل تفرق و گسیختن نمی شود آن وقت پشیمانی فایده نمی دهد همان لایحه در جمعیت اقوام اثری بخشیده و فشار های فوق العاده تخفیف یافت بدین لحاظ است که دول معظمه اروپائی به تشکیل دادن یك حکومت بنام ملت مسیحی ارامنه اهمیت داده و جدیت کامل بکار می برند که در موقع لزوم بدردشان

بر خورند و این معناء با کمال حقیقت ظهور یافت طوری که در موقع اختتام جنگ بین المللی قواء حربیه روسها دره یك منطقه بدست ملت ارامنه سپرده شده و بدستیاری دولت انکلیس مسلط بجنوب مملکت قفقاز یا شدند ظلمها کردند و عملیاتی را مرتکب شدند که نام انسانیت از آن اعمال ننکین منفور و مدنیت از آن گونه افعال شرمکین بیزار است و اهالی منطقه ایروان که عبارت از ناحیه زنکی با سار و (کرنی باسار) و (شرور) و (نخجوان) و سایره را اشغال کرده و با دسائس و حیل با دستورات لازمه از مراتب عالیه کلیه سکنه آن صفحات را قتل و مجبور بمهاجرت کردند و چهار سال تقریبی مسلمانان مقابله بمثل کرده و ایستادکی ها نمودند ولی بالاخره قواء مغلوبه و ننکین که با تلقینات دولت انکلیز با قوه بالشه ویز محاربه نموده و بالنتیجه مغلوب شده و بقیه قواء حربیه به شهر ایروان مرکز ارمنستان وارد کشتند بدین لحاظ قوه ایشان بالمضاعف شده و مشاقان ماهر و فرماندهان بصیر دول معظمه نصارائیان معاونت کرده و به مسلمانان از طرف دول اسلامیه امدادی نرسیده شد آنچه شد.

هر دم که من ز آشیانه خود یاد می کنم
نفرین به خانواده صیاد می کنم
جان می کنم چو کوه کن از تیشه خیال
بد بختی از برای خود ایجاد می کنم

و در یکی از جنکهای محلی که با ملت ارامنه واقع می شد بعضی ملزومات

جنکی در وقت ارامنه بدست مسلمانان افتاد از آن جمله یکطغری مرامنامه جنکی بود که ترتیب داده بودند و راقم نظر به بعضی عنوانی که داشتم آن را ترجمه کرده و باهالی اعلان و به بعضی ملل متحده همجواری ارسال نمودم مضمون مرامنامه بتقریب ذیل است :

ای فراد ملت ارمنستان و ای طرفداران آزادی ملت نجیبه بدانید و هوشیار باشید که زنجیر اسارت و قید ذلت از هم شکسته و پاره شده و آفتاب حریت از کوه آرارات طلوع و صحرای ارمنستان را ضیاء دار نموده هان بر خیزید و بسوی سلاح جنك شتاب کنید و از ادوار سابقه از ظلمهای گذشته در بعضی ازمنه سالفه انتقام طلبید و از سه جاده مستقیمه هجوم نموده و میان سه جاده را از وجود مسلمانان و لوث ایشان پاك کرده و در قریه [بایجی] نخجوان بقیه را به نهر رود ارس ریخته و از آن عبور کنید و ایضا از سه جاده مستقیمه شروع به جنك کنید از ماکو و عربار [قریه ایست نزدیکی ارس طرف خاك ایران] و مرند باز هم مسلمانان آن صفحات را پاك نموده در شرفخانهٔ ارومیه تمرکز دهید و بقیه مسلمین را اتلاف ومحو نمائید و پس از وقوع این کیفیت از غلبه و خونریزی به دو شعبه منشعب خواهید شد یکی رو بغرب [ترکیه] و یکی رو به شرق [طهران] .

و بی چاره ها نفهمیدند که تدبیرات انسانی با تقدیرات آسمانی موافق نیامده

[آن چه دلم خواست نه آن می شود   هر چه خدا خواست همان می‌شود]

قوه معنوی تمام مواد مرامنامه ایشان را در باره مسلمانان بی نتیجه گذاشته و

مقدمات عملی آن ها را عقیم نمود و اهالی غیور زنگی باسار و شرور و نخجوان و خصوصا (ویدی) وادی و مهاجرین که به ایشان از دیگر محالها پناهنده بودند چند سال زد و خورد نمودند و از مقصد خودشان عقب گذاشتند اجمالا زحمات ارمنستان و عملیات ایشان محض برای زنده کردن ارمنستان کبیر قدیمی بود با دستور دول معظمه حرکت می نمودند و خیال پرستی شان بمقامی رسید که با قلت عدد نفوس و متفرق بودن آن ها در بین اهالی اسلامی که از هیچ طرف بدول مسیحی ارتباطی و اتصالی ندارند در راه استقلال گذائی خودشان بطور حریصانه و خود کشانه ظلمهائی کردند که قلم از تحریرش انفعالی دارد مثلا بدستیاری بعضی دول مسیحی که نظارت امور مملکت قفقازیه بودند پس از خلع امپراطوری روسی بقریه های دور از مرکز آمده و اهالی مظلومه را بمساجد جمع کرده و ترتیب سیاههٔ نفوس مینمودند که گویا از طرف دولت نسبت به نفوس ارزاق از قبیل قند و نفت تقسیم خواهد شد و پس از جمع شدن به مساجد از کمین گاه یکمده نظامیان وحشی مختلط از روس و ارمنی با اجزاء ناریه حاضر و با صد تیرهای معمولی همه مردان و جوانان قریه ها را در مسجد قتل و ستون های بنای مقدس را سر نگون و محل عبادت را مقبرهٔ مظلومان قرار می گذاشتند و بقیة السیف از زنان و اطفال با شکل دیگری معرض تلفات و محل توهینات غیر لایقه واقع شده و نجات یافته و خلاص شدگان با انواع مشقت طاقت شکنانه از راههای غیر مستقیمه به دهات و قصبات نزدیک فرارا پناهنده می شدند و

محض برای اشتباه افکار عمومی و برای نفرت از مدنیت نصرانیت که ساده دلان را مجذوب نموده یك قضیه هولناك ذکر می نمائیم چنان چه یکنفر زنی از دهات شهر قارص که حال اسف اشتمال خود را به یکی از محررین روزنامه (قارداش کومکی) یعنی معاونت برادری نقل می کند و می گوید وقتی که مردان و جوانان ما از طرف قوه نظامیه ارامنه با کشتار بی رحمانه تلف شد و زنان و اطفال در شدت سرمای زمستانی مجبور بفرار شدیم و از فراد یك خانواده قدیمی برای من مونسی غیر از دو نفر دختر یتیمه ام باقی نمانده بود شش ساله و نه ساله مقداری از راه هر دو آن نور چشمانم را طوری که با خود همراه برده و از طاقت افتاده ملاحظه صلاح حال را در این دیدم که یك به یك ایشان را سوی مقصد برم و فکری نمودم که کدامین یکی را روی برف گذاشته و آن دیگری را برداشته تکرار باز گشته آن دیگری را به مقصد رسانم بالاخره روی دختر شش ساله را بوسیده و وداع کرده و با طور نوازشکارانه گفتم عزیزم تو اینجا نشسته قدری ساکت باش من خواهرت را بخانه گذاشته پس از آن بنزد تو خواهم آمد آن بیچاره و فلك زده و از عطوفت پدرانه دست کشیده با حال گریه ناکی با طور اضطراری قبول کرد دختر بزرك را قدری راه برده نزدیکی سنك بزرگی گذاشته باز سوی دختر نازنین خود رسیده دیدم که بالبهای کبود رنك و دست های رعشه ناك روی سینه جان بجهان آفرین تسلیم کرده و به آغوش گرفته وداع آخرینش نموده بطرف دختر نه ساله دویده و زمانی رسیدم که

از کثرت خوف و وحشت و گرسنه گی و سرما زدگی در حال نزع روح و جان دادن است به سینه ام چسبانیده مشغول گریه و سوگواری بودم که بعضی از فراریان رسیده مرا با خودشان بردند و هر قدر سعی کردم که خودمرا انتحار کرده از این زندگی پر آشوب و انقلاب خلاص شده و رهائی یابم قادر نشدم ولی با هزاران تعب و زحمت روحی و بدنی شب را روز میکنم (منیم کوکاوم او کوندن اعتباراً هر زمان آغلار) یعنی پس از مشاهده آن حال اسف اشتمال هر روز و شب چشم من گریه ناك است عجب تر از این حالات تنك آور ارامنه اینك ملتی که دارای چهار صد ملیون نفوس بتقریبی است از ملتی که دارای یك ملیون نفوس هستند این گونه ظلمهای فاحش را دیده و با آن حال در هر موقع دست بر روی دست گذاشته منتظر عوالم غیبی شد و متصدی هیچ گونه عملیات متقابله نیستند اگر تفصیل مظالم وارده از مسیحیین بر مسلمین را تقدیم انظار قارئین گرامی نمائیم در آن صورت هم موجب ملال و افسردگی بوده و هم یك کتاب مفصل و مبسوطی را تالیف کردن لازم است و در حصه چهارم کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی از روی مدارك مثبته و منابع موثوقه مندرجاتی ذکر شده اگر موفق بطبع آن بوده باشیم مورد استفاده عموم علاقه مندان ملیت و اشخاص با شرافت است که رجوع کرده و عبرت از تاریخ گذشته بنمایند همین قدر ما اشاره اجمالی اشعار می شود که آنانیکه عالم نصرانیت را عالم مدنیت و دنیای دیانت اسلامیه را عالم وحشت و بربریت نامیده و توهین بر معنویت میکنند

از فجایع مسیحیین که بعالم بشریت واقع شده عبرت گیرند اجمالا در زمانیکه موقعیت ارامنه مستحکم شد و مسلمین تسلیم پنجه قهر ایشان گردید با فوریت بنای نظام گذاشته و سیاست (ماکیاویللی) ایتالیائی را اجراء نموده و شروع به حبس محترمین و بعداً کشتار مظلومین و معصومین را آمال خودشان قرار گذاشتند (رجوع بکتاب مرامنامه فرقه داشناقسیون) نمائند کتابی است مصور که عین وقایع و عکس مظالم ارامنه را نشان داده و دستخط سفراء دول معظمه مسیحی را ارائه می نماید هیئت بی طرف از بعضی نمایندگان مرکب از آمریک و فرانسه و ترکیه با شهود معتبره محل وقعه و مکان حادثه را دیده و تفصیل را نوشته و عکس فاجعه را برداشته اند بر هر فرد مسلم لازم است که مطالعه نماید و کتاب فاجعه ازمیر و اختناق ایران اثر (مسیو شوستر) آمریکائی هم در نوبه خویش از مدنیت مسیحیت اطلاع می دهند و در حصه چهارم از کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی بعضی وقایع را ترقیم نموده و مشروحا بیان و ذکر نموده ام

اجمال فهرست مظالم شان این است در منطقه (ضاشون) و شهر وان و دیبون و خنیس قلعه و قفقاز و بعضی حدود ایران اطفال معصوم را با طرز وحشیانه کشته در مقابل چشمهای مادران به تنور آتشین افکنده و بریان نموده و مادرانشان را مجبور بخوردن گوشت آن آهو بره ها می نمودند و در صورت امتناع با اسلحه حربیه اتلاف می کردند و بعضا از پوست بشره ربا بجای پاره و دست مظلومین را به آنجا گذاشته و می گفتند از سر ما محافظه نماید

دست خود شان را از آن جیب های بغلی و بعضی را بطور استهزاء و سخریه
آلات تناسل آن ها را قطع کرده و بدهن گذاشته بطور استهزا باه می گفتند
که دول اسلامی را بامداد خود دعوت نمائید بوسیله این شیپور های جنگی
و زنان اسلامیه را در حال رکوع باز داشته و پس از اجرای افعال شنیعانه
اتلاف می کردند و هکذا و تصفیه کردن مملکت قفقازیه و هجوم به خاك
ایران برای نیل بمقصد قدیمی خود شان است که عبارت باشد از زنده کردن
ارمنستان قدیم طوری که باتصدیق رئیس جمهور آمریك در سال (۱۹۱۸)
ولایات پنجاه و شش گانه بملت ارامنه سپرده و زمام امور آن ولایات را بدست
ایشان سپردند و این ملت مدنی و بی طمع باین قسمت راضی نشده تا اینکه
در سنه ۱۹۱۹ ولایات شش گانه را بروی افزودند که روی همرفته سلطنت
ارمنستان عبارت شد ما بین سه دریا بحر خزر بحر سیاه و بحر شام از قفقاز
و آناطولی تا کلیکیا و چند ولایت از ایران که عبارت باشد از تبریز که
اسمش را تغییر داده (تاوریز) نامیدند و خوی و ماکو و اردبیل و اشکردان
بولیان متصل می شود به شهر گنجه که تغییر داده (غانزاخ) نامیده اند و
مدارك مثبته این حملات عین دستخط سفراء خارجه است که در کتاب فرمانامه
فرقه داشناق گراور شده و هجوم کردن بطرف ماکو و محاصره شهر خوی
و قتل و کشتار اهالی مظلومه سلماس و غارت و یغمای شهر ارومی و اطراف
آن اثر استیلای ایشان بنام حکومت ارمنستان بوده و قوم ضعیف و خیالی
ارامنه محض بتبلیغات دول مسیحی این گونه اعمال وحشیانه را اجرا کرده اند

و راقم پس از ایضاح مرام چند سطر بنام راهنمائی و وظیفه مقدسه نوع پرستی و انتباه افکار عمومی ترقیم و بالاندرز حکیمانه و نصایح مشفقانه دلالت بصلح و سکونت و اقامه امنیت بر قوم ضعیف و همسایه قدیمی خودمان نصیحت می نمائیم

مراد ما نصیحت بود گفتیم حوالت با خدا کردیم و رفتیم

و لازم است که از وضع حاضر و اوضاع ملیت خودمان نسبت بارمنستان شمه ذکر نموده و مقصد فعلی ایشان را تشریح نمائیم و هر چه نوشته ایم بمدرك مقالات آتیه رساله یکنفر از محررین اسلام از اهالی قفقاز و از شهر بادکوبه بنام میرزا بالا موسوم فعلا مقیم اسلامبول و عین رساله نزد ما حاضر و منابع موثوقه اثر محرر مزبور قابل شبهه و ایرادی نیست برای اینکه از اصل نسخه مقالاتشان با تاریخ و نمرات صفحات ارائه شده که ما بنام اختصار از تفصیلات صرف نظر کرده و با اجمال اشعار و محول به خود رساله منطبعه در اسلامبول می نمائیم که فعلا ملت ارمنستان به مقصد (پان آریانیزم) سعی بلیغ داشته و (غوکاسوف) درپاریس این فکر مشئوم را در زیر پرده اتحاد نژاد آریا تلقین و بدین وسیله زنده کردن ارمنستان کبیر است ازقبیل متحد بودن ملت بلوچ و لورد و کرد و فارس و ارامنه که همه در نژاد آریا و ایرانیت شریکند و روزنامه (دروشاق) بتوسط بعضی از روزنامه های ایران نشر می کنند و بعضی از ارامنه تبریز مروج و ناشر آنست و با خیال پرستی خودشان با وحدت نژاد آریا در آینده ملت ترك و توران و افغان و عرب و هند را از میان برداشته و یك حکومت کبیر ارامنه تشکیل

داده و از ایران مجزی بوده یك عالم بین المللی ارامنه تاسیس نموده و با امنیت کامله و استقلالیت تامه امرار حیات مسفوریحانه نمایند و در این ضمن یك خریطه ارمنستان کبیر زیر سایه ایران کبیر ترتیب داده و در میان خودشان تشهیر دادند و روزنامه رشت (پرورش) دارای امضاء یغیکیان نمره ۲۹۱ و مخطره مشارالیه نمره ۱۷ این موضوع را استنباط می توان کرد که از روزنامه دروشاق مروج فکر فرقه داشناق ترشح کرده و بجامعه تقدیم افکار فرقه مزبوره را می نمایند و مجله (یکی آذر) یعنی آذر نو اثر محمد زاده منطبعه اسلامبول ۱۳۴٦ در میان است و مخطره سابق الذکر با یك فکر سرشار از وجد و نشاط و با یك نوع روح ملی و انتقام آزاده بیان عقیده کرده و در آخر با جمله زنده باد ایران کبیر و ارمنستان ختم مقال می نماید و تمامی صاحبان فکر از این مخطره و توحید فکر نژاد آریائی و اتحاد ایشان در محویت ترکیه و افغان و هندوستان پی بمقاصد ملی ارمنستان برده و غرض از (فیدارسیون) تشکیل یافته چه بوده بخوبی منتقل بخیال و خیال پرستی بودنشان خواهند شد و ما در این رساله در صدد اثبات عظمت دین اسلام و تجلیات معنوی آن دین الهی درباره ازمنه سالفه بودہ و ارائه حال حاضر و انکشافات واقعیه اش هستیم وغرض ما کشف تلبیس و اعلان تدلیس ملل مسیحیه نبوده و نیست بلکه بمناسبت مقام شاره کردنست به بعضی مرام اقوام سایره و اگر کسی مایل به تفصیلات باشد رجوع به کتابهائیکه قبلا نشان داده ایم و ایضا مراجعت کند بکتاب تمدن الاسلام

حصه چهارم اثر عاجزی .

(شماره ٤ از فصل سوم)

و اما راجع بوظیفه مقدسه راهنمائی نسبت بارمنستان همین قدر معروض می دارد که

من ای صبا ره رفتن بکوی دوست ندارم
تو میروی بسلامت سلام ما برسانی

لازم است بنام عاطفه نوعیه ایشان را حالی نمائیم از این که محض بنام زنده کردن استخوان پوسیده دیگران و ارمنستان سه هزار ساله قبلی مدت طولانی است که همسایه قدیمی و مهربان ما با این گونه خیال پرستی و دماغی خودشان عالمی را خراب و جهان را بر باد کرده و حالا می کنند و دچار انواع فلاکت های مادی و خسارات معنوی شده و بالملازمه ملت نجیبه اسلامیه را معرض اشکالات کرده اند مثلا در تاریخ ۱۹۱۸ میلادی ولایات پنجاه کانه بدبیت مظالم شان سپرده شده و این قوم نجیب و کم طمع از این تقسیم ناراضی و از ضیق مکان شاکی گردیده و محافل سیاسیه دنیا را بتزلزل آورده و ولایات شش‌گانه را از ایران و ترک قفقاز تجزیه کرده منضم نمودند و همسایه کان قدیمی ما همین قدر نفهمیدند که این گونه تقسیمات از دول معظمه مسیحی محض بازیچه اطفال و طیبه صبیان است و حاضر فکر کردن در موقع سلطنت خودشان نشدند که تصور کنند آیا برای محافظه شئونات

مملکت ارمنستان خیالی کذائی که تصور و تصویر کرده بودند چه مقدار قشون لازم است که در اطراف حدود و مرکز امپریالیست اقامت کنند و چندان نفوس برای ادارات محلی از قبیل امنیه و نظمیه وضبطیه و مالیه وهکذا لزومی دارد وقطع نظر ازتمامی آنها آیا برای اعزام سفراء بممالك اجنبیه اشخاص با علم و با بصیرت از لوازمات سلطنت معدود نیست و باید که کلیه این صنوف ممتازه باید که از خود ملت ارمنستان تهیه کردد چون بدایت تشکیلات ملی با جلب مستخدمین اجانب صورت نه بندد و خصوصا بهر قریه یکنفر کدخدا از الزم امور است و ملاحظه نکردند که اکر تمامی نفوس ملت ارمنستان را از صغیر و کبیر و اناث و ذکور و اهل صنعت و تجارت هر که بوده و از هرچه باشد مامور به ادارهٔ امور ولایات پنجاه شش کانه نمایند باز هم کفایت نمیکند

(شماره ٤ فصل سوم)

(٤) وانکهی اینکونه حکومت ارمنستان و تشکیل سلطنتی برای مطیع کردن اقوام متعدده و ملل مختلفه این مناطق کثیره مثل عناصر صالحه و با شهامت و شجاعترین اقوام عالم اهالی قفقازیه و قوم غیور وجسور ترکیه و نازکترین و حساس ترین اهالی دنیا که ایرانیان هستند و محض به اطاعت آوردن قوم یهود که محیل و فطین ترین اقوام عالم بشمارند و روس های وحشی و لاز های متهوّر و اینقوشهای متکبر وآجارا های جنکاور و مهیب و ملت اصیل و نجیب کرجی تصور نمائید آیا این اقوام متعدده در

زیر دست یکمشت قوم ضعیف قلیل بنام حکومت (ارمنستان قدیم کبیر مطیعانه سر فرو میشوند یا نه البته انسان عاقل قبل از داخل شدن کاری عاقبت آن را اندیشه کرده و ملاحظه نموده شروع بمقصد م .. (قدم الخروج قبل الولوج) از اکابر اسلام کلمات قیمت دار است که ذکر فرموده اند اقلا این ملت خیال پر مست و خیالی کلام معنیدار سعدی را نشنیده بودند که در اطراف آن فکری بنمایند (توان بحلق فرو بردن استخوان درشت ولی شکم بدرد چون بگیرد اندر ناف) از قضاء همسایه کان قدیمی م، لقمهٔ بزرك را که عبارت از حکومت پنجاه و شش ولایت که بدهن کوچك برداشته قبل از اینکه معده را پاره کند بشکم نرسیده دهن را پاره کرده و لقمه متلاشی گردید طوریکه از (٥٦) ولایات یکی در دست ایشان که شهر ایروان است و آنهم ربع ولایت و حالیکه با الاستقلال سلطنت نکرده بلکه یکنوع استقلال داخلی و تابعیت خارجی و آنهم یکنوع سلطنت که رقیت و عبادیت از آنچنان سیادت بهتر و خوشتر است که در زیر استیلاء قواء بولشه ویزم هر روز مقدسات ملیه ارامنه معرض توهین و جوانان مملکت معروض به کشتار های خونریزانه است باری گذشته از خیالی و خیال پرستی قدیمی که داشتند اقلا پس از مرور ایام فلاکت تاریخی عبرت نکرده باز هم در مراکز متعدده از ممالك دول سایره تشکیلات پنهانی با نامهای مختلفه ترتیب و در زیر پرده مظلومیت مشغول عملیات زنده کردن ارمنستان کبیر هستند از جملهٔ آخرین دسیسهٔ ارامنه حاضره احداث مرام (پان آریانیزم) است

که غوکاسوف نام ارمنی در پاریس مقالات دائر باین مقصد طبع و نشر کرده و با امضاء بلشکیان در ایران انتشار مییابد و ملتفت این معناء نیستند که (پان) کهنه کی پیداء کرده و تجددی ندارد و از کار هم افتاد چون بیست و پنج سال قبل از این تاریخ ملت روس طراوت و معنویت لفظ (پان) را از میان برده و از اهمیت خود در نظر ها کاستند و چون قوم روس پیروان مذهب (اورتوزقس پرا و اسلاونی میباشند و صرب و بلغار و قره طاغ (چورنوقوریا) و رومینیا در مذهب اشتراك معنوی دارند در دورهٔ ارتقاء سلطنت نیقلای مخلوع و مقتول و زمان انحطاط دولت ترك با تلقین ملت روس دول بالقان را بمناسبت مذهب پرا واسلاونی متحد نموده و بجنك دولت ترکیه تحریص کرده و این اتحاد را (پان سلاویزم) نام گذاشتند و بدین وسیله مضرت بعالم اسلامیه رسانیدند شد آنچه شد و ایضا در ختام محاربه بین المللی عمومی اخیری با تلقین بعضی از ملل مسیحی ملت ترك را ترغیب و تحریص باتحاد اسلام نمودند که یکنوع تشکیلات اتحاد مذهبی در میان عموم عالم تاسیس و بدین وسیله فتح هندوستان و محویت انگلستان در نظر داشته و مسلمانان را آلت پیشرفت مقاصد سیاسیه خود شان قرار گذاشتند و در این ضمن بعض از قطعات ایران را بعثمانیان حق الجعاله مقرر داشته بودند و این مرام را با (پان اسلامیزم) یعنی اتحاد اسلام تسمیهٔ کردند ولی از توجهات غیبیه واثر فطانت ذاتیه ایرانیان بلائی بود که بخیر گذشت و مقصد اجانب بانجام نرسید رجوع بمقصد از این لحاظ است که همسایه قدیمی ما فعلا مسئله پان کهنه و قدیمی

را تجدید کرده و با ایرانیان پان آریانیزم یا خود پان ایرانیزم شده یعنی کلیه افراد نژاد آریاء را در یك رشته منظم ترتیب داده و قوم ترك وافغان و هند و غیره را از میا داشته و یك ایران کبیر تشکیل داده در این ضمن موفق بزنده کردن یك ارمن ان کبیر قدیم را موفق باشند و در زیر سایهٔ پان آریانیزم نائل آمال دیرینه باشند و ایران را وطن اصلی و ایرانیان را برادر بزرك نامیده و چنان خیال می کنند که در ایران و بلکه در کلیه عالم اسلام کسي پیدا نخواهد شد که از فکر انقلابی و مقصد ملی این قوم خیالی حالی نشده تابع افکار مضرهٔ ایشان شده از اصلاحات داخلی و تامینات مملکتی و تعمیرات مخروبه های صد ساله دست بردار خواهند شد و خیال‌پرستی شان بمقامی رسیده که ملتفت نیستند فعلا ایران تازه و فکر جدید و سلطان نو از این فکر ماجرا جویانه صرف نظر کرده مشغول اصلاحات داخلی هستند وانگهی مگر نفس نفیس و شخص شخیص منجی ملت و ملغاء کنندهٔ اصول منحوسه کاپیتالسیون با آن وجدان پاك و فکر دور اندیشی که موهبهٔ آلهیه است از تربیه افراد ملت و اصلاح فارغ نگشته با نچنان خیال (پان) کهنه تضییع وقت نمیکنند و با تمامی ملل و دول معظمه عالم بنای ائتلاف گذاشته و با علاقهٔ دوستانه معامله کرده و با تمام خلق خدائی محبتانه رفتار می کنند کجا اینکه یك دولت اسلام و همسایه ترك که از جهات عدیده علاقمند بوده و ارتباطی دارند عمده ترین علاقه محبت کلمه جامعه مقدسه لااله‌الاالله است پس این شماره را بایك مصرع مشهور ختم نموده و

بگوئیم (آن سبو بشکست آن پیمانه ریخت) ایران بفکر پان شرکت نکرده و با قوم خیال پرست ارامنه با حرکات انقلاب حویانه مال نزدیك و همسایگان را متنفر نمی کنند و دیگر اینکه محض بنام خیر خواهی نوع بشری مطالب مهمی را پیش انظار قارئین گرا می داشته بدان وسیله گوشزد آنها می کنم بلکه بهتر ملتفت باشند بنکته دقیقه کـه عبارت باشد از قرار گذاشتن ملت مسیحی و دول معظمه نصارائی این قوم ضعیف را آلت ملعبه و بازیچه سیاسیات خودشان که درهرعصرو زمانی با یکنوع دسایس و لطائف ارامنه را معرض قتل و کشتار گذاشته و بوسیله آنها مقاصد فکریه خودشان را انجام داده اند و تاریخ بخوبی نشان میدهد که آنچه ذکر حقیقت واقع است و الان کماکان و بنظر متفکرین مکشوف است در اداره (زاقاستورق) و (آراردر) و (پرس آذ) اغلب مستخدمین از قوم ارامنه بوده انگشت سیاست ملعونانه دولت بولشه ویزم شوروی است و این معنا را که خصیصه ملت ارامنه است پنهانی نبوده جهاری و آشکاری است و چنان زعم دارند که تاریخ فقط در لندن و شهر ایروان ارمنستان تحریر می شود و در مملکت ایران تاریخ دان و تاریخ نگار وجودی ندارد حالیکه در این خیال خطای عظیمی دارند و نمیفهمند که افراد مسلمانان دوست را از دشمن تمیز یافته و بی شك را ار شك و انسانرا از خشب مسنده تفریق و تشخیص می دهند وعلاوه بعض اشخاصی در ایران میتوان پیدا نمود که ملتفت دسیسه پان آریانیزم بوده وبهتر میدانند که بچهعلت مبتنی است ارامنه ایران‌را وطن اصلی و خودایرانیان

را برادر بزرگ بنظر میدهند وغیر از زنده کردن ارمنستان قدیم در میان ایران کبیر مقصدی دیگری ندارد توضیح اینکه اگر ایران وطن اصلی ارمنستان و ایرانیان برادر بزرگ ایشان است پس چرا ده سال تقریبی قبل از این تاریخ موقعیکه همسایهٔ قدیمی ما در ظرف مدت سه هزار سال یکدفعه اسب سوار بوده وشهسوار میدان سیاست شده ومدیر امور حکومت یك منطقه گردیدند اول کاری که کردند همان شد که بدمستی خودشانرا بایرانیان نشان داده اسب خودشانرا درسینهٔ مادر وطن اصلی جولان وابتداء شمشیر ظلم برروی برادران بزرگ خودشان آخته وضربهٔ هولناك برسر شان زدند وتیرجگر سوز را بر جگر افراد نجیب ایرانی پرتاب کردند حالیکه خودشان بهتر میدانند وتاریخ نگاران مینگارند در سال (۱۸۹۹) و (۱۹۱۶) در موقع قتل و کشتار ارامنه با دست جلاد بیرحم ترکها نماینده رسمی ایران و ممثل دولت مذهب جعفری بخلاصی ارامنه کوشیده و در راه نجات شان سیعها نموده وزحمتها کشید ونمایندگان دول معظمه مسیحی آسوده و ساکت نشسته بان وقعهٔ هولناك نظر میکردند مگر عوض آنگونه جانفشانیهای ایرانیان در قبال محبت های فوق العاده در زمینهٔ استراحت ایشان اززمان شاه عباس کبیر تا زمان درخشان و دورهٔ سعادت پهلوی که روی قبول دیده اند و آسوده نشسته اند فقط همین قاعدر بر حمل اسلحه شدند هموطن را بکنار گذاشته و برادری فراموش کرده آتشی را مشتعل کردند که حالا اثرش باقی است و نمونهٔ آن قتل و کشتار شهر ارومی و یغمای سلماس و محاصره شهر خوی وهجوم

باطراف ماکو و استخوانهای مقتولین و مظلومین در کنار دریای ارومی مشهود است و زیاده بر این مناسب وضع این رساله نیست که نگارش دهیم همینقدر یك وثیقه تاریخی که از دوستداران ملت ارامنه در بیان هویت شان بیادکار مانده اشاره مینمائیم طوریکه (استانکه وبچ مشهور در کتاب مقدرات ملل صفحه (۲۷۷) رجوع بان کتاب کرده اخذ معلومات لازمه نمائید و در یك بند مخصوص خود مینویسد وقتی امپراطور روس پیوطر کبیر در قصبهٔ اوچ کلیساء بقریه و اغارشاباد مشهور است به ملت ارامنه اشاره کرده و بدستیاری خودش بنجات و خلاصی ارمنستان وعده موهومی داده ایشان را امیدوار به آتیه نمود باهمان و عدهٔ دروغی دوست من یعنی قوم ارمنستان فتنه ها برپاء و انقلاباتی تولید نمودند که نفوس بشری از نام انسانیت منفعل است حالیکه امپراطور روس ایشان را آلت ملعبه خویش قرار گذاشته و قصد داشت که با وسیله ارامنه داردانیل را فتح و دریای سفید را بحیطهٔ تصرف آورده و مقاصد قلبیه خویش را اجراء نماید و معلوم است که مرام پیوطر همان تصرف مملکت قفقاز و تسلط به ایران و تسخیر هندوستان بود چنانچه در وصایای خود تصریح کرده و ملت روس این مقصد را مکرراً بموقع اجراء گذاشته اند ولی موفق نشده اند و فعلا در مخلیه خود شان پرورده و در زیر پرده (بولشه ویزم) و قوموینزم یعنی اشتراکیون اباحیسون با عنوان (پیروله تاریا) یعنی فقراء کاسبه مرام پیوطر را بکار میبرند مثلا از یکطرف دیانت و ملیت و نسب و حسب و ثروت و وطن و حدود و مقدسات را ملغی

کرده و از طرف دیگر دول سائره را با انقلابات مخفیه مضطرب و فراریان و پناهندگان ملل خارجه را محکوم باعدام میکنند و حدود را با سیم های خار دار مسدود و اهالی مظلومه را با انحاء مختلفه مقهور میکنند این نیست مگر فکر امپریالستی و نهایت باآن شکل قدیمی قادر باجراء فکر جهانگیری نشده بوسیله لغو کردن امور دیانتی و سلطنتی مصمم باجراء آن هستند و غافلند از اینکه تدبیرات انسانی با تقدیرات آسمانی موافق نیامده و همواره مقاصد خبیثه ایشان بتوسط سلاطین با شهامت اسلام عقیم مانده و همیشه دست غیبی به سینه آن قبیل نامحرمان زده و از محارم اسلام دفع ورد نموده و امیدواریم که در اندك زمانی این دسیسه منفوره روسها که با شکل وحشت و بربریت اجراء میکنند منکشف شده مفتضح عام و رسوای عالم بشوند بعون الله وبنام بیداری ازغفلت این مقدمه ذیلیه را ختم مقاله ارامنه قرار گذاشتیم و بصداء رسا بگوش همسایگان قدیمی خودمان می رسانیم که ایرانیان وخصوصاً دیپلوماسیای طهران کله دوز شیطانند برای اینکه در جنك بین المللی اخیری اکثر دول و اغلب ملل عالم اشتراك نموده و با خسارات معنوی و ضرر های مادی از آن بلای عمومی تخلیص گریبان کردند و دولت تزاری روسی زاید از دوازده ملیون قشون بمیدان جنك اعزام و به جبهه های مختلفه ارسال کرده و زاید از نود ملیارد منات مقروض متمولین داخلی و خارجی گردید و هکذا سائر دول ولی دیپلوماسیای ایرانیان اعلان بی طرفی کرده چند وقر گندم و جو و چند بارگاه و یونجه ببازار دنیا گذاشته و چند نفر سرباز به معبر ها

گذاشتند بمهمانان نا خوانده و یا خوانده شده با تلقین مراتب عالیه دو کلمهٔ متداوله ایرانی را استعمال کردند که عبارت باشد از اینکه آقا مرحمت شما زیاد و یا اینکه آقا عمر شما کم با این دو کلمهٔ بی مایه و کاه بی سرمایه یك ایران مستقل و متمدن و مترقی و متجدد بجامعهٔ بشریه تقدیم داشتند و بعموم عالمیان اظهار نمودند که اسلام باقی و لا یزول است و الی الابد پایدار است و با این چند سطر تحدیث نعمت می نمائیم (و اما بنعمة ربك فحدث) و شکر ها داریم که عالم اسلام را یك قوهٔ غیبیه همواره از سوء قصد اجانب خلاصی بخشیده و تبلیغات مادی و معنوی ملل مسیحیه را بدون ترتیب مقدمه از ناصیهٔ اسلامیه عقیم گذاشت و لازم است که ملل نصارائی را متذکر نمائیم از اینکه هر چندیکه چند صد سال است مسلمانان از قافلهٔ تمدن یك اندازه عقب ترند با این وصف چندان عوام و ساده دل نیستند که بهر کلمات یاوه سرایان گوش داده و مقالات هرزه گویان ملل ماجرا جویانه را مرام عمومی قرار گذارند و هر چندیکه بالخصوص صنوف سافله عمله و فعله را از ایرانیان دیده و چند نفر حمالهای بی سر و پا در جسر اسلامبولی و معدن بادکوبه بکارهای پست مشغول بوده متقبل هر گونه زحمات معاشی می باشند این معناء ملازمه ندارد که تمامی طبقات ایرانیان حمال و معمار و نجار باشند و چرا ملتفت این نکته نیستند که همان عالم اسلام و ایران است که فضلای نامدار در صفحهٔ روزگار نام مدنیت بیادگار گذاشتند از قبیل شیخ ابو علی سیناء و محمد ابن ذکریا و عرفای عالیمقدار مقتدای اهل طریقت در مسلمانان بسیار

است از قبیل ملای رومی و شمس تبریزی و شعرای نازك فهم و دقیق شعور و شعرای عالی عالم شدند مثل سعدی و حافظ و جلال الدین دوانی و باید بدانند که شاه عباس کبیر از مسلمانان است که صیت عدالتش فضاء کره را پر کرده قطعهٔ از جلفای ارس برداشته در اصفهان بناء نمود و آثار خیریه‌اش در ثلث کره تقریبا الان مشهود باالعیان است و مگر نادر را ندیدند که از نوادر روزگار بشمار است که با صیت شهامت کره را به تزلزل آورده ودول دنیا را بعظمت اسلام سر فرو نمود (هر چندیکه دکتر روزی هولاندی از اثر بی حیائی که دارد در مدینه اسلامیه خود نادر را از خودشان میداند) و کارگران ایرانی را در ممالك خارجه دیده اند و میرزا محمد حسین خان مشیر الدوله را هم دیده اند که از یگانه سیاسیون عالم بشمار است و میرزا تقی خان امیر کبیر ایرانی را شنیده اند که داهترین عصر اخیراست ومتفکرین عالم فکر صائب و ذهن ثاقب آن مرحوم را تقدیس می کنند و مناسب است که یك نکته مهمه در فطانت ایرانیان را ذکر نمائیم چنانچه یکنفر از مورخین فرانسه مینویسد که آیا چند نفر داهی در این عصر اخیر قدم گذار عالم مدنیت شده اند (جواب) چهار نفر آنها کیانند (جواب) ایشان عبارتند از (بسمارق) که صدر اعظم دولت آلمان و موسس اصول سلطنت حاضرهٔ ایشان و دوم (گلادستون) تاسیس کنندهٔ دولت بریطانیای کبیر است و سیم (مدحت پاشای) عثمانی که صدر اعظم سابق و مؤسس قانون حریت و مشروطیت وچهارم (میرزا تقی خان امیر کبیر ایرانی) سوال آیا کدامین یکی از

این چهار نفر اعظم است در دهائی (جواب) امیر کبیر بنظرم اینکه بزرگ‌تر از چهار نفر است که ذکر شد (سوال) عجبا در این چه حکمت است که از وجود (بسمارق) و (کلادستون) ملت آلمان و انکلتره استفادهها نموده و از آن دو نفر بجامعه ملیه منفعتها عاید گردید ولی از این دونفر نفعی در حال حیواتشان ظهور نشد (جواب) چون افراد ملت آن دو نفر سابق عالمتر و قدر دان بوده و لیاقت باستفاده از آنها داشتند بالعکس ولی محیط آن دو نفر شخص بزرگ دنیا جاهل بوده و قدر دانی نکردند هم خودشان را ضایع و هم حقوق معنوی آنها را تضییع کردند رجوع بکلمات (هانری دارغون فرانسوی) این راقم بنام تاسف از عالم اسلام اجمال تاریخ مدحت پاشا و امیر کبیر را بنظر قارئین گرامی تقدیم میدارم اما مدحت پاشا تنزل عالم اسلام و انحطاط فوق التصور ملت غیور ترك را مشاهده کرده در این باب سعی و عمل و معاصر بودن با ملل همسایه را شعار کرده و غافلین را هوشیار مینمود و جهلا و طالبین نفع تبعیدش کرده و بلندن پای تخت انگلستان باقامت مجبورش نمودند و در زمان اقامت خودش مقالهها تحریر کرده و تاسف از عالم اسلام مینمود و ختما خطاب بملت ترك کردهتوهینات وارده را اشعارا معلوم میداشت که توهین وارد بر ملت ترك باندازه ایست که از سی و شش ملیون نفوس ترك اسلامی خودم را یك فرد ضعیف محسوب داشته مقیاس می کنم که آن توهین از بالای شانه ام تا باسمان است از این مقاله ها ملت ترك متاثر شده آن مرحوم را باسلامبول جاب کردند و باز هم

تعقیب مقصد اولی خویش نموده تکرار بشهر طائف ارسال و در آنجا محبوس نمودند و در محبس نامه ها و توقیف و بخانه اش نوشته و به حسن نام فرزند ارجمندش و برفیقه حیواتش کلمات رقت آور اشعار کرده که قلب هر علاقمندان ملت را محزون می کند و در آخر در حبس خانه مجبور باستعمال زهر نمودند و با آنحال اسف اشتمال وداع حیواة فانی را نمود (رجوع بتاریخ مدحت پاشا کتابی است عالی) و اما میرزا تقی خان امیر کبیر داهی ایران آنچنان شخص عالی کمتر بجامعه ملیه از مادر وطن هدیه شده ولی از اثر جهالت و فساد اخلاق عمومی و خصوصی بزرگان مملکت مانع شدند که از وجود آن داهی اعظم استفاده شود و ناصر الدین شاه که جوانی بود کم تجربه اغواء کردند امیر کبیر رامعزول و بکاشان فرستاد در آنجا با سوء حال تلف گردید با این وصف در اندك زمان خدمات شایان بایران نمود در مدت صدارت خود فتنه های مملکت را اسکات امور نظام و مالیه را مرتب صنایع و علوم را ترویج و دار الفنون احداث و روزنامهها ایجاد کردن از کارهای این شخص بزرك است همینقدر لازم الذکر است که جهل سلطان و اغواء درباریان ایران اگر در میان نبودی آن دورهٔ فطرت و ایام جاهلیة روی نمینمود و آن مسکنت و ذلت بعالم اسلام حلك نمی شدی نمی شد رحمة الله علیه رحمة واسعة .

(شماره ٥ از فصل سوم)

(٥) (رجوع بمقصد) و بدیهی است که جنك بین المللی اخیری یکنوع

محاربه علم با جهل و بلای عمومی و خانمان سوزی بود که کرورها نفوس مظلومه بشری را تلف و با آتش قهر و غلبه هر خشك و تری را سوزانید و رقابت چندین سال دول معظمه دنیا و گردنکشان عالم زمینه جنك را مهیا ساخته (رفت چه ها رفت که هرگز مباد) و خصوصا عالم اسلام و بالخاصه ایران ما قبل از جنك عمومی به مرض تشنج مبتلاء هر روز یکمنطقه از دست مسلمانان خارج و بتصرف ملل اجنبیه داخل و حقوق مسلمین در زیر فشار دول استعماری و استشماری محو و اموالشان غصب کمترین ظلمهائیکه بر افراد اسلامیه وارد می آمد همان است که با تابعیت دول اجنبیه و تحت حمایه آنها بودن برای مسلمانان افتخار تمام بود و رجال معظم اسلامیان با ادنی وسایل ممکنه از دول اجنبیه و مامورین آنها نفی و تبعید میکردید و مخدرات ملت بازیچهٔ اشخاص بی شرافت و پست فطرت میشد اجمالا مقدسات دینیه موهون و حیثیات ملیه پایمال و معابد ملوث با پای اجانب بوده طوریکه از نکارش آن با اشارهٔ اجمالیه اکتفاء نمودیم اکثر متفکرین عالم باضمحلال حقوق اسلامیه با قید ابدیت قطع کرده و خود مسلمانان از فرج بعد الشده مایوس کشته از هیچ طرف راه نجاتی برای خودشان تصور نمیکردند در این حال که شیر و خورشید ایران خسوف تمامی داشت و ستارهٔ درخشان سایر دول اسلامیه در پس پردهٔ ابرهای ظلمانی کم نور و بی شعاع بود غفلتا از انوار توجهات غیبیه و فیوضات معنویه غیبت الهیه چنانچه در پارهٔ ازمنه سابقه حافظ دین اسلام آن قانون مقدس الهی را چون بعث بعد الموت از تنزل

و انحطاط به اوج ترقی و اعتلاء رسانیده هکذا در اواخر دورهٔ جنگ بین المللی ترتیبات مقدمات ملل مسیحیه را در باب محویت اسلام و ایران بی نتیجه و بانقلاب داخلی و اشتغال بمنازعه خانگی جمعیت آنهـا پراکـنده و قواء نظامیه ایشان پریشان نـور اسلام و شیر خورشید ایران از زیر ابر های متراکمه نور افشان و با ضیاء معنوی خود تابان و فروزان گردید و از نژاد خالص ایران و از خود افراد اسلام یك شخصیت تاریخی و نابغهٔ داخلی قدم گذار عالم سیاست شده با تائیدات غیبی و امداد لاریبی با فکر صائب و ذهن ثاقب خود پاك کردن خاك پاك اسلام را ازلوث وجود مشاقان و معلمان خارجی را آمال خویش قرار گذاشت بدین وسیله خدا پسندانه یکمده نظامی از افراد غیور اسلامی ترتیب و اصول حرکات شان را از روی قانون نظام تشکیل و دو سرکار با وجود نازنین محبوب خود شمشیر اسلام را حمایل با علاقهٔ دیانت نموده و برق ایرانی را با ارتباط کامل با امور ملیت حامل و با قید خدمت بشریت فرماندهی کل قواء را قبول و با سر نازنین خود تاج کیان را بعدا مزین و با وجدان پاك و انصاف تاجداری خود مناسب ندید که در میان هرج و مرج مخدرات رشت و دوشیزگان شهر ارومی و دختران شهر سلماس ملعبهٔ دونان و پست فطرتان گردد از این است دامن شرافت اردوی مظفر اسلام را از لوث وجود مشاقان و معلمان خارجه پاك و موفق به تنظیم تیپ غیور از افراد جمهور ایرانی شد و متمردین ولایات و سرکشان ایالات را دفع و ایلات عاصیه

با عطوفت ملوکانه تادیب و روساء قبائل را مطیع اوامر شاهانه فرموده و اساس ملوك الطوائفی را قلع و ریشهٔ انقلابات را قمع و تشکیل ادارهٔ امنیه که سالهای سال میبود که ایران محروم از اینگونه ادارهٔ منتظمه بود تشکیل و بنام تامین حقوق قضائی و ودیعهٔ الهی اداره عدلیه تاسیس و نام ایرانیت را پس از اندراس زنده و اصول منحوسه کاپیتالسیون را ملغی فرمودند (عبارت است از امتیازات دول اجنبیه بر علیه دول اسلامی ضعیفه از پانصد سال متجاوز میباشد که اسلامیان زیر فشاران اصول ظالمانه در زحمت بودند) و نمایندهٔ ایران در جامعهٔ ملل اثبات وجود نموده و محافظهٔ حقوق حقه اسلامی را مینماید و با نمایندگان دول معظمه اوروپا زانو بزانو نشسته اجراء حقوق قوانین متقابله مینماید حالیکه چند سال از این تاریخ اینگونه مذاکرات حقوقی برای مسلمانان مشکل تر بود و بحمد اله فعلا در زیر سایهٔ ولی عصر عجل اله فرجه و اثر اقدامات یگانه امید عالم اسلامیت شاهنشاه دل آگاه میهن شهریار گیتی مدار اعلیحضرت پهلوی خلد اله ملکه از فضل الهی و از برکت دیانت مقدسه اسلامی با کمال شرافت و مفخرت امرار حیواة مینمایند و خدمت بزرگی که تکمیل صفحات تاریخی آن شهریار عادل نماید باقی مانده که عبارت است از اصلاح اخلاق فاسدهٔ جوانان مملکت با معارف دیانت و جلوگیری از تقلید کورانه اجانب و تاسیس مدارس عالیه علمیه دیانتی و تکثیر مبلغین و داعیان حقیقی برای پیشرفت امور ملیه در قبال (مسیونر های) اجانب که عمده ترین وسائل ترقی و اعتلاء ملل حیة

عالم با همین ترتیق است و اوقاف و صدقات و نذورات و کفارات و سایر وجوه بر اسلامی بهمین مقصد مقدس عالی صرف شدنی است و ترویج اینگونه مقاصد مهمه عالیه در سایر ملل عالم مشکل است ولی از برکت دیانت حقهٔ اسلامیه زمینه دعوت و محل جمعیت از هر چیز آسان تر است چون حصول اجتماعات منوط و بسته بر یك بیرق مشکی است که از معبر آویزان شود نتیجهٔ مقال اینکه در ختام جنك بین المللی عمومی در قبال سیاسیون اوروپاء و قواء حربیه ایشان از قبیل طوپهای جدید الاصول شنایدری و هوسیری و موریتری و تانقهای محیر العقول و پلس های آهنین و آیروپلان های بلند پرواز جنگی و کشفی و حملی و (مون پلانهای سریعه اسیر و سفینه های بری و بحری و (موتوسکلت و ویلسپید و اسلحهٔ ناریه و اجزاء انفلاقیه و سائره هیچ گونه قوهٔ مادی در میان نبود که حافظ اسلام باشد این نیست مگر یك قوهٔ غیبی و مدد لاریبی که اسلام را بحال حاضر رسانیده بعموم عالمیان اعلام نمود که دین اسلام باقی ولایزول است و دشمنان را از حریم الهی دفع نموده و خواهد نمود اگر خدا نکند مسلمانان قدر نعمت عظمای امنیت ندانسته و شکرانه دیانت حقه اسلامیت را ننمایند مذلت از سر گیرد وایام جاهلیت عود کند (اندر طبیعت است که باید شود ذلیل) هر ملتی که راحتی و عیش خو کنند) لازم است که معنی عصر سعی و عمل را دانسته و ملتفت شوند (که لیس للانسان الا ما سعی) اللهم وانصر الإسلام والمسلمین و اید جیوش المسلمین و انصره سلطان المسلمین وانصره بالنصر العزیز الاعم

بحرمة سيد العرب و العجم و بالقرآن الاعظم ولاثيما با النون و القلم و انصرنا على عدونا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا و ارحم السلاطين المرشدين الاسلاف و النصر الملوك المهديين الاخلاف و النصر غزاة المسلمين و ارحم المجاهدين من جيوش المسلمين فى سبيل الحق و اليقين وصلى الله على آل طه و يس اله الحق آمين

ختام حصة اول از بعد تاريخ اسلام و ظهورش الى يومنا هذا و لنشرع الى الحال الحاضر بعون الله و تائيداته

فصل (۴)

شماره (۱)

قسمت دويم در بيان حال‌حاضراسلام و تجليات‌معنوى‌اين دين‌حقيقى وافكار فلاسفة عصر در آتيه آن اولا تبليغات و يا خود اعتراضات بعضى از صاحبان اغراض شخصية از ملل مسيحيه را ذكر و توهينات غير لايقة ايشان مبنى بر چه سياست دنيه است مكشوف داشته پس از آن حقايق واقعية و نكات بر جسته مذهب عموى اسلامى را مطابق علوم عصرية با عبارت ساده و مفهوم سهل تقديم متفكرين مينمائيم

بديهى است طوائف نصاراى در حق خودشان مدعى صدق و امانت بوده و ملل سائره را وحشى و بربرى مينامند لذا كلمات خائنانه وافكار وحشيانه

بعضی از آنها ملاحظه کرده صدق و امانت مدعیان کاذب را مبرهن میداریم
چون بالفعل وسائل طبع و نشر کتب مؤلفه نکارنده موجود نیست لذا با
اجمال تهمت و افترات صارا ئیان بطریق فهرست مختصر معلوم و محل آن
را نشان داده شروع بمقصد مینمائیم چون متدینین و روحانیان مسیحی غالبا
آلت سیاست و دلال حکومت خودشان هستند و مکرر دیده شده که بعضی
مبلغین آنها بمیان اهالی یکمنطقه داخل شده و نشر مقاصد دینی کرده
و اندکی نکذشته که کاهٔ سیاسی از میان ظاهر شده و پس از آن قوه
ناریهٔ و نظامیهٔ حاضر کردیده بناء بر این آنانیکه از محررین و مبلغین
مسیحی از دولت متبوعهٔ خود معاش کرفته و خدمت ماهیانه و سالیانه میکنند
برای ایشان عین فرض ذمه ایست که بعضی دروغهای بیفروغ بدیانت اسلام
بسته و بنظر اهل عالم ارائه کنند و باعث مزید رتبه و زیادی مواجب آن
کونه دلالهای سیاست رذیلانه شود و این قبیل اشخاص که دین‌را آلت غرض
شخصی قرار کذاشته و برای خوش کذرانی پنجروزه دنیا انصاف و وجدان
و تمامی فضائل اخلاقیه را زیر پا کذاشته و چیزی را که مهم است بچیزی
غیر مهم میفروشند و کلماتشان در نظر صاحب نظران قیمت ندارد

مثل دکتر دوزی هولاندی اول یکنفر کشیشی بود بعداً پروفسور
دارالفنون (لایه)و اعضای آکادمی (مادرید) واز جمله انتقادیون کردیده
و هاشم شامی عربی که بقران مبین ایرادات لفظی و نحوی نوشته و آن
صنعت رذیل را وسیلهٔ معاش قرار کذاشته اینقدر انصافی ندارد که آورندهٔ

قران اقلا از منبع فصاحت و از دوحهٔ بلاغت است و من حق اعتراض و و نکته گیری ندارم هر چه بزبان مقصدت نیاتش جاری شده من غیرحق آن را برشته تحریر آورده و نویسندگان کتاب الهدایهٔ چاپ مصر بمعرفة مرسلین امریکائی که وسیلهٔ معاش چند نفر از اعضاء هیئت تحریریه است و ضمنا حقیقت را فدای اغراض شخصی دینوی کرده‌اند و مرتکب هر گونه رذالت کذب را شده‌اند و از این قبیل است صاحب میزان الحق پروتستانی و ایضا فلیپ‌پادری انگلیزی ویلمن و سائره که افترآت و دروغها بقران و خود مسلمانان نسبت داده همه شگفت آور و روح هر صاحب وجدان را بنام بشریت متنفر مینماید .

مثلا ملاحظه فرمائید کتاب (ثمرةالامانی) را از تالیفات ایشان (صفحه ۷۹) مینویسد بموجب آیهٔ قران هرون برادر موسی علیهما السلام بت پرست شدحالیکه قران از انچنان بهتان مقدس و منزه است و خود کلام‌الهی درمیان است و در حق هرون حکایت میکند (و لقد قال لهم هرون یا قوم انما فتنتم و ان ربکم الرحمن فاتبعونی و اطیعوا امری) یعنی ای قوم شما امتحان شده‌اید (در حق خدا پرستی) و تحقیقا پروردگار شما رحمن است پس تابع می شوید و قول مرا اطاعت کنید (ایضا ثمرة الامانی) صفحه سیم مینویسد که دین اسلام دارای اموری چند است از خرافات و ضلالات و مواد طفلانه و مدتی است بنام توحید و یگانگی خدا پیچیده مردم شده و خودش بت پرستی است راقم ملاحظه فرمائید خرافات بت پرستی از تاریخ

نزول قران تقلیل یافته و قران عظیم‌الشأن در سوره النساء ایة (۱۶۹)مذهب بت پرستی نصارائی کنونی را ذم و تقبیح مینماید (لاتقولوا ثلاثه انتهوا خیرا لکم انماالله اله واحد) از سه کانگی خدا به پرهزید و خداء یکی است و بدین سبب است که قران را باخرافات معرفی میکنند آیا اینگونه رذالت دروغ بنام دین و دینداری مرتکب میشوند که هر صاحب وجدان از این کونه فواحش انفعال دارد و ایضا کتاب الهدایة تالیف جمعیت مبشرین و مرسلین آمریکائی در جزء (۲) صفحه (۴۲) کفته قران برای رعایت سجع در کلمات قائن نام پسر آدم را قابیل نامیده در مقابل هابیل از قضاء در قران لفظ قابیل موجود نیست از معده می‌نویسند (ایضا کتاب الهدایة که بمعرفت مرسلین از امریکائیان طبع شده در جرئت و دروغ در بارهٔ حضرت رسول خود داری نکرده اند بی شرمانه نسبت بانمقام مقدس تجریات زشت نموده اند کتاب عظمت اسلام را با کلمات زشت و ننك آور آنکونه اشخاص پست بنام دیانت ملوث نمودن منافی مقام عالی مطبوعات و تحریرات است باجمال اشاره میکنم کتاب الهدایه صفحه (۶۹) مینویسند که پیغمبر اسلام زن پسر صلبی خودرا تزویج نمود الی اخره حالیکه همینقدر نمی فهمند که زید پسر حارثه از قبیله کعب است پسر صلبی ان بزرکوار نبوده سهل است از قبیله هاشم هم نیست بلکه از قبیله کعبی می باشد و از قارئین کرامی انصاف می طلبم که بکتاب مبدء الاسلام این راقم مراجعه نموده ملاحظه نمایند که در تزویج زینب چه حکمتها و در طلاق ان چه سر ها

مرموز است و خود قران در این موضوع چه حقیقتی را متکفل به بیان آن شده و تصور کنید این قبیل اشخاص ظاهر خودشان را چون فواحش آراسته امراض فکری را چون مرض سفلیس و سائر امراض مسریه بافراد بشری تزریق میکنند و با حسن ظاهر و خبث باطن عالمی را خراب و جهانی را برباد مینمایند اجمالا کلیة کسانیکه بر مقام مقدس عالی قران و موقع شامخ اسلام توهین وارد آورده عالماً ایراد غیر محقانه میکنند غیر از تامین معیشت چند روزی خود و افراد عائله اش چیز دیگری نیست چون برای پیشرفت مقاصد سیاسیه دولت متبوعهٔ خود شان مرتکب اینگونه اعمال ننگ آور میباشند .

طوریکه مجلهٔ (ارشاد بغدادی صفحهٔ (۴) و (۵) عدد (۳۲) روز شنبه سنه (۱۳۴۵) مقالتی از صلیبیان نقل نموده با امضاء موقع و منسوب جمعیت عالمیة صلیبیة برای عیسوی کردن عالم وخصوص نصرانی بودن بلاد عرب و مرکز این جمعیت عماره (۱۹) اهلیندرود – ایرنورود لندن رئیس مستر (اِسنند) مراقب (قس بارکلین) حرکات متجاسرانهٔ این جمعیت باندازهٔ ملعونانه و کافرانه ایست که شخص علاقه مند دیانت را مجبور بمطالعهٔ کتاب عهد عتیق و جدید و کشف اغلاط و مهملات انها مینماید

(اوّل) مینویسد جماعت نصارا دعا کنید بنام ارشاد قوم عرب تا خداوند آنها را نجاة دهد از شیطانیکه برای آنها کتابی بیهوده تهیه کرده فریب خوردهاند و آن قرآنی است که جای کلمةالله الحیة انجیل را گرفته

(مقاله ۲) مینویسد حجاج از منازل دور و دراز برای زیارت مکه می آیند شهری است که پیغمبر کاذب انجا تولد یافته (کافرم من اگر اینقوم که دیندارانند) منصفانه و بیطرفانه آیات قرآن و ترجمه آن را مطالعه می نمائیم و ملاحظه میکنیم که فرموده (ان الله یامر باالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی الخ) که عین مدنیت واقعیه است وایضا در موضوع عطوفت و حفاظت نوعیه (من قتل نفساً فکانما قتل الناس جمیعاً) و در باب نهی ازلهویات (انما الخمر و المیسر والانصاب) فرموده و هکذا و پس از مداقهٔ کامله یقین میشود که قطع نظر از عالم مثوبات و آخرت ،لابد است در عالم دنیا که قانون منتخب از قرآن معمول و مجرای گردد لاغیر و انگهی نظر باناجیل چهارگانه و توراة قدیم نموده ملاحظه مینمائیم که غیراز زنای انبیاء و شرب اولیاء و جسم شدن خدا و نظائر آنها چیز دیگری مصادف نظر نیست ملاحظه کنید اول انجیل یوحنا را (مسیح کلمه بود و آن کلمه نزد خدا بود و آن کلمه خدا بود وتمام آفرینش جهان از او بود) باميزان عقل سنجیده معلوم میشود که بیهوده قرآن نیست بلکه انجیل حاضر است بلکه تناقض در عالم امکانی ندارد و هیچ پیدا نشود مگر در انجیل یوحنا زیرا خدا کلمه نشود و کلمه خدا نگردد و انگهی انچه نزد خدا است غیر از خدا است علاوه کلمه صفت است و فعل است و غیراز متکلم است آنست که (جیروم) نام از علما نصارای چند جلد تفسیر نوشته باشد که این آیه را اصلاح کند ممکن نشده در آخر رفو و اصلاح کرده باآنکه خدا باخون

مریم آغشته و بدنیا آمده چند روزی عالم را اصلاح کرده و بدست جهلاء با کلاه خارا آکین بدار آویخته شده از بدن عنصری تجزیه و بمقام اصلی خود رفته از قضا اصلاح جیروم افساد عظیم است و عذرش بدتر از اصلی کناهش شده و از وسط انجیل معروض داریم چون وقت تشریح جمیع کلماتش نداریم انجیل میکوید حضرت مسیح در شب عروسی پسر کدخدا از دهلیز خانه شرابی اعجازی تهیه و باهل مجلس هدیه کرده تمامی حضار از صافیت و لذت ان در عجب شدند کتاب روحانی یك قوم و پیغمبر ربانی یکملت العیاذ باالله بقول انجیل اعجازش با تهیهٔ ماده خبیثه ام الفساد (الکوای) باشد آیا حق دارند که بقران سرمنشا افتخار عالم انسان بقول ناپلیون اعتراض کرده بیهوده خوانند عجب نیست عجب از دستکاه خلقت است که عقل بشری از درك اسرار وی عجز تمامی دارد انکونه میکروبهای عالم عرفانیات چرا منصهٔ شهود قدم کذار شد و توهین بمعلم و استاد خود نمایند و از عیوب خودشان چشم پوشیده کورانه به پرتکاه مهیب مروند نظیر آن قضیه ایست که شخص پیر عایل و ضعیف و فقیر با قد خم و موی سفید چشمهایش از وجع اشك ریزان با این وصف عاشق جوان با ثروت و صاحب مکنت شده و در پی معشوقش به بازار و برزن دوان و در عشق آن حیران بوداز صاحب نظران یکی ملتفت این معنا شد آهسته نزدیك پیر یحیا نام آمد کفت

(قد خم موی سفید اشك دمادم یحیاء)

(تو باین حالت اکر عشق بنازی چه شود)

و این راقم هم میگویم ای برادران مسیحی با آن توراة خرافات که خدای عالمرا بدر خانهٔ هرپیغمبر سائل وار گردانیده وبا ان اناجیل موهومات پیغمبر انرا آلت لهو و لعب هر اشرار شراب خوار و زناکار نموده و باآن اباطیل بولس که بفرسیسیان نوشته و با ان اضالیل که کشیشها در مورد مغفرت گناه زنان تعلیم آن بیچارگان مینمایند از سرتا پا موهومات خرافات اباطیل و اضالیل است

آیا چه سفاهت است که بر قران منبع علوم و معدن حقایق بر جسته و آورندهٔ آن جرئت ورزیده اعتراض می کنید خوب است که مسلمانان اعتراف دارند بر اینکه مثل مسیحیان آیروپلان سازی و طوپ اندازی و (دوئلبازی) را نوعی‌است از مبارزهٔ قانونی) مقتدر نیستند چه‌عیب داردشما هم اقرار کنید بر اینکه ما مثل مسلمانان حقایق بر جسته قرانی و مدنیات عرفانی و فضایل روحانی‌را ارشادنشده‌ایم انوقت شما ازمسلمانان اخلاقیات دینی تعلیم کرده و مسلمین از شما احتیاجات دنیوی یاد گرفته این دنیا از فضل الهی روح و ریحان گردد عجبا چرا ملتفت نیستید که فرقه ضالهٔ بولشه ویزم و مسلك خبث قومونیزم و مذهب داروینیزم و مرام نهلیزم که‌همه ان ها طبیعی و مخرب عالم انسانیت هستند از تعلیمات بی اساس رهبانان شما مسیحیان در عالم احداث شد و از مغفرت ذنوب گناه کاران از طرف کشیشان برای زنان با اندازهٔ اعمال ننگین و حرکات شرمگین عکس‌انداز صفحات تاریخ شد که مردم از کلیهٔ دیانات متنفر شد ند و کرهٔ دیانت منفجر گردید . از بخار غلیظ آن تمامی

عرفانیات لکه دارشد عجب ازفهم مردم تقلید کنند کان است بر مدنیت مسیحیان
کذائی که تمدن شان عین وحشت واصل بر بربت است که در باب چهارم تمدن
الاسلام بعون الله تشریح مینمائیم (شرح این هجران این خون جگر ـ این زمان
بگذار تا وقت دیگر)

فصل چهارم (شماره ۱)

(شماره ۱) از فصل (۴) تقدیم انظار قارئین گرامی میدارد که دین و دیانت
اشرف مفاهیم کلیه است و از بدو خلقت بشری دین و انسان ملازم همدیگر
بوده ومفارق نیست وسبب سعادت جامعهٔ بشری و جهت فارقهٔ انسان است از
حیوانات طوریکه انسان صاحب قوه فکر بوده و حیوان فاقد آنست و فکر
برای پیدایش قوه غیبیه است که بانظر واستدلال بی توان برد و در هر عصر و
زمانی باهر لهجه و زبانی در میان جامعه بشریه و داعیان عوالم دینیه مخلوق
الهی را بسوی عرفانیات و صوب فکر اصلاقیاتی دعوت کرده‌اند ودر این باب
زحمات فوق الطاقه را متحمل شده و متقبل هر گونه ایذاء وجفا گشته‌اند ودائما
باقانون تقابل در قبال نور ظلمتی و درازاء علم جهالتی بوده وهمت وخیر باشر
ونفع با ضرر مقابله دارند لذا در پیشگاه مبلغین حقیقت و دیانت بعرض کسا
نیکه قطاع طریق واقعی هستند اظهار وجود نموده و ساده‌دلان و ابلهان را
بدور خود جمع کرده بنام علم و فلسفه باقی نام نام انسانیت و سیماء حقیقت
را لکه دار و موهون نموده اند و با حرافات و شعبده بازی عوام‌الناس را اضلال
و عبادالله را اغفال مینمایند و مسلکی احداث و برای آزادی از قیودات معنویهٔ

دعوت بر بیدینی و لاابالیگری کرده و بیدینی‌را مرام خودشان قرار گذاشته اند و آنگونه اشخاص از نعمت عظمای دیانت محروم و از سعادت واقعی بی بهره باشند واز امیدواری بآتیهٔ اعمال بی‌نصیب نه تقلید انبیاء و نه پیروی حکما و نه تابع علماء هستند و نه در علم و حکمت بمرتبهٔ عالیه نهایة و اصل شده اند بلکه در حد وسط علم از تقلید خارج و بمرتبهٔ کمال غیر واصل از اینجا مانده و از آنجا رانده و مسلك بیدینی مرامیست که در تحت لفظ (نیچری ـ ناطوری) طبیعت فرق کثیره مندرج است جامع همهٔ آنها که بمنزله جنس میباشد همانا عدم اعتقاد باخرویات است از این قبیل است (الهیون) یعنی معتقد بقوه غیبی بوده ولی منکر نبوت و میعادند (فلسفیون) هر چیز مبنی بر فلسفه است در نزد شان قبول والا فلا (ریبیون) بالاثرین مراتب شك که باقید اضطراب و تزلزل در شبهه مانده‌اند نه طرف عدم ونه طرف یقین را التزام مینمایند (عقلیون) آنچه عقل قبول دارد قبول است والا فلا یعنی هر چیزیرا دائر مدار عقل می دانند (ذهنیون) هر آنچه بذهن بشری نگنجد مردوداست (مادیون فردیون) هر آنچه در عالم محسوسات و مشاهدات است مرکب از ذرات فردیة بوده وفرد همان اجزاءاست که از جزء لایتجزی جمع گردیده و با ترکیبات شیمیائی صاحب حس وحرکت شده و غیر از آنچه مشهوداست چیزی دیگر وجودی از روحیات و روحانیات ندارد وپس از تفسخ اجزاء و تفرق ماده محوخواهد شد (اشتراکیون اباحیون) و این فرقه اخیره در میان سایر افراد طبعیون از همه بدتر و بجامعهٔ بشریت مضرتر است (قومونیزم) تعبیر دیگری آنست که

در عالم خلقت هر چیزیرا مباح و مشترك بین العموم دانسته والمال مشاع بین-
الناس ورد عمومی ایشان است و مال من و مال وی و مال ایشان در مسلك
(قومونیزم) ممنوع است وهزاران سال قبل از این تاریخ پس از فوت سقراط
دریونان (دیوژن کلبی) و ذیمقراطیس یونانی این مسلك خبیث را نشر وانتشار
داده وپس از آنها (مانی نقاش) مشهور هم مجدد این مسلك شدومحوگردید
و پس از آن (مزدك) نام مشهور در زمان (قباد) پدر انوشیروان با این نام
اشتراکی قدم گذار عالم وحشت و بربریت شده ومحوگردید بدست نوشیروان
و پس از آن تاریخ درچند منطقهٔ عالم شیوع یافته و محو شد طوریکه قبلا
نوشته و اشاره نموده‌ایم و دفعاتی در عالم این مسلك مضر شیوع یافته ومضرت
فوق العاده بعالم انسانیت ایراث نموده ومحو شده تا اینکه پس از اختتام جنك بین-
المللی عمومی در مملکت روسیه بورور (لینن) نامی از مملکت انکلتره باطریق
آلمان بروسیه که مدتی بود تبعید شده بود اعضاء فرقه بولشه ویزم در بازار
و مجامع عمومیه صدای (المال مشاع بین الناس) را کوش زد خاص وعام و
ندای (یا صعالیك جمیع العالم اتحدوا) را اعلام کردند وهمان جمله منحوسهٔ
روی بانقنوط حك و با زبان عربی نقش کردند و (بنام پرولاتاریا) (یعنی
فقرای کاسبهٔ دنیا) تجمع کردند و این جمله مزبوره رادرسال سیم سلطنت فتح-
علیشاه قاجار (کارل مارکس آلمانی) در مجمع عمومی در پای تخت اسپانیه
مادرید علنا بنفع کارگران در خطابه مخصوصهٔ خویش انشاد کرده بود و
رفیق کارل مارکس (فرید ریش) معروف باوی همدست و همداستان بوداجمالا

(یادگار آن خمیراست این فطیر) و فعلا مملکت کبیر روسیه در زیر فشار اعضاء آن فرقه مجبور باضمحلال بوده و هر روز هزاران نفوس اعزه ترك دیار واوطان نموده بممالك نزدیك پناهنده اعمال وحشیانهٔ ایشان باین رساله گنجایش ندارد آنانیکه از عناصر صالحه قفقاز بخاك پاك ایران پناهنده هستند وثیقه جان دار وزبان داران میباشند

هر کس مایل باطلاعات است سؤال کند و نتیجه عملیات ایشان چه خواهد شد خدا عالم است آنچه تاریخاً با تجارب عدیده دست رس شده اینکه منجاوز از دوازده سال این مسلك دوامی ندارد سحر تاچه زاید شب آبستن است (اللیلی حبلی) و در رساله مبدءالاسلام اثر عاجزی اشاره باین نکته گردیده رجوع نمائید مقصد اینکه از تمامی مسلکهای مزبوره آنچه مضرتر است (اشتراکیون) اباحیون که انقلاب فکری بوده و شعبه ایست از آن مسلك (نهلیزم) یعنی عدمیون که مرامشان در عالم طبیعت ساختن سوختن و کشتن است و (داروتیزم) که پیروی یکنفر از فلاسفه انکلتره است بنام داروین یکصد پنجاه سال قبل بر این تقریبیاست قدم گذار عالم مطبوعات شده و درفلسفه ید طولانی دارد ولی انقلابی نیستند وکلیه اینها بر تمامی ادیان اعتراضی دارند و دیانت را بازیچه صبیان ظن میکنند ودر خصوص دین مقدس اسلام هر چه تدقیق کرده‌اند تابحال مغائر علم ومخالف فن وحد اصول معیشت چیزی نیافته‌اند و این راقم تمامی کلمات مدققین دین اسلام را از کلمات علماء وفضلاء وفلاسفه استقصاء وجمع آوری کرده‌ام اگر موفق بطبع آن باشیم یك کتابیاست مستقل

و آنچه مناسب این رساله است

فصل چهارم (شماره ۲۰)

(۱) همین است که بطریق اجمال فهرست مثالی از کلمات قیمت دار فلاسفهٔ عصر حاضر را برای نمونه ذکر مینمائیم و مقدمه مفهوم عالی دین و تعریف جامع وفایده وغایته آن رابیان کرده پس داخل مقصد شویم - اولا دین بقول بعضی از فلاسفه عبارت از عشق مفرطی است برای درك قوهٔ لایتناهی و بنابه قول بعضی از ایشان (دین خاصه ادراکیست که در تحت اشکال واسامی متنوعه درك قوهٔ غیبیه راتوان نمود و فضلاء اسلام بطور دیگر تعریف نموده چنانچه طریحی در مجمع البحرین و مطلع النیرین مینویسد (الدین وضع الهی لاولی الالباب یتناول الفروع والاصول) یعنی دین قانونی است وضع شده از ناحیه مقدسهٔ الوهیت برای صاحبان عقول سلیمه مشتمل بر اصول و فروعی است و دین بر دو قسم است (تنسیقی) تنظیمی و (غیر تنسیقی) غیر منظم اما اولی عبارت آنست که با اصول مخصوصه منتظم وبا نسق خاص منسلك شده و احکام معینه و معلومه را داراء بوده در اوقات و حالات مخصوصه عمل میشود مثل دین براهمائی که اول وقدیم ترین ادیان عالم است و مثل دین (بودائی) که یك نفر شخص بوداء نام در کوه (همیلایا) ریاضت کشیده و بعد به شهر بنارس هندوستان آمده وبدستیاری یکنفر از شاگردانش (بوراء) نام مذهب مخصوص (بود یزم) را نشر کرده‌اند و کتاب رسمی ایشان (وداء) و سیصد و شصت میلیان نفوس پیروی آن دین است و تفضیلات مواد دیانتی و احکام شرعی

آنها را در کتاب تمدن الاسلام حصه چهارم بیان نموده‌ام و (دین زردشت) که یکنفر از اهالی آذربیجان بوده با کتاب روحانی خود (زند) در ایران ادعاء نبوت کرده و گویا معجزه‌اش عبارت از تصرفات در حرارت بوده ودر یکقطعهٔ هند وحوالی طهران وبعضی قطعات نزدیك پیروی آن پیداء میشود ودین (یهود) که مرکز شان بیت المقدس ونفوس ایشان از ده میلیان کمتر و کتابشان تورات و پیغمبر شان حضرت موسی ص ع وقوم محیل ونژاد اصیل وذکاوت مند هستند و دین (نصارا) که منسوب بقریه که حضرت مسیح آنجا تولد یافته میباشند بنام ناصره و کتب آسمانی شان اناجیل اربعه است ونفوس ایشان از تمامی ملل عالم بسیار چون باحصائیه رسمیهٔ عصر حاضر فعلا در تمامی کره (یك میلیارد وهجده میلیان و بیست ودوهزار نفوس بشری موجود است و ثلث آنها عیسوی وبقیه آن از سائر ملل عالم تشکیل می یابد و در تمامی قطعات عالم از مناطق خمسه و بعضی جزائر یافت شده و رو به تزاید است از حیث اکتشافات جزائر جدیده و دعوت اجباری بر دین نصارائی و دین مقدس (اسلام) که آخرین ادیان رسمیه واقعیهٔ و ناسخ آنها و قریب چهار صد میلیان نفوس پیروی آن دین الهی هستند و در کلیه قطعات عالم متدینی داشته و کتاب آسمانی قرآن عظیم الشان اسلامی در همه محترم ومقدس است ــ اما دین غیر تنسیقی وغیر تنظیمی همانا عبارت از ادیان و حشیان جزائر که از بربریت تخلیص گریبان نکرده وبدائره هدایت ومدنیت داخل نگشته‌اند و کتاب آسمانی نداشته باصرافت طبع خودشان معتقد بقوهٔ غیبهٔ بوده ومقتدر بکیفیت واقعیهٔ ادراکی نبوده‌اند همینقدر بعضی

از آنها معتقد اجنه و کهانت و (قامس) بوده و بعضی از آنها آدم خوارند (یام یام) تعبیر آورده شده وبعضی از ایشان بلکه کله انسانی خشك از دروازه سرای سلطنتی کذائی خود شان آویزان کرده و بدین وسیله عبادت میکنند و در کتاب مبدء الاسلام مدلل شده که از وحشی وانس مدنی و گو چری کسی نیست که معتقد بدینی و پیروی یك آئینی نباشد و شاعر معروف خیالی ماوراء لنهری باین معناء ایماء میکنند در اشعار خود و در آخرش اشعار مینماید (هر کس بزبانی صفت مدح تو گوید ـ بلبل بغز لخوانی قمری بطرانه که معتکف دیرم که ساکن مسجد یعنی که ترا میطلبم خانه بخانه) ووحشیان که معتقد دین رسمی نیستند اطفال خود شان را پس از کشتن علیل و مریض آنها را با اختیار خودشان بمادران تسلیم میدهند اگر پس از تحویل دادن یکی فوت گردد یك انگشت از مادر قطع خواهد شد چون مواظبت کامل نکرده وظن میشود که اجنه تسلط یافته و فوت شده عوضا یك انگشت از مادر قطع خواهد و بعضا (قامس) یعنی کاهن که وظیفه طبابت هم بعهده ایشان موکول است معاینه مریضی کرده وسه روز وقت تعیین خواهد کرد وافسونی خوانده میرود اگر در ختام مدت شفاء یاب گردید فبها والاازنده بگور کرده وظن دارند که فایده از حیواة و زندکانی وی بجا نه عاید نخواهد شد اجمالا کلیه ادیان دراین عصر مورد انتقادات حقه واقع شده و موادا حکامش قابل هرگونه اعتراض است فقط دین اسلام را کاملا تدقیق کرده ودر اطراف آن بحث عمیق نموده محل تصدیق وتقدیس فلاسفه بیطرف شده و بعضی حقایق

برجسته آن انکشاف میکردد که حیرت بخش عقلاء عالم و ایراد کنندکان براحکام اسلام اکثرشان قلبا و فکراً معترف بواقعیت آن بوده محض برای پیشرفت مقاصد سیاسیه و اغراض شخصیة آن دین الهی را موهون بنظر میدهند طوریکه سابقا سمت تحریر یافت و ملخص اعتراضات ملل مسیحیه وطبعیه در کتاب مبدء الاسلام مشروحا بیان نموده‌ام رجوع شود طوریکه غرض رانی آنها کاملا مکشوف شده

شماره (۲)

(۲) ودر این حصهٔ دویم از دوره تالیفات تمدن الاسلام فی بیان فسلفته الاحکام که عظمت اسلام نامیده‌ایم در قبال کلیه ادیان قدیمه و جدیده عالم بمثابهٔ صاف وسهل بوده و مطابق علوم عصریه و موافق اذهان بشریه‌است که ابداً صاحب ذهن در حقانیت آن تردیدی نکرده عن صمیم القلب معتقد آن دین الهی میشود مگر کسیکه از بدو صباوت با تعلیمات واهیه فکر فطری وی مشوب باغراض بوده باشد در آنصورت غرض روی حقیقت را مستور میدارد مثلا دین مسیح که مشهور ترین ادیان است در شناسائی خالق بطوری مغلق و مبهم بنظر می آید که ذهن بشری از آنچنان دین تنزیهی قادر بدرك کردن چیزی نمیشود چون تعلیمات کشیشان در موقع تعمید که میگویند الوهیت یك معنای عالیست مرکب ازسه چیز (اب ابن روح) پس آن سه تایك چیزشده و آن یك هم سه میشود و فکر ساده هر چه تصور میکند این معناء کنجایش ذهن خود نمی بیند (قضیه) وقتی یك نفر سرباز اسلامی اسیر ملت روس گردید

در موقع جنك دولتی و راهبان وقت را غنیمت شمرده قصد کردند که آن را عیسوی نموده و از دین اسلام مرتد شود مو تعلیم سابق پانزده روز مکرر داشتند وپس از ختام وقت معین در محضر سلطان اسیر جنکی را حاضر مجلس امتحان نموده سؤالاتی دادند و سرباز غیور اساسا ننك الوهیت گردید گفتند زمانیکه اسلام را معتقد بودی یك خدائی را اعتراف داشتی پس در نتیجه تعلیمات مذهب نصرانیت این چند روزه باید که بسه بودن خدا قرار نمائی حالیکه اصلا نفی خالق کردی اینکه از امور عجیبه است جواب دادمن در تمامی عمر خود همین بیکی بودن خداوند مطلق اعتقاد داشتم ولی تعلیمات پیچ اندر پیچ کشیشان طوری مشوش کرد که من آن خدای یکتا را هم فراموش کردم از این کلام حضار خندیده آزادش کردند ــ اما معرفت خداء وخالق شناسی در باب اصول اسلام همین است که عالم حادث و محتاج بصانع است وآثار ذوالجلال از مصنوعات ظاهر وهوابداء است اما طوریکه عقل بشر احاطه بدرك کیفیت آن نیست برای این که عقل خودش از مصنوع آن قوه غیبیه است ومحاط بمحیط تسلط نیافته ودرك نمیتواند کند پس هرچه باندیشه بشری تصور شده وتصویر شود آن خالق نبوده مخلوقیست که فکر انسانی خالق آنست در نتیجه مقال همین قدر واجب (آرنست زنان) فرانسوی در جزء مقالاتش مینویسد توحید مسلمانان بطوری رشته مقاله رابجای باریک وتاریک رسانیده که عقل بشر در مقابل آن عجزی داشته محل رد واعتراض نیست و مثل خدا شناسایی مسیحیان نیست که یکی شخص متحید و کشته شده را اله متجسد میدانند و معابن نوع

بشری خصوص منبع علم وعرفان حضرت امام همام (جعفر بن محمد) علیه السلام در رسالهٔ توحید مفضل ابن عمر که یك منبع دانش است از آثار صنعیه اثبات وجود غیبیه را نموده و از علم نباتات وحیوانات و سائره دلائلی ذکر فرموده که در واقع جای شبهه برای صاحبان افکار سلیمه باقی نمیماند و ما در این رساله چند فقره از فقرات آن ذکر وتطبیق بعلوم عصریه می نمائیم پس از تشئید مبانی و تحکیم مبادی خدا شناسی و اصول دین شروع به حکمت احکام فروع آن دین الهی شود میفرماید (یا مفضل اکثر الادلة فی نفس) واشاره بکیفیت تخلق منی و نماء زرات نطفه انسانی میفرمایند و تفصیل آن بعض مطالب علمیه است که در علم طب مبسوطا ذکر شده و خارج از وظیفه این رساله است همینقدر برای ایضاح مرام و معنای کلام عالی امام همام ذکر میشود ادلهٔ خدا شناسی بسیارش در نفس خود انسان موجود است طوریکه آن حضرت در آن رساله اشاره به جنین میکند چون زرات نطفهٔ مرد بنا بمعلومات طبی چهار میلیان زره ایست همه منشاء نوع انسانی ودو میلیان زرات نطفهٔ زنها است فرقیکه دارند زره منی مرد مستطیل مدور و زره منی زن مدور کروی عدسی الشکل ویك زره از چهار میلیان به زره دیگر عدسی الشکل زن داخل شده منشاء نماء انسانی شده و مابقی فاسد و بارنك خون تبدیل و غذای آن یك زره میشوند دوره دویمی پس از تکمیل مراتب نموی خود داخل دوره زندگی و زندگانی میشود در رحم مادر و لابد است برای ذی حیواة از خوراك لذا بایك قوهٔ غیبیه غذای جنین را بواسطه یك لوله لحمی

و عصبی متصل به ناف و از یکطرف متصل به مرکز خون به طفل میرساند پس از چند ماه که بشره مقاومت باهوای خارج میکند و قدرت تغذی و تعیش در عالم دنیا دارد با کیفیت مخصوصه از رحم مادر خارج میشود محل استدلال بر وجود قوهٔ غیبیه اینکه اگر بدون تدبیر خالق مدبر با خودی خود اینگونه تکونات ممکن باشد انوقت سؤال میکنم چراء تمامی آن زرات مستطیل الشکل مردانه پوسیده وشکال خونی بخود کرفته غذای آن یك زره که بعدسی الشکل زنانه داخل شده میباشد اگر قوه غیبیه در میان نباشد لازم است تمامی آن زرات منشاء نوع انسانی بوده همه جنین شود یا اینکه هیچ یکی انسان نباشد ترجیح بلامرجح از چه راه است وانکهی همان زراة مستطیل مرد است که همیشه داخل زراة عدسی الشکل زنها میشود بچه سبب کاهی دختر کاهی پسر زائیده میشود و علاوه از اثر کدام تدبیر است که بعضا در حیوانات چند عدد بچه زائیده چون سك و در بعضی حیوانات یك بچه مثل انسان و آنکهی چراء بعضی از ذی حیوان دانه خوار و بعضی کوشت خوار کاهی کوچکتر و کاهی بزرگتر بعضی شیرخوار بعضی غذاء خوار و بعضی پستان دار بعضی بیضه دار حالیکه همه آنها زراة است لاغیر وزرات از کجا دانستند که سکها هفت و هشت بچه میزایند مبنی بر آن هفت وهشت پستان تشکیل داده شده و در انسان دو عدد پستان تشکیل یافته و مرغان بی پستان خلق شد بعضی از مرغها که از بیضه بعمل آمده عذاء کوشت عادت کرده و بعضی از همان زراة مثل آن بیضه ولی دانه خوار طبیعت وشعور وماده وقوه که بعضی اصطلاحات

طبیعیون است چه مدرك این تمام اختلافات انواع واجناس را قایلند وایضا سؤال مینکنم از چه روچنین حکمت در طبیعت مکنون و مضر است مادامیکه چهار ماه ولد وجنین در شکم مادر است غذاء را از شکم بواسطه اوله احمی وعصبی به اندرون میرساند و پس از خارج شدن از شکم مادر بفوریت پستان مادر را جستجو میکند و غیر از این عوالم و اسرار که عقل بشری عاجز از درك آن اسرار است رجوع بمقصد و ایضا اشاره انحضرت است و آیة مبارکه داله است که (من بین فرث ودم لبنا خالصا) وقتیکه طفل از شکم مادر خارج شد اگر تامل شود باالبداهة وجود یك قوه غیبی و مدبر لاریبی بر همه منکشف میگردد زیرا از کجا خون مبدل به شیر گردید آیا طبیعت بامعاونت زراة میتواند که در پستان مادر یکنوع زرات مدور کروی جمع آوری کرده وقوه مقناطیس (کهربائی) بوی داده وبدین وسیله وبواسطه عروق شعریه و رگهای نازکه ولطیفه از میان زرات خون قوه ذهنیه وروغنی را تصفیه و تجزیه کرده در پستان مادر جمع کند که اصل ماده شیر تشکیل می یابد وانکهی روغنی بدون حلاوت شیرنی خوش آیند طفل نمی شود باالضرورة لازم است که قوه شیرنی بدهن ممزوج گردد و از جگر سیاه که محل احتیاطیه شکراست و شیرنی بجمیع اعضا بدن از آن جا تقسیم می گردد و بدین لحاظ از جگر قسمتی بپستان مادر با قوة کهربائیه (غدد) و سلولها بروغن از مجاری عروق شعریه رسانیده و خلط و مزج نموده و مطابق مواد علم (فیزیولوژی) و وظائف الاعضاء غذائی به بچه تهیه میکند و بجامعه بشریه هدیه میشود آیا بدون قوة غیبی ممکن است که

این تشکیلات تشکلی پیداء کند و آیا زرات باین اندازه تدبیر را شاعر وقاصد است هزاران نکات در کیفیت تخلق جنین مرموز است که علم طب و تشریح متکفل بیان آن است (لاروس مدیکال ایللو ستره) قاموس بدن طبی منطبعه باریس کتابی است ضخیم که از اهل خبرهٔ آن با مراجعت نکات علمیه کلام عالی امام همام علیه السلام منکشف میشود ایضا از کلمات معجز سمات مربی کائنات اقتباس شده در توحید مفضل ابن عمر مسطور است تصور نمائید که بچه وقت زائیدن بی دندان وپس از فطام یعنی بعد از تکمیل دوره شیرخواری دو سالکی دندان های لطیف و نازك روئیده وپس از اکمال هفت سال دندان های سابق ریخته شده عوض آنها بعضی دندانهای اسطوانه وثنایاء و طاحونه ئی تشکیل یافته و پس از اکمال دورهٔ شباب وجوانی همان ریخته شده بحال اولی عود و رجعت مینماید ملاحظه کنیم زرات وطبیعت از چه راه پی باین نکات عالی بردند که در موقع ولادت طفل اکر دندان دار بوده باشد حلمه (تکمه) پستان مادر را جریحه دار میکند بدین جهت باعث مضرت وسبب فوت هر دو میباشد وقتیکه از شیر قطع شد دندان لطیف مناسب روئیده میشود مناسب دهن و غذا وقت و زمان و هکذا الی آخر عمره و اکر کسی صاحب علم و ارباب فن باشد با مراجعه بکتاب مقدس توحید مفضل ابن عمر که جاری شده از زبان معجز بیان حضرت امام همام است باعلم الیقین بوجود خالق و رب العالمین اذعان واعتقاد می کند که از نباتات وحیوانات و انهار و کیفیت اشجار بوجود قوه غیبیه استدلال نموده علاوه از خالق شناسی بامامت انوجود مقدس هم یقین مینماید طوریکه

در نیم دائره جزیره عربستان در آنچنان زمان انکونه شخصیکه منبع علم و معدن عرفان است بدون مسافرت برای تحصیلات علوم با ماکن بعیده و با نبودن فنون عصریه حاضره انچنان اطلاعات از شخص عادی امکان پذیر نیست و برای فهمیدن مطالب مندرجه رساله توحید مفصل ابن عمر وسائر کلمات آن وجود مقدس اقل مایقنع اکمال مراتب متوسطه علوم را مستلزم است طوریکه کتاب (غراند آنیقلوپه دی) کتاب بزرك اخلاقی بدین نکته اشاره میکند که مسلمانان برای اطلاع رسانیدن باحکام دیانتی خود شان لازم است که متصف بعلم باشند اجمالا وجود صانع از همه اشیاء ظاهر و اثبات آن از تمام چیزها آسان تراست و در علم کلام با دلیل (لمی وانی) اثبات صانع شده از معلول بوجود علت و عکس آن ممکن وسهل و ساده است و دین اسلام از حیث اصول دین درصورت تعلیم و تعلم بر اثبات خالق ویابکانکی ذات مهیط و بسیط لایزالی بطوری موافق عقل و مطابق علم است که جای اعتراض وشبهة نیست و دلیل تمانع دریکی بودن خدا مبرهن ومعلوم است وکتاب باب حادیعشر علامه قدس سره برای متبدیان و کتاب (اشارات شیخ ابوعلی حسین سیناء) در الهیات برای منتهیات مورد استفاده ایست وکنجینه معارف برای علاقه مندن دیانت است در صورتیکه وجود قوهٔ غیبیه مدلل کردید و تفصیل آن خارج از وضع این رساله بوده با اشاره اجمالیه از آن مبحث میکذریم و دلایل رکیکه و اعتراضات ضعیفه طبعیون را در حصه چهارم تمدن الاسلام مشروحا بیان خواهیم نمود بعون الله و اساس مهم بی دینان این است که ذرات باترکیبات شیمیائی جمع شده واز اثر حرارت وبرودت و

رطوبت صاحب حس و حرکت شده در موقع تفرق اجزاء و تفسخ آن از
حس و حرکت باز میماند و اجزاء پراکنده میشود که همان موت میگوئیم
و سؤال میکنم که در موردیکه شخص صحیح الاعضاء و کامل الاراده بدون
مرض وبلا تفرق اجزاء و بدون اینکه عوارضات تدریجی عارض شده
باشد می بینم که فوراً باسکته آنی و فجعه فوری همان موت عارض میشود اگر
روح و روحیات و یك عالم غیبی در میان نیست آیا کدامین اجزایش پراکنده
شده و کدام اعضای مادی آن از همدیگر جداء گردید که موت طاری و
عارض وی گردید والخ و بعضا میگویند که طبیعت زرات وماده آن بر این
است که با ترقی وتربیه تغیر یافته میمونهای که در صحرا کله واری امرار
حیواة مینمودند باتربیه وترقی تغیریافته انسان صاحب فکر وعقل شدواستخوان
های (اسکلت) میمونهای قدیمه بااسکلت انسان بر طبق حکم (انترو پولوژی)
طبقات الارضی و قانون (میتا فور موز) تغیرات استخوانهای وارتباطات اعضاء
حیوانات مشابهت تمام دارد مبنی براین انسان هم وقتی میبود که میمونها بودند
با تربیه ترقی یافته انسان شد چنانچه بعضی از اقوام دمهای سگهای خود را
تراشیده وقتی میشود که باتربیه بی دم میزایند این گونه مزخرفات کلمات
آن فلاسفه هائی است که بعضی مسلمانان تقلید شان را افتخار عد مینمایند ونگا-
رنده این گونه اباطیل لایق جواب ندانسته همینقدر میگویم (آن سبو مشکیت ان
پیمانه ریخت) پس از این حقایق اسلام انکشاف یافته وجود روح و نبوت
روحیات بعالم معلوم خواهد شد و خصوصا باعلم (آنتروپولوژی) در این عصر

اخیر خصوصا در حدود سنه هزار و سیصدوچهل هشت ماه‌شوال یکنفر از مشاهیر علمای آنترو پولوژی انگلیس (سیر آرسور) نام در قطعه چین نزد یکی شهر (پکین) استخوان یکنفر انسان مرده را کشف کرده که تقریبا (دویست هزار سال قبل از این فوت) شده و بعضی میگویند که یك میلیون سال قبل از این فوت شده و معتبر قول اول است در حال قیام در یك کوه یخ که بملاحظه متصل شدن به یخ و سرماء پوسیده نه شده و عین جسد را به لندن نقل کرده و علماء طبقات‌الارضی در اطراف آن بحث کرده اند و همین قدر کشف کرده‌اند قبل از دویست هزار سال قبل از این فوت و اسکلت آن را مداقه نموده ویقین حاصل شده که مطابق علم آنترپولوژی انسان از اول خلقت انسان است و از میمون متبدل وتغیر یافته نیست و اصول (داروینیزم) که قسمتی از طبعیون هستند و تابع رای داروین نام از فلاسفه صد و پنجاه سال قبل براین این مسلك را اختراع کرده این فکر از میان خواهد رفت و اصل مدرك طبعیون موهون و مدارك مثبة روحیون با فروغ تمام تفوق خواهد نمود رجوع شود (جریده وقت استانبول (۱۹۱۹) (کانون اول) نشریات سال سیم پس خطاب با آنانیکه در حیطه اسلامند می نمایم البته قدر نعمت عطای خداشناسی را دانسته از صراط مستقیم دیانت منحرف مباشید و اشخاصی که کور کورانه تقلید به لاابالیان کرده بمحض شنیدن سخنان یاوه سرایان و هرزه گویان از مسلمانان تقدیس امثال داروینیزمها و قوموئیزمها و نهایزمها می کنند آنجنان کسانی که ظاهر خود شان را آراسته چون افعیهای زهرآگین با نرمی ظاهری خوش نما بود

و در باطن بهر کس تزریق یك زره از زهرش نماید بهلاکت میرساند حذر کنید از آنها و اجتناب نمائید از آن چنانْ اقرباء و اصدقاورفقاء زینهار از قرین بد زینهار و اغلب افراد مملکت چنان خیال کرده اند که علم و فن و مدنیت و تجدد و وجدان و شرافت و ترقیات و اصلاحات و غیر ذالك از این مقولات جدیده با دیانت و خدا شناسی جمع نمیشود و بعبارة سهل و ساده دین مانع ترقی بوده و دیانت با اصلاحات متضاد است و هر پست فطرت و ارذل طبیعت از طبقهٔ سافله که تربیه ذاتیه نداشته و از خانواده با شرافت تعلیمات نگرفته بمجرد شنیدن این خرافات بی اصل و این ترهات بی اساس تصدیق میکند و دین را بازیچه صبیان خیال می کند هر کسیکه علاقه مند مملکت و منسوبین جامعه ملیت است گوش بانچنان سخنان چاپلوسی نداده و آن قبیل کسانی را از جامعه بشریه خارج دانسته و بدانند که آنان بعضی میکرو بهای عالم مدنیت است که با چشم مسلح تشخیص می یابد بلکه دین عین مدنیت و مذهب همان اصلاحات است اگر دین در میان نباشد شرافت یعنی چه و نه تاپیدن مال مردم ضعیف از بهر که عدالت معنایش چیست و امانت از بهر خاطر کیست و هرج و مرج نکردن در دنیاء حماقت و محبت نوع سفاهت است و نیکی کردن بر جامعه حماقت است اینها که ذکر شد بعضی مفاهیم عالیه ایست که از مبادی عالیه بافراد بشری تلقین شده و از وحشت سبعیت و طبعیت حیوانیت بمرتبه کامله انسانیت و درجه سعادت مدنیت روحانیه آدم برزخی زا برساند بانچه مقصد خلقت است و تمامی انبیاء و کلیه اوصیاء

و کملین باین مقصد مقدس عالی مبعوث شده و در راه هدایت نوع زحمت ها کشیده اند .

(شماره ۳)

و کودك مزاجان عالم زحمات آن مربیان نوع را دچار مشکلات مادی نموده اند و ما در این شمارهٔ آینده کلمات قیمت دار فلاسفه عصر اخیر و مشاهیر دنیارا جمع نموده و بنظر مطالعه کنندکان تقدیم میداریم که واضح و آشکار گردد که آنانیکه کاشفین و مخترعین و موجدین مشهوره و معروفه هستند غالبا بانتهاء درجه و فلسفه و نقطهٔ عالیه حکمت منتهی شده اند با این وصف مروج دین و پیروی یك آئین بوده و مقلد پیغمبران عظام و اولیاء کرامی هستند و ساده دلان و سفیهان چنان خیال نکنند که علم و فن بادین ضد بوده و ترقی با تدین جمع نمیشود بلکه معنای کلام عالی کملین دین را ملتفت باشند که فرموده اند (الملك والدین توءامان) هیچ حکومتی بدون تکیه بر دیانت پایدار نیست و هیچ سلطنتی بدون اعتماد بر عدل دینی بر قرار نخواهد شد و کلمات فلاسفه در مطلق لزوم دین و دیانت بادقت ملاحظه کرده پس از آن خصوص لزوم دیانت مقدسه اسلامیه را در فصل آتی مشروحا بیان نمائیم (والحمدلله علی ماهدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولان هدانا الله و الصلواة والسلام علی سفرائه و اولیائه)

(شماره ۳) از فصل (۴)

شماره ۳ (جامس) نام از فلاسفه مشهوره دنیا میکوید (بر علیه ادیان

و اعتقادات مذهبی رفتار نمودن و ترویج مذهب داروین از اغرب غرائب است و قائل شدن بر اینکه این تشکیلات خلقتی بنفسه وجودی پیداء کرده یك نوع سفاهت و منبع این قول و قائلش مجهول است) و ایضا از مشاهیر علماء فیزیك (حکمت) در مملکت فرانسه (ژان رینو) در رساله اش معنون بارض و سماء مینویسد (جان ما بمنزله پوصله ساعت و عقربه قبله نماست هر زمانیکه متوجه بسوی خالق خود بوده و بصانع خویش تعظیم دارد متحرك و جان دار است و گرنه ساکت و جامد است) ایضا مفسر علوم حکمیات (اوسانا) معروف مینویسد (اعراض کنید و ویاش دهید (هرقل را) که بر خالق کائنات استهزاء کرده و چنین خیال مینماید که غیر از زراة در عالم چیزی نیست و لیکن ما فیلسوفان وجود خالق مدبر را مقر و بصنع حکمتش معترف هستیم و با حکیم (غالیله) و با فیلسوف شهیر (الیوتسین) و با فاضل حکیم (وولة) و (سپالانزاء) و (برناز) و (برسشو) و امثال آنها در معرفت خالق یکتاء و قادر تواناء و حی بی همتاء در فکر خدا شناسی شریك وسهیم هستیم و در این باب افتخاریها داریم و (قوپرنیق) ریاضی مشهور قبل از شروع نمودن بکشفیات علمیه بمعبد روحانی داخل شده و با خالق عالم راز و نیاز مینمود و پس از آن با روح صاف و وجدان پاك مشغول بکشفیات می شد ایضا (قاتارقاژ) می گوید (دیانت پروری از قدیم الایام با انسان ملازم بوده و از اوصاف کامله و قواء ممیزه انسانی بشمار است و قائل بر ماده بودن یکنوع جنة و خبط دماغ است) و حکیم (ماتنه قازا) از قائل شدن بماده

توبه کرده ورجوع بدیانت نموده و (هوکسله) هم مثل (پاستور) شده در انجمن علمی پاریس نطق نموده و لزوم دین و دیانت را اثبات کرد و از قدماء فلاسفه سقراط و امثال آن موحد بوده و دیندارند و (پاستور) مشهور می نویسد (که خلقت تدبیری و تناسب اعضاء بشری و ارتباط میان اعضاء و اعصاب دلیل قطعی بر وجود خالق حکیم بوده و فکر کردن در تشکیلات وجود حیوانات بالعیان صانع آن را بنظر ارائه می کند) پاستور از جمله کسانی است که در ذمه افراد ملل عالم در عصر اخیر حق ثابتی دارد که سبب مرض آبله و علاج آن را کشف نموده و بدین وسیله فعلا در تمامی منطقهٔ کرهٔارض تاسیسات بنام پاستور وجودی دارد و ایضا (کامل فلارماپون) عالم علم هیئت مشهور در هر ماده از کشفیات ریاضی تقدیس خالق کرات و ستاره‌ها مینماید و در توصیف کره قمر و کیفیت هوای آن نوعی تشکراتی اظهار می نماید که مشعر معنای (سبحان من بقدریة یعجز الفحول) است و مسیو (لنه) ساحر علم نبات می گوید) که در کیفیت خلقت هر یکی از اقسام نباتات وجود غیبیه را مدلل می دارم و (کپلر) نام قبل از شروع بکشفیات روح و فکر خود را در کلیسا با سجده و دعا منور می کردی بعداً شروع بمقصد می نمود اگر تمامی کلمات مشاهیر عالم از سلاطین عالم و فضلاء بنام در باب معرفت خالق ذکر گردد کتاب ها لازم است بنظرم اینکه همین قدر برای اثبات مرام کافی است و مقصد اینکه چنان خیال باطل است که در میان مسلمانان متداول است هر کسی که چند کلاس در مدرسه اکمال نموده لازم

دانسته که باید خودش را بالامذهبی معرفی بنماید چون مذهب باخیال باطلش باعلم توافقی نداشته و مطابقی ندارد وقتی که معلوم گردید که پاستور با آن شهرت علمیه و خدمت نوعیه که دارد موحدو خودش دین دار است و کوپر نیك لنه و شوپنهائر و امثالهم دیندارند و اشخاص مذهبی هستند و با مذهب افتخارها دارند آنوقت یکنفر جوان ایرانی شش کلاسی با پوزعالی و کیسهٔ خالی بالهجه متفرنك و قیافهٔ تقلیدانه در موقع افتخار نمی گوید که من مذهبی نیستم و شنیده‌اند که قونت آلمانی مذهبی نیست و ملتفت نشده اند که از چه رو این طور شده از قضا اگر سؤالی از این قبیل اشخاص بنمائیم که معنای دین یعنی چه و برای چیست و فرق میان شریعت و مذهب و طریقت و مسلك و ملت و امت چیست معطل است ای برادران اسلامی وای هموطنان ایرانی مادامیکه تقلید می کنید بر انبیاء و اوصیاء و فضلاء و حکماء تقلید کنید چون شیخ ابوعلی سینا و محمد ابن زکریاء وفرابی و فراهی و نصیر الدین و جلال الدین از نژاد شماء وهموطن شما و هم مذهب شما بوده ومذهبی و دینی هستند و بر تمامی فلاسفه دنیا برتری دارند و سعدی و حافظ و قا آنی و شیروانی از شما است ومذهب را مروج بودند چراءبدون سبب ازروی مقتدایان خودتان را ترك کرده تبعیت اجانب می نمائید مگر سلاطین با شهامت اسلامی از دامنه کوههای چین تا صحرای آفریك و از مجارستان تا دریای ياپون و هند در زیر بیرق عظمتشان باامنیت بوده و سکنه این بلاد وسیعه باکمال مسعودیت در بستر استراحت غنوده و بمال عالم افتخار می نمودند

مسلمان و دیندار نبودند دین مانع ترقی نبوده باسکه عین ترقی است و مذهب همان تمدن و مسلك همان تجدد است اینگونه پیروی اضالیل و تابعیت اباطیل و تقلید خرافات اجانب همان نبودن تربیه ذاتیه است امیدواریم که از توجهات آورنده دین مقدس الاسلام در سایه اقدامات اولیاء امور با تاسیس کردن مدارس عالیه علوم دیانتی اخلاق پوسیده جوانان مملکت اصلاح و تربیه ذاتیه اطفال و نونهالان ملت اکمال شده کلمة واحدة (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه) و رد زبان عموم افراد جامعه شده عظمت قدیمه از سر کیرد و توحید افکار و وحدانیة ملیة در تمام افکار افراد حکمفرما شود انشاءالله و بی بمعنای عالی (الدین و الملك توءمان) بوده در سایه دعوت بدیانت جلب قلوب اقارب و اباعد می نمائیم پس از فراغت از موضوع مطلق دین و دین داری و بیان مضرت بیدنی و بیدیانتی که باعث مضرات سه کانه است از قبیل (ضیاع اخلاق و ضیاع سعادت و ضیاع جمعیت) و محسنات اجتماعیات دینی و فضائل اخلاقیات روحانی شروع می نمائیم بکلمات فلاسفه عالم از منصفین و متدینین آنها در بارهٔ خصوص دیانت اسلام و نظر قارئین کرامی تقدیم می داریم اینکه اکر کسی را احاطه بر احکام دیانت اسلام و بصیر بر نکات آن بوده باشد برایش یقین راسخ و ایمان ثابت حاصل میشود بر اینکه شخص بیدین وحشی تر از سبعیات و پست تر از حیوانات است و مادامیکه دین داری لازم است بدیهی است که دین اسلام بنسبت بسائر دیانات طرف مقایسه نبوده واجب الاتباع است (ان الدین عندالله الاسلام) و من یتبغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه) شاهدازلی است وقطع نظر

از قول بعضی مغرضین که از مرحله انصاف بغایت دورند در واقع دین الهی اسلام است و مقبول عقلاء دنیا است و کسی خارج از محیط مواد احکام اسلام زندگی نمی تواند بکند غایة ما فی الباب بعضی بامید آخرت عمل کرده نائل مثوبات اخروی است و بعضی دیگر بملاحظه مدنیت ظاهری و ترقی دینوی عامل است و با ترجمه و تغیر شکل مذهبی مواد اسلام را بکار می برند و این دعواء که ما کردیم هرچندیکه در نظر مطالعه کنند کان ادعاء بزرك بوده و اغراق کوئی ملحوظ می کردد ولی چون مدارك مثبة و بنیه صادقه در میان است (مثل قول ما مثل قول ان شاعریست که یك شعر را در موقع آوازه خوانی در مجمع عمومی غلط خواند شعر یکه مطلعش ای روی تو چون خون و زلفت چون مشك ـ سرخی رو و سیاهی زلف محبوب را توصیف مینماید حالیکه عکس آن غلط اشعار نمود و عکس آن را خوانده (ای روی تو چون مشك و زلفت چون خون) سیاهی روی و سرخی زلفش در حال پیری که با علاجی حناء سرخ باشد این معناء عین ضد مراد و مستهجن است در مجمع شاعران و رقیبان خورده گیری کرده و با یکدیگر اشاره نمودند که قدر و منزلتش در نزد سلطان سقوط خواهد کرد و فی الفور شاعر آوازه خوان ملتفت شده و باالبداهه اصلاح فساد کلام خود نموده گفت (ای روی تو چون مشك و زلفت چون خون) می گویم از عهده بر آیم بیرون) مشك است ولی نامده از نافه بیرون خون است ولی آمده از نافه برون) معلوم است که قارئین بخوبی ملتفت شدهٔ اینطور

قرائت محسنات شعریه‌اش را افزود زیرا که روی محبوب چون مشك بنظر
می دهد در آن موقعیکه از نافه بیرون نیامده همان خونست که سرخی دارد
وزلفش همان خونست که‌از نافه بیرون آمده باشد همان مشك است که قبلا
خونی بود سرخ و الان سیاه تر شده و این اصلاح شعری سبب شد بان شاعر
در آن مجمع خلاق المعانی لقب دادند) • این راقم با صدای رساء بگوش
عموم اهل دنیا می رسانم که بدون عمل باحکام دین اسلام زندگی و زندگانی
خارج از دائره امکان است مگر معیشت وحشیانهٔ جزائر که داخل سالك
تمدن نشده اند و این ادعاء را نموده و از عهده بر آیم بیرون برای اینکه
دین اسلام تمامی مواد زندگانی را متکفل بوده و طریق آن را تعلیم داده و
قبل از اسلام بعضی مدنیت اقوام از روم و یونانیان و مصر و ایرانیان با صرافت
طبیعت بشریه بان مقام واصل شدند با این وصف همان مدنیت گذائی را یا المقاسیه به
مدنیت ظاهر شده به بعدالظهور وحشت و بربریت است و هر چه به نظر تصادف
می کند یا ترجمه شده است از دیانت اسلام یا با لمخالطه و مراوده با مسلمانان
در محاربات و تجارت اخذ و اقتباس گردیده و مبنی بر این اساس اولا تصدیق
و تقدیس فلاسفه و منصفین ملل مختلفه دنیا را در باره دین الهی ذکر پس از
آن از هر قسمت مواد دیانت راجع به اقتصادیات و سیاسیات و اخلاقیات وعدالت
با تطبیق لازم بعلوم حاضره و اقوالی حکماء عالم تقدیم مطالعه کنند کان شود
(بیه رلونی) فرانسوی محب اسلام که دو سال قبل فوت شده و اثر های قیمتـ
دار از خود بیادگار گذاشته مینویسد (من ادعای اسلامیت می توانم بکنم

زیرا خود و افراد عائله ام تا کنون صرف ماده خبیثه الکول (شراب) نه کرده و از دروغ اجتناب داریم) و ایضا پیه رلوتی می نویسد (که اندکی نمیگذرد مگر اینکه تمامی سکنه کائنات قبول دیانت اسلامیه می نمایند زیرا حقایق بر جسته آن دین با ترقیات علوم و فنون انکشاف یافته و مطابق بودنش با عقل و معیشت واقعیت آن ظاهر خواهد شد (کوستا ولوبون) آمریکائی محقق مشهور میگوید (آنانیکه از فلاسفه بزرگ دنیاء بـا کشف یك ماده مهمه راجع بر اصول زندگانی افتخار میکنند و مردم با چشم بسی بزرگ بروی نظر مینمایند هزاران امثال انگونه اکتشافات در جزء احکام اسلام مکنون است و با طریق اعتقاد بایشان تعلیم شده و خود مسلمین غافل از آن نکات قیمت دار هستند) و فیلسوف کتابی تالیف نموده دارای (۷۰۰) صفحه میباشد و مندرجات وی راجع بـه دین اسلام بوده از تاریخ مکه مکرمه ونسب پیغمبراسلام علیه السلام و جغرافیای عربستان و شهامت عربها و تمجید دین اسلام رجوع (بکتاب معارف عثمانی منطبعه در اسلامبول) شود (مسیو دووال) مدقق اسلام در کتاب خود می نویسد (دین اسلام بت پرستی را تقلیل نموده و خم پرستی در سایه دین اسلام رو بنابودی گذاشت و قربانی انسانها که متداول بود منع نمودوفرقه آدم خواران تقلیل یافت (فعلا در قطعه آوستر الیه آدم خواران هستند که قوم یام یام تعبیر می آورند) و ایضا تعدد زوجات را بدائره قانون داخل نموده و محدود ساخت بچهار عدد رسانید که قبل الاسلام بعضی از ملوك سیصد زن

منکوحه داشتند و انبیاء مثل داود و سلیمان همچنین بودند مراجعه شود به توراة و کتب عهد عتیق و ایضاً حقوق زنان را بر مخلوق شناسانید (آیهٔ فان لم تعدلوا فواحدة) و ایضا اسیران قبل از اسلام از حیوانات امتیازی نداشت از برکت دین اسلام حقوق مدنیه ایشان تامین کردیده و در سالک سائر نوع بشر معروف شدند (اشاره بایه و فی الرقاب که از زکوه غلامان و کنیزان که از آقای خود شان در زحمت هستند آزاد شده و خلاصی یابند و محبت بانهـا از معروف اسلام و ایضا (مسیو دووال) و اخلاق عمومی بحد اعتدال و درجه کمال رسید (اشاره بحرمت قمارو شراب و سائر خبائث شرعیه است) و اساس دین اسلام هر نوع سعادت را متضمن است و هر نوع ظلم و اعتسافات نهی و ظلم و غضب را منشی فرمود (اشاره بایه ان الله یامر باالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی) و ایضا و مسلمانان در نیل مراتب عالیه ترقی و تمدن محتاج به تبدیل دیانت نیستند و بعضی از محررین ما باغرض سیاسی این نکته را بخورد مسلمانان داده اند بلکه ما ها نصارائیان چیزهائیکه در اناجیل حاضره تعلیم داده نشده در تطبیق آن باصول زندکانی محتاج به ترك احکام آنها هستیم ولی در احکام دیانت باسانی یافت شده و درضمن مشوبات اخروی پیداء توان نمود (اشاره بجائز بودن طلاق که فعلا قبول شده ملل عالم است و تعدد زوجات که انجیل جائز نمیکرد الا ان باالمجبوریه عمل بتعدد ما زوجات مینمایند و قانون جهاد که انجیل اجازه نداده ولی با تجویز کیششان در مجمع عمومی

روحانی جائز می دانند) از جمله کنرال موری آمریکائی در موقع حفر چاه مثقب یا چاه (آرتیواز) اعراب آفریقیه انکارش کردند که اینجا مکانا قابل نیست که آب پیداء شود کنرال موری اعتناء نکرده با عملیات علمیه پس از چند روزی آب جریان یافت اعراب وحشی این اثر عالمانه را اعجاز فرض کرده و کفتند ما معجزه ترا دیده ایمان می آوریم بکو که علامت ایمان در شرع تو چیست (موری) خندیده و جواب ای احمقان من معجزه ندارم بلکه از برکت علم است اکر شما دینداری را می خواهید و شریعتی را می پرستید قدر نعمت عظمای دین اسلام را بدانید که حقانیت آن کالشمس فی رابعه النهار است از آنجمله است (کنرال و یاردو) می کوید (دین اسلام بجامعه بشریه اشخاص بزرکی بجامعه بشریه و عالم مدنیه هدیه نموده که چشم روز کار کمتر امثل آنها را دیده و خواهند دید واکر فرماندهان بزرك ملت مسیحی را از قبیل ناپلیون کبیر و اسکندر کبیر و پیو طر کبیر که کره جولانکاه میدان اسبهای ایشان شده بود جمع نمائیم مثل ابو عبیده جراح فرمانده قشون اسلام

شماره ۳ از فصل ۴

در محاربه شام ابو عبیده جراح برابر نمی شوند از حیث شجاعت و سیاست (ایضا) از جمله تقدیس کنندکان است (آرنست رنان) فرانسوی که از جمله انتقادیون و فلاسفه مشهوره عالم است و بتمامی دیانات ایراداتی نوشته ولی بدین اسلام با زبان ستایشکارانه تقدیس میکند (و غسل اموات با کافور که ضد عفونت است و واجب شدن غسل بر مس کننده میت و واجب نبودن

پس ازاکمال عمل باخیال آرنست رنان مبنی بر بعضی فلسفه عالیه است که عقل بشری در آنزمان بدرك عاجز بودی و حرام بودن شراب واجب شدن خاك مالی بر ظرفهای سك و لوغ کرده و حرام بودن گوشت خزیر دلیل حقا نیت دین اسلام است و خاك نشستن و اسیر قیودات نفسانیه نشدن پیغمبر اسلام با آن جلالت قدر علامت روحانیت آن بزرگوار است و حرام بودن رشوه بر قاضی و کفر نامیدن رشوه گیرنده ماده ایست از هیچ کس قبل از اسلام صادر نشده) و در جای دیگر از کلمات تقدیسی (آرنست رنان است) می گوید دین نصارائی از زنان تعلیم شد مثل مریم مجدلی و مریم مادر یعقوب و مریم مادر عیسی چون انجیل یوحنا امر میکند هر کس بر رویت سیلی زند روی دیگرت نشان داده حاضر بقبول ظلم دیگران باشید ولی ایضا رجال و اصرار دیانت مقدسه اسلامیه است برای اینکه میفرماید (فاعتدو اعلیهم بمثل ما اعتدای علیکم) هر کسی بر شما تجاوز نماید بر آنکس تجاوز کنید باندازهٔ که تجاوز نموده و فقه اسلام امر میکند هر کس در راه مدافعه حقوق خویش بمیرد شهید است) و چند سال قبل از این یك نفری از فلاسفهٔ پاریس در فرانسه قبول دین اسلام نمود سبب آن را سؤال کردند جواب داد یك ماده از زبان معجز بیان پیغمبر آخرالزمان صادر شده از تمامی انبیاء صادر نشده عبارت است از اینکه هر کس در نزد مال و عیال خود برای مدافعه کشته شود شهید است این معنای عالی سبب اسلام من شده و همان شخص فاضل رساله ها در فضیلت اسلام طبع و نشر مینماید (ایضا لوزاندور) از جمله فلاسفه

عالم بشمار است میگوید) ام الخبائث نامیدن ماده شراب و نهی کردن از آن دلیل حقانیت دین اسلام است (ایضا دکتر بیرژه میگوید) حرمت خمر در منطقهٔ حرارت انگیز قطعه عربستان سبب ذکاوت و باعث صحت آهالی آن صفحات است و از فرانسویان آن منطقه تصدیق نمائید و سر طبیب خسته خانه (تنون) قدغن کرده که دواجات را با ماده شراب مزج و خلط ننمایند (و دکتر ژوللی) مینویسد تا بعین احکام قرآن در قطعه هندوستان و تاتارستان و قرغزستان و باشقردستان و کردستان و ترکمنستان بر تمامی عالمیان در تندرستی و صحت بدنشان میدان خوانند (راقم اگر اهالی ترکمنستان را دیده و ملاحظه نمائیم که درسن پیری چگونه با قوت بدن وچابك سواری و وجد و نشاط ذاتی امرار وقت مینمایند آنوقت تصدیق خواهیم کرد که قول این فاضل منصف حقیقت بوده و از نبودن ماده شراب در میانشان در حقیقت مسعود و محظوظند (و معلم ده بو) مینویسد دشمن در خارج نبوده بلکه خودمان دشمنی برای خود ایجاد میکنم که همان ماده شراب است (و دکتر بیرژه) میگوید تمامی افراد عائله و خودم را از ماده شراب پرهیز داشته ام و یقین دارم که نفعش نبود سهل است بلکه ضرر مهمی دارد (بیه راوتی) مینویسد من ادعای اسلامیت میتوانم بکنم زیرا در تمامی عمر خود شراب نخورده و دواجات مخدره استعمال نکرده ام و مها امکن از دروغ خود داری کرده ام و ایضا (حکیم یاقوب سان کلیمی یهودی) در کتاب قوهٔ باه در مبحث آلکئول طبع شده در شهر پطر سبورغ روسیه تاریخ (۱۹۱۵)

می نویسند پیغمبر اسلام علیه السلام شراب را بدون جهت حرام نه فرموده وسبب بسی مهمی دارد که فرموده از شراب اجتناب کنید چون شراب علاوه از ضررهای بسیاری که دارد ودر آخر دورهٔ عادت مانع از جماع کردن است و سبب حدوث مرض (عنین) است و فقاع شراب جو از خمر مضر تر است (ایضاً به رلوتی می گوید عیاشی عیاش را تولید می کند و زرات منی عیاشی هر قطره اش یك سم قاتلی است) (وکلا دستون) رئیس دار الشورای سابق انگلستان با اینکه دشمن اسلام است مینویسد دوست دارنده شراب دشمن نفس خودش است و اسپر تولك سم قاتلی است و معلم (ژاقود) می گوید هر کس در میان شراب پرورید شده در میان آب خواهد مرد (یعنی با مرض استسقاء خواهد مرد) و رسالهٔ ام الفساد اثر یکنفری از خانمهای مملکت روسیه است در مضرت شراب طبع شده و حاجی ابراهم قاسموف از محترمین اهالی شهر باد کوبه ترجمه نموده رجوع کنید و در نزد راقم حاضر است جوانان مملکت عزیز ما لازم است رجوع نموده قدر نعمت عظای دیانت مقدسهٔ اسلامی را دانسته و تشکر ها بنمایند و یکزبان گویاء باشند (الحمدلله اللذی هدانیا لاسلام) و از جمله تقدیس کنند کان اسلام (ناپایون کبیر بونا پارت) است و علاوه از اینکه تقدیس نموده احکام فقهه را هم ترجمه کرده سبب سعادت ظاهری غربیان کردید و ضمنا در ظاهر عالم سیاست قبول اسلامیت کرده و کلمه مقدسه شهادة را بزبان جاری و در مجمع روحانیه مصر از دین تثلیث بتبرئه کرد رجوع بتاریخ خیاء پاشا و (قوت سیوبل) ناپالیون همان ترجمه

از فقه است و خود آن قانون نامه مشهور است در صفحه کتاب ناپالیون (۴۴) باهالی مملکت مصر اعلان نموده بدین مضمون امیدوارم که عنقریب به تشکیل مجلسی از علماء اسلامی موفق بوده و بتوانم بکمك ایشان ازروی قواعد قرآن که سر منشاء افتخار عالم انسان است نسبت برفاهیت حال عموم ناس قانونی منتخب نمایم و در صفحه (۵۵۶) در تمجید نبی ذیشان اسلام می نویسد (چه کسی بهتر از محمد علیه السلام میتوانست فاتح و جنکجو و قانون کذار بوده و کدام کس مثل آن بزرکوار با نظر عمیقانه از آینده و کذشته خبر دهد و این شاه مواد فقهیه را ترجمه کرده و قانون نامه که از مواد نوزده کانه عبارت است و فرانسویان بنظر کتاب آسمانی بروی مینکرند همان ترجمه از فقهه است و تفصیل تطبیق آن را بر احکام فقهیه در حصهٔ چهارم از اثر عاجزی ذکر شده وایضا (کتاب یك کلمه) اثر مشهور یوسفخان ایرانی که در موقع اقامت وی در پارس با رئیس الوزراء محل مذاکره و قانون شان را با دقت ملاحظه کرده معلوم شده که از فقهه ترجمه شده و یوسف خان مرحوم یك اثر از دخترش مانده که اجمال آن را مینویسد مراجعه کنید و پس از دقت هم قدر نعمت عظمای دیانت اسلام را دانسته تشکر ها کنید و هم شکرانه این عصر درخشان ایران را تماشا نمائید که هر صاحب فضل وهنر محترم و هر کس در کلمات و عملیات خودش که بدولت وشریعت معاونت است آزاد و معظم است فقط یوسف خان مرحوم را محض بنقل کردن مذاکرات خود را در پارس در طهران روز عید قربان (سی وشش) سال قبل از این تقریبا

طرف ظهر اعدامش کردند رحمة الله علیه این چند سطر را بنام ذکر خیرش نوشتیم یاد شود

(شماره ٤)

در سایه آن ترجمه های کتب فقیهه (ناپالیون) سبب سعادت اوروپای غربی شد و در منطقه با ترجمه شرح اللمعه از طرف (یقاطر ینا و) و پیوطر سبب خوشوقتی اهالی شرق گردیدند و پیوطر کبیر قبل از مشارالیها ترجمه کرده بود اجمال (قاردینال ربم پاپ ایطالی) با ترجمه کتب اسلامی از علماء اندلس قبل از ناپلیون و پیوطر و یقاتریبو شرق بعالم بشریت خدمت نموده هر چندیکه خود مسلمانان عامل احکام خودشان نه شده دچار مشکلات شدند امیدواریم که پس از این تاریخ از گذشته ها عبرت و بر آینده تدبیری بنمائیم انشاءالله — (شرح این هجران این خون جگر —

این زمان بگذار تا وقت دگر

(شماره ٤ از فصل۳)

شروع مینمائیم بذکر بعضی از احکام مقدسه اسلام که فعلا متداول و معمول به ملل حیه عالم است و بدیهی است که فقهه اسلام مبوب بابوابه مخصوصه ایست و تطبیق تمامی ابواب بعلوم و بعملیات ملل عالم خارج از اقتدار ما بوده وقادر بر نشر آن نیستیم همینقدر از هر قسمت یکحصه در این رساله بنظر قارئین تقدیم میداریم اولا عمده ترین مطالب در عالم مسئله حفظ الصحه است (علم الابدان ثم علم الادیان) کلام عالی کملین است و معلوم است که فکر

سلیم در بدن سلیم یافت میشود مبنی بر این اصل ثابت از مواد حفظ الصحه اسلامی شمه ذکر و پس از آن به سائر قسمت های اخلاقی و اجتماعی و غیره اشاره نمائیم طوریکه در صدر مبحث وعده داده ایم و مدرك مطالب ذیل (کتاب دین اسلام و فنون) طبع شده در سال (۱۳۲۷) اثر طبیب و فیلسوف ادیب اسماعیل حقی بیك مدیر طبیه شام و معلم امراض عمومیه وایضا از ترجمه (شارل مسیمیر از کتاب سوراه دو قونستانتوپل) یعنی مسامرهٔ قسطنطیه می نویسد که ترقیات امروزه اوروپائیان اخذ شده از دستورات وضعیه اسلام واگر فی الحقیقه غربیان چنانچه ترقیات مادیه را از اصول احکام اسلام اخذ و از مسلمانان یاد گرفته اند همانطور اساس اخلاقیات و عرفانیات خود شان را بر اساس معنویات و تعلیمات پیغمبر اسلام علیه السلام گذاشته بودندی در آنصورت بعضی سفاهتهای امروزی و رزالت های کنونی از ایشان سر زده ظهور نمیکردید و ایضا مینویسد که وقتی بود اوروپائیان در بعضی از ظرفها شست و شو میکردند چون (لکن - و بانیوو - و اتنا) ولی امروزها از دستور اغتسال شرعی اسلامی تعلیم گرفته در آب جاری نظافت را عمل می نمایند که موافق حفظ الصحه عمومیه است (وایضا از شارل مسیمیر) علم جفر از حضرت مولی الورای انتشار یافته و سائر شعبات علوم حکمتی از آن بزرگوار منشعب گردیده و (الحکمته ضالة المومن اینماو وجدها اخذها) دلیل کافی است (اطلبوا العلم ولو بالصین) کلام وافی است و آنچه راجع بصحة عمومی است دین مقدس اسلام سکوت ننموده (صوموتصحوا) و (من اکرم کریمناه

لم یکذب بعد العصر) دستور یست که مقبول علماء حفظ الصحه است (صفحه ۱)
و دین اسلام ضد تنبلی و تکاهلی بوده و امر بسعی و جدیت مینماید از
کلمات معجز سمات معلم کائنات در موارد عدیده مکشوف است و عملا همین
طور بودند طوریکه پیغمبر اسلام روزی با جمعی از یاران خویش از نزدیکی
جماعتی و شخصی را دیده از سلام دادن خود داری نمود و درهین مراجعت
به همان شخص دادند از علت سلام ندادن و عکس آن سؤال شد جواب فر
مودند چون اول به شغلی مشغول ندیده بودم نخواستم که به شخص بیکار
سلام دهم و چون در موقع بر گشتن بکاری اشتغال داشت لازم دانستم که
از سلام محروم ننمایم این کلام عالی فلسفه بسی عالی را دارا است و ریشه
تنبلی و تکاهلی را قالع میکند و ایضا (صفه ۳۴) نماز واجب و ندب فلسفه
عالی و مرتبه شامخه را داراست که عقل بشری از درك نکات عالیه اش عجزی
دارد و از جمله مصالح مهمه است تجدید شدن صلواة باوقات معینه و مناسبة
طوریکه برای کارکنان و مشغولین وقت نماز استراحت است و برای بیکاران
و فارغ نشسته کان مشغولیت و حرکت مفیده است موافق حفظ الصحه عمومی
می باشد (۵۵ ص) اندرون بینی از روی تدبیر خلقتی دارای بسی موبهای
نازك است و حامل کرورها حیواناة زره بینی و میکر وسکوبی می باشد
مضمضه و استنشاق در وضوء نماز همان میکر وبهارا دفع و رد مینماید (۳۷۸ص)
شستن روی و چشم در وضوی شرعی حاوی نکات حفظ الصحه عمومی است
چنانچه اوروپائیان در وقت نشستن به شستن چشم و روی خود شان اهمیت

فوق العاده داده و برای زایل کردن سنیکنی دماغ و سر و رفع شدن رکود و خمود و جمود و بکار انداختن اعصاب بازماندهٔ از کار را وتزئید فرح مسح کردن سر را لازم می دانند و علاوه از هجوم نمودن خون بدماغ که مضرتی دارد مسح مانع از هجوم است و در صورت مشغول بودن بکار های دشوار و اعمال شاقه و غلبه قوهٔ فکریه بر سائر قواء مسح سر اهمیت دارد و اما مسح پایها در ظاهر برای زایل شدن اوساخ و بدبهای میان انگشتها مدخلیتی داشته و نفعی دارد (۳۹ ص) خود نماز برای پرورش اسهل ترین انواع ورزش های معمولی است و بعضی جهلاء برای ورزش (بلاردو) اختیار میکنند حالیکه در بلاردو یکنوع مضرت متصور است و در نماز هیچ قسمتی از خسارات و هیچ از مضرات متصور نیست و اما تقسیم نماز باوقات معینه شامل بر بعضی نکات عالیه علمیه است اگر بدون غرض فکر داده شود حقایق واقعیة دارد که قطع از باطن امر خود نماز برای رفع رخاوت و سستی اولین وسائل مهمه میباشد و برای زایل کردن میکروبهای جمع شده در دهن از بقایای خوراك های شب مانده از عمده ترین اسباب مفیده است و خوردن غذا و شروع بکار کردن بعد از فراغت از نماز صبح موافق طب حاضر بوده و منافع صبح خیزی قابل انکار نبوده و نیست و اما در ظهر برای راحتی کار کران و مشغولین عملیات شاقه از بهترین وسیله استراحت است (بهصنف عمله و اقسام فعله در آن حین دقت شود صحت قول این شخص دقیق معلوم خواهد شد) و نماز عصر برای تزئید میل و زیادتی اشتهاء نفعی دارد وفاصله بودن

میان شغل و خوردن و نظیف بودن با شست و شوی شرعی از ضروریات است و نماز شام برای کسانیکه از مزبله ها گذشته و با امور غیر لائقه تماس کرده و بمنزل خویش مراجعت نموده یك نوع تغیر حال سعادت اشتمال است و نماز عشاء برای راحتی و جنبش و حرکت کردن پس از صرف غذاء شام و تحلیل خوراك طبا ضرور است (راقم) در تحدید نماز و تقسیم آن باوقات پنجگانه و حاوی بودن نکات مزبوره بنظر ساده دلان و کوته نظران چنان جلوه نمون میگردد که گویا پیغمبر اسلام علیه السلام برای تقویه بدن و تزئید صحت و تکمیل عافیت احکام شریعت فقهیه را واجب نموده ولی همینطور نیست بلکه اگر بنظر بصیرت بعرفانیات و اخلاقیات و خبیئهٔ روحانیت نماز نگریسته و تقرب بدرگاه خالق متعال را بوسیله نماز فکری داده و تشریح بنمائیم آن وقت کتابها لازم است اما آنچه از کتاب مسامرهٔ اسلامبول که در مجلس عالی این نکات عالیه قرائت شده و هزاران نفوس گوش میدهند منافع ظاهریه نماز و دستماز است درواقع همین منافع مرموز است بخودی خود و حضرت شارع عمده نظراش بتقرب است رجوع بمقصد از جمله امور راجعه بر حفظ الصحه ترك کردن ماده خبیثه الکئول است که فعلا تمامی فلاسفه و علماء حفظ الصحه و عقلای عالم با وسائل ممکنه افراد بشر را منع از استعمال شراب می نمایند و هر روز جراید و مجلات در مضرت آن مقاله ها نشر داده در منابر و خطابه ها تحذیر مینمایند حالیکه دین مقدس اسلام یکهزار و سیصد و اندی قبل بر این مضرت بنیان کن نوع انسانی آن ماده فساد را بیان و پیروان

خویش را از این پایه عظما و رهانیده و مرض مزمن و مسری نجاة داده و
(انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام) تا آخر صریح امر لایزالی
است و در اخبار و فقه اسلام با عبارات مختلفه نهی از آن فرموده مثلا حاضر
سفرهٔ مباشید که در آن سفره از آن ماده خبیثه یافت شود و دخترهای خود
تان را بکسی ترویج نکنید که شرب خمر مینماید و کتب اسلامیه از وسائل
و حدائق و جواهر و بحار و سائره مشحون از این قبیل نصایح و مواعظ
است مراجعه شده و بکلمات فلاسفه عصر حاضر تطبیق شود والکئول لفظ عربی
است بمعنی (اسپرتو) آندرا قوژ نام مولف حفظ الصحه می گوید که شراب
منبع شئامت (ام الخبائث) و این ماده خبیثه برای ملت فرانسه از اولین مواد
مخربه و مضره است و در حین گذارش کبد ایرات مضرت فوق العاده مینماید
(عبارت از استعداد مرض سل (توبورتولوز) و در موقع تصادف از جگر
سفید ایضا باعث مرض ورم بوده و ذات الریه تولید می نماید (وارطن) نام
طبیب ناصریه انکلیزی میگوید آنچه از استعمال آلکول حاصل میشود قوهٔ نه
بوده بلکه شباهت بانقوهٔ که با ضرب کتك و تازیانه حیوان وا مانده از عمل را
بکار و ادارا کنند که بحرکت آید و پس از اندك زمانی بالمجبور ساکت
و ساکن میگردد و از حرکت بکلی وا میماند (لغرن) نام می گوید هر
اندازه هواء سردتر باشد اجتناب از شراب همان قدر زیادتر لازم است زیرا
بعد از اندك حرکتی و فاصله زحمت سرما بیشتر احساس میگردد (ساناتور
یوم) نام یك محلی است در مملکت آلمان که برای معالجه مرضاء و صاحبان

امراض و رم باالخصوص تاسیس شده و (برو آردل) نام طبیب مشهور فرانسوی منع کرده که مبتلایان عشرت شراب رابان محل اجازه ندهند چون قابل معالجه نیستند و علاج پذیر نخواهند شد (عرهن دوم ـ بورنویل) میگوید (اولاد شاربین خمر بر طبق احصاریه رسمیه که قابل هیچ گونه اعتراضی نیست مستعد هر گونه امراض مهلکه هستند و اکثر آنها با بعضی امراض سریع السیر هلاك میشوند و بعضی آنانیکه مدتی زندگی میکنند باالاخره مبتلای مرض صرع و بلاهت و ورم جنونی خواهند شد و اکثر فلاسفه عصر حاضر و فضلای نامدار برای معالجه ناخوشها بدواجات قطرهٔ از شراب مزج کردن را اجازه نمی دهد چون ضرر آن گونه مزج از نفعش اکثر است و بلکه نفع آن در جنب ضررش بمنزله عدم است و اگر بقسمت حفظ الصحه اسلامی با دقت کامل نظر نمائیم خواهیم دید که حضرت رسالت پناهی بقول (کوستاء لوبون آمریکای) در ضمن اوامر شرعیه خواه مکروهات و خواه مستحبات و محترماتش نظریات اعجاز کارانه دارند باالطبع محافظه صحة مینماید مثلابانس ابن مالك ای انس هر گاه مایل عمر طولانی هستی و صحت ابدی را طالب باشی رعایت امور نظافت اسلامیه بکن و با برادران دینی خود سلام داده تکثیر ثواب و اعمال حسنه کن و زمانیکه داخل خانه خود باشی باهل خانه خود عموما سلام ده تا اینکه خانه ات از رأفت و برکت خدا پر نور باشد ملاحظه کنید که این جوهر حکمت و معدن عالی علویت چه قدر کلام عالی و مفهوم قیمت داری است که امروزه در میان ملل حیه عالم عوض موضوع قراتینه (احتفظیه)

مسئله نظافت را بکار برده و از این کلام شریف استفاده میکنند (مسیو پروست)
در کتاب خود منفعت معالجه با آب صاف را نوشته که سید الاشربة الماء از زبان
معجز بیان فخر عالمیان صادر شده و مترجم قرآن بزبان فرانسه (قازیمیرسکی)
در باب اطعمه آیه (کلوا من الطیبات) بمعنی پاك و غیر مضر صحت تفسیر نموده
(نفسك مطیتك فارفق بها) یعنی نفس تو بمنزله مرکوبی است برای تو مدارا
کن با مرکوب خود و مهربانی نماء بر او این کلام عالی باندازه مرغوب
و تشبیهه آن بمثابه مطلوب و خوش آیند است که هر چه تصور شود همان
است لاغیر و اما در قسمت اطعمه که دیانت مقدسه اسلام و شارع احکام
علیه السلام بیانات بسی قیمتداری در آن عصر وحشت و قرن جهالت فرموده و
با وجود مقدس نازنین خود نوری بود در بحر ظلمانی که با نصایح خدا پسندانه
افکار وحشیان را منور میفرمود همان کلماتیست که پس از مرور یکهزار و
سیصد و اندی هزاران یك از نکات عالیه اش در ظاهر کشف شده و این راقم
از اساس فقهیه اسلام از روی اطلاع مکروهات و مستحبات اطعمه و اشربه را
ذکر و پس از آن تطبیق بعلوم حاضر نمائیم و ملاحظه کنیم آیا بدون مواد
اسلام زندگی در عالم ممکن است یا نه (شرایع تالیف محقق قدسی سره چاپ
عبد الرحیم صفحه (٢٦٩ (کتاب اطعمه (القسم الرابع فی المحرمات الاول المیتات
الثانی المحرمات من الذبیحه خمس الطحال و قضیب والفرث والدم

شماره ٤ از فصل ٣

والانثیان الثالث الاعیان النجة الرابع الطین الخامس السموم القاتل کثیرها و

قلیلها و آنچه ذکر شد در بیان محرمات اطعمه است و تفصیل مندوباب و مکروهات و غیر آن بر ساله ما گنجایش ندارد و با اشاره اجمالیه میگذریم که در شماره های آینده با کلمات فلاسفه و مشاهیر عصر حاضر تطبیق نمائیم تا قیمت معنوی و مادی مواد فقهیه اسلام در نظر ها انکشاف یافته و کلمات دروغین مغرضین بفروغ گردد و اما مستحبات طعام فی اللمعه و شرح آن (ص ۳۹۰) مستحب غسل الیدین قبل الطعام و بعده من غسل یده قبل الطعام و بعده عاش فی سعة و عوفی من بلوای جسده و مسحها باالمندیل فی الغسل الثانی دون الاول و ربما کان الافراط حراما فاالاکل علی السبع و یحرم الاکل علی مائدة یشرب علیهاشئی من المسکرات و از موادیکه حرام شده یکی هم (المصبورة وهی التی تجرح و تحبس) است یعنی حیوان یا طریکه با شکل حبس مجروحا نگهداری کنند تااینکه بمیرد در شمارهای آتیه بادقت نظر کنید که (پرست ویلیك) تامان از فلاسفه آلمان در این موضوع چه اندازه دقت بکار برده حالیکه در میان قوم عربیکه تمامی خبائث را میخورند در زمان جاهلیت شخص بزرگواری موادی فرموده که فعلا حقایق آن منکشف می گردد این نیست مگر پیغمبری آن بزرگوار و محتاج بمعجزات دیگری نداریم اجمالا در این شماره ذکر میشود مدرك آن را از کتب فقهیه اسلامیه پیدا توان نمود وآیه مبارکه محرمات را جمع نموده و از هر يك ماده فروع کثیره منشعب میگردد) (و حرمت علیکم المیته والدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغیر الله و المنخنقه و الموقوذة و المتردیة و النطیحة و اکل السبع الا ماذکیتم و ما ذبح علی النصب و

وان تستقسموا باالازلام) حرام بودن خون از بدیهیات شرعیه فقهه اسلام است و همچنین میته و حکمت حرمت این هر دو در طب واضح شده وحیوانیکه به سبب مرض فوت شده و بدون ذبح خون بدن در جسد باقی مانده بدین واسطه خوردن گوشت و خونش بدیگران سرایت میکند آن مرضیکه سبب فوت اوشده چون میکروبهای همان مرض در میان لیفهای کوشت باقی است طوریکه (پروست) نام در کتاب خود مینویسد که وقتی بود درآمریکای شمالی قدیما با خون تغذی میکردند ولی در این دوره اخیر منکشف گردید که خوردن خون ضرر مهمی دارد در مبحث مخصوص خون مضرات خون را مشروحا بیان‌داشته و ایضا حیوانهای که با ضرب چوب و کتک یا اینکه با سرازیر شدن از نقاط بلندی از کوه و غیره یا اینکه با مناطحه و شاخ زدن بر یکدیکری و یا اینکه با دریدن حیوانات وحشی فوت شده اند گوشت این قبیل حیوانات مرده بی طعم و بنا بقول فیلسوف مزبور یکنوعی میکروبهای مضره در کوشت اینکونه حیوانات پیدا میشود شبیه بشکل پشه وباعث‌مرضهای مختلفه میکردد و حیوانی که خفه شده وفوت کشته کوشت آن خیلی‌مضر است و علاوه در کوشت و عضلات این قبیل حیوانات فوت شده و خفه کردیده یکنوع افرازات سمیه و زهرناك حاصل شده و باعث مرض مخوف میشود و در کوشت حیوانهای وامانده و از کار افتاده و یالاغر شده فوت کشته (برون سه کار) نام قریب بکلمات پروست مقالاتی دارد و دقایق عالیه فقهیه و نکات اعجاز کارانه دیانت مقدسه به خوبترین وجهی انکشاف یافته چون

فقهه و اخبار گوشت آن قبیل حیوانها را مکروه شمرده حدیث شریف مصدق
قول فلاسفه است (علیکم بالبان البقر وایاکم لحومها و پروست مزبور نوشته
و در جدول مخصوص با ترتیب خوردن گوشت بعضی حیوانات را تجویز نکرده
بدین قرار (۱) گوشت حیوانیکه از مرض مسری فوت (۲) حیوانی که
گوشت آن پوسیده و تغییر یافته (۳) حیوانی که بواسطه خسته گی و یا سبب
علتهای مسریه و یا سبب پیری فوق العاده فوت گردیده (٤) گوشتهائیکه به
علت تابش آفتاب وهواء تغییر یافته (٥) گوشت حیواناتی که شیر دارند و
بجهت دوشیدن و مکیدن بچه ضعیف و لاغر شده اند ضرر گوشت اینگونه
حیوانات در اجزاء خانه و تحلیل خانه ها مدلل شده و از جمله امور راجعه
به حفظ الصحه کیفیت خوردن آبست در اثنای طعام و مذاکره و خوش کلام
بودن در سر سفرهٔ غذاء و در این موضوع مواد آداب طعام اسلامی ساکت نه
مانده و فرموده اند و (ان لا یسکتوا علی الطعام فان ذالك من سیرة العجم ولکن
یتکلمون باالمعروف و حکایات الصالحین) یعنی ساکت بودن در حین خوردن
از عادات عجم است بلکه با مذاکرات حکایات اشخاص صالحه سر سفره را مزین
نمائید و عجب تر اینکه بیست و یکسال قبل از این تاریخ یکنفر از فلاسفه
مملکت (اسویچ) بتوسط جمعیت تشکیل شده در تفلیس برای مبارزه با مرض
سل اعلانی نشر داده و اظهار داشت که سبب مرضهای متعدده را کشف و
معالجه آن را دریافته ام و راقم چون از مشتریان آن اعلان بوده پس از چند
روز با اشتیاق تمام نائل بقرائت کشفیات جدیده طبیه شدم ملاحظه نموده شوق

انتظاری مبدل باسف کردید طوری که نوشته بود هر کس از مرض پرهیزی دارد باید که امور آتیه را مواظب باشد (۱) لقمه را کوچك بر دارد (۲) و در دهن بسیار جویده وهضم اولی را کامل‌تر (۳) باید لباس پشت کردنه را نازك و سبکتر کند تمام شد آن کشفی که فیلسوف نامدار در صفحات روزکار یاد کار تاریخی گذاشته با خود اندیشیده و از عالم اسلام یکدنیا متاسف کردیده کفتم عجبا اینکونه کشفیات در تضاعیف کلمات مربی کائنات که کنجینه معارف و معدن جواهرات است لاتعد و لا تحصی است نه اعلانی می کنند و نه منت بکردن اهل عالم میکذارند و نه اهمیت میدهند حالیکه همان مواد را به بهترین وجهی در جزء کلمات احادیثیه در آداب طعام فرموده‌اند و ما ملتفت نیستیم ملاحظه نمائید کتاب اثنا عشری احادیث ثلاثیات که حضرت مولی الوری فرموده (من ارادالبقاء و لا بقاء فلیبا کر الغداء) و لیقل غشیان النساء ولیخفف الرداء) یعنی باعث زندکی دائمی است صبح زود بر خواستن و غداء اولی را خوردن و با زنان معاشرت کمتر نمودن و عبای دوش را سبك تر کردن و اما مسئله کوچك بودن لقمه آن هم مسئله است که هر عوام بازاری باکه عجائز یاد و فرا کرفته و از روحانی قبیله و کوچه خود تعلیم یافته و در کتاب اطعمه و اشربه فقهیه هر طالب در روز مباحثه بین الاثنین بلا اشکال تکرار نموده و در همان کتاب اثنا عشری در آخر بن ورق که احادیث دوازده کانه را بیان می نماید در حدیث نبوی مسطور است که (آداب الطعام اثنا عشر اربعه من الاداب تصغیر اللقمه و المضغ الشدید و الاکل مما یلی و قلة

النظر الی وجوه الناس) یعنی آداب طعام دوازده است چهار از آن در اداب کوچك برداشتن لقمه و بسیار جویدن و بروی یکدیگر کمتر نظر کردن و از طرف ظرف خود خوردن رجوع بمقصد اسف از عالم اسلام که غافل از نکات فقهیه هستند و آنچه تعلیم گرفته اند همان مسئله استبراء معروف است و قسمت دیگری دارد که به نظر استهزاء باستبراء مینکرند و از کثرة جهالت چنان خیال میکنند که فقه همانست لاغیر چه توان کرد (طلب از ملت بی علم ترقی هیهات)

(شمارهٔ ٥)

(شماره ٥) و بطریق اجمال فهرست مانندی در ختام مسائل راجعه به حفظ الصحه معروض می دارد که قارئین کرام با انصاف ملاحظه فرمایند آیا قبل از تابش نور مدنیت اسلامی اینگونه تشکیلات طبیه در میان افراد بشری متداول بود یا این که بوسیله ترجمه های از طرف ملل عالم کتاب دیانت مقدسه و آثار علمیه فضلاء عالم اسلام دقایق علمیه انتشار یافت انصاف با خود مطالعه کنند کان است و منکر این گونه حقایق روی آفتاب را با کل اندوده و حقیقت را زیر پا گذاشته با این وصف اگر کسی اساس تاریخ مخترع و منتشر آن را بیان کند ما بدون عصبیت جاهله هر که باشد نبوت انچنان شخص عالی که در آنچنان زمان در چنان محیط این قبیل حقایق واقعیه را انتشار داده معتقد می باشم و از جمله مسائل عمده حفظ الصحه که با نظر بسی مهم می نگرند ماده مسکن و منزل است و وسعت و ارتفاع و خالی بودن از

رطوبت و تابش آفتاب باندرون منزل از جمله ضروریات منزل است و دین مقدس از این لحاظ هم بمواد مزبوره در مواقع مناسبه با زبان ساده و سهل و عبارات مناسب با عقول بشریه به پیروان خویش تعلیم نموده (حدیث نبوی ص ع اربع من السعادة المرة الصالحه والمسکن الواسع والجار الصالح و مرکب النهاء واربع من الشقادة) عکس آنست که ذکر شد ایضا (ان من روح الموءمن المنازل الواسعه) و آنچه از اخبار و تاریخ اسلام معلوم میشود آنست که مذهب مقدس اسلامی در باب تحدید منازل هفت الی (نه) زرع بلندی از زمین است و زیاده از این نسبت به بعضی مزاجها باعث مضرت است و در شهر حیفاء ساحل بحر ابیض در محله آلمانها ابنیه و عمارات را موافق طرز او امر اسلامیه بناء کرده اند از عمده‌ترین مواد صحیه مسئله غبار و چیزهای گردآلود است در منزل و کوچه تاهم در این مورد دقیق ترین اصول تعلیمات را از منبع عرفان اسلامی اخذ واقتباس شده درحدیث (لاتنکبو الغبارفان منه تکون النسمه) یعنی حرکت ندهید غبار را بدرستیکه از گرد و غبار مرض ضیق صدر حادث میشود غیر از این چیزی در موضوع غبار حالا کشف نشده و عمروابن العاص در منبر در حین خطابه باهالی مصر تعلیم کرده (فاجتنبو اغبار مصر فان فیه نسمه تسعی) یعنی از غبار مصر پرهیز کنید تحقیقا در میان غبار صاحب نفسی هست حرکت کننده واین معناء را از معدن علم اخذ نموده صاحب نفس در میان غبار همان حیوانات زرم بینی است (که میکروبهای میکروسکوبی) است در واقع لایق است که گوییم کشف کنندهٔ میکروبها همان عمرو عاص

است که از حضرت معلم کل اخذ نموده نه پاستور و غیره پس دین اسلام یکهزار و سیصد چهل و اندی قبل بر این ضرر حادث کرد و غبار را بیان فرموده با طرز مجمل ولی بسی معنیدار و قیمت دار و فلاسفه عصر حاضر با ترقیات کنونیه الات تجزیه و مشاهده همین کشف آن را با چشم های سلاح دار می توانند بکنند مثلا (میکل نام در یك (غرام ربع مثقال غبار در پارق (مونستری (۰۰۰ ر ۷۵۰) میکروب کشف کرده جائی که محل تردد مسافرین نظیف و پاکیزه در محل ترقی امور حفظ الصحه در چهار یك مثقال کرد آنقدر میکروب پیدا شود قیاس کنیم با مکننه متنسنه و متعفنه و مزبله چه اندازه زرات حیوانانی پیدا است خدا عالم است و اهل فن و خبره در غبار های امکننه متنسنه در یك کرد (دو میلیون و یکصد هزار) میکروب کشف کرده (نکته مهمه) از جمله الطاف الهیه و اسرار حکمیه خلقتی اینست که اثر تدبیر صانع مدبر برای دفع غبار های مضره از داخل شدن مرکز تنفس و ایراث ضرر کردن یکنوعی موبهای ضعیف و باریك و نازك در مجرای نفس و مدخل هواء تنفسی خلق شده بوسیله آن موبهای نازك که در بینی و مجرای جگر سفید دائما در حرکت و جنبش بوده زرات زهر ناك که بواسطه اطعمه و دخانیات داخل شده و میکروبهائیکه بمعاونت مقروسکوبها مشاهده می شوند و با غبار داخل شد آن قبیل زارت را از بدن بخارج دفع می نمایند فقط اشخاصی که مبتلای درد عیاشی هستند موبهای لطیف و نازك خادم بدن انسانی از آن تدافعی و جنبشی خدمتی عاجز شده و از کار و خدمت باز مانده همان میکروبها در داخله مملکت وجود

تمرکز یافته و تشکیل یکمده قواء مخربه داده قلعه بدن را اشغال و بدین وسیله باعث اضمحلال میباشند از این لحاظ است که مبتلایان الکئول و مخدرات سائره مستمد و حاضر بمرض (تیورقلوز) سل و ورم و بالآخره محو می شوند از جمله فلسفه حرمت شراب معدود است درحقیقت در موضوع شکر آن این موهبهٔ عظمی دیانت وظیفه ذمه هر شخص علاقه مند اسلام است که گویاء باشد الحمد لله الذی هدانا لاسلام و ما كنا لنهتدی اولا ان هدینا الله) و در قسمت خالق شناسی وجیبه هر معتقد روحانیات در خلقت تدبیری که عقول بشری قاصر از درك اسرار وی بوده و عاجز محضی است ورد زبان نماید (سبحان من تحیر فی ضعه العقول سبحان من بقدرته یعجز الفحول) ــ

(شماره ٥)

شماره (٥) از فصل (٣)

شماره (٣) از جمله امور مهمه در نظر مولفین حفظ الصحه عمومی مسئله خواب است که البته تفصیل آن خارج از دائره معلومات ما بوده و مناسب وضع رساله نیست همینقدر لازم البیان است که شرع مقدس مستحبات کیفیت خواب کردن را بااصول دیانت تعلیم پیروان خویش فرموده بطوریکه فعلا با ترقیات اذهان بشریه و انکشافات فنون عصریه همین دستورات اسلام معمول به عموم علماء عصر حاضر است مثلا نماز شام قبل از صرف طعام از مندوبات و مطلوبات شرعیه است و پس از صرف شام نماز خفتن (عشاء ــ عتمه) اداء شده و ما بین آن دو عمل محبوب دو ساعت تقریبی وقت را مستلزم است

و بعد شروع بخواب میشود این دستور شرعی عین تعلیمات صحیه موافق حفظ الصحه است (بلیك) مشهور و مسئله مستحب بودن خواب قیلوله در روز شرعا که مرغوب و مطلوب است تا بحال در میان اطبا و فلاسفه یك اندازه باعث قیل و قال و مورد اختلاف مقال بود ولی در زمان اخیر اتفاق آراء علماء حاصل شده بر اینکه پس از صرف نهار با فاصله اندکی خواب مختصری نفع زیادی دارد و این منفعت کشف گردید بدین واسطه که یکنفر فیلسوفی دو تا سك را معا غذاء داده یکی را بصید برده و بشکار مشغول کرده و یکی‌را در منزل راحت گذاشته پس از چند ساعت هر دو سکها را تشریحا معده آن ها را شکافته و معاینه نموده که سك راحت خفته در منزل مانده غذا روزانه را بخوبی تلطیف کرده و بهضم داده ولی سك دیگری که بشکار رفته دویده و کار یخته همان خوراك عینا در معده اش باقی از این تدقیق معلوم است که پس از صرف غذاء روزانه یك مقدار خواب باعث میشود که در موقع راحتی خون باطراف معده جمع شده حرارت اندرونی زیاد تر گردیده غذاء را بخوبی بهضم آورده اعصاب راحت و سکونتی پیداء کرده و بوجود انسان منفعت میرساند و کسیکه خواب نکرده و راحت نشده در تکاپو بوده و مشغول کاری گردیده غذاء صرف شده در معده اش باقی مانده بدان واسطه اعصاب و عضلات قواء لازمه را برای خود اخذ نکرده (سؤال) اگر به ذهن کسی خطور کند که مادامیکه پس از صرف غذاء با اندک فاصله خواب منفعتی داشته و در مورد حفظ الصحه لزومی دارد پس در آنصورت از چه رو

در صرف غذاء شام خوابیدن باندك فاصله مرغوب نکردیده (جواب) اگر
در همین نکته بدقیق نظر شود و با انصاف ملاحظه گردد معلوم میشود که
این معناء از اسرار غیبیه است که فعلا انکشاف می یابد چنانچه معمول است
که روزانه چهار و پنج ساعت بغروب مانده غذاء صرف شده چندان فاصله
ندارد تا معده کاملا خالی نشده شروع بطعام شبانه می شود مبنی بر این
خوابیدن روزانه باندك فاصله و تحلیل دادن بر غذاضرری نداشته نفعی دارد
ولی درطرف شب اگر غذاء صرف شده باندك فاصله بخواب رفته غذا هضم
شود تا طلوع صبح که بعضا ده ساعت و بعضا کمتر و یا بیشترفاصله در میا نست اگر
از اول وقت مقداری از زمان بیداری نباشد غذاء در حین خواب هضم شده
ودر چند ساعت اجزاء ضروریه طعام با اعصاب و عضلات و خون تقسیم گر
دیده و معده خالی از طعام میماند در آنصورت با تهاجم خون باطراف بمعده
با نبودن غذاء صاف و تحلیل نشده یك نوع افرازات سمیه بعمل آمده وتسمم
اعصاب شده و زهرناکی تنفس که مرض مخصوص است پیداء میشود اینست
که خوابیدن پس از صرف غذاء روزانه و خواب نکردن پس از طعام
شبانه از نکات عمیقه فقهیه است و سبب باطني را خود علام الغیوب و جاعل
احکام بهتر میداند که عقل بشری در او راهی نیست (سبحان من تحیر فی
صنعته العقول (پلیك) مشهور در کیفیت خوابیدن می نویسد مطالبی را که ما اشعار
نمودیم و در کیفیت ساختمان ابنیه و عمارات بر طبق اصول حفظ الصحه عبارت
است از اینکه رو بجنوب بوده و تابش زرات آفتاب باندرون بنا تابیده و

و میکروبهائیکه در کنج و کوشه منزل و جاهای رطوبی نشو نماء کرده باعث ضرر می باشند آنها را تلف نماید بعضی از مؤلفین حفظ الصحه عمومی در مورد تمجید قرآن عظیم الشان می نویسد که تمام کیفیت تعمیرات و بناء منزلها را در یك آیه مختصری جامع بیان فرموده (و اتخذوا بیوتکم قبله) محیر العقول است این شخص منصف از ظاهر آیه این معناء را مطابق عقل ناقص خود توجیه بمقصد خویش کرده و از اصل تفسیر هم چندان اطلاعی ندارد که مراد مقدس شارع چه بوده و چیست اگر تمام احکام را تدقیقا ملاحظه نمائیم در اکثر آنها یك جنبهٔ حفظ الصحه دارد و ما در این ختام فصل سیم با یك ماده فقهیه که چندان مربوط بصحت نبوده و راجع باجتماعیات بشری است ختم مقال می نمائیم و احکام فقهیه اسلامی را از آن لحاظ مقیاس عمل قرار می گذاریم از جمله مسائلیکه مبلغین اجانب آن را وسیله اعتراض خود شان قرار گذاشته و اناجیل کاذبه را بدست گرفته شهر بشهر در مجامع عمومیه اذهان ساده دلان را مشوب و افکار کوته نظران را مشوش میدارند یکی هم مسئله تعدد زنان دراسلام است وهمواره در پی اغفال واضلال جمعی از مسلمانان و ملل سائره هستند که گویاء دین اسلام حقوق زنان را تضیع نموده و تعدد زنان را جائز فرموده و مردان هم از تکثیر زنها مضرتی ایراث می کنند نسبت بر جامعه بشریه و این راقم آنچه راجع بحکمت تعدد زنان است در کتاب مبدء الاسلام بیان داشته و آنچه قسمت حفظ الصحه است در این کتاب با اشاره اجمالیه می گذریم و معروض میدارد که منصفین ملاحظه

فرمایند که مسئله تعدد زوجات با اینکه در دین مقدس اسلام اشکالاتی دارد و صعوبتی را مستلزم است که کمتر کسی مطابق شرع اسلام داخل مرحله تعدد زوجات میشود زیرا (وان خفتم ان لا تعدلو) مانع است که شخصی دو زنی بگیرد و حدیث (من تزوج امرأتین فلم یعدل بینهما) از احادیث مشهوره است با وصف این اشخاصیکه از عدالت خود مطمئن هستند می توانند از یك تا چهار بر حسب امنیت و جدا نیه از رفتارات مطابق شرع زنهای متعدد بگیرند حقانیت آن دین و اکملیت آن از گونه نکات عالیه معلوم میگردد که اگر تعدد زنان در بعضی موارد تجویز نشود در آنصورت فرض نمائیم زنیکه نفساء و یا حایض و یا مبتلا بمرض مسری بوده شوهرش در انحالات مایل بملاقات زنها است بمقتضای بشریت و جبلی طبیعت که همه نس مجبور است و مجبول است پس شوهر این چنین مفروضه مجبور است یا بزناء و یا بمترس یااینکه زن شرعی و قانونی اختیار کند درصورت دو شق اول و دویم که زنا و مترس است (زن غیر شرعی) مرض فرمکنی و سردی مکرر متعارف و امثال آن بروز کرده و بدیگر افراد خانواده سرایت نموده و باعث هزار گونه فلاکت بجامعه بشریت و عالم مدنیت خواهد شد که مخل حفظ الصحه عمومی است و مقصد از مقدمه همان بود که مسئله تناکح در محور خود مفید حفظالصحه است برطبق اصول مقدسه اسلامی و در صورت قبول کردن زن غیر شرعی که (مترس) تعبیر آورده میشود در اغلب مواقع مشهود شده مترس داخل خانه شده و چند مدت خوش گذرانی نموده و چند نفر اولادی آورده و بعد علاقه محبت گسیخته شد یا

اینکه زن اولی بهبودی یافته و بنای کج سلیقه‌گی را گذاشته و مترس را از خانه بدر کرده چون اولادش در قانون مترس گیرندگان ارث بر نیستند همان مترس با اطفالش سرگردان مانده یا داخل فحشاء شده و بعضا انتحار و خودکشی بمیان آمده

شماره (۵) از فصل ۳

و اما شق سیم که عبارت است از اینکه در صورت احتیاج بزن علاحده اختیار زن دویمی یا سیمی یا چهارمی کردن نه باعث قتل و خودکشی و انتحار است نه موجب اختلاط و آمیزش با زنان اجنبیه است بلکه زنی گرفته چون اولی و قد یمی صاحب حقوق مشتر که بوده و اولادش ارث بر است و واجب النفقه پدر خودش می باشد انصاف با قارئین است آیا شق اولی و دویمی بهتر است یا این که شق سیمی و بنظر راقم زناء و مترس گرفتن در نظر نصارائیان و زن دیگری شرعی گرفتن در نظر مسلمانان بهتر و خوشتر است و آنکه متعة الاسلام که زن موقتی گرفتن است اساسا از جمله رفع کننده مرض سفلیس است اگر مطابق قانون اسلام بوده باشد چون که پس از مفارقت کردن از ملاقات با شخصی متعه کننده اقلا چهل و پنج روز عده ملحوظ شده پس از انقضاء زمن عده به شخص دیگر قبول اجرت خواهد کرد و نامش در دفتر منظم قید شده مراعات جزئیات مزاوجت و مفارقت خواهد شد دراین صورت از کثرة آمیزش و اختلاط امراض مهلکه مسریه بعالم منتشر نمی‌شود طوریکه یك تاریخ در فرانسویان مرض بنیان کن نوع انسانی سفلیس شیوع یافت و از

اصول معالجه بستوه آمدند از فضلاء و فلاسفه در تحت نظارت یکرئیسی عالمتر از همه آنها مجلسی تشکیل داده و در کیفیت اصول معالجه مرض سفلیس رای طلبیدند هر کس بفکر خودش اظهار عقیده نمود در آخر سه نفر جوانی بلجیقی و فرانسوی که در مراکش با مسلمانان مذاکره کرده و یك اندازه تحصیل علم نموده بودند لایحه بصدر مجلس تقدیم علاج سفلیس را در صیغة الاسلام اظهار داشتند با همان اصولیکه در فقهه مسطور است رئیس و اعضاء قبول نمودند فقط معلوم نمود که عنوان را تغیر دهید برای اینکه موجب ایراد است که پس از مرور هزار و سیصد سال در عصر مدنیت از عالم اسلامیت معالجه سفلیس را اقتباس نموده باشم و عنوان را صیغه الاسلام گذاریم بناء بر این عنوان لایحه مزبوره را تغییر داده عوض صیغة الاسلام ازدواج قانونی نوشتند و اعمال هم کردند پس مواد اسلامیه هر یکی در معنویت یکنوع علاج تهذیب اخلاق و حافظ صحت عمومیه

(فصل چهارم)

و دلیل قطعی این دعواء این است که مسلمانان با وصف فاقد بودن بتمام قوانین حفظ الصحه در عصر اخیر از برکت دین اسلام یك اندازه محفوظ شده اند و کرنه با این جهالت غالبه و فاقد بودن اسباب زندکی و زندکانی ده در صد بی حیواة نمی شدند و اکر کاملا مراعات احکام را بنمایند ده در صد قبل از بالغ شدن بر عمر طبیعی و عادی تلف نمیشدند الحمدلله اولا و آخرا و لا نکذب بشیئ من آلاء ربنا وله الحمد وله الشکر

(فصل ٤)

(شماره ۱) به همین مختصر در باب حفظ الصحه اسلامی اکتفاء نموده شروع بسائر قسمتهای نکات احکام اسلامیه مینمائیم پس از نعمت صحت و لطف عافیت در عالم بشریت و جامعه مدنیت مسئله اجتماعیات درجه شامخه را دارا و مقام عالی را حائز است بدین لحاظ در حقیقت نظر باجتماعیات دیانت مقدسه اسلامیه پس از بعثت نبی ذیشان و ظهور علائم حقه در اجتماعیات بشری تبدلات مهمه در عالم پیداء و مژده مدنیت را بعالم انسانیت صلاء دادند طوریکه بت پرستی در عالم رو بتناقص گذاشته و تقابل یافت و لیاقت و فضیلت شرافت منحصر به لیاقت است و انتقال او نی بسته نبوده و مربوط نیست (ان اکرمکم عندالله اتقیکم) دلیل کافی و حدیث (الفضل با الهمم العالیة لا با رمم البالیه) نص شافی و الفضل با العلم و الادب لا باالاصل و النسب صریح مراداست) و قبل از بعثت نبی ذیشان اسلامی ذبح قربانی از اولاد انسانی متداول بوده و جزیره عربستان معمول بوده و در مصر در مورد طغیان رود نیل قربانی یکنفر دختر زیباء و خوشکلی برای اسکات غلیظ خداوندی مرسوم و در تواریخ مسطور است و سوزانیدن زنها زنده و جاندار را در مرگ شوهر در موقع احراق آن باهم برابر در اکثر قطعات هندوستان مشهور بوده و حالا مجرای میباشد اینگونه اعمال وحشیانه بشری را در هر منطقه که دین اسلام با نور معنوی آنجا را منور نموده متروک شده یا تقلیل یافته و این قبیل خرافات از میان رفته و تبدیل باحیاء نفوس بشری گردیده و بنام مزید محبت

و زیادتی رابطه مجالست و موانست هر روز نماز پنجگانه را با صورت جماعت گذاشته مستحب و مطلوب شرع مقدس اسلام است و روز جمعه محض یک نوع زمینه مستعد ایست برای تشکیل یکجلسه عمومیه بعموم اهل شهر بنام دعوت و تبلیغ بر امنیت و استراحت و جلب بسوی اخلاقیات و در هر سال دو بار برای اجتماع عموم اهالی و نواحی آن از دو فرسخ دهات با اهالی شهر و مرکز نماز عید و فطر را اداء کرده هم رابطه بین اهالی دهات و اهالی شهر حاصل شده و هم جلسه عمومی تشکیل خواهد شد و بنام اجتماع عموم اهالی دنیاء و سکنه کرهٔ ارض در محل وسیع اجلاس عمومی با علاقه دیانت و جامعه بین المللی اسلامیت بلا فرق نژاد و قومیت از هر صنف و طبقه از متنفذین و متمولین در مجمع کوه مناء جمع گشته یکنوع ارتباط معنوی پیداء شده و با یکدیگر معارفه نموده و شناسائی حاصل گشته و مقررات مهمه در میان خود شان امضاء کرده و منافع مشترکه عمومیه اسلامیه را پس از مراجعت باوطان و اماکن خود شان بدیگران ابلاغ مینمایند و نتائج حسنه در سایه روحانیت و قربت بسوی رب العزه به شخص زیارت کننده بیت الله عاید بوده دینی و دینوی فوایدی را نائل و عموم جامعه بشریه از این فایده و منفعت بالملازم اصلاح خواهد شد و از جمله فوایدظاهریه است زیارت قبر نبی اسلام علیه السلام که زحمت کش عالم انسانیت و مؤسس دیانت اسلامیت بوده و در مقابل روضه مطهره با قرائت فقرات زیارت تذکر از زحمات و مشقات فوق البشریه را داده و قدر دانی نموده و اقتداء در

افعال مرضیه بان نور الهی خواهد کرد و سفر کردن از اماکن بعیده سبب میشود که مشاهده آثار عتیقه و جدیده نموده اقتباس از آن بنماید وایضا مدنیت ملل متعدده دنیا را باالعیان دیده و عبرت خواهد کرد و تنبلی و عطالت را از خود کذار و جدیت بکار در امور مهمه صرف وقت کرانبهای خود را خواهد نمود و ایضا بنام شریعت تادیه حقوق و دین اللهی کرده اعظم قربات الهی را عامل خواهد شد و در تمام منطقه عالم تقابل ظلم و الغاء فساد و اختلاف می نمایند و تمدن اسلامی را در کلیه صفحات مرور و عبور خود منظور خواهد نمود و ایضا با تمام برادران دینی خود در امور عظیمه تبادل افکار نموده و از آنکونه تبادل تصادمی شده بارقه حقیقت بروز خواهد کرد و در آخر با قلب صاف و فکر عالی در عشق دیانت صحراهای وسیعه و دریاهای عمیقه را کشت و کذار نموده در پیشکاه مقدس معنوی الوهیت با قیافه روحانی (سائلك فقیرك مسكنيك و ببابك فتصدق عليه بالجنه) را با زبان عجز بیان کویاء شده مسعود دارین خواهد شد از این لحاظ است که حج الله به ثروت داران و جامع شروط مهمه واجب کردیدند نه بهر کس که بالغ و عاقل است و هر چند که مسلمانان عصر حاضر از این فلسفه عالی بی اطلاعند و مقصد شارع مقدس را نفهمیده بنام خشك و خالی ویک لقب بی معنی که از فحش بدتر است متقبل زحمات ذهاب وایاب را می باشند و یك بیت شاعر را تخطر لازم و کافی است برای تنبیه بعضی از زائرین (زاهد بحرم کعبه رود کاین رمدین است ــ خوش می رود اما ره مقصود نه این است)ــ

و دیگری هم در این ضمن میگوید (ای قوم بحج رفته کجائید کجائید ـ معشوقه دراین جا است بیائید بیائید) اینگونه نکات عالیه اسلامیه رادرك نمودن محتاج است بتحصیل بعضی از علوم لازمه اگر در مغز مسلمانان دورهٔ اخیر قوهٔ تمیز و تشخیص بودی انوقت در سایه دیانت سید و سلطان کرهٔ ارض می شدند طوریکه در عصر سعادت همانطور بودند و در این زمینه (قومب) نام مولف و عالم فرانسه در کتاب عام تاریخ خودش مینویسد که از حوادث عجیبه و سوانح غریبه عالم است که نظیر آن اتفاق نیافتاده و تاریخ هم نشان نداده که عبارت ازاین است چه طور شد اعراب وحشی در ظرف اندك زمانی نور تمدن اسلام اسلامی را در تمامی صفحات کره منتشر نمودند و سید وآقای کره محسوب شدند (راقم با صدای رساء بعموم متفکرین دنیاء سبب وعلت آن را که قومب نفهمیده ابلاغ مینمایم که سبب و مؤثر این حادثه غریبه تاریخیه معلوم است و همان سبب کلمه مقدسه جامعه اسلامیه لااله الا الله محمد رسول الله که وحدانیت ملیه و توحید افکار و وحدت جامعه را در زیر لواء محمدی و با صوت کابانك احمدی بفکر صاف افراد تودهٔ اسلامی تزریق شده و با امر مقدس (لیس لانسان الا ما سعی) طوری جدیت وسعی بلیغ نمودند و متشبث بعروة الوثقی شده وعلم را دلیل و هادی خودشان قرار گذاشتند در اندك وقتی در مسلك ارسطو و اقلیدس و افلاطون و ابیوقرطها غور و رسیدگی کامل بعمل آورده سید و آقای اهل دنیا شدند حالیکه قبل‌الاسلام مالك یك قطعه عبای صوفی پشمنیه و یکقطعه ازار و یکقبضه شمشیری

غلاف و بلا غلاقه بودندی (رجوع شود در پیدایش تعجب قوم بکتاب محمدیه یا اثر محمد تالیف قیمت دارلطف الله حمدی استانبولی رجوع بمقصد در تضاعیف کلمات سید کائنات کلماتی دست رس ما شده معنای عالی آن را با وسیله تحلیل و اجزاء خانه های عصری همین درك مینمائیم و غالبا تا کنون کشف نکردیده و امید است که انکشاف یابد (مثلا سید الاشربة الماء یعنی آقای تمامی نوشیدنی ها آبیست که مطلق و خالص باشد (بلیك نام) مشهور در کتاب خود کلیه مشروبات نشئه دار و غیر ها را که ممزوج و مخلوط بچیزی دیگری بوده باشد مضر ومفسد میدانند و آب خالص از حیث دواء و غذاء را از همه آنها نافع تر دانسته و از جمله مولفین حفظ الصحه عمومیه است (مو بناق نام) می نویسد که در گوشت خنزیر میکروبی موجود است که نام(تریشنیسوز- تریخین) و از آن میکروب مرض تولید میکردد که بنام همان میکروب تسمیه میشود که تریشنیسوز مینامیم و (زانکه ر) نام فیلسوف از همه کس مقدم تر این میکروب را درك کرده و (بلیتون) نام هم درك کرده و هم کشف نموده و پس از تدقیق عمیق منکشف کردید که در میان لیفهای گوشت خوك بیضهای کوچك موجود و بخون صرف کننده آن داخل و در میان لیفهای گوشت انسان جا گیر شده و در زمان کهولت و سن پیری بروز و ظهور نموده و در معده و روده ها نشو ونماء کرده نوع نرهای آنها (دو - و سه میلمتره) طولا و مادی آنها از (سه تا شش) میلمتره تشکیل می یابد و بعد از چند روز از این میکروبها بیضه ها و کرمها در معده و روده پیداء در نتیجه این تولید و توالد

تکاثری بعمل آمد منجر بمرض قی و اسهال شده و ناخوشی (حماء تیفو-ئیدی) وقولراء پیداء میشود و در ظرف چند هفته از معده بخون آمیخته میکروب هائی در رنك خاکستری بعمل آمده در کلیه مجاری خون آشیانه ساخته از بیست روز الی پنجاه روز با مرك فجیعانه سبب فوت شخص میکردد و علاوه از این (تریشینا سیلیوم) مرضی است از کوشت خوك تولید میشود و کیفیت حدوث آنمرض در کتب طب مذکور است و ایضا از اسرار فقهیه و نکات شرعیه است که در ظاهر کشف شده مرض مخصوص (اکیاثیدیته) از سکها سرایت میکند و میکروبهائیکه داخل جهازات تنفسیه میکردد طول آنها از یك میلمتره تجاوز نکرده و (ایدائیدیه) از آب دهن سکها سرایت میکند و باعث خسته کی در جکر سیاه میکردد و بجکر سفید و مغزانسانی هم نفوذی دارد و بلیك مشهور مرضهای حادثه در جکر سفید را از سك سرایت شده میداند و با تجارب عدیده این معناء را اثبات نموده و ایضا بعضی موادیکه جنبه اجتماعی دارد ولی بصحة و عافیت زیاده مدخلیتی دارد مسئله مسواك است که فعلا مورد توجه علماء دنیا است و شرعا استحباب مسواك کردن از جمله ضروریات فقهیه اسلام است و پاك شدن دندان از بقایای غذاء در نظر فلاسفه عصر حاضر از جمله مسائل مهمه زندکانی بشمار است و تا کنون با یك نوع آلتی پاك میکردند بنام (فرچه) معروف است ولی فعلا ضرر آن کشف شده و مسواك مشهور بین المسلمین موقع مهم را اشغال نموده و نفع مسواك واضح است که دفع عفونت کرده و خصوصا میکروب کش و ضد

عفونی است و خصوصا مرض مخصوص التهاب دودی را از روده بزرگ رفع و دفع مینماید بلیك معروف التهاب دودی مزبور را از تعفنات جوف دهن دانسته وعلاج آن را درعین مسواك که درخت مخصوصیست کشف کرده و کشف کننده مضرت جوف دهن (منچتوف) مشهور می گوید که ازنبودن مسواك و استعمال نکردن آن بسی امراض حادث میشود ایضا (مصو الماء مصا و لا تعبوه عبا) فان الکبا دمن العب این حدیث شریف جامع بسی محسنات کثیره است که طبا مقبول تمام افکار فلاسفه عصر حاضر است و بلکه حیرت بخش اطباء عصریه است (بلیك) مشهور در کتاب حفظ الصحه خود می نویسد در موقع نوشیدن آب بتدریج و تانی نوشیده و بواسطه یك لوله نازك بطور مکیدن بمعده برسانید زیرا که هجوم کردن آب بمعده باعث هجوم خون می شود بجگر سیاه و مرض کبد حادث می شود.که عین ترجمه معنای حدیث شریف همین است که نوشته شددر این موقع تقدیس از دیانت مقدسه اسلامی لازم است که با شکل تکاملی و ترقی بر طبق شیوه مرضیه تانی و تدریجی سه سال با طور مخفی این گونه احکام معجز ارتسام را گوش زد خاص و عام نمود و بعد با اهل مدینه بیعت عقبه را مخفی با اشخاص معدوده نموده و بعد هجرت بمرکز اسلام و عملیات مزبوره را بتوسط مصعب ابن عمیر مبلغ اسلام بموقع عمل گذاشت و پس از بیعت عقبه و پس از ترتیب مقدمات بیعت با بذل نفس و مال در راه ترویج اسلام (آیه اذن للذین امنوا ان یقاتلو) نازم و اجازه جهاد حاصل با اصول تدافعی و و تمامی اشتغال بغزوه‌ها و سریه ها

ورزیده و با جنکهای متوالیه در قبال مدنیت شرق (ایران) و غرب و (روم) یك موسسه حقیقیه تاسیس و یك مدرسه حکمت محمدیه تشکیل نمودند که عقل بشری عاجز از درك حقایق واقعیه کلمات صادره ایست از محصلین مدرسه احمدیه در ظرف سیزده سال با آن محاربات مکرره و اشتغالات مهمه در تمام نقاط عالم تغییرات اجتماعی و مدنی رو نماء شد و متفکرین ملل عالم تابع افکار مسلمانان شدند و هر شخص مسلم در محور مستقلا متدین کامل است که بدون احتیاج بدستور غیر منفردا میتواند که وظائف روحانی خود را ایفاء نماید ایضا از جمله محسنات اسلام یکی اینست که غنی یا فقیر مساوی بوده و زکواة مال مخصوصی فقراء است و منت کذار نیست چون از حیث دین زکواة مال خودش است ایضا (کرنیلیستون) نام که یکی از مؤسسین مدرسه آمریکان است در شهر بیروت در اول کتاب خود موسوم (بار واء الظماء فی محاسن القبته الزرقاء) می‌نویسد که دین اسلام احیاء کننده علوم ریاضیه است ودر علم هیئت از همه کس سابقتر است و در قرن دویم هجرت عبدالله ابن محمد ابن علی محمد ابن علی ابن عبدالله ابن ابوجعفر المنصور از تاریخ (۱۳۹) الی سال (۱۴۸) بتوسط فضلاء ملل سائره کتب یونانیه و سریانیه و هندیه را ترجمه بزبان عرب کرده و خدمت بعالم مدنیت و معارف نمود و در عالم اسلام تا به قرن نهم هجری همواره کاشفین و مخترعین و کاشفین پیداء شده و با اکتشافات جدیده فنیه عالم را رهین منت خودشان می کردند و راقم در حصه چهارم تمدن الاسلام مشروحا بیان داشته ایم که در واقع کاشف قطعه دنیای جدید خود مسلمانان

اندلس بوده و پس چند صد سال کریستوف کلمب از روی همان خریطه موفق بکشف آن گردید و بوسیله علماء و فضلاء اسلام علوم متنوعه در عالم انتشار یافت خصوصا اهالی مملکت ایتالی و فرانسه و انکلتره علوم عصریه و فنون حاضره را شاگردان (ابن رشد) مشهور اخذ و اقتباس کرده اند و غیر از مطالب مزبوره تفصیلاتی ذکر شده که ما صرف نظر از ذکر آنها نمودیم ایضا شارل مسیمیر در تالیف خودش موسوم به نام (سوواره ـ دوقونستا نیول طبع شده در تاریخ (۱۸۷۰) مسیحی در پاریس بناء بر توصیف اهل خبره و مطالعه کنند کان یك اثر قیمت داریست در کیفیت طرز املاء و انشاء و طرز نکرش در نهایت جودت و مرغوبیت بوده

(شماره ۲)

شماره (۲) و خود مولف از جمله منصفین است و از ترجمه تمامی کلمات آن صرف نظر کرده و آنچه موقع مهم و محل شهادت است بطرز اشعار ذکر مینمائیم مولف اولا لزوم تعلیم و تربیه را برای نوع بشری ذکر کرده و بعد از آن شروع بمحاکمه تاریخیه نموده و در این زمینه بدین نصارائی فکری داده میگوید دین اسلام برادیان سائره شباهتی ندارد طوری که دین موسی فرزندان بنی آدم را تا انقراض نسل هفتمین اولاد از گناه پدران مسئول میداند ولی دین اسلام پدررا برای پسر و بالعکس مسئول نمیداند(ولا تزر وازرة وزر اخری) وعلاوه از این دراحکام دیانت موسوی چندان بامور اخروی نظری ندارد و راقم در کتاب مبدء الاسلام تنزیهی بودن دین مسیحی و تشبیهی بودن

دین موسوی را بیان نموده مراجعه شود) و اما دین مسیحی در حال حاضر از محور اصلی خود خارج و بحضرت مسیح نسبت الوهیت میدهد و دین اسلام عمده اعتراضیکه بر مسیحیت کنونی دارد در موضوع تجسد الوهیت است و این نسبت از قدیم الایام نبوده بلکه این اعتقاد ضعیف پس از ارتحال حضرت مسیح در سال (۳۲۵) در شهر نیسه از سلاطین نصارائیان قونستانتین نام مجلسی تشکیل داده و در این باب مذاکراتی نموده بامخالفت (۱۸) نفر از (متره پولید ها) روحانیون فکر الوهیت مسیح بی‌نتیجه مانده و تکرار در تاریخ (۳۶۰) جامه‌ترتیب در شهر (دی مینی) چهار صد نفر از متره پولید ها اجتماع بعمل آمده همه مخالف این رای گردیده و بیست سال ایضا این فکر باطل انتشار نیافت در سال (۳۸۱) در شهر اسلامبول مجلسی انعقاد یافته و همه روحانیون قرار گذاشتند که الوهیت حضرت مسیح را بر اهالی تعلیم داده و تلقین نمایند حالیکه در دین اسلام شواهد کثیره ایست که خود حضرت عیسی نسبت الوهیت برای خودش رضا نداد اجمالا از اعزه ملت مسیح (سه ن ژریوم) میگوید در علم هندسه و حساب چندان ممنونیتی نیست و حقیقتی دارد لکن علم دینداری نیست و بلکه علم دین همان قبول تعلیمات نصایح کتاب آسمانی است

فصل (٤) شماره (۲)

شماره (۲) ولی عالم دینداری همان یادگرفتن نصایح کتابهای آسمانی است فقط دین کنونی مسیحی ضد علوم است طوریکه (سن پول) هر کتابی

که موافق فکر خویش نیافته سوزانید (ویاباس ـ غریقووا) کتابی علمی بی شمار را محو کرد (فونستانیتن هر کتابی را که مخالف مذهب نصارائی دیده ولو در حرفی بوده باشد می سوزانید (ژنون ئی ـ زوزئن) هر علمی که از معدنیات و نباتات بحث مینمود کتاب آن علم را می سوزانید با تحریك راهبان اتلاف آن را واجب میشمرد (قاردینال ـ قسیمه نس) در شهر غرناطه مرکز سلطنت اسلامی هشتاد هزار مجلدات عربی الاسلوب والعباره را سوزانید و کتابخانه (هانری دارغون) از طرف فرقه (انکیز یسیون) کشیشان سوخته شد و در ارهٔ سوخته شدن کتابخانه اسکندریه نصارائیان بی دخل نبودند و در تاریخ (۳۹۰) میلادی (سه اورناس) نام کتب علمیه اسکندریه راسوزانیده و نسبت آن را بمن داده اند و اصل ندارد و در تاریخ (۱۵۶۸) میلادی در شهر غرناطه (یعقوب فلیپ) امر کرد که آبدست مسلمانان منع شده وزبان عرب ممنوع گردد و کتابهای عربیه را بسوزانیدند اجمال مقال اینست که نصارائیان در تعصب جاهلانه مفرط بوده و بااعراض شخصیه حقیقت را میپوشانند و ضد علوم و فنون هستند باالعکس اسلام و مسلمانان طرفدار علم و فن می باشند و علاوه از این هر کسیکه از نصارائیان صاحب علم و فن باشند غالبا از جادهٔ دیانت انحراف میجویند ولی هر کس از مسلمین عالم و فاضل تر باشند در دیانت خود ثبات و استقامت ورزد چون اسلام علم است و مطابق فن اگر اسلام و مسلمانان در دنیا نبودندی علوم قدیمه در زیر خاك پنهان بوده و مجهول ماندی و در بارهٔ حضرت نبی اسلام علیه السلام با زبان ستایش طوری تمجید نموده

که ما از ترجمه آن عجزی داریم همینقدر ذکر میشود که میگوید در تاریخ بعثت حضرت رسول مجتباء احوال دنیا بمثابهٔ منقلب و پریشان بود که برای تصحیح و اصلاح آن دور و آن عصر وجود یکنفر شخصیت تاریخی و معجز نماء لازم بوده واشد احتیاج و کمال ضرورت‌را داعی بود‌مبنی بر این احتیاج مبرم و ضرورت اقتضائی ذات قدسیت‌ممات حضرت فخر کائنات ﷺ می آمد که خلق را بسوی حقیقت جلب ومردم را بلا فرق‌نژاد و قومیت بدائره اهتداء دین اکمل واشمل هدایت نموده و بمحیط انسانیت ارشاد فرماید و در باره جمعیت بشریه قوانین اصلیه خلقتی را تطبیق نماید واوهام و خرافات قدیمه را ازاله و عبادت بخدای دروغی را ابطال واستحقاق تعبد بر یك ذات اکمل را شناسائی کند و بت پرستی را در دنیا تقلیل و شریعت مقدسه توحیدی را در کرهٔ ارض بافراد نوع بشری قبولانیده و بنای اصول شریعت را قائمه عدل و اساس علم گذاشته و انتساب مسیحیت را بر وجود یك اله متجسد وجسم داری را در سلك خرافات و جزء موهومات ارائه فرمودند و حضرت محمد علیه‌السلام انبیاء سابقه را در محور نبوت تصدیق و قولشان راتقدیس فرموده و تمامی پیغمبران را به برادری خود قبول نمود و دین آن بزرگوار یك دین اجتماعی وسیاسی واخلاقی است و آنحضرت باب رسالت را مسدود داشته (لانبی بعدی) فقط باب علم‌را مفتوح نمود (اطلبو العلم من المهد الی اللحد) واین نکته مهمه برا کثر اهالی اوروپاء مجهول مانده که همین حالا درك نمیتوانند بکنند که آن حضرت باب علم را گشوده و باب نبوت راتاروز قیامت مسدود‌داشته و تاروز قیامت

همچنین خواهد بود و هر کس از آنحضرت سؤال می نمود که اقتداء به کدام اشخاص لایقتر است جواب میداد که بعالم تر ین خودتان اقتداء نمائید و برای علم حدی و تحدیدی قرار نگذاشت و کلیه علوم را لازم التعلیم دانسته و از استعمال بعضی از آنها را نهی فرمود و در باب تحصیل علم امر مصرانه داده و میفرمودند که هر که به معلومات شما چیزی علاوه کند بنظر پدری بر وی نگریسته و بر تعظیم آن بیفزائید (من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا) و علم در کدام نقطه ممکن الحصول باشد در طلب آن جدیت کنید (اطلبو العلم ولو باالصین) و اهمیت دادن مسلمانان بر تحصیل علوم یك امریست که علم تاریخ اثبات آن میکند و نشان میدهد و مهارت مسلمین در صنعت و فنون و اصول جنگاوری یك امری است دیندارانه و اثر تربیه دینیه است چون دین اسلام ضد تنبلی و تکاهلی و عکس عطالت است و همینقدر معلوم شده که مرور زمان و مضی اوقات و اعصار اساس دین اسلام را تغییر نداده بر عکس با انقلابات عصریه حقایق اسلام انکشاف می یابد و دین اسلام شخص رااجبار و اکراه ملزم بقبولی آن نمی نماید (لا اکراه فی الدین) ولی هر کس که قبول آن دین مقدس را با اختیار خود به کند داخل آن دین الهی بوده و پیروی آن باشد و دیگر مفارقت از آن نمیکند و تغیر کنندهٔ مسلك خود در مسلمانان کمتر دیده شده بلکه نادر است و در نظر بعضی از متفکرین اوروپائی چنان مرتسم بود که باداخل شدن فنون عصریه بر میان مسلمانان باعث تبدیل مسلك خواهد شد حالیکه هر خطوه ترقی سبب تقویت ایمان مسلمانان می گردد و این لحاظ غیر از عظمت این دین و شهامت آورندهٔ آن چیز دیگری

نبوده و بمعنای دیگری معطوف نمیگردد و هر امری از اوامر اسلامیه منفردا شخص را اداره میکند چون بر قواعد (فزیکیه) حکمیه مبتنی شده است و این چنین دین ابدا تزلزلی نپذیرد و بر هر فرد مسلم بدون رعایت نظافت جسمانیه تکامل اخلاقی و عقلی حاصل نیست (النظافة من الایمان) تعلیم اسلامیانه ایست و قرآن عظیم الشان برادران دینی را نهی میکند که یکدیگر را به قیافهٔ پژمرده و باحال پریشان قبول کنند (باب اوخال السرور علی قلب المومن) و در اوامر و نواحی حضرت محمدی حکمت و حفظ الصحه موجود است و ملاحظه کنند کان علویت نماز

شماره (۳) از فصل (٤)

شماره (۳) بهتر ملتفت هستند که با دو ماده جا غصب و جامعه غصب حفظ حقوق بشری فرموده) اگر این دو ماده در میان نوع بشری کاملا مراعات گردد در آنصورت ابدا تنازعی و تخالفی در عالم پدیدار نشود و قمار ممنوع و حرام بودنش در اسلام بدیهی است (انما الخمر والمیسر) و زکوة تابع قواعد منتظمه است (در فقهه بیان شده که در چند چیزی واجب و به چند جا صرف خواهد شد حرص و طمع و خلف وعده و دروغ گوئی شدیدا ممنوع است و حج اسلام منافع مادی و معنوی را شامل است و در دیانت اسلام زنان حقوق انسانیه را کاملا حائز و دارا هستند و آزادی نسوان در میان اوروپائیان پس از مخالطه و مراوده با مسلمانان معمول گردید و عمده سبب آن جنك صلیب است (الجنة تحت اقدام الامهات) بر علویت مرتبه زنان

دلیل کافی است و در موقع حدوث نزاع و وقوع اختلاف فیما بین شوهران و زنان طلاق رفع نزاع میکند و اولین اصلاح کننده اختلاف صلح نا پذیر در میانشان است و زن مطلقه از بچه خود محروم نیست بلکه هفت سال تا نه سال اولادوی در حضانت مادران مطلقه بوده و معا امرار حیواة خواهند کرد و تعلیم زنان و تربیه ایشان از لوازم دین شمرده میشود (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) و زنان تابع تربیه شوهرانند (ان المرئه تاخذ من دین بعلها) و در فصل دیگر تحت عنوان مخصوص در این اثر بزرك (دین اسلام و فنون) کلمات قیمت دار و معینا ار ذکر شد که صرف نظر از تفصیل نمودیم از انجمله مینویسد که تمامی علوم و فنون عصریه ار برکت معرفت مسلمین احیاء شده و در زمان خلفاء بنی عباس و بنی امیه مسلمانان در انتهاء مراتب سعی و جدیت بعلوم و فنون اهمیت میدادند طوریکه هرون الرشید به پادشاه فرنکستان (شارلمان) در ضمن تحف و هدیاء که از آثار فنون اسلامی به شمار بود از قبیل عطریات و منسوجات حریریه و کلید بیت المقدس و یك قطعه ساعت ضاربه و متحرکی ارسال داشت که در موقع وصول فرنکیان آنزمان با حیرت تمام نظر میکردند و در آن زمینه سوال کردند که آیا مخترع آن کیست شاالمان جواب داد فرستادهٔ امپراطور شرق هرون بوده و عمل مسلمانان است و بر مکیان در این باب سعی بلیغ داشتندی و آثار بقراط و آرشمید و بطلمیوس و ارسطو و سقراط را ترجمه کرده خدمت بعالم انسانیت کردند و مترجم مشهور (حنین) نام از خزینه دولت بمقدار سنکینی کتابهائیکه ترجمه کرده

بود زر خالص میگرفت و ایضا تاسیس مکاتیب و تعمیم معارف از آنزمان شروع گردید و ایضا در کلیه ادیان که بخدائی یك ذات مطلق قائلندچون دین اسلام بفلسفه و حکمت اهمیت نداده و دولت اسلام در آنزمان یك باب مدرسه مجانی که گنجایش شش هزار نفر طلاب و محصلین داشته باشد بناء و تعمیر کرده بود و کتابخانه و دواخانه و اجزاء خانه و عملیاتخانه و سریرتخانه ها (اداره بود که اشیاء کم شده و سرقت رفته را از آن اداره طلب مینمودند) بنا کرده بود و مدارس طبی و ریاضت خانه و مدرسه مترجمین دائر کرده و گشاده بودند از یونانی و قبطی ورومی و فارسی بلا تفریق نژاد و قومیت و بدون تفرقه مذهب و دیانت محصلین جمع شده و باندازه لیاقت علمیه واستحقاق شخصی بفضلاء مال و نحل احترامات لازمه معمول و امتیازات لایقه مبذول میشدی و ایضا از خدمات مسلمانان بشمار است که نی شکر و پنبه و خرما و فنق و توت و تخم آنها را بقطعه اوروپا انتشار و غرس و زرع کرده خدمت شایان تقدیس بعلاقمندان علوم زراعت و فلاحت کردند و برای تسهیل امور اقتصادی و زندگانی قائمه نقدی (بانکنوت) ایجاد کرده و استعمال نمودند و این قاعده از دولت اسلام معمول شد و از حیث صنعت ملك اسلامیه در حقیقت معلم صنایع مستظرفه هستند و مصادمه صلیبی در موضوع جنگهای متوالیه مسیحی با مسلمانان در اطراف بیت المقدس دوره انکشاف و عصر انتباه ایشان شده و مرایشان را سیای تادیبی گردید و آسیابهای بادی و میکانیکی درست کردند و اسباب بصری از قبیل زره بین و دوربین و دور نماء و بوصله ساعت و قبله و کاغذ سازی و

نسجی ابریشمی و آهن سازی و فولاد سازی و سائره را از مسلمانان آن زمان اخذ و اقتباس نمودند و (مداولت مثبتة مطالب فوق را در کتاب تمدن الاسلام حصه چهارم ذکر نموده ام مراجعه) و اصول معماری (غوتیك) از مسلمانان تعلیم شده و طرز کلیساء عصر حاضر از قانون معماری مسجد سازی در مصر و غرناطه طرح اندازی شده و کنیسه های مسیحیان را از طرز یاریاری (وحشی) قدیمی که مشابهت تمام بدره هولناکی داشت با منظره نل مهیبی را تشکیل مینمود رهائی دادند و ایضا قرآن عظیم الشان اسلامی سعی و کوشش وجدیت را تقدیس فرموده (لیس لانسان الا ماسعی) و (ان الله یحب العبد الکاسب و تجارت کسب کاری را از اسباب فخر و مباهات قرار گذاشته و اگر مدنیت اسلامیه را بهر اندازه تعقیب و تدقیق نمائیم باعث حیرت خواهد شد طوریکه از حدود اسپانیه اندلس تا حدود چین و هند در تحت نظارت مسلمین بوده از طرف بری و بحری در کمال انتظام و آسودگی بوده مصون و محفوظ از تجاوزات غیر بود دفتر های متعدده برای روشنائی سواحل دریاها تهیه و تعبیه شده از منازل دور و مسافات بعیده با اصول رموزات و اشارات مخابراتی کرده و تفهیم مرام مینمودند (و غیر از مندرجات این کتاب بزرگ در تاریخ احمد رفیق بیك مسطور است مطالبیکه در موضوع دریاء نوردی مسلمانان و ترقیات محیرالعقول شان در این محل ذکر شد) و در اصول کشتی رانی اولین ملل عالم بشمارند و در زمان الحاکم بالله در مصر با نظارت خلیفه و سلطان العلماء مجتهد انزمان شش صد قطعه کشتی های جنگی از طراوه و حراقه و قراره با

اصول مخصوصه در یکروز بدریاء افکندند حصه چهارم تمدن الاسلام راقم رجوع شود) و هکذا ادارات منتظمه و پلیس‌های آمین برای تامین حقوق قضائی و دیعة اللهی و تشکیل اداره قشونی منتظم برای محافظه شئونات ملکی و مملکتی و محروس بودن حیثیات مللی و دیانتی مسلمانان بر عموم ملل عالم نمونه امتثال و مایه عبرت گردید و از عدالت مسلمانان اندوره ملل مغلوبه و اقوام دستگیری ممنون از مغلوبیت خود شان بودند و متشکر بتابعیت میکشتند و دو اسپانیه از اثر دیانت اسلام یکنوعی تمدن جلوه نمون گردید که از هیچ یکی از قطعات کرهٔ ارض آنچنان مدنیت ظهور نشده (راقم طوریکه در حصه (۳ و ۴) تمدن الاسلام تفصیل داده مثلا عائشه خانم بنت شیخ احمد قرطی نوعی از اصول سقی و آبیاری در ناحیه نزدیکی شهر غرناطه از پائین به بالا آب رسانیده و با اصول مخصوصی کمربندی که فعلا سیاحین عالم از آن گونه اصول آبیاری در حیر تند و همین حال علامت آن باقی است) و بنا بر تحقیقات (مسیو دوروی) در شهر طایطله از توابع غرناطه در اندلس دویست هزار و در شهر (سه ویلله) سیصد هزار نفوس سکونت مینمودند و محیط شهر قرطبه هشت فرسخ راه بود و هشت هزار باب سرای عالی و ششصد باب مسجد جامع عمومی و هشتاد باب مکاتیب عالیه و نهصد باب حمام برای تنظیف عمومی مجانی و دارای یك میلیون نفوس بودی و در شهر سه ویلله محض برای حریر بافی شش هزار باب بنای عالی ابریشمی دائر بوده و مشغول عملیات حریر بافی بودند و در تمامی نقاط اورویاء طلاب و محصلین برای تعلیم علوم

و فنون متنوعه عصریه در مطا تیب اسلا میه به شهر غرناطه و سائر شهرهای اندلس جمع میشدند و اغلب آنها در آنمکان قبول اسلامیت مینمودند و اقامت را بر مراجعت بوطن ترجیح میدادند و در موقع ورود و دخول فرقه منحوسهٔ (انکیزیسیون) بقطعهٔ اسپانیول اکثر افراد ملت نصاراء از ترس وحشت آن دسته ظالمه بحدود اسلامیه ملتجی و پناهنده میشدند و سائر ممالك شرقیه در ترقی و تمدن بقطعه اندلس تابع شده و اخذ اصول مدنیت از آن مملکت می مینمودند و (سوسه) و (قروان) و (طرابلس غرب (و تونس) و (الجزائر) با مکاتیب عالیه و مدارس نهائیه مماو بودند (سیران) و (عدن) (جده) و (سویش) موقف (ایستکاه) بزرك دنیا محسوب بود و بازار کابل محل تجارت عمومی اهالی اسیاء بود ایضا حکما و فلاسفه بزرك که از مسلمانان سر آمد عصر خودشان بودند از قبیل حقوق شناش (بوریس) و نحو و صرف و موسیقی دان و منطق و معان مورخ غیره و اکر جدول نامهای ایشان را ترتیب دهیم یك کتاب مخصوص لازم است و در دهم عصر میلادی حکیم شهیر و فیلسوف بی نظیر (حسین ابوعلی ابن سیناء) آلهٔ رقاصه و میزان ارتفاع آفتاب را ایجاد کرد و ابن یونس در عصر یانزدهم و فتاح بن نجیباء بیرونی ابو ریحان و ملکشاه در عصر دوانزدهم (ابن رشد) مشهور و بهاءالدین موصلی ایضا در عصر سیزدهم و مولف جدول ابوصفیه اصفهانی و از علماء علم نجوم و جغرافیه ابوالحسن الفاسی و نصیرالدین طوسی و امام غزالی خراسانی و در عصر چهار دهم ابن شاطر و مولف حماء ابوالفداء و در عصر پانزدهم شاه رخ الغ بیك و در شانزدهم

امام سیوطی وصاحب منتخبات التواریخ قاضی میر (همان شخص است که استعمال اوراق نقدیه(بانقنوط را) در میان مسلمانان معمول و مرسوم نمود و درعصر هفدهم کاتب چلبی که با تالیفات خود در باره آثار جغرافی قدیم اوروپائیان را در وادی حیرت حیران و سرگردان گذاشته طوریکه باور نمیکنند بر اینکه در آن عصر اینگونه کتابهای جغرافیائی تالیف و تدوین گردد غیر از این فضلاء فلاسفه نامدار همه از تودهٔ اسلامیه بوده و علماء بنام از فضلاء روزکار که بعالم مدنیت خدماتی کرده‌اند و درصحائف تاریخیه نام نیکی بیادگار گذاشته اند همه ایشان از اثر حریت فکریه دیانتی بمراتب عالیه و مقامات شامخه نائل شده‌اند و این قبیل اکابر روزکار بر مزیت دیانت مقدسه اسلامیه بهترین دلیلی است و در قرون وسطی عالم نصرانیت از منابع عالم اسلامیت سیراب میشدند بطوریکه افکار حکیمانه (البرت) بزرك و کتب عمومیه (سن بونا ـ واتتون) و آثار فکریهٔ (روژ باقون) همه از فیوضات اسلامیه است و در علم شعر و قافیه و تراجم احوال و علم لغت دانی و دانستن منابع حادثات تاریخیه و استنتاج فواید تاریخ (محاکمه تاریخیه) تماما از مسلمین اخذ و اقتباس گردیده علاوه از کتب فارسی و ترکی آنچه از کتب عربی در موضوع تاریخ و راجع بمواد تاریخی از مورخین اسلام بعالم انسانیت مودوع شده کمتر از یك هزار و سیصد جلد نیست و کشفیات اسلامیه خیلی زیاد است و حالا مبنی بر چه اسباب است که ایجاد تفنك و باروت و بوصله و کاغذ را به اهالی چین نسبت میدهند حالیکه امروز بر کافه اهل علم قناعت حاصل گشته که اول باروت را در فتح مکه

(تاریخ ـ ٦٩٠) استعمال کرده اند از طرف مسلمانان و بناء به بعضی روایات در عصر سیزدهم در ممالکت مصر باروت و کهر چله را استعمال کرده اند و مبنی بر تحقیقات (فه رام) نام اسپانیولی مورخ مشهور استعمال کردن باروت و بافشنك در جبل طارق در تاریخ (۱۳۰۸) میلادی بوده و در (به آزاء) تاریخ (۱۲۳۴) واقع شده و در الجزائر در سال (۱۳۴۲) واقع است و برای اثبات کردن اینکه بوصله از طرف چینی ها اختراع نشده همین قدر کافی است که ایشان تاالی‌تاریخ (۱۸۵۰) قطب شمال را یك قطعه ننور آتشین خیال میکردند و بوصله را برای تعیین اوقات نماز و تشخیص جهت قبله ازوم دین مسلمانان دانسته اختراع کرده اند و برای سهولت پیدائی طریق قافله هم استعمال مینمایند و در عصر پانزدهم در کشتی های مسلمانان معمول بود

(شماره ۴ از فصل ٤)

(شماره ۴) از مندرجات این کتاب عظیم که اثر فکریه چهار صد نفر علماء و فضلاء عصر اخیر است که از ملل مختلفه تشکیل حوزهٔ علمیه نموده و در بارهٔ دین مقدس اسلام تدقیقاتی نموده و اکتشافات فنون عصریه را بر احکام اسلام تطبیق داشته و مدلل کرده‌اند که هر چه انکشافات ذهنیه و انتباهات فکریه در ملل مسیحیه سر زده ظهور کردیده همهٔ آن از دین اسلام و فضلاء مسلمانان اخذ و اقتباس شده و یکنفر از محررین ایشان بنام (هوداس) این کتاب را تحریر نموده و تاسف مینمائیم از اینکه تا چند سال قبل بر این مسلمانان دین اسلام را ضد علوم و فنون دانسته و چنان خیال می کردند که دین مانع ترقی است و بر

خلاف تمدن وضع شده و الاان کماکان حالیکه در حصه چهارم تمدن الاسلام اثر راقم مدلل شده که تمدن عین تدین با دیانت اسلام است لاغیر و دین مقدس مسلمین من حیث الدیانه تمامی علوم را متکفل است و در این قسمت باطریق اجمال توضیح مقال مینمائیم آنچه علم جغرافیای معمولی است که اصلا (ژوغرـ فیا) بوده بمعناء کتابة الارض و یا توصیف الارض است و منقسم شده به تاریخی و ریاضی و طبیعی البته طوریکه مسلم نماز گذار قسمت ریاضی و هیئتی را دیناً لازم است تحصیل کند برای شناختن اوقات نماز و شناسائی قبله وطرف شرق و غرب و ستاره جدی و ایضا من باب وجوب المقدمه و دانستن طریق و صول مکه در موقع حج که مقدمات توصلی است و در موقع جنکاوری و عمل به جهاد اسلام لازم است مهارت رسانیدن بمواقع حرب و جهیه تجمع قشون و تامین خط رجعت و شناسائی به نهرها و دره ها و رودخانها که فرمانده قشون اسلامی را از اهم امور است و ایضا از برای توفیر و تزئید غلات زکواة دانستن اینکه کدام منطقه لایق زراعت است و کدامین جهت مناسب حیوان داری است واز کدام ناحیه بقشون اسلام مویز و خرما جلب توان نمود الی غیر ذالك و تمامی اقسام جغرافیائی در این مراتب لازم التحصیل است نهایةالامر نام آنرا جغرافیاء گذاشتن موجب اشکالاتی شده و بهتر اینکه مثل علماء قدیمی ملت اسلامی این قبیل علوم را باالفاظ عربیه معمولی تعریف نمائیم تا اینکه باعث اشکال نکردد چنانچه ابوریحانی بیرونی ایرانی جغرافیا را باالفظ عرب اداء کرده و در کتاب قیمت دار خود تفصیلاتی از این مقوله درج نموده و با

کتابش را (احسن التقاسیم فی قسمة الاقالم) گذاشته و اما علم طب از حیث دیانت اسلامی باندازه شهرت یافته که کتب خارجه هم با حدیث (علم الابدان ثم علم الادیان) تأیید کلمات خودشان را مینمایند.

(شماره ٤ از فصل ٤)

علاوه از این در مسئله حدود و دیات و قصاص فقهه اسلام بعلم تشریح طب احتیاج شدید مس مینمایند (و اما علم حساب) از واجبات است که بدون آن فرائض و میراث و تقسیم آن مشکل است و اغلب مسائل فرایض مبتنی بر علم حساب است و اما جغرافیاء سیاسی در واقع باب جهاد اسلام تمام علوم متعارفی را متضمن است مثلا و یحرم المقام فی بلد الشرك لمن لایقدر علی اظهار شعائر الاسلام) باید که افراد ملت در داخله مملکت اقامت نمایندو مسئله رباط یعنی در موقع نذر کردن از سه روز تا چهل روز در حدود حفظ ثغور اسلام کرده و بعضی اخبار حادثه را بمرکز اطلاع دهند که عین معناء سفارت است که فعلا متداول است و کیفیت شروع بر جنگ و امان دادن و متارکه و مصالحه را تطبیق به علوم عصریه نموده ملاحظه کنید که آیا خارج از مواد فقهیه چیزی در عالم وجودی دارد یانه با این حال مسلمانان این مطالب را نمیدانند سهل است حاضر به دانستن و گوش دادن هم نیستند رجوع باصل مطلب اما اصول کاغذسازی در تاریخ (۷٦۰) یوسف ابن عمر تاشفین درشهر مکه عوض حریر از پنبه کاغذ ترتیب داده و استعمال کرد و آلة رصدی برای نشان دادن کواکب وستاره ها به واسطهٔ آلات و اسباب مخصوصه هم از مسلمانان اختراع شده و اقتباس گردیده

و طوپ اندازی با اصول امروزی از فاتح بزرك سلطان محمد در مورد فتح اسلامبول شیوع یافته و وصل دریای قازم بدریای احمر از آثار فکریه مسلمانان آنزمان است در زمان عمر الفاروق ودر فصل مخصوص اهمیت مطالعات هیئت اسلامیه را در باره اجتماعیات بشری مطالبی مینویسد که ما صرف نظر از تفصیل آن نموده و با اجمال اکتفاء مینمائیم میکوید که دین اسلام امر به تعمیر و آبادی میکند باندازهٔ که کویا همیشه در عالم زندکانی خواهی ماند (کلام معجز ارتسام حضرت امام حسن مجتباء علیه السلام است اعمل لدنیاك کانك تعیش ابدا و اعمل لاخرتك کانك تموت غدا) و ایضا خرافات یونانیه را از میان جامعه بشری زایل نموده و بجای آن حقایق واقعیه را وضع نمود و تمامی امور را بر مدبر غیبی و مدبر لاریبی موکول میدارد (طوریکه در قضیه فوت کلثوم با پسرش زید پس از فراغت از تجهیزات آن حضرت آفتاب خسوف کرده مردم آن منظره هولناکی را حمل بر فوت آن خانم کردند همان ساعت حضرت فخری مرتبت برای ایضاح حقیقت تشریف فرمای بالای منبر بوده فرمودند (ان الشمس و القمر ایتان من آیات الله لا یخسیفان الموت احد ولا حیواته) خسوف و کسوف ماه و آفتاب مربوط بوجود شخصی ویا بفرح الم انسانی نبوده بلکه آیات الهیه بوده منوط بر ارادهٔ ازلیه است و ایضا ترقیات کنونی امروزی اورو پائیان از برکت مسلمین است که در سایه اختلاط و راوده اخذ و اقتباس کردیده و کرنه بناء بخرافات یونانی بودی حال ما در ایت فلاکت و ذلت میشدی و اعاظم ملت مسیحی در اوروپاء در سایه حقایق

اسلامیه تنویر افکار و تصفیه اذهان کرده اند ـ و در فصل دیگر در تحت عنوان عدالت اسلامیه مینویسد که عدالت در اسلام در نهایت مرتبه کمال بوده و اجزاء خلفاء اسلامی معنای عدل را در موضوع خود با زبان ستایش تقدیس را سزاست و در زمان (الحاکم) باالله در اندلس مسئله متنازع فیها یك قطعه زمین راجع بزن فقیره در تاریخ مسطور و مسئلهٔ آسیابان در این مشهور و ادعاء یکدست زره از مولی الورای نمودن یکنفر یهودی مزبور و قضیه محکوم بودن جبلة ابن ایهم الغسانی امیر عرب متنصره ایضا در تواریخ بیطرف غیر مخفی و ظاهرا از نیت بخش تواریخ بیطرف عالم است در موضوع تساوی حقوق اسلامی و مسئله قاضی ابی یوسف در زمان هرون الرشید در دعوای زره یهودی ایضا در بغداد و در حقوق فرق در میان نژاد و قومیت در اسلام ملحوظ نیست و یك فصلی در ملخص مدنیت اسلامیه ترتیب داده و می گوید عدالت در قانون اسلام حکمفرما (ان الله یامر باالعدل والاحسان) علوم و فنون از اولین لوازم دینیه محسوب (اطلبو العلم من المهد الی اللحد) و معنای اخوت در میان افراد ملت باتمام معنویت موجود (انما المومنون اخوة) و (المسلم اخ المسلم) و باب کرم به روی محتاج و فقراء مفتوح (وتعاونو علی البر والتقوی) و باب وجوه بر اسلامی معلوم و ارتباطات عائله وی بر اساس محبت و حرمت موضوع (وعاشروهن باالمعروف) و طالع زوج با زوجه متناسب (المؤمنون بعضهم الفاء بعض) و مظلومین مظهر حمایت (انصر اخاك ظالما او مظلوما) و ابواب جنایت مسدود (وینهی عن الفحشاء والمنكر والبغی) و

فحشیات و سفات غیر موجود (انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس) و رباء و حبس نقود ممنوع (احل الله البیع و حرم الرباء) و الصدقة بعشر و القرض بثمانیه عشر) احتکار ذخائر غیر جائز (الجالب مرزوق و المحتکر ملعون) زراعت و تجارت در شرع مرغوب است و مقبول (مامن مؤمن زرع زرعا اوغرس غرسا و یأکل منه انسان او طیر الا یکتب له صدقته (افضل العبادات طلب الحلال) و اجرأت نافعه برای تخصیصات خزینه دولتی و تعاون ملی ازحیث دین لازم (ستة من اسباب المغفرة ماأیجریه و بئر یحفره و سنة حسنه یعمل بها و مصحف یقرئه و ولد صالح یستغفرله و حقوق) و حقوق دولت در بین افراد جامعه کاملا محفوظ است طوریکه جهاد بمعنی الاعم در چند موردلازم است شرعا از آنجمله معدود است هر که مال زکوة تادیه نکردد (فی اللمعه و شرحه القسم الرابع من الجهاد فی زمن الغیبیه یاباحسب لمی منع الز کواة) و این چنین دین البته بر تمامی اقسام مذابح سزاست و قتل نفس محترمه دراسلام بغایت ممنوع (من قتل نفسا فکانما قتل الناس جمیعا ـ من قتل مؤمنا متعمداً فجزائه جهنم خالدا فیها) و محافظه صلح و مسالمت بموجب دیانت اسلامی در اعلی درجه آن مستحسن است (فاصلحوا بین اخویکم ـ قول علی ص ع فی وصیه اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلواة والصیام) و قرآن بر لزوم صلح تصریح مینماید و حضرت وسول اکرم ازاین حیث بر تمامی شارعین رجحانیت دارد و یکنفر از سلاطین عالم یك بیان نامه صلحی از قرآن اخذ و اقتباس نموده و انتشار هم داده که حاوی منافع صلح و مضرات جنك است

(فصل ٥) شماره (۱)

و بعد میگوید که کلمات قیمت دار اکابر اسلام و خلفاء اسلامی مبنی بر بعضی اصول سیاسیه از اهمیت ذاتیه اسقاط کردیده فقط اصلاح تواریخ فعلا و اظهار حقایق آن از اهم اموراست تاانکه حقایق و قایع از غرض و غرض رانی تمیز یافته و نیك و بد ار همدیگری تشخیص یابد اسلامیکه تاج تمدن قدیمی و اساس مدنیت حاضره است آنچنان دین واقعی را فدای اغراض دنشکارانه کردن چه معنی دارد و فعلا فضلاء عالم با کشف اشکالات حروفات (هیه رو غلیفی) مشغولند که خطی قدیمی است که با شکل حیوانات افاده مرام میکردند حالیکه با انکونه مسائل امرار أوقات کرانبهاء کردن بمثابه کوبیدن آهن سرد است باالعکس منبع اسرار و معدن علوم که کتب عربیه است در مملکت روما و اسپانیه و فاس درزوایای مخزنها پوسیده و از اثر غرض شخصی مغرضین معطل مانده و مورد استفاده عمومی نیست و بر چنین اغراض و صاحبان اغراض با چه نظر نکرسته و چه کفتن لازم است آن را صاحبان افکار صائبه و اذهان ثاقبه بهتر میدانند و با این وصف که غرض حقایق اسلامیه را مستور داشته و نور آن را منکسف نموده اعمال عدل واجب ذمه انسانی میباشد که هر چیزیرا در موقع خود کذاشته و ایفاء وظائف حق کوئی و حقیقت نویسی کرده که همان معنی عدل است واجب است که اعلان نمائیم و علناً بصدای رساء بکوش اهالی دنیا برسانیم و کلیه صنوف ممتازه را از این معناء مسرور نمائیم که بدانند رومانیان قدیم هر قدر در مرحله مدنیت بزرگ

بودندی اسلامیان بمراتب عدیده از ایشان مدنی تر و مترقی بودند و خودشان هم بزرگ ترند و پس از اظهار این حقیقت و اثبات مدنیت اسلامی یك فصل مخصوصی درتحت عنوان (آیندهٔ اسلام) مینویسد دینی که اساس اخلاقیاتش مبتنی بر علوم و فنون بوده ودائماً ترقی فنون را امر نموده آنچنان دین پایدار و بر قرار است والی الدهر لایزول و در فصل دیگری نتیجه اسلامیت را مفصلا نوشته و ما ملخص آن را مینویسم — مینویسد که قدر علم و فن و عدل را هیچ دین مثل دیانت اسلام اعلاء نفرموده و مثل این دین عالی یك هیئت اجتماعیه در عالم تاسیس نکردیده و مسلمانان متکررا در معرض انقلابات پی در پی واقع شده اند ولی اساس این دین حنیفی با مقتضیات زمان انطباقی داشته و قواعد تکمل و ترقی را اساساً متکفل بوده و مدنیت حقیقیه را صریحا متضمن شده و تصریحا امر فرموده و تا حال استحکام وصافیت آن دین در قبال طوفان انقلابات عصریه متزلزل نشده بلکه محکمتر کردیده و بعضی مسائل مشکله که اوروپائیان حل و کشف نکردهاند از برکت دین اسلام پیروان آن و فضلاء مسلمین کشف کردهاند (راقم مثل کرویت زمین و حرکت آن در زمان خلفاء بنی عباسیه در ظهور کوفه از روی خطبه نحج البلاغه (وعدل حرکاتها بمصر بالراسیات) وایضا (خطبه دیگر واقامها بغیر دعائم) و آیهٔ وترالا الجبال تحسبهاجامده وهی تمر مرالسحاب صنع الله الذی بمس و دیگر در صحرای کبیر آفریقیه کرویت زمین را با اعزام یك هیئت علمیه کشف کردند و وادی کبیر شصت منزلی را بانصب درختها و وصل ریسمانها و پیمودن فاصله آنها از زمین به بالا تشخیص دادند و مدرك این کشف از کتاب مقدس نهج البلاغه بدست آمده که در خلقت زمین

میفرماید (و عدل حرکاتها الخ و ایضا واقامها بغیر دعائم و مثل کشف شدن آمریك که بتوسط هیئت کشافه در غرناطه که قبلا سمت ترقیم یافته) و ایضا (غراند آنسیقلوپه دی) مینویسد که زکواة از فضله ربح و نفع سعی اغنیاء جمع شده مال حق و ثابت یکنفر شخص فقیر است و مستلزم هیچ گونه ممنونیتی را نبوده و نیست ومسلمانان ترقی اوروپائیان رادر مادیات اعتراف میکنند ولی در معنویات و اخلاقیات مقر نبوده و اعتراضات هم دارند و ملتفت هستند که اوروپائیان غرق عالم شهوانیات میباشند دین اسلام لازم غیر مفارق حقیقت است فقط برای مسلمانان آنچه لازم است و واجب همین است که مقدار کافی تحصیل علم بنمایند تا از روی علم عامل حقایق قرآنیه باشند و محض برای حرکت کردن با اوامر قرآنیه اتصاف بعلم لازم است (لا بتنچ) معروف سابقا میکفت که اگر صد سال معارف دنیاء در تحت نفوذ و قدرت من میبود عالم را اصلاح میکردم ولی دین اسلام بعد از هجرت نبوی صد سال نگذشته بود که عالم را با نور اسلام منور و با حقایق اسلامی اصلاح کردند بناء بر این آتیه با مسلمانان است زیرا دینی که منبع ترقی مادی و منبع علوم اخلاقی است با مسلمانان است و دین ایشان اجتماعی نوع بشری است تمام شد حصه که ترجمه شده از (غراند آنسقلوپه دی که از هر فصل چند ماده نوشته وبانظار قارئین کرامی تقدیم داشته‌ایم چون مدتی بود در نظر داشتم از خود اخبار و احادیث اسلامی رساله در موضوع عظمت اسلام تالیف نموده و تطبیق بعلوم عصریه و توفیق با افکار فلاسفه زمان بنمایم ولی کتاب بزرك اخلاقیات که

از آثار افکار چهار نفر از فضلاء ملت آلمان و انکلتره و اسپانیه ترشح یافته و باقلم هوداس نام محرر ادیب موشح شده از هر حیث حاوی نکات دقیقه اسلامیه بوده و تحقیقات منصفانه جمعی از اشخاص بیطرف عالم که خبر از عظمت می داد و (غ‌راند آنسقلوپه‌دی) نامیده شده به‌ترجمه آن اکتفاء شد و مقصد آن بود که افراد ملت اسلامی مراتب عالیه این دین مقدس را از غیر پیروان آن شنوده و چشم بصیرت را کشوده و ملتفت باشند که احکام دیانت مقدسه اساس تمدن و علت ترقی و تاج مدنیت قدیمه و قواعد محکمه مدنیت جدیده است و عنقریب این حقیقت انکشاف خواهد یافت و فلاسفه عالم معترف بحقایق اسلامیه خواهند شد و کتب ضبط شده از طرف مسیحیان انتشار خواهد یافت و در اندک زمانی معلوم خواهد شد آنانیکه از علماء مسیحیین و یا محررین ایشان بر دین اسلام اعتراضی داشته و ایرادی وارد آورده مقصد دشمنکارانه آن قبیل اشخاص حقیقت نبوده بلکه مبنی بر غرض رانی است یا اینکه افکار آنها در اثر تعلیمات مغرضانه راهبان در ایام طفولیت مغشوش و ذهنشان مشوب کردیده باندازه در موقع مطالعه کتابهای مسلمانان میم محمد را کج و دال احمد را معوج می بیند و بعضی کسانی هست که بنکات اسلامیه بهتر ملتفت بوده و حقایق واقعیه را خوبتر دانسته اند با این وصف حقیقت را فدای خوش کذرانی چند روزه دنیاء کرده با معاش جزئی از منفعت کلی چشم پوشیده آلت سیاست ملل مسیحیه شده و سست ترین وسیله پیشرفت مقاصد سائر بیدینان کشته در هر مجلس بر ذم اسلام و قدح مسلمانان لب کشوده از معایب دروغ کوئی و

حقیقت پوشی چشم پوشیده چنان ظن مینماید که عمل خوبی کرده و دیگران ملتفت قبائح اعمال آن نیستند (و الذین یحسبون انهم یحسنون صنعا) و ما در مجلدات آینده این معناء را در نظر متفکرین مبرهن خواهیم داشت که حریصان مشهوت و مطیعان قواء حیوانیت حقانیت اسلامیه را نتوانند که پوشیده دارند چون روی آفتاب را با گل اندودن از محالات عقلیه است و البته روزی خواهد آمد که بعضی از صاحبان انصاف و وجدان از ملل سائره احکام اسلامیه را که گنجینه معارف و منبع علوم است بمنصهٔ مشهور خواهند گذاشت طوری که (هوداس نام) محرر منصف (غراند آنسقلوپه دی) در بیان افکار فضلاء عصری در تفسیر سوره (۳) از آیه (۱۷) از قرآن عظیم الشان اسلامی شروع نموده باطور تقدیس شرح مینماند آیه (ان الدین عند الله الاسلام) را و اشعار بانچنان نکاتی میکند که اغلب مسلمین از آن معانی دقیقه غفلت دارند و در آن زمینه معنای ایمان بخداء و تصدیق رسالت خاتم انبیاء بیان داشته و پس از ذکر بعضی تفاصیل که گنجایش این رساله نیست می نویسد که آنچه دین مقدس اسلام باانوار مدنیت حقیقیه خود باطراف عالم اشعه پاك و نور افکن شده جای شکران کلیه علاقه مندان عالم تمدن است و محل انکار کسی هم نبوده و نیست و در قطعات عالم بتوسط مجاهدین اسلام بهر جائی و بهر مکانی که آن دین الهی داخل شده شکوفه گشای مسعدت مردم آنمحل گشته و در (سوریه) و مصر و (آفریکای شمالی) و (اسپانیه) مسلمانان آن امکنه مزبوره متجاوز از چهار عصر از اثر فعالیت عقلیه دیانتی منبع انوار و علوم شده اند حالیکه در آن

زمان سعادت نشان اوروپائیان مجسمه وحشت و قالب معنای بربریت بوده و راه پویان صحرای جهالت بودند و دشمنان اسلام یعنی اوروپائیان بعضی نونهالانی غرس کرده و از آب عرفان اسلامی سقی و آبیاری میکردند که همین ثمره حالیه از آن غرسها بعمل آمده است و هیچ دین در عالم با این کونه سرعت برقیه مثل دین اسلام انتشار نیافته و عمومیتی پیداء نکرده هر چندیکه در عصر اخیر مثل عصرهای سابق ترقی و سرعت انتشاری نه داشته و بطور توقف حفظ اصلی خود مینماید با این وصف بدون (مسیونر) مبلّغ و بلا جبر و اکراه و بدون سعی و کوشش در بعضی ممالك عالم از تاثیر حقیقت ذاتیه خودش رو بانتشار است و قبول اهالی آفریك در آینده بطور عمومی دین مقدس اسلام را منظور است و در آمریکا و انکلتره و اسیا نیه از تابعین آن دین پیداء میشود و کسانیکه با میل خود قبول دین اسلامی کرده اندودیکر رجوع کردن از آن و یا ارتدادش غیر متصور است وبالفرض اگر دین اسلام در ظاهر توقفی داشته باشد ولی تنزل و تدنی ندارد و اما از حیث اخلاقیات مثل دیانت موسوی و عیسوی نبوده بلکه حقیقت دیانت اسلام مانع از سوء استعمالات است (لارهبانیة فی الاسلام) و در دین اسلام قانون ملکی و قضائی و جزائی و اصول تشکیلات نظامی همان اساس و مبنای تشکیلات حاضری ها است و با طور اکمل و منتظم وضع و تشریع کردیده که در مقابل تهاجمات وحشیان و دشمنان و عبدهٔ اصنام و بت پرستان و سائره فرقی باطله ابدا تزلزلی در اکانش پیداء نشده وحقیقت واقعیه اش تغییر نپذیرد و بهر مملکتی که باقهر

و غلبه مسلمین داخل شده با هالی المحل مساعدتهای اصرارانه مبذول داشته‌اند قضیه فتوحات شام و سوریه و حوالی آن دلیل واضحی است بر عدالت اسلام

فصل ۵ شماره ۲

شماره (۲) واز حیث اجتماعیات بدیهی است که اهالی مناطق دنیاء قاطبة مدیون شکران اسلام هستند خصوصا عالم نسوان و جامعه زنان که در ابتدای نظر در مسئله حقوق کمتر از زنان هستند اشاره بایة (الرجال قوامون علی النساء) ولی بعد از تدقیق و تامل ظاهر میشود که قرآن آنحقوقیکه بر زنان اعطاء فرموده و موقعیکه برایشان تعیین نموده بالاتر از انمقامیست که مردان بخش کردیده و عالیتر از انمقامست که اوروپائیان بر زنان مقرر داشته‌اند هر چند یکه بعضی از کوته نظران ملت نصارائی چنان خیال کرده‌اند که دین اسلام در حق زنان معامله تحقیرانه کرده ولی این سوء ظن غلط بوده و دلیل غلط بودن کلام معلم کل امیر مؤمنان است که می فرماید (خیرکم خیرکم لاهله وانا خیرکم لاهله ما اکرم النساء الا الکریم و ما اهانهن الا اللئیم) یعنی خوب ترین شما آنانی هستند که بر زنان خوبترین رفتاریها را مینمایند و بالعکس فبالعکس و من خوبترین و بهترین شمایم در معامله افراد عائله وی و مدقق دین اسلام مسیو (دو وال) معروف مینویسد که دین محمد صع بت پرستی را از کرهٔ الارض تقلیل کرده و درسایه همین دین مبین قربانی نوع بشری از میان خلق بر خواسته و مسلك انسان خواری کمتر گردید و حقوق زنان شناخته شد (راقم معنی کلام منصفانه این مدقق منصف را تشریح میکنم مقصدش اینکه قبل از بعثت

نبی ذیشان اسلام زنان بمثابه اسیرها بودند و با آن ها معامله اسیرانه مینمودند ولی دین اسلام قانون حقوق زنانی را به بهترین شکلی که تصورش ممکن است بدائره قانونی داخل نمود طوریکه حقوق بیته از قبیل وجوب نفقه و کسوه و سکنی و ایفاء وظیفه عدل و اعمال معاشرت حسنه و ایجاب فریضه ارثیه و رعایت و جانب داری و ترحم برایشان و سائره را بر خلق قبولانید و علاوه از این در تمامی قطعات کرهٔ ارض سابقا ولاحقا هیچ دینی و یا مسلکی زنها را داخل جمعیت بشری در حقوق سیاسیة نکرده بطوریکه دین اسلام ایشان را مفتخر فرموده مثلا ملاحظه نمائید فتح مکه را که پس از استیلاء قشون مظفر اسلامی و نصب لواء جامعه را به بیت الله و احضار کردن اهالی شهر را به دائره بیعت بر حکومت اسلامیه و بعد از فراغت از بیعت مردان شروع کرد بر اخذ بیعت زنان و با این لحاظ زنان را داخل جمعیت سیاسیة نموده و در قبول و عدم قبول مدخلیت تمامی بودن را اشعار فرمود و بنا بمفاد بعضی از اخبار بدامن مقدس عبای رسول اسلام دست داده بیعت کردند و بنابر وایتی طشت را پر از آب کرده و دست مبارك را بر آن گذاشته و سائر زنان بر آن طشت آبی دست فرو برده باانطور بیعت کردند و آنچه این راقم مناسب خود یافته همینکه خدیجه هاشمیة از بنات عم خویش و کیله و نائبهٔ خویش قرار گذاشت زنان بیعت را تمام کردند و آنچه آیات قرآنی تصریح میکند با شروط ذیل بیعت کردند (وان جائك المؤمنات یبایعنك علی ان لایشرکن ولا یزنین ولا یقتلنّ اولادهن و لایسرقن ولایاتین ببهتان یفترینه ولا یعصینك فی معروف

قبایعهن) حاصل مراد این که هر کاهیکه زنهای مؤمنه محضرت برای بیعت شرفیاب شدند و در موضوع مواد آتیه که عبارت باشد از شریك خدائی راقائل نشدن و زناء نکردن و اولاد خودشان را به قتل نرسانیدن (طوری که قدیماً اولاد کشی از جهات عدیده بین الناس متداول بودی و اسلام نهی از آن نمود) و سرقت از مال دیگران نکردن و بدیگران بهتان وارد نیاوردن و در معروف عصیان نکردن (عبارت است از آن که در زمان جاهلیه یکسال و زیاده زنهای عرب برای مردکان خیمه زده ناله و سوکواری میکردند) چنانچه موبریدن و کریبان چاك کردن و روی خراشیدن در مصیبت موجب کفاره هم می گردد و از محرمات شرع معدود است ای رسول اکرم قبول بیعت کن باشروط مزبوره از زنان قریش) ملاحظه کنند کسانی که طرف دار عالم نسوان و جانب داری ایشانند که آیا در آن چنان عصر جهالت و قرن ظلمت که مردان حقوق شرعیه و شخصیهٔ خودشان را نمی‌دانستندی کجا رسد بر زنان چه اندازه حقوق زنان و حریت ایشان از طرف جامع الشرف نبی ذیشان اسلامی ملحوظ شده و آزادی زنان اعطاء کردیده بطوریکه همین حالا ملل متمدنه این زمان این گونه معامله حقوقی را جائز ندانند و حریت زنان را محض در کشف حجاب وزایل شدن عفت یافته و کوچه کردی و بی قیدی و هوس رانی را حقوق زنان تصور کرده و هتك ناموس ایشان و عدم اطاعت شوهران و بی عطوفتی بر افراد منسوبین عائله وی را تمدن عصری و ترقی کونی خیال مینمایند و با این حال تمکین و رفتارات شرمکین دین مقدس اسلام و آورنده آن معرض انتقادات غیر

حقه قرار می گذارند پس بر صاحبان عصمت و طرفداران عفت لازم است که حریت زنان اسلامی را در محور حیاء و محیط وفاء و ضمن دیانت اسلامی بر آزادی زنان دشمنان اسلام ترجیح داشته و تعقیب و تقلید آن بنمایند اجمالا (مسیو دو وال مینویسد) که دین اسلام تعدد زوجات را مؤسس نبوده بلکه آن را بدائره قانون و تحت انضباط در آورده و محدودش نمود و اگر عطف نظر بتواریخ گذشته و کتب عهد عتیق نمائیم خواهیم دید که قبل از ظهور اسلام بعضی از سلاطین هنود و بعضی از انبیاء سابقه بدون حد واحصاء زن داری بوده و حضرت سلیمان قریب سیصد نفر زن در حبالهٔ نکاح خود نگهداشتی و بعضی از هنود قریب یکهزار نفر زن میگرفت و دین اسلام این عدد کثیر را بچهار نفر تنزیل داشته و خصوصا که با قید محکم مقید و با شرط مشکل مشروط نمود و (ان خفتم ان لا تعدلوا فواحده) بدون اعمال قوهٔ عدالت زاید از یکنفر را نهی فرمود و عدل درباب زنان و معاشرت معروفه باایشان چیست از کتب فقهیه اسلامی پیداء توان نمود و ایضا مسیو دو وال می نویسد که دین اسلام باسیران اهمیت فوق العاده مرحمت نموده زیرا که قبل الاسلام اسیران بمثابه حیوانات بودندی ولی دین اسلام با نظر محبت بایشان نگریسته و غلامان را داخل جمعیت بشری محسوب و از افراد عائله وی معدود فرمود و در سایه دین اسلام اخلاقیات عمومیه بمرتبه کامله رسیده واصلاح شد و عاطفه بشریه و شفقت نوعیه بتمام معنایش در اذهان مردم جا گیر شد واساس اسلام عمر بشری را باانواع سعادات آینده امیدوار داشته و با حظوظات

معنویه محظوظ و شادان مینماید هر چندیکه بعضی از مغرضین و متعصبین از فرنکیان مسلمانان راتلقین و تفهیم میکنند که کویاء لازم است مسلمین برای نیل به ترقیات عصریه تبدیل دیانت بنمایند و این تلقین غیر از نفتین بی اصل چیز دیگری نیست برای اینکه ما نصارائیان در تطبیق احتیاجات عصریه محتاج به تبدیل دیانت هستیم نه اینکه مسلمانان (اشارهٔ بمسئله طلاق که قدیما در میان ملت مسیح معمول نبود و فعلا مطابق احصائیه رسمیه از مسلمین در ایقاع طلاق جلو تر رفته اند و ایضا مسئله تعدد زوجات که بلا اشکال در دین مسیح حرام بودی فعلا بنام مترس تعدد زنان معمول است و ایضا مسئله جهاد و جنك که قطعا جائز نبود فعلا کرهٔ ارض را باقواء حربیه متزازل میدارند و قس علیهذاء) و علاوه دین اسلام مشتمل بر بعضی حقایق واقعیه ایست که سبب خوشبختی مسلمانان است (دوهار تومان) میکوید وقتی میشود و زمانی می آید که فکر توحیدی جهان کیر جهان کیر بوده و عالم شمول میکردد و این نظریه معتقد و معتمد تمامی صاحبان افکار عالیه است (یعنی دین اسلام عمومیت پیداء خواهد کرد) و (آرنست رنان فرانسوی) با اینکه بر جمیع ادیان انتقادی دارد با این وصف بعضی ایرادات غیر حقه را از دین اسلام دفع نموده و منصفانه تقدیس آن دین الهی مینماید و قونت نام در بارهٔ دین اسلام کتابی نوشته و دین اسلام کتابی نوشته و دین حنیفی را ستوده ولی بسر حجاب و جهاد ایرادی دارد و ما در کتاب مبدء الاسلام جواب آنرا مفصلا نوشته ایم و (شانت پی دولاسه سی) کتابی در علم تاریخ تالیف نموده و در نکات اسلامیه بیان فکر

منصفانه کرده از آنجمله میگوید که دین اسلام بمثابه حصن حصین ویك قلعه متین است که طوفان عالم و انقلابات عصر یك خشتی از دیوار آن قلعه‌ار محل حرکت ندهد و کوستاو لوبول) آمریکائی مشهور در اثناء بحث از تاریخ مکه مکرمه در یکی از مقالاتش مینویسد که دین عظیم اسلام اطمینان بخش عموم اهل تدین است و بانی همان دین بزرك حضرت محمد علیه السلام است و در شهر مکه نشأت و بعثت نموده و خصائل عالیجنابانه قوم اصیل عرب را که در باب مهمانوازی و علوهمت وصداقت وفداکاری و سائر مکارم‌اخلاق که بحایای عرب‌است اولین صنف اهالی دنیا هستند با تلقینات دیانت اسلامی آن گونه اخلاق حمیده مزبوره را توسیع دائره فرموده و مدنیت حقیقیه را از زوال و انقراض خلاص داده و بدوره کمال وحد اعتلاء و اعلاء عصر حاضر رسانیده ایضا (کوستاو لوبول) در خاتمه مندرجات کتاب خود موسوم باحوال العرب خویش که دارای هفتصد صفحه بزرك میباشد نوشته و کلمات قیمت داری در آن کتاب ذکر نموده که در نظر اهل علم وفن بسی قیمت دار است‌از آنجمله که جغرافیای نفوس اسلامیه نفوس اسلامیه را از روی تدقیقات فنیه ذکر کرده و پس از آن مینویسد دین مقدس اسلام بهر جائی که داخل شده قابل تغییر و تبدیل نبوده و غلط است اینکه بعضی علماء مسیحی بنظر بی اطلاعان ارائه میکنند که گویاء دین اسلام با ضرب تیغهای مجاهدین اسلام عالم شمول گردیده چنین نیست بلکه با صافیت اصلیه و معنویت حقیقیه خود در آفریکاء جنوبی و سوماطراء و مادا قاسقار و جاواء و مالیزیاء و کینه جدیده جماعتی کثیره را

بدائره اهتداء خود قبول کرده و بواسطه اسیران آفریك بامریکا جنوبی نفوذ معنوی رسانیده و بواسطه بعضی از تاجران به مملکت وسیعه چین وروسیه کبرای بر خلاف میل مبلغین مسیحی نور معنوی خودرا تابش داده (راقم منظرم این که دخول اسلام بمملکت چین اولا بوسیله فراری بودن بعضی از اولاد ائمه از خوف اشرار دو نفری از حلب حضرت موسی ابن جعفر بانجاها پناهنده و از طرف امپراطور چین روی قبول دیده محترمانه اقامت ومردم رادعوت بر اسلامیت کردند و ثانیا در زمان هرون الرشید درحوالی پکین محاربهٔ سختی واقع شده و امپراطور عجز بهم رسانیده از خلیفه بغداد کمك طلبیده و از بغداد عده کافی برای اسکات شورش و اصلاح امور آن صفحات اعزام گردیده و امپراطور چین را از این غائله آسوده کردند و پس از ایفاء وظیفه بعضی از قشون اسلام مراجعت و بعضی اقامت کردند و بدین واسطه نشراحکام اسلامیت نمودند و ثالثا در زمان اخیر بمناسبت اتصال و ارتباط بلاد بیکدیگربعضی از تجاربان ناحیه گذشته احکام دین مقدس را انتشار دادند و بطرف یاپون ایضا بوسیله تاجران سرایت کرد و کوستاو لوبول یکفقره را اشعار داشته و دیگران را مسکوت عنه گذاشته) (رجوع بمقصد) چنانچه قرآن در جزائر عربستان محترم بوده و مقدس میباشد هم چنین در قطعات مزبوره همان احترام و تقدیس را حائز است حالیکه مبلغین مسیحی با عدههای متعدده با انواع وسائل دعوتی و با اقسام وسائط نشر هر روز شهر بشهر گردش کرده و موعظه نموده و تبلیغ دین مسیحی را مینمایند با اینحال به تزلزل قلب یکنفر مسلم موفق نشدهاند (تمام

شد کلمات قیمت دار مدقق منصف کوستاولو بول و کفایت است در آنچه ذکر شد از باب تقدیس و تمجید علماء و فضلاء عصر حاضر از ملل مختلفه در باب مزیت اسلام و عظمت دین محمد ص ع و طوری که در صدر مبحث اشاره شد سائر ادیان از طرف همین فلاسفه که ذکر شد رد شده و اعتراضاتی وارد آورده اند که لاینحل بوده و اشکالات باقیه ایست و مواد بعضی از ادیان را در حصه چهارم تمدن الاسلام بیان خواهیم نمود و ظاهر خواهد شد که قیمت فنیه و علمیه نداشته و موافق علوم عصریه نبوده و نیست ولی دین اسلام تمامی موادش از نقطهٔ نظر علمی حائز مقام عالی و مراتب شامخی است و مبنی بر سیاسیات عمیقانه ایست که آنچنان دین الهی که قطع نظر از حقیقت واقعیه و عرفانیات معنویه که دارد و از ناحیه مقدسه الوهیه برای سعادت نوع بشری وضع و الهام شده در ظاهر مادیات هم برطبق فنون و وفق علوم عقلیه و طبعیه است با این وصف اوروپائیان عالم اسلامیت را عالم وحشت مینامند و عالم نصرانیت را با آن رکود و جمود و خمود و عطالت که هست مدنیت مینامند و ادارات اوروپائیان را اداره عادله و مقامات صالحه نامیده و تشکیلات اسلامیه را غیر لایق معرفی میکنند و کتاب (مطالعات عمومیه را) بنظر آورده دقت نمائید (اثر چرکس زاده خلیل خالد) طبع شده در عامیه از انکلیزی به ترکی ترجمه کردیده اثر قیمت داری است اجمالا اسلامیکه معلم ملل عالم است و از هر قبیل اعتراض و ایراد در کتب دیانتی و یا دعوتی نصارائیان دیده میشود از اوروپائیان به آن چنان دین وارد می نمایند محض اثر سیاست است و کشیشان که آلت پیشرفت امور سیاست و

و تجارت مقاصد دول استعماری افترآت غیر لائقه و اکاذیب باطله بر اسلام بسته و آفتاب را با گل اندوده و انصاف را زیر پا گذاشته در ظرف چند سال همین موفق شدند که در میان افراد ملت اسلامیه تخم بی قیدی ولا ابالیگری را کاشته بعضا ثمره آن را در بعضی مقلدان دیده و چیده اند و افتراء و بهتانهای آنها که بدین اسلام وارد آورده ... در رساله ها لازم است که تشریح نمائیم فقط من باب لایدرك کله لایترك کله با اشاره اجمالیه اکتفاء نمودیم می نویسند که دین اسلام امر می کند پیروان خود را که چهار نفر زن بگیرند و در موقع تزویج زن دویمی اولی را باید بکشند و هکذاء الی آخر زن چهارم رجوع کنید بکتب فیلسوف شهیر (اسماعیل حقی بیك) صفحه (۳۲۳) ایضا در آن کتاب می نویسد که با چند نفر از اطباء ملت اسلامی برای کشفیات صحیه به شهر بیروت عزم بودیم و با قطار راه آهن با سرعت منازل را می پیمودیم در اثناء راه از تصادفت باچند نفر از مردان و زنان اشراف انکلتره همراه شده و بالمال مذاکراتی دیانتی به میان آمده باتمام اهمیت از ما سوال کردند که آیا شما مسلمانان در حین تجدید فراش و ازدواج بازن دویمی چه طور می شود که زن اولی را اتلاف می کنید ماتحاشی کرده از چنان جنایت بنام دیانت تبری نمودیم و ایشان رااقناع کردیم که ابدا چنین حکمی در اسلام نبوده و نیست آنها از این گونه بهتان تعجب کردند و ایضا باچند نفر از خانمهای فرانسه در اطاق راه آهن رفق و همراه شده مذاکرات علمیه را اشتغال داشتیم در موقع جدائی و مفارقت یك نفری از آن خانمها که بالنسبه عالمه و فاضله بود از من تشکرات نموده و اظهار

کرد که آنچه عقیده و تعلیمات ذاتیه من بود در حق مسلمانان خلاف آن را
از جنابعالی در این سفر مشاهده کرده و علائم مدنیت و آثار لیاقت از مذا-
کرات شما دست رس من گردید اصل عقیده و اساس تربیه‌اش را در باب
اسلام چه بوده سوال کردم جواب داد ماچنین یاد گرفته ایم که شما مسلمانان
دیناً واجب دانسته اید که هر وقت با زنان مصاحب بوده و همراه باشید واجب
است که بایشان معامله رذیلانه نمائید ولو اینکه با اشاره ورموزات هم بوده
باشد جواب گفتم خانم پیغمبر اسلام علیه السلام ما را از فحشاء و منکر با هر
که باشد صریحا نهی فرموده و جزای دینوی هم مقرر نموده این خانم از شنیدن
بعضی حقایق اسلام و معامله ما با ایشان اظهار خوشنودی کرده و از تعلیمات
کشیشان متاسف گردید و ایضا دکتر شبلی شمیل چند سال قبل در بغداد نشر-
یاتی را متصدی بوده و در جزء کلمات آن نگاشته شد که گویا پیغمبر اسلام
علیه السلام زن پسر صلبی خود را که زید باشد تزویج کرد و ما در کتاب مبدءالاسلام
تفصیل تزویج رسول اکرم زینب را تفصیلا بیان و حکمت تزویج و تطلیق را از
روی آیات قرآنیه و مدارك مثبة تاریخیه بیان داشته‌ایم و مدلل نموده‌ایم که
زید پسر صلبی آن بزرگوار نبوده سهل است از بنی هاشم و بلکه از قریش
هم نیست و پسر حارثه ابن شراحیل ابن کعب ابن عبدالعزی ابن امرءالقیس ابن
الی حمیر بن سباء بن یشجب یعرب قحطان است و در زمان جاهلیت در جنگهای
اعراب اسیر شده و حکیم ابن حزام خریده خدیجه علیها السلام و او به پیغمبر
اکرم بخشید و انجناب آزادش نمود و در حضور جمعی پسر خطاب نمود و

دختر عمه اش زینب را بوی تزویج کرد محض برای اثبات تساوی در اسلام که یکنفر خانم هاشمیه را به آزاد شده تزویج نمایند و زینب با خشونت طبع و غلظت کلام وبنای کج سلیقه گی گذاشته وزید بموجب آیه مبارکه اراده تطلیق نمود و آنحضرت بتأخیر انداخت بالاخره التیام اخلاق بعمل آمده طلاق داد و چون غلطاً در بین اعراب هر کس بیکنفر اجنبی پسر خطاب میکرد زنش حرام می شد بامر خدای برای ارتفاع این عادت قبیحه آن بزرگوار زینب را پس از انقضاء عده تزویج و بشرف قبولی آن شرفیابش فرمود و این قاعده منحوسه متروك شد این است اجمال فهرست همان قضیه بهتان و چنان خیال دارند که به مجرد بهتان بدامن عصمت آن فخری مرتبت غباری خواهد نشست اجمالا همه افترآت از این قبیل است طوری که فایب پادری انکلیزی در شریعه شبهای جمعه به مکانی جمع میشوند که مسجد نامیده شد در حال عریانی رقص و بازی کرده و خود محمد صع اعتقاد دارد که خدا جسم است و می نویسد که محمد ابن عبدالله و مادرش مینا و نام مرضعه اش دالیا و بامر الیاء یعنی علی عثمان را کشتند و بامر عائصه یعنی عائشه و معاویه علی را کشتند و یکنفر از اقرباء معاویه شخصی حسین را کشت و محض بنام اثبات عظمت دین مقدس اسلام معروض میدارد که بهر اندازه که انکشافات علمیه و ترقیات اذهان بشریه بمراتب عالیه وصول یافته و و تدقیقات عمیقه در اطراف آن بعمل آید باز م حقایق بر جسته اسلامیه در نظر افراد بشریه کاملا مکشوف نخواهد شد تا این که شخص حامل قرآن و معدن عرفان با سیماء روحانی و جمال سبحانی جلوه نمون گردیده کشف حقایق نموده

و مردم ظن کنند که کتاب جدید و شرع جدیدی آورده که تا بحال کسی واقف نبوده حالیکه همان کتاب مبین و شرع سید المرسلین است لاغیر و بعضی ساده دلان و کوته نظران از این لفظ شرع جدید به شبهه افتاده گرگانی شدند بصورت گوسفندان قرآن خوانند عالم را ویران کنند با این وصف از هزاران یك آنچه در ظاهر نظر و بادی الرهای از نکات فقهیه کشف شده برای مزید بصیرت و زیادتی حزبویت ذکر مینمائیم هر چندیکه بمثابه ذره ایست از کره و قطره ایست از دریا از کتاب معروف علم عثمانی طبع شده در اسلامبول کتاب مفیدیست علمی و فنی معروف این شماره آتیه است و خصوص راجع بعالم ارواح ترجمه فاضل (طنطاوی که در حدود سنه (۱۳۲۸) نشر شده معروف مقالات روحیه است که بیست سال تقریبا قبل از این در موضوع اکتشافات بعضی رساله ها طبع شده از طرف (سیرویلیام کروکس انگلیزی) حوادث روحی درج شده بود و فعلا هم فاضل مترجم تائید حوادث گذشته را نموده پس از این مقدمه داخل مقصد میشویم مخفی نیست که مادیون با روحیون دائما تقابلی داشته و مبارزهٔ مصرانه دارند و این مقابله و مبارزه تاز گی نداشته و از قدیم الایام بوده و هست در زمان سقراط حکیم و فیلسوف یونانی دیمقراطیس پیرو مادیون کلبی مقابل بوده اند در مقابله و همچنان سولون و سائر دانشمندان از هر ملت در هر مملکت تعارض با همدیگری بوده ولی در عصر اخیر یك اندازه غلبه مادیون بطرف روحیون در ظاهر انقلاب بنظر می آمد و معلوماتی بر اینشلی قناعت حاصل شده که علماء روحی مغلوب علماء مادی بوده اند قضاء را

در واقع عکس آنست که درظاهر منظور است جهت اینکه کشفیات (سیر ویلیام قروقس) در موضوع اثبات قوه روحیه در وجود انسانی در محضر هفتاد نفر دکترهای دیپلومی و مصدق بیست سال قبل بر این بتازکی از طرف سائر فلاسفه دنیا که منصف تر تائید شده و بوسیله اعلانها و مجله ها و جرايد يوميه نشر و در موضوع اکتشافات روحیه و ثبوت قوهٔ روحیه باندازه تحقیقات لازمه بعمل آمده و یقین حاصل کشته که علماء مادیبون از اعتقاد سخیفه خودشان بر کشته قائل بوجود روح و حوادث روحیه شدند از آنجمله است و از مشاهیر ایشان محسوب (سیر ویلیام) قروقس مزبور که در بدایت زمان اشتهارش بعلم از مادیبون وطبیعیون بوده بعداً در سایه جدیت کامله متخصص شیمی و روحی شده و از آنجمله است دانشمند معروف (مستر ولاس) که اول از معتقدین مسلك داروین بوده و پس از تفحص از روحیون کشته و دیگر علامه مشهور (آوکوست دی سرکان) رئیس جمعیت ریاضیات لندن وکاشف اسرار علمی مجمع فلکی انگلستان و از جمله دانشمند معروف (سرو ادلی) مخترع آلات ذخیره برقی الکتریسته در نتیجه ممارست و زحمات از روحیون شده و از آنجمله است فیلسوف معروف (ژورژ ـ ساکستون) اول از دشمنان مجمع روحیون و ضد عقیده روحانیه بوده بعد داخل مسلك روحی شده و ایضا فاضل متبحر (شامبرس) و دکتر (هوکسون) و پروفسور (میرس) معتقد روح شده کتاب معروف (مباحث نفسانی) خودرا در این موضوع نوشته و مجله علمیه بنام اشباح ارواح طبع و نشر نموده و کتابی بنام حقیقت وجود ارواح نوشته و ایضا (آکی پسنت

واکسیری) کتابی در این موضوع نوشته و نام کتابش (پراکند کیهای تواریخ است و در این اوقاتی بود که شاعر ادیب معروف (ویکتور هوقو) فرانسوی تابع عقیده روحی و مروج روحیون گردید و از کلمات آنست که میگفت هر کس از حوادث روحی دوری کند در واقع ازحق و حقیقت دوری کرده و هکذاء مورخ مشهور (اوکین بوشیر) وایضا پروفسور مشهور فلکی و ستاره شناس (فلاماریون) فرانسوی که در علوم روحانیه تالیفاتی دارد و از جمله آثار اواست هیئت طالبوف که آنمرحوم ترجمه کرده (شیخ عبدالرحیم طالبوف تبریزی) و در مواضع عدیده تقدیس خالق کرات منتظمه کرده و ایضاً (موریس لاشار) صاحب فرهنك و (دکتر زیبیه طبیب) مشهور و غیره اجمالا اشخاص مزبوره از رجال بزرك دنیا بوده و هر یکی در زمان خود و نوبه خویش شخص مهم و تاریخی است و در مبحث روح وسخن داده و نطقها کرده و مقالات علمیه و آثار فنیه در بقاء روح از خودشان در صفحات روزکار بیادکار کذاشته‌اند و بعد از این فلاسفه در آلمانیه و روسیه و بلجقیه و سوید و پورتقالیه و هولاند ونورویج و ایتالیه علمائی پیداء شده و کتابهائی در بقاء روح و حوادث روحیه نوشته اند

(فصل ۰ شماره ۲)

و اما روحیون از علماء اسلام بسیارند و برای ذکر اسامی شان جدول مخصوصی لازم است. چون مبنای رساله ما بر اختصار است از تفصیلات آنها صرف نظر شد همینقدر بیان آن لازم است که طوریکه اسلام در تمامی مقدمات

زندگانی و اساس علوم و فنون متداوله استناد بشری است همکذا در علم روح معلم وروحیون عالم هستند ملاحظه کنید (احیاء العلوم) تالیف امام غزالی خراسانی (وفتوحات مکیه محی الدین) اعرابی که مدعی خلع الارواح بودوکتاب فخر رازی و فاضل نراقی (جامع السعاده و (معراج السعاده و فاضل اردبیلی مشهور بمقدس اردبیلی را اعلی الله مقامهم و در اینده ذکر خواهد شد که از اصول و قواعد دراسلام موضوع اثبات روح و ظهور آثار روحیه چه مدرك بوده و سبب انتباه افکار علماء روحیون کردید

(شمار ۳۰ فصل ۳)

و فعلا در نزد جمعی وجود روح و ظهور بعضی علائم و آثار بطوری وضوحی پیداء کرده و شکل ظهوری بخود کرفته که در میان علماء ملل عالم سبب جنبش معنوی شده که در هر محل محافل علمیه تشکیل داده و در اطراف مسئله بحث عمیق و مذاکرات دقیقی مینمایند و در مکالمه روح باطرق شکانه مطالب مهمه و نتائج مفیده را دست رس میباشند (اولا) حرف الفباء را روی کاغذ سفیدی نوشته دور میز کتابت می چسبانند و فنجانی روی میز به شکل وارونه وسط (شخصی را کویند که دارای اوصاف مخصوصه بوده و بواسطه آن داخل عملیات روحی میشوند) انکشتهای خود را به فنجان نهاده و بوسیله حرکت فنجان محاذی یکی از حروفها مطلب فهمیده می شود (ثانیا) چندی نفری از اشخاص معتقد (اکر طاق باشد بهتر است) دور میز جمع شده و دور میز نشسته و بدون اینکه تکیه و اعتماد بجائی دهند وبا کمال

توجه و دقت دست های خود را روی میز میگذارند و بوسیله حرکت میز یا ضربه در مقابل رمز حروف باروح مردکان مکالمه میکنند (ثالثا) تکه چوبی سه کوشه را روی سه پایه قرار داده و حرفهای کوچکی به پایه ها قرار میدهند انکاه مدادی از یکی پایه ها بسته و آن چوب را روی صفحه کاغذ سفیدی گذارند و وسیطی (همان شخص موصوف) انکشت را روی چوب می گذارد ودر موقع جواب چوب حرکت میکندو بوسیله مداد در روی کاغذ خطوطی و کلمات مقصوده نوشته می شود (رابعا) وسیط قلم رادست کرفته و روی کاغذ می گذارد و در آنحال روح بروی مستولی شده باقوهٔ روح یك قسم مقالات نوشته میشود (خامسا) ورق کاغذی در قوطی سر بسته می نهند و وسیط دست خود را روی قوطی کذاشته پس از چند دقیقه سرقوطی را باز میکنند مقالات مهمه در آن مشاهده میشود (٦) خواب مقناطیزم که بوسیله آن اشباح و انوار مرکان را مشاهده کرده و کاهی صورت دهیت و روی شبح مرده را می بیند وغرائب این قسم اثر روحی که بنام هپنوتیزم است امروز در دنیا افکار توده بشر را بطرف خود جلب و مشغول ساخته و کم و بیش از مسلمانان هم در آن مشهودات اشتراك نموده اند (شارول دانشمند در کتاب خود موسوم بنام (مقناطیزم حیوان) می نویسد که دختر جوانی را خواب کردم که در آن ضمن شرح درد علاجی را بمن میگفت از من پرسید آیا چکونه علاجی را که بمن دستور میدهند نمی شنوی گفتم نه گفت بلی همین طور است زیرا که شما در بخواب و من بیدارم من گفتم چکونه متصور

می شود اینکه در دست من مسخر هستی گفت تو ظاهر مرا می بینی و من
باطن تو (تو مو میبینی و من پیچش مو - تو ابرو ومن اشارتهای ابرو) ودر
جای دیگر می نویسد ایضا یکنفر دختریرا خوابانیدم در حال خواب گفت من
از بدن دور میشوم و بدنم را می بینم و چیزهای درك میکنم که قادر بر
درك آنها نبودم و غیره این قضایاء هزاران امثال این را با تجارب عدیده
امتحان کرده و مشهود نموده اند از حوادث روحیه است که یکنفر عدلیه
در حال حیواة بامورات دو نفر صغیر مداخله و اجحاف نموده مکررا بانواع
وسائل روحی باقرباء خویش متضرعا و مصر اتلافی مافات و طلب حلیت از
گذشته کرده پس از ایفا و استیفاء دیگر در خواب باقرباء و دوستان خود
اظهاراتی نکرده و فعلا بیست هزار نفوس بنام روحیون در تمام مناطق عالم
پیروی این عقیده بوده و تعقیب مینمایند باندازه که ملت آمریك از دالشورای
تقاضای اکتشافات جدیده را دارند و مرام آنها تعمیم و توضیح این مسئله روحی
است اجمالا دین مقدس اسلام در این کشف اخیری معنوی بی بهره نبوده سهل
است بلکه موسس و خبر دهندهٔ ابتدائی از این قبیل قضایای واقعیه همانا خود
دین اسلام است ملاحظه کنیم قرآن عظیم الشأن اسلامی را که میفرماید (ولا تقو
لو لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون) و در خبر نبوی
ص ع که فعلا مدرك ثبوت تصرفات قوهٔ روحیه و فعالیت آن است موید است
که اسلام مؤسس این ترقی فوق العاده در امور معنوی است که میفرمایند
(اذامات المؤمن رفرف روحه فوق جنازته و یقول یا اهلی و یا ولدی

فانی قد جمعت المال من حل و من غیر حل بقیت التبعه علی و المهناء لغیری فاحذر و) وعلاوه از این قضایای روحیه در باب خلاصی ارواح در لیالی جمعه و ایضا بعضی روياء صادقه بوقوع پیوسته و تفصیلات آن در کتب دیانتی اسلامیه مسطور بوده مصدق آنست که ذکر شد مثلا یکنفر جوانی فوت شده و مدفون بوده در مقبره بصره و خواب دیدن شخصی شب جمعه در باره نزول ملائکه رحمت و آوردن تحف و هدایائی از طرف اولیاء اموات و افسرده گی جوان مزبور و کیفیت سوال از احوال آن و خبر دادن او از بودن یکنفر مادرش بزوج رفته و فراموش کرده از خاطرش را و نبودن کسی دیگر غیر از مادر و بیدار شدن از خواب و آمدنش باحال دهشتناك بخانه مادرش باهمان علائمی که در خواب گفته و شنیده بود و اطلاع دادن بمادرش و گریستن او و آوردن چند عدد زر مسکوك از برای انفاق در راه مغفرت آنجوان و و جا بجا نمودنش و در خواب دیدنش در شب جمعه آینده با حال خوش و وضع مناسب که در کتب اسلامیه با تفصیل مزبور و دلیل اینست که اسلام حوادث روحیه را با احسن حال و تفصیل مقال از تمامی بهتر ملل تشریح نموده و میزان بدهنیت منفکرین داده و آیه مبارکه (ویسئلونك عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا) معجزه باقیه ظاهره ایست که انکارش خارج از دائره انصاف است چون تابحال حقیقت روح با وجود وسائل علمیه منکشف نگردیده و معلوم نشده غیر از اینکه امریست از امور الوهیت و از فضلاء اسلام محی الدین اعرابی در کتاب فتوحات مکیه اش مدعی خلع الارواح بوده و در زمان

خود از طرف بعضی از علماء مردود شده و حدیث (من عرف نفسه فقد عرف ربه) امر روحانی را اشعار مینماید و در شرح این حدیث شریف بحث عریض و عمیقی است که این رساله کنجایش آن را ندارد همینقدر اشاره میشود که خودشناسی پایه بلندی و مقام ارجمندی حائز و دارا است و همین قدر معلوم بود که انسان مرکب از جسم و روح است و میتوانیم بگوئیم هر قدر جسم خود را شناخته هزار بار روح خود را کمتر از جسم خودش شناخته است و از هزاران یك شناختن آن هزار بار کمتر مورد استفاده خود قرار گذاشته طوریکه با وجود ترقیات فنیه و انکشافات ذهنیه حالا بسیاری از منسوبین فن منکر وجود روح هستند و بقول بعضی از محررین اسلامی حال منکرین روح بمشابه حالات ماهیان دریائی است که در آب زندگی کرده و بدون آب زندگانی شان محال است با وجود این از آب و وجود آن غفلتی دارند یا خود انسان که در سایه تابش آفتاب زندگی کرده و غالبا ذهنشان از وجود آن ذاهل و از شناختن غافلند و همچنین بعضی اشیائی هست که در عالم وجود بمشابه روح می باشند که خود آنها درك نشده و اثرات آن درك میشوند و مشهودند واز اثر موثر پی برده و میشناسیم مانند قوهٔ جاذبه و نور الکتریك و وجود حرارت و غیر از آنها که اثر را دیده و حقیقت آنها را نمی‌توانیم بفکنیم چنانچه از شخص حکیم شهیر (لاووازی) سوال شود از قوهٔ الکتریسیته بجواب میدهد که کاشف و مخترع آن شخص من بوده و از حقیقت آن بی اطلاع و اثر آن را عیانا می بینم و اینجا قوهٔ مقناطیسم که کاشف آن یکنفر شبانی بوده موسوم به مقناطیسم

از اهالی (سوید) در موقع چراغی کوسفندان هنگام شب چسبیده شدن آهن وصل شده به زیر کفش بزمین و سنگ ریزها ملتفت به قوهٔ کهربائی بوده و همان جسم را برداشته صبح در شهر بمعاینه خانه برده بنظر فیلسوفان ارائه نموده همین خدمت عمومیه را بعالم انسانیت وجود یك چنین اثریرا دیده ولی از حقیقت آن جاهل است و کذا امثال آنها همین است مسئله روح که حقیقت آن درك نشده ولی اثرات روحی مشهود است و انکار کردن بعضی از منسوبین فن وجود روح و آثار روحیه را چندان حائز اهمیت نبوده و قیمت فنیه ندارد چون اغلب فلاسفه چیزهائیکه مطابق باعلوم ناقصه ایشان نمی شود نفی و انکار می نمایند غافل از اینکه فن غیر از فلسفه و حکمت است و در عالم خلقت اشیائی بوده و هست که توافق فنی نداشته و ندارد بااین وصف یقیناً تصدیق شده و از طرف عقلاء مورد قبول گردیده اجمالا از صدر مبحث تدقیقات اسلامی تا بحث از آثار روح هر صاحب فکر و وجدان منصفانه مطالعه نموده و تفکر می‌نماید برایش محل تردید و جای شبهه نمی ماند که دین مقدس اسلام جامع علوم و فنون و مطابق عقول و افهام بشری و موافق اصول معیشت و زندگانی است و اسرار خلقت و رموزات حکمت دراو مندلج و مکنون است فقط آنچه لازم است همین که در موقع تطبیق باید که مطالعه کننده صاحب علم بوده و از ارباب اطلاع باشد و ضمنا غرض رانی را بکنار گذاشته منصفانه نظر کند و درهمین موقع یکی از فلاسفه عصر حاضر می نویسد که دین مقدس اسلام حاوی تمامی علوم و فنون عصریه است فقط برای درك حقایق اسلام انصاف

بعلم واجب است که نکات آن را بفهمند افسوس که اولاد مسلمین از آن گونه علوم و فنون عاری بوده و محض بنام عام یکنوع تقلید خشك و خالی بر دشمنان اسلام نموده بدون اطلاع از حقایق اسلامیه اعراض و بر تبلیغ و تقلید خارجیان اقبال میکنند امیدیکه نور اسلام را از میان دو کوه غیر منبت نیم دائره جزیرهٔ عربستان تابش داده و کرهٔ ارض را منور فرمود و آن امیدی که یکشخصیت تاریخی را با سیمای روحانیت و قیافه دعوت بر حقیقت بدون یاور و معین و بلا وزیر و مشیر با فقدان وسائل مادی و با نبودن معاونت ظاهری بر عموم کرهٔ ارض سید و آقا نمود همان امیدیکه کریستوف کلمب را پس از یأس و نومیدی و محکوم بودن بغرق بساحل آمریکاء رسانیده خدمتی بعالم انسانیت نمود همان امیدیکه پس از ختام جنك بین المللی عمومی که عالم اسلام با کمال یاس و نومیدی رو بوادی فناء و اضمحلال گذاشته و امید کسی در باب بقاء اسلامیان بر جاء نمانده بود چون بعث بعدالموت از عالم فنا بذروه کمال واعتلاء رسانیده و تشکلات متعدده در امکنه متعدده بنام حکومات اسلامیه ظهور و حقوق مسلمانان در تمام نصفت و عدالت محافظه شده و محفوظ ماند همان امید عنقریب افراد مسلمین را موفق بتحصیل مقدار کافی از علوم مینماید و در سایهٔ معرفت کامل حقایق اسلامیه را درك و قدر دیانت اسلامیه را دانسته عامل خواهند شد انشاء الله

(شماره ٤ از فصل ٥)

مادامیکه دین مقدس اسلام عین ترقی و اساس تمدن قدیمی و تاج مدنیت حاضره است این خرابی های چند صد سالهٔ اخیری و فسادی اخلاق عمومی که

ریشه افکنده وحال مسلمانان دگر کون گشته وصفحات بحران هم گذشته و موقع اصلاحات رسیده لازم که ایضا راه تمدن قدیمی را پیداء و طریق اصلاح حقیقی را بر پاء و قانون اسلامی را راهنمای آن ترقی قرار گذاشته بحال اصلی بر گشته و از مذلت حاضر خلاصی یابیم و در این موضوع بنام آزادی فکر هر کس بنوبۀ خویش در اطراف این مسئله بیان فکر و اظهار عقیده نموده و مینمایند وراقم یک نفر از جزء ضعیف روحانی بنام دعوت بر حقایق اسلامیت مطالب ذیل را در این دوره شماره اخیر بنظر متفکرین و متدینین ارائه و تقدیم میدارم (اولا) برای ترقی مملکت و اصلاحات عمومی بنام ملیت لازم است که افراد ملت را از تقلید کور و کورانه ترسانیده و عاقبت و ضمیه آن فقدان حس غرور ملی را آگاهانیده بوحدانیت ملیه دعوت و محسنات دیانت را تلقین نمائیم و در هر هر مسئله از مسائل حیراة بدون غور و رسیدگی باصل قضیه و بلا اطلاع به اصل مطلب بملل اجنبیه اقتدار ننمایند بعبارة اخری حیثیت شخصیه وغرور ملی را بکار برده خود شناسی را باتمام معنایش عامل باشند طوریکه در قرون سابقه مسلمانان با همین لحاظ سید و آقای کرۀ ارض شدند در سلطنت اسلامیه اندلس دوره هشام و عبدالرحمن الفهری لغت عرب باندازه شیوع یافته و عمومیت پیداء کرد که مسیحیان آنزمان زبان عرب را یاد گرفته وانجیل و توراة وسائر کتابهای دیانتی را بلسان عرب ترجمه کردند و زبان لاتین از میان بر خواست و در زمان عبدالملک ابن مروان مسلمانان امتعه خارجه و ملل سائره را قدغن کردند بدین لحاظ امپراطور روم مقابله سکه درست و

اعلان کرد که طرف مسکوك را با الفاظ مکروه دائر به سب النبی ص ع ضرب نمایند از این معناء مسلمانان پرُ غیظ و چاره این مشکل را ندانسته هر کسی فکری داده و بیان رای نمود بالاخره بحضور مبارك حضرت امام همام باقر علیه السلام مشرف و راه حل را سؤال آن بزرگوار مقرر فرمود که خود مسلمانان از مسکوکات اجانب هم خود داری کرده و استعمال پولهای خارجه را ننمایند و سکه اسلامی تهیه کنند طوریکه طلاء و نقره را جمع وسکه ترتیب دادند یکطرف را با جمله قل هوالله احد مزین که توحید را متضمن وتثلیث را معترض شوند و یکطرف لااله الله محمدرسول الله که توصیف نبی را مشعر است از این لحاظ رومیان مغلوب سیاست مسلمانان شده و امتعه خارجی بکلی ممنوع کردید.

(فصل ۵ شماره ۴)

(شماره ۴) بنقطه نظر دیانت اسلامی اقتداء و تقاید بر اجانب و تقویه ایشان اساساً از محرمات بوده و صریح قرآن و نص فی الجمله احادیث دال بر دین است (یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود والنصاری اولیاء) (و کل ما یتقوی به الکفر فهو حرام بیعه و شرائه) و امثال آن بسیاراست و مسلمانان دیناً لازم است که احتیاجات اجنبیه را قطع مینمایند واین ماده من حیث‌ذاته‌از مقدمات جهانگیری و استیلاء عمومی و استعلاء معنوی است که دین اسلام متضمن‌امر است و خصوصاً در مورد مقایسه مقدس اسلام با دیانت مسیحی بعضی از حقایق بنظر شخص متفکر مصادف شده و اسراری منکشف میگردد که

عقل بشری از درك آن در حیرت است طوریکه مقدمات اقتضائی عصری در مواد احکام مسیحی تشریع نشده از این لحاظ مجبور به تبدیل مسلك یا خروج از سلك دیانت یا تقلید اسلامیت هستند ولی مسلمانان از این محذور بکلی رهائی یافته‌اند مثل تشریع نشدن جهاد در دین نصارائی حالی که بدون محاربه و ایقاع جنك در عالم زندکانی کردن و مدافعه حقوق نمودن محال است ولی باب جهاد اسلام با طرز تمدن و اصول اقتضائی عصر حاضر مشروع است (مبدء الاسلام اشر داعی) رجوع شود و انجیل امر میکند سیلی زننده را روی دیگرت حاضر کن و ایضا تفکیك سیاست از دیانت از لوازمات زندکانی مسیحیان است ولی مسلمانان در این باب تقلید بی جهت کرده‌اند و محتاج به تقلید و تفکیك نیستند زیرا باب جهاد وباب قضاوت و باب قصاص و حدود و دیات و امر بمعروف عین سیاست مدنیه است که تفضیل را اقتضاء نیست و ایضا قسمی از تجارت و باب مکاسب راجع بر سیاست مدن است از قبیل منع احتکار و فروختن ذخیره‌های مهمه را از طرف قضاوت اسلام و جائز نبودن طلاق در شرع مسیحی حالیکه در اسلام جائز است باشروط مخصوصه از این لحاظ است که فعلا در تمامی مناطق کرهٔ ارض بر خلاف مقررات اناجیل چهارکانه بین المللی مسئله طلاق معمول و متداول است روزنامه ایران شماره (۲٦۷۱) صفحه (٤) مینویسد که مسئله طلاق تا کنون از مسائلی بود که دراطرافش مذاکراتی میشد و از جمله مسائل مهمه دنیا بود ولی امروز در تمام نقاط شکل مدنیتی بخود گرفته و روبهم رفته مسلم شده که درصورت

عدم التيام اخلاق و نبودن توافق رأى ميان مرد و زن كه موجب تلخى ميباشد
طلاق وسيله قاطعى است و در ممالك متمدده باقرار ذيل موجب احصائيه رسميه
طلاق واقع ميشود (در مملكت كاناداء) در (١٦٠) نكاح سالیانه يك طلاق
و در مملكت انكلتره در (٩٦) نكاح (١) طلاق و در (سويد) (در ٣٣)
نكاح (١) طلاق و در مملكت ژاپون در هشت نفر نكاح كننده (١) طلاق
(راقم علت كثرة وقوع طلاق در ژاپون دين بودائى است چون در مذهب
(دالايلاما) هر كس بايد زنيكه رويش نديده آن را بزنى به كيرد رجوع
كنيد (بعجايب البحر و غرائب البر) و در مملكت آلمان (٢٤) نكاح (١)
طلاق و در فرانسه (در ٢٠ نفر نكاح كننده (١) يك طلاق و در اتازونى
(٧) هفت نفر نكاح كننده (١) طلاق (راقم علت بسيارى طلاق در آمريكاء
همان كشف حجاب و آزادى مفرط بر زنان ولى در ايران احصائيه رسمية كاملى
نيست ولى ممكن است از روى تقريب حكم نمائيم كه در (٢٠) نكاح (١ طلاق)
و علت كمتر بودن طلاق در ايران استحكام اصول تناكح و ازدواج است
در شرع چون نظر بر روى و محاسن دختر و زنيكه ارادهٔ تزويج آن دارد
از چيزهائيست كه تناكح اسلامى جائز است رجوع بمبدء اسلام اثر عاجزى
راقم اجمالا طلاق از جمله مطالبى بود كه تا كنون مورد اعتراضات ملل مسيحيه
بود ولى فعلا قبول شدهٔ تمام ملل عالم است از مسيحى و بودائى (اجمالا)و از
جمله مسائل مهمه كه مسيحيان مجبورند بترك ديانت خودشان همان تعدد زوجات
است كه در انجيل حرام و در قرآن با قيد مخصوص جائز و انجيل ميكويد

یك چشم بر یك چشم نظر باید کرد از اینست که مسیحیان در موقع عقیم بودن و یا خود مبتلاء بامراض مسریه شدن و بد سلوك و بد رفتاری در زنان و سائره احوال از قبیل عذر موجه نه طلاق جائز است و نه تعدد زنان ومجبور هستند که تقلید مسلمانان نموده و زنهای عدیده بگیرند چون طبیعت بشری مجبور است و مجبول که در موقع احتیاج زن دیگری هم بگیرد و چنانچه فعلا متداول است و در قدیم زمان در بعضی محاربات که زنها بی شوهر ماندند روحانیان بکنیسه جمع شده تعدد زنان را جائز فرمودند بر خلاف آیهٔ انجیل خصوص در یونان (رجوع کنید بمطالعات عمومیه اثر خایل خالد چرکس عثمانی اثر مفیدیست که از ترك بانگلیس و بالعکس ترجمه شده و ایضا جائز شمردن انجیل استعمال کردن و صرف نمودن مادهٔ خبیثهٔ الکئول (شراب را) و حاضر کردن حضرت مسیح شراب صاف و گوارا در مجلس عروسی پسر کدخدا بقول انجیل توماء دلیل صدق مقال است و در این عصر مجبورند که بر خلاف حکم به حرمتش مینمایند زیرا که طبا فساد معده و زایل شدن قوهٔ باه وابتلاء بمرض عنین بقول (یاقوب سون فیلسوف کلیمی موسوی در پطرو قراد) واستعداد تام بمرض سل وضیق الصدر و ورم جگر سیاه و سفید و صرع و جنون و غیره از آن منبع فساد ظاهر می شود از این لحاظ حرمتش عقلا واجب چیزی که عقلا واجب است شرع حکم بوجوبش می نماید و طوری که مزج کردن شراب را بدوانم رئیس خسته خانه (تنون) حرام فرموده کجا مانده که شرب آن باشد بطریق اولی حرام است و تمامی امور زندگانی از این قبیل است که ذکر شد و

شرح و تفصیل آن موکول بتوفیق‌حی لاینام است با تدقیق نظر معلوم می شود
که نصارائیان مجبورند تقلید مسلمانان کرده و تفکیك سیاست از دیانت بنمایند
نه اینکه مسلمانان از این مقدمه اجمالی نتیجه بدست آمد که عبارت است
از اینکه آنانیکه میگویند دین ضد ترقی و مانع تمدن است یا جاهلند یامغرض
و بعضی از مسلمانان در این فکر مضر تقلید نصارائیان و مبلغین ایشان کرده
بدون اطلاع از اصل قضیه و بلا تفکر و بصیرت هم آواز ایشانند که دین
اسلام مانع ترقی است و از فلسفه جهاد وحکمت امر بمعروف با درجات
مختلفه آن بی خبر است ونمی فهمند لزومی ندارد قومیکه فاقدیك معنا هستند
قوم دیگریکه واجد همان معناء بوده خود را و موجودی خود را فدای
مفقودی آن قوم دیگری بکنند پس لازم است که افراد ملت کاملا هوشیار
باشند و از اینگونه تقلید بی معنی و خالی از فایده اجتناب نمایند وما بعون‌الله
در این شماره اساس ملیت و محذور تقلید کورانه را بیان داشته و محسنات
خود شناسی را تقدیم انظار منفکرین میداریم تقلید ناشی از چه بوده و باعث
آن چیست بدیهی است که اثر عادات و عنعنات از قومی بقوم دیگر سرایت
کرده و جریان مییابد حتی افسانه ها با اشکال غریبه از محیط یکملت به
محیط جماعت دکر انتقال یافته خم نشینی افلاطون در ایران افسانه ایست در
زمان تجاوزات اسکندر یونانی به ایران از نام دیبوژین کلبی که درخم نشسته
و با سکها مونس بوده و روز روشن شمع فروزان و در کوچه و برزن عبور
کرده در موقع سوال از سبب شمع لفروختن در روز روشن میگفت انسان

میجویم شاعر فارسی اقتباساً چنین گوید (کز دیو و دد ملولم انسانم آرزو ست) بافلاطون بسته‌اند و شکل هلال طلائی و نقره یا حدیدی بالای منابر و منارها در معابد و مشاهد عادات مسلمین است در زمان اخیر ولی از رومیان قدیم مغربی سرایت کرده طوغ گردانی در موقع تعزیه داری و ایام سوگواری در مسلمانان تقلیدیست که از بت پرستان هند و افغان قدیم در مورد حمله و جنگاوری با موبهای اسب و پارچه های الوان مزین و ملول نموده و میگردانیدندی بعالم اسلامیت مربوطیتی ندارد و بعلاقه همسایه و هم حدود بودن بایرانیان سرایت کرده (این رشته سر دراز دارد) و این اصل معمول بین‌المللی اساساً از لوازم خارجیه بشر است چون شعاع و آفتاب یا بعبارة اخری چون انسان وضحك زیرا که بنی نوع بشر بمنزلهٔ اعضاء یکنفر انسان یا بمثابه افراد یك خانواده‌ایست سلسه حوادث از یکدیگر انتقال پذیر است و میگویند که طبیعت دزد دیگری است که سرقت اخلاقیات و عادات را مینماید با این وصف آنانیکه در میان افراد ملت حقوق شخصیه را فهمیده و خود شناسی را در ضمن تربیه ذاتیه یاد گرفته و شرافت شخص خود را محافظه کرده و از خود شناسی پی بمحسنات غرور ملی و حب وطن و مملکت برده و در مغزن فکریه اش یکنوعی احساسات ملیه تولید گردیده آنچنان شخص بافکر و باحس بهر گونه وسائل سهل و ساده باسانترین وجوه ممکنه و مقتضیه از عادات قومیه و قواعد ملیه دست بردار نمی‌شود و رشته منفعت مشترکه عمومیه را باسانی از دست نمی دهد و این معناء از محسنات اسلامیه است و لسان معجز

بیان بوسیله قرآن بیان فرموده که باتدقیق نظر مستفاد میشود که تمامی علائق
محبت و مرابطت باید که با ملت وهم کیش خود باشد نه با اقوام سائره متعدیه
(یا ایها الذین آمنوالاتتخذ والیهود والنصاری اولیاء ومن یتولهم) نص شافی است
و اخبار بسیار در این باب وارد است پس لازم است که مبلغین و محررین
اسلام در تالیفات و تبلیغات و معلمین و مدرسین در موقع تعلیم و تدریس در
مخزن اولاد ملت فکر مقدس خود شناسی و غرور ملی را تلقین نموده وریشه
افکنده بطوری که در صدر اسلام چنین بود باین اصول مخصوصه افراد ملت از
قواعد متینه و اصول و عادات قدیمه اسلامیت دست بر دار نشده وبا ادنی بهانه
در اثر تقلید کورانه اجانب از کلمات قیمت دار اکابر دینیه اعراض و در تمامی
اطوار واحوال پیروی اجانب و اغیار شده حتی بمجرد شنیدن اینکه یك
نفر فیلسوف فلانی شخص مذهبی نبوده و متدین بدیانتی نیست محض برای خوش آیند
غائبانه لاابالیان فرد مسلم هم آواز شده با یك چشمك و عصاء فرنکی شباهت
بانها رسانیده می کوید من هم شخص مذهبی نبوده و با دیانت سرکاری ندارم
و از این معناء هم محظوظ است که کوباء در خیال از اشخاص بزرك دنیا
محسوب شده و تقلید بفلاسفه طبیعیون نموده و از فقدان حس شرافت انانیته
شخصیه و غرور ملی عاری و بمقدسات توهین و بالاخره مضر جامعه عمومیه
میباشد که همان تقلید باجانب و دشمنان دین اوست ودر حقیقت باحسن ظاهر
و خُبث باطن خودشان عالمی را خراب و جهانی را برباد می نمایند و یك
نوع میکروب مضر عالم مدنیت حقیقیه می باشند و چشم از محسنات ملیه

پوشیده در جامعه ملیه هرچه مشاهده کرده و یا خود به تصور میرود عیب محض
می انگارد و هنرهای صادره از فضلاء و حکماء ملت خود را ضرر میشمارد
و ابداً ملتفت نمیشود که یك ملتی که در اسلاف آن مثل شاه عباس کبیر در
شهامت و نادرشاه درشجاعت و کریم خان زنددرعدالت و اعلیحضرت پهلوی در
شرافت سلاطین نامدار و کیتی مدار بجامعه ملیه تقدیم گردیده و خصوصاً حکماء
عالیمقدار واشخاص بزرکواری مثل شیخ ابوعلی حسین سیناء در حکمت و
خواجه نصیر الدین طوسی در فضیلت و فاضل اردبیلی در قدسیت زینت بخش
صحائف تاریخ روزکار شده اند هم از ملیت اسلامیه هستند و چون شیخ سعدی
در اخلاق و عرفان و ملاء جلال الدین دوانی و ملای رومی مقتدای عرفاء عالم
شده اند و میرزا ابوالقاسم طوسی در تشبیع و حماست و امثال ایشان شعراء
و عرفاء سر منشاء افتخار الشعراء ملل عالم بوده و در شعر و علم عروض
و آثار فکریه (لرموتتوف) و (پوشلکین) و (تولستوی) و (رافی) درمی
و (لتر فرانسوی) و سائر شعراء اقتباس فکری از ایشان مینمایند وتولستوی
در تعقیب مسلك سعدی و تشبیه در طی مراحل اخلاقی و عرفانی وجنکی سعدی
افتخار میکند آیا اخلاق و اولاد این اشخاص بزرك دنیا با این شرافت ذاتیه
قدیمه که دارند جائز است بر ملل اجنبیه در تمامی احوال و اخلاق تقلید
نموده و از عادات و عنعنات ملیه اعراض کرده و برای خوش آیندی دیگران
در مجامع و محافل تبری از اسلاف و اجداد خودشان کرده چنان ارائه کنند که علماء
و شعراء ملی ما سبب عقب ماندن این تودهٔ هستند که از قافله تمدن و ترقی

عقب تر اند نسبت بحال حیه حالیکه اکر بکلمات کماین و مباغین اسلام پیروی شده و اقتباس انوار کمالات مادی و معنوی از کلمات قدسیت سمات اندوات مقدسه بنمائیم در تمامی ادوار ماضیه و آتیه از اولین ملل مترقیه و متمدنه خواهیم بود اجمالا مقال اینکه از فقدان حس خود شناسی و نبودن غرور ملّی تقلید اجانب تولید میکردد و در آنصورت قدر دانی از رجال بزرك ملت که لازمه انسانیت است بعمل نیامده باعث هزاران مفاسد مادی و معنوی میکردد (ای هزاران لعن بر تقلید باد) در اینکونه موارد است امیدواریم که عنقریب از اثر تشکیلات جدیده علمیه حس سابق اسلامیان در مخیله فکریه افراد ملت تولید میشود انشاءالله

شماره (٥) از فصل ٥

شماره (٥) از مسائل مهمه یکی هم عبارت از توحید جریانات فکریه سلطنت و روحانیت که حیواة و ممات یك ملت منوط باتحاد قوۀ جسمانیه وروحانیه است طوریکه بدیهی است سالهای سال است در میان صنوف ممتازه خصوصاً بین رجال دولت وروحانیان ملّت یکنوع منافرت پیداء و این دوصنف عملیات یك دیکریرا تخطئه یکطرف را منافی دیانت و اندیکرا مغایر سیاست منظور داشته تقویت همدیکر را مخالف شئونات میدانند و در نتیجه حقوق افراد ملت تضیع و قانون شریعت و اصول مملکت تعطیل میپذیرد حالیکه اکر به تاریخ اسلام و عصر فرخنده سیر حضرت خیرالبشر و سائر خلفاء و سلاطین اسلامیه نظر کرده و تدقیق نمائیم خواهیم که در هر عصر و زمانی این دو قوۀ روحانیت و جسمانیت معنای عالی (الدین والملك توأمان) را ملحوظ داشته باهمدیکر فکراً و

عملا متحد بوده و تمام جریانات از یك مجرای صحیح جاری و از این لحاظ ماکینه امور به بهترین وجهی اداره کردیده و اختلاف واقع نکشته در سایهٔ اتحاد معنوی آقای کرهٔ ارض شدند و مرام عالی حضرت مولی الانام تائید کلام مزبور است که در دستور دانش خود کتاب نهج البلاغه توضیح داده اندطوری که در محاربه صفین در موقع نصب حکمین در مورد وقوع اختلاف در بین فریقین انقلابیون بر وفق مرام خبیث خود شان بر اساس حکومت و تشکیل یافتن اداره سلطنت اعتراض کرده و اظهار داشتند که هر کس مالك بر اجراء احکامات است و محتاج به تاسیس اداره مجریه نستیم آن معلم نوع بشر علیه السلام الله الملك الاکبر برای رفع شبهه ظاهریه متکلم باین کلام عالی شده و فرمودند (کلمة حق یراد بها الباطل نعم لاحکم الاالله لکن لابد للناس من امرة من بر او فاجر حتی یستریح المؤمن و یجمع الفی الاخر) یعنی انقلابیون در ظاهر حال سخن حق را قائلند ولی مقصد شان یك امر باطلیست البته مجری احکام خالق علامست ولی چارهٔ نیست که برای مردم باید یك امیری منصوب بوده باامارة و حکومت آن امیر مالیات جمع آوری شده و راهها امن کردیده مؤمن و فاجر راحت شوند هر چندی که این خطبهٔ شریفه را بعضی از علماء اهل السنة و الجماعته حمل بمسئله امامت میکنند و میکویند که پس از ارتحال نبی ص ع باید یك جانشینی باشد خواه فاسق و خواه عادل بوده باشد لکن این توجه باطلیست که احتیاج بذکر دلائل بطلان آن نیست چون مورد و مقام و علی الخصوص ظاهر کلام همان حکومت و امارت را اشعار مینماید که فعلا

متداول است برای اینکه در امامت عدالت شرط مهم است و فاجر امامت آن غیر ممکن است رجوع بمقصد پس مقصد مقدس آن بزرگوار همانست که ذکر شد و موافقت و اشتراك حضرت مولی الورای با اشخاص زمان خودش و داخل شدن به جامعهٔ شورای اسلام و اظهار فکر نمودن موعظه فعلی و عملی بوده و مصدق خوش میباشد که برای محافظه اصول تقیه نیست بلکه در واقع لازم است قوهٔ دیانت با سیاست توأم بوده و تقویت یکدیگر را بنماید و ایضا در زمان الحاکم باالله سلطان مصر رئیس حوزه علمیه که سلطان العلماء نامیده میشد همواره هم فکر و هم رأی شده و در وقتی که ششصد قطعه کشتی جنگی به دریاء وارد میکردند پس از ایراد خطبه و نثار طلا و نقره از طرف سلطان العلماء (مجتهد) و پادشاه زمان این اصول جنگی اجراء میشد و سلطان العلماء (غرناطه پای تحت سلطنت اسلامیه در اندلس) ایضاً با عبد الرحمن الفهری و ابو منصور خلیفه در سفر و حضر هم رأی و هم عنان می بود و حضرت رضاء علیه التحیة و السناء با آن جلالت شأن و عظم قدر با مأمون خلیفه مدتی مماشاه و مداراة نموده و ریاست حوزهٔ علمیه آنزمانی را قبول نمودند و با علماء ملل و ادیان مباحثاتی و مذاکراتی فرموده همه آنها ملزم نمودند و در کتب تواریخ مسطور است و با اصول نزاکت خود مامون را از نکات واقعیه راجعه بر خلافت حقه مستحضر میداشت روزی از آنحضرت سؤال کرد آیا دلیل بر خلافت جدت و در بعضی عبارت دلیل فضیلت جدت علی ابن ابیطالب بر سائرین چیست جواب داد (آیه انفسنا قال لولا نسائنا قال لولا ابنائنا فسکت المامون) تفصیلات راجعه

بر این گونه قضایا در احتجاج بحار جلد چهارم و احتجاج طبرسی مسطور است مراجعه نمائید این رساله مخصوص است بذکر مطالب راجعه بر عظمت اسلام و ایضا خواجه نصیرالدین طوسی با هلاکوخان و شیخ نراقی و فرزند ارجمندش و فاضل مجلسی اعلی الله مقامهم با سلاطین صفویه سمت مصاحبت و مشاورت را داشتند وزیج مراغه و کتابخانه عمومیه از آثار باقیه خواجه نصیر اعلی الله مقامه باقی است و کریم خان زند با هفده نفر از علماء عصر خود تا ظهر در محکمه نشسته تصفیه امور و دیعة اللهی مینمود ولی از عادات دوره منحوسهٔ اخیره است بر منسو بین علم خولیای رهبانیت و زهد خشك و خالی غلبه کرده و بر سلاطین مملکت هم مرض غرور و کبر بیمورد استیلاء یافته این منافرت بیموقع در میان حایل و تمامی امور اصلاحاتی بتاخیر افتاده و ترقیات مملکتی بی نتیجه و بلا انجام ماند در نتیجه این کشمکش حقوق ودیعه اللهی ضایع ـ حقوق ودیعه اللهی تضیع و حدود احکام الهی تعطیل می شود پس لازم است که مسلمانان این منافرت معنوی را از میان برداشته بایك نوع محبت صمیمی و قلبی اتحاد نموده و از امنیت کامله و از الغاء اصول منحوسه کاپیتالسیون که مدت مدیدی بود که مسلمانان از آن محروم بودند استفاده نموده و بشکرانهٔ این موهبت عظماء قواء روحانی با قوهٔ جسمانی توءام بوده اوقاف واثلاث و وصایاء وسائر وجوه بر را جمع آوری کرده در تحت نظارت علماء اعلام بصواب دید اولیاء امور بموارد لازمه صرف و اقسام معلـ ونت ملیه را علاوه و شروع به تاسیس مبانی علمیه و تشکیل دارالفنون عالیه

روحانیه و سیاسیه و طبیه و سیاستیه و غیرها بنمایند تا اینکه در اندك زمانی افراد صحیح العمل از قبیل روحانیان بصیر بمقتضیات زمان از آنگونه دارالعلوم با تصدیق رسمی خارج و بدعوت اسلامی باحقایق علمیه باطراف عالم منتشر شده قلوب عامه را بمعنویت اسلام جلب مینمایند و از طرف دیگر و کلاء صحیح العمل و با خبرت که مدیر ما کنه مملکت هستند دائم بمرکز شده سعادت عمومی را منظور دارند و از طرف دیگر مامورین دولت و سیاسیون مملکت از روی مرام عالی رفاهیت جامعه را منظور نظر داشته مقصد خبیث رشاء و ارتشاء از میان رفته کلیه امور مردم از روی میزان صحیح فیصل یابد ومعلمین مدارس ابتدائیه و متوسطه ایضا که عمده ترین عمال دولت هستند از آن دار-الفنون خارج و با اجازه مخصوصه مشغول اصلاح افکار نونهالان مات شده و در جزء تربیه ذاتیه افراد را بایك حس انتقام و انانیه شخصیه و غرور ملی و شهامت ذاتی تعلیم کرده و بأتیهٔ وطن اشخاص لایق و اسلام دوست و وطن پرست تهیه میکنند و ارباب صنایع عصریه بجامعه ملیه تقدیم میدارند بااین ترتیب اخلاق پوسیده جوانان مملکت در تحت نظارت مربیان لایق ضمن تربیه عمومیه اصلاح شده عوض صرف مادهٔخبیثه آلکول (شراب) اخبارات مفیده و معلومات لازمه تحصیل نموده و جای صرف دخانیات و قاقاس که مرض بنیان کن نوع بشری است تاریخ ایام فلاکت اسلام را مطالعه در قبال عملیات حقوق شکنانه دول سائره و ملل متجاوز تفکری بنمایند

(فصل ٥ شماره ٥)

و این شماره اخیره را با یك خاتمه باتمام‌رسانیده‌و تذئیلات پنجگانه را بنام خمسة النجباء علیهم الاف التحیة و الثناء مندرجات این خاتمه کتاب قرار گذاشتیم که عمده مقصد همان تذئیلات است که مطالعه کنندگان کرام با نظر عمیقانه نظر کرده و منصفانه فکری دهند و از تقلید کورانه و تبعیت صرف اجتناب نمایند

(تذئیل اول) معلوم ارباب مطالعه بوده و بر صاحبان فکر سلیم مخفی نیست که مدتی است عالم شرق مفتون مدنیت غرب شده و مقاصد غربیان را باطور حریصانه تعقیب میکنند و خصوص مسلمانان بدون تفکر در نتائج و خیمه این تعقیب خود کشانه از تمامی ملل مشرق جلو ترند از این قبیل است مسئله آزادی زنان و حریت نسوان و کشف حجاب و دخالت ایشان در کارهای راجعه بر مردان و این مسئله باندازه بر دماغ مسلمانان استیلاء و نفوذی یافته که دیگر حاضر به تفکر در اطراف آن نیستندو از آنجائیکه شرع مقدس یك‌اندازه اختلاط و ارتباط زنان را با مردان محدود فرموده لذا بعضی از مبلغین و محررین که طرف دار کشف حجاب و ضد تستر هستند با دلایل اقناعیه خیالیه برای ترویج مقصد خودشان از روی شرع داخل به مبحث شده وساده دلان را ملزم و مجاب مینمایند و مضرت کشف حجاب را بمیان نمیاورند مثلا کشادی روی زنان و مخالطه با مردان سبب محکم بودن رابطه ازدواج بوده و معاونت زنان درامور معیشت به شوهران و تامین حقوق ایشان است بمقتضای انسانیت و مثال این یاوه سرائی که میشنویم وراقم دراین موضوع آنچه با تتبعات لازمه‌او اطلاعات مهمه بدست آورده‌همین است که معروض میدارد اولا اگر باصلاحات مهمه ممالکی

فکری داده و شروع بان بنمائیم مسئله زنان و حریت ایشان پس از رقم
هزارمی داخل مسائل متناوبهٔ است نه اول رقم که مسلمانان قبل از
شروع بکاری کشف حجاب و نظیر آن را مرام خود شان قرار گذاشته‌اند
و انکهی این مسئله قطع نظر از دین و دیانت بخودی خود وفی حد ذاته مضر
جامعه بشریه است و اکر باطراف عالم نظری بنمائیم خواهیم دید که خود
آزادی دهندکان بر زنان از این معناء بیزارند و رجوع بحالت اعتدالاسلا-
می بر ایشان اشکالی پیداء کرده (و ثانیاً) نظر بمقررات قوانین مقدسه
اسلامی حقوق زنان محفوظ و از افراط و تفریط تحذیر و حد اعتدالی را تعیین
فرموده نه عادت کنونیه مسلمین و نه آزادی تام متداول میان مسیحین بلکه
اصل صراط مستقیم اسلامی رفتار نمودن موافق عقل سلیم و مطابق استراحت عمو
میه بشریه است در محیط ناموس و محور عفت و فرق گذاری میان زنان و
مردان در شرع یك نکته عالی اعجازی است که محیرالعقول است و در موردتدقیق
معلوم میشود که زن طبعا بر وفق قانون خلقت با مرد تفاوت دارد از این
تفاوت طبیعی ناشی است که اموریکه مردان مباشر آن هستند اکر بر زنان
محول بوده و کارهائیکه متصدی آن زنان است مردان مباشرت کنند باالطبع
اختلال در نظام امور پدید آید (هر کسیرابهر کاری ساخته اند) و متفاوت
بودن مغز زنان در کمیت و کیفیت با مغز زنان که بناء بتحقیقات لازمه (از
هوفهان) و (به آقوت) انکلیزی صد غرام مغز زنان کمتر از مردان است
دلیل نقصان عقول نسوان میباشد طوری که شرع اسلام مقرر داشته وبر جسته

کی مخصوصی در حلقوم مردان و فقدان آن در زنان که بیست و پنج ماده ایست در کتاب مبدء الاسلام اثر راقم از علم تشریح متداول عصر حاضر انکشاف یافته و مرقوم گردیده معلوم میشود که خلقتاً متفاوت است و ذاتا در اسرار خلقت فرق گذاشته شده پس چه طور میشود که از قانون تکوین خارج شده مخا له نموده امور همدیگر برا بعکس طبیب بشری مختل نمائیم (و ثالثا) در علم حیوانات بلکه حشرات ایضا وظیفه ماده ها غیر وظائف نر ها بوده و جبلیات حشرات هم مجبول و مجبور به تفریق و تمیز نر و ماده ایست از یکدیگر طوریکه مورچه کان را در قریه خود شان با ذره بین تدقیق کرده همینقدر معلوم داشته اند که آنها منقسم بدو صنف بوده یکی نر و دیگری ماده و شغل شان هم ن یك دیگر تفریق شده اما ماده آن ها از حیث رنك و جسم یك اندازه شفاف و با رنك مرغوب خوش آیند و هم بزرگتر اند از حیث ضیامت و نرهای آنها یك اندازه ضعیف و مایل بخاکستری رنك واز جهت شغل و وظیفه خانوادی مردان مشغول لانه سازی و جلب روزی و نکهبانی منزل از تهاجم دیکران و پاره کردن حبوباتی که برای آتیه ذخیره میکنند وغیر ذالك و اما وظائف راجعه بر ماده آنها آنکه دائما مشغول به حضانت بیضه ها و بیرون آوردن بچه ها و تربیه آنها و محافظه ایشان است از تلف شدن وسائره یك نفر از فلاسفه فرانسه در حین تدقیق عملیات مورچکان نکاتی کشف کرده و تحریر نموده که عقل بشر عاجز و حیران از اسرار خلقت است پس در تمام مکونات وظائف مردان و زنان نسبت به همدیکر متفاوت بوده هر کسیرا بهر کاری ساخته اند عجبا نوع بشر با دعوای انسانیت و ادعاء مدنیت با

ادنی بهانه منفعت کشف حجاب خیالی از قانون طبیعت و خلقت خارج شده وظائف مردان را بر زنان محول داشته دکان داری و کارهای اداری وزراعت و تیلفون و تلگراف و جنگاوری و ترتیبات لشکری و کشوری را ازنوع لطیف زنان ترتیب میدهند و در این زمینه امور خانگی و تربیه اطفال وحضانت بچه کان مختل و امنیت خانگی خلل دار میشود و در اختلاط و آمیزش یکنوع فساد اخلاق بروز و مسئله عشق بازی ظهور ودر صورت نائل نشدن بمقصد انتحار و خود کشی معمولی و قطع رابطه محبت در میان شوهر و رفیقه حیواة خود متداول و متمایل بدیگران تکثیر می یابد پس بهتر این است که بر طبق قانون خلقت و بر وفق امر شریعت اسلامیه مردان مباشر امور زراعت و فلاحت و تجارت و سیاست و جنگاوری و مسافرت مباشرت کنند چون در خلقت وطبیعت ایشان هیبت و صلابت و خشونت و غلظت و متانت مجبولی است و زنان بامور خانگی و تربیهٔ اطفال و طبخیات و خیاطت و حراست اندوخته های داخلی مداخله نمایند زیرا در خلقت زنان وخمیره ایشان نزاکت و رعونت ولطافت و رحمت و رقت و شفقت و جبن مرکوز است هر کس رجوع بوجدان خود کرده و با میزان عقل سنجیده تصدیق کند آیا چند شبی مواظبت بخوراك و پوشاك و خواب یکنفر طفل محبوب خود نمائید چه اندازه باعث کج خلقی و اختلال حواس و انقلاب امور داخلی حاصل خواهد شد در هر حال اصلاح زندگانی اخلاق جمعه وظیفه مهمه ایست که در سایه اصلاح اخلاق دامنه فسادی اخلاق لاابالیان توسعه پیداء نکند خصوصاً با ملاحظه اصول زندگانی جوانان

عصر حاضر که مشهور همه صاحبان افکار سلیمه بوده در اغلب نقاط عالم زن جوان خوشکل و قشکنك بایکنفر جوان دولتمند شوخ و شنك باسلیقه عصریه والبسه عادیه بطور ساده و سهل جواز تیاترو گرفته کردش کرده و در تماشاء خانه حاضر کشته بی اطلاع شوهر شراب شامپانی صرف کرده وسیغار لطیف یا میل رفیق جدید استعمال شده در زیر برقهای الکتریك تماشاء پردهای تیاتر و یا سینماء نموده و رقص (دانس) بعمل آمده در ساعت چهار از شب باطاق تنفس قدم کذاشته و تمدد اعصاب بقول حکیم ایران بعمل آورده و کویاء بنا بقول خودشان متمدنانه و با عفت واقعی چند ساعت امرار حیواة مسعودانه میکنند و درعالم تصور با این حال سرور و جالب ودقت در حالیکه نفس طالب وشهوت غالب و شرط موجود و مانع مفقود عفت بغایت مشکل و عصمت موضوعا غیر قابل در اینصورت بنظر قارئین کرامی محول داشته و انصاف می طلبم آیا (ملحد کرسنه و خانه خالی بر خوان عقل باور نکند کز رمضان اندیشد) و دراین مورد مصداق پیداء میکند یانه و بدیهی است که فساداخلاق ناشی از شهوت رانی و تن پروری و عیاشی روح و شهامت را کشنده و ملکات فاضله انسانیه رامحو کننده و مزیل فکر سعی و عمل و اختلال احساسات تازکانه غرور ملی و حیثیت شخصی و عفت ناموس خانواده میباشد و علم تاریخ باتجارب عدیده مدلل نمود که ترقی هر قوم مربوط به تقویه روح شهامت و تزئید ملکات فاضله است و عیاشی و شهوت رانی مقتدرترین تمام ملل عالم را به پرتکاه عظیمی انحطاط و تنزل سوق کرده است و مرام نکارنده

اینست که قوم نجیب ایرانی از حیث نژاد فطین و نازك و حساس ترین ملل عالمند وتعدد و تکثر مذاهب دلیل بر حساسیت ایشان است چون در اطراف یکموضوع موشکافی نموده هر کس بر وفق ذهن دقیق خود معنائی قبول کرده که در نزد دیگران مقبول نیست فقط در تقلید بدرجه افراط رسیده‌اند و حس غرور ملی در نتیجه تقلید کورانه چندان نمانده که ازمیان برود و عمده سبب آن همان مورد تجاوزات غیر قانونی ملل عالم واقع شده ومتقبل هر گونه مظالم بوده‌اند از زمان اسکندر کبیر ماکدونی عادت تبلون مزاج شده انوقت یونانی مأب بوده فرامین دولتی و مراسلات حکومتی را با زبان یونانی مینوشتند ودر مورد تهاجمات مجاهدین اسلام و غلبه قشون غیور مسلمین بر ایران که فاتح کره نامیده میشدند در سایه سلطهٔ عربها عرب خالص شدند طوریکه ازمرکز اسلام که مکه و مدینه است یکقدم جلوتر رفته از تسنن بر عالم تشیع قدم گذاشته و در شیعه بودن بدرجه افراط رسیدند هر چندی که این معناء بموقع و خود لایق همه گونه تقدیس است ولی درافراد واختلاف مذاهب بدرجه غلو رسیدند که جای تاسف است والان که در عصر حاضر نفوذ معنوی غربیان و مدنیت مسیحیان در کرهٔ زمین اولین مواقع مهمه رااشغال کرده بازم ملت نجیبه ایرانی فرنگی مأب شده و بلکه چند قدم ازایشان جلو ترند واغلب متمولین ومتفننین در صرف آلکول باندازه اسراف دارند که فرنگیان از آن چنان حالات بیزارند و در عصاء و عینك و البسه عصریه و طمطراق عجمی هر فرد منسوب بطبقه سافله در اول رؤیت جالب شبهه نظر

کنندگان بوده بنظر چنان جلوه میکند که گویا از خانوادهای سلاطین خارجه است بمملکت عزیز ما مهمان وارد شده در واقع امید از توجهات ولی عصر و از اقدامات خداپسندانه شهریار محبوب ایرانیان اینکه بتوسط معلمین صحیح‌الفکر و العقیده در مدارس علمیه بافراد جوانان مملکت و کلیه افراد ملت حس شرافت تزریق و تلقین شده روح تقلید اجانب بر شهامت و استقامت ملّی تبدیل یافته و قضیه بقتل رسانیدن شاه عباس کبیر یکنفر سفیر ایران مقیم پاریس را نصب‌العین قرار دهند که سؤال کردند اعلیحضرتا چرا این مامور را بمجرد شرفیابی حضور ما اینکه از عهده خدمت بخوبی بر آمده بود بنفسه بقتل رسانید شما جوابداد چون در موقع اقامت پاریس بفرنگیان اقتداء کرده شرکت بفراء دایر رئیس الوزراء نموده به بازویش پارچه سیاهی بسته بود و این معناء باندازه موجب دلگیری شده بود که مانعم شد که قتل وی را بدیگران محول دارم برای این که بر نژاد خالص ایرانی و شهامت اسلامی شایسته نیست که تقلید فرنگیان کند کاش شاه عباس بحال کنون نژاد خالص فعلی نگران باشد

(تذئیل دویم)

از جمله مسائل مهمه در مملکت عزیزمان اعزام محصلین و محصلات ایرانیه است بممالك اجنبیه برای تحصیلات فنون عصریه معلوم است که امروز کسی پیداء نمیشود که منکر علم و فن بوده باشد باالخصوص آنانی که از قواعد اسلام اطلاع و اوامر مطاعه نبی ذیشان اسلامی را مطلع است شارع دینی که برای تحصیل علم مکانی را شرط قرار نگذاشته و کلیه مناطق دنیاء را در

راه طلب علم مناسب و ما مور به فرموده (اطلبوا العلم ولو بالصین) از مسلمات احادیث نبویه بوده چه طور ممکن است که جای تردیدی برای پیروان خویش در موضوع علم باقی گذاشته باشد و از حالت طفولیت تا وقت کهولت بلکه زمان قبر رفتن علم خواندن را از محسنات دین خود مقرر فرماید (اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) پس در این شبهه نیست که عقلاء مانع از تحصیلات علوم هر چه باشد و از هر که بوده و در کجا ممکن بوده باشد منمی شود فقط اشکالی که بنظر آید اینکه آیا کیفیت تحصیل و مقدمات آن با چه نحو باشد که مضر حال مملکت و مغائر اصول دیانت نبوده و صلاح عموم را متضمن باشد بنظر عاجزانه راقم اینکه در داخله مملکت باجلب معلمین و متخصصین از خارجه مقدمات تحصیل را فراهم آوردن هم از حیث امور مالی و صرفیات نقود مملکت در خارج که عمده ترین انحطاط یکلمت از عدم ملاحظه مخارج و مداخل است فرض نمائیم که ده هزار نفوس بخارجه برای تحصیلات لازمه اعزام می شوند هر سالی بهر نفر پانصد تومان مخارج تحصیل تعین شد در ظرف ده سال چه مقدار از روح مملکت که ثروت داخلی است کاسته میشود و هم موجب زحمات مسافرت ذهابا و ایابا و غیبت از احیاء و اصدقاء و اقربای شخصی که موجب بعضی اشکالات عائله وی است و علاوه در تحت نظارت یکنفر متخصص و معلم جلبی خارجی چند نفر معلم از خود افراد ملت مشغول تدریس بوده و در اندك زمانی خود آنها یکنفر متخصص ملی خواهد شد قطع نظر از تمامی این مضرتهای مزبوره این نکته جالب دقت متفکرین عالم که هر کس در مملکتی مدتی

اقامت کرده و معاشرت نموده قهراً متمایل قلبی قهری بآن مملکت و افراد آن ملت در مخزن فکریه اش حاصل خواهد شد خصوصاً با اصول تحصیلات علمی که بلا اشکال رابطه معنوی در میان پیداء و در نتیجه منافع مشترکه آن مملکت را ترجیح بدیگران خواهد کرد از این لحاظ است که اکثر مامورین دولت یا مایل بسیاست همسایه جنوبی است یا اینکه متمایل قلبی و استنادی بطرف شمال است پس تشکیل مدارس عالیه و مبانی علمیه در داخله مملکت بمراتب اولی و الیق است از اعزام کردن محصلین بخارجه اگر دقت نمائیم یکمضرت معنوی عمومی تولید میگردد که از همه آنچه ذکر شد بنظر اقوی تر از سائر ضررها است که عبارت است از ازدواج با دختران فرنگی یا در موقع تحصیل یا پس از فارغ شدن از آن و بالبداهه اولاد تابع ابوین است و عامل قوی در موضوع تربیهٔ مادران است بدین وسیله نژاد خالص ایرانی اسلامی تبدیل به مسیحی نیم رسمی میشود چنانچه مشهود است و عجب تر از همه اینکه از جمیع معایب اعزام محصلین بخارجه چشم پوشیده این اوقات اتفاق افتاده بعضی از خانوادهای محترم عزیزه وجیبه خودشان را بخارجه اعزام کرده و با امید قوی وطن راسخ نتائج حسنهٔ ازاعزام دختران بفرنگستان دارند در واقع از اثر نفوذ معنوی مسیحیان و غربیان است که محبت ایشان در قلوب مسلمانان باندازهٔ جا گیر شده و محکمتر گردیده که حاضر نیستند تا اینکه ملتفت باشند بر اینکه این فکر مضر بجامعه ملیه و مخالف آداب دینیه ما بوده و منفعت مهمه از آن گونه مقصد تقلیدی بر قاطبهٔ افراد ملت عاید نخواهد شد وغیر از

کشف حجاب با طرز غیر مرغوب و تزریق مرام دشمنان دین بافکار اولاد مسلمین چیز دیگری بوطن عزیز هدیه نخواهند آورد و هر چندیکه این راقم منکر تحصیلات زنان و عارفه بودنشان بحقوق دینی و ملی و عادات و عنعنات مملکتی خودشان نبوده و نیستم بلکه غرض عاجزانه راقم اینست که فکر اعزام دختران بفرنگستان از عوامل و اسباب ترقی مملکت نبوده سهل است بلکه مضر جهت جامعهٔ ملیه است و عمده ترین وسائل فساد اخلاق است و تلون مزاج افراد را موجب است برای اینکه پس از مراجعت از ممالك اجنبیه از اثر اقامت در مملکت خارجه قلبا مایل بازدواج با دختران فرنگی شده و اولاد خود را در دامن تربیت همان دختر فرنگی یا خودفرنك مآبی تربیه کرده عرق ایرانیت و خون اسلامیت را مشوب خواهد کرد که نتیجه و خیمه نسبت به مملکت و دیانت عاید خواهد شد و بعضی از جوانان مملکت که مبتلاء به این حال اسف اشتمال بوده و در پیش انظار قارئین آینه عبرت است برای متفکرین و علاوه از آنچه ذکر شد بعضی مضرات عمومی ضمنا بخودی خود تولید می یابد مثل اینکه از آنجنان دختر فرنگی عالمه و تربیت شده که فرض نمائیم سائر همشیره های وطنی ما کشف حجاب و حضور بهم رسانیدن در بعضی امکنهٔ غیر مناسبة را یاد گرفته و عادت کرده بدون اینکه بلد باصول انگونه زندگانی بوده و از روی عام حرکت بنماید از اینگونه تقلید فساد اخلاق

تذئیل دویم از تذئیلات پنجگانه از خاتمه

زنان و دختران بالملازمه شیوع یافته و از اثر جهالت جامعه امراض مهلکه و مسریه مثل مرض فرنگی و سوزاك و غیره انتشار می یابد سبب اختلاط و

آمیزش مردان با زنان بلحاظ پیشرفت فکر مضر کشف حجاب طوریکه افراد مملکتی که عادت نکرده و بی پرده بنظر نمودن صورت حسنه و جمال زیباء معتاد نشده و بالاخره نسل آینده ایران را بدرهٔ هولناك و مهیبی پرت و در نتیجه قطع نسل خواهد شد غرض اینست اگر بخواهم که از دختران ما حکیمه و طبیبه و قابله و سائره بجامعه مملکت تقدیم نمائیم و در موقع زائیدن زنهای مظلومه از چنکال ظالمانه قابله های قدیمه نجات یافته و در موقع وضع حمل از خوابیدن روی خاکستر و سوخت تپاله رهائی یابند و با یکقطعه پیاز کردانی منتظر بدفع اجنه ها وغول بیابانیها نشوند و از سائر خرافات معموله آسوده باشیم لازم است که با مصرف جزئی یکنفر معلمه جاب کرده صدها طبیبه و قابله و غیرها در مرکز تربیه شده و بجامعه ملیه تقدیم بنمائیم ومحتاج به اعزام دختران بفرنکستان و تحمل آنکونه زحمات و خسارات مادی و معنوی نمی شویم علاوه از آنچه ذکر شد اگر بتاریخ عطف نظر کنیم وباحوال ملل عالم نظری بنمائیم خواهیم دید که در جزء مخترعین و کاشفین و مبدعین از هزاران فرد همان یکنفر زنی پیداءمیشود مثل خانم پروفیسور بکبرلم کاشف قوهٔ (رادیو) بوده باشد و آنهم بااحتمال اینکه خود پروفیسور کشف نموده بنام رفیقهٔ حیواة خویش انتشار داده یا اینکه بمعاونت همان رفیقهٔ حیواتش باین کشف مهم موفق کردیده فقط چون مقام زنان در انظار فریبان نهایت بلند و موقعشان بسی ارجمند است لذا مستقلا بنام خانم پروفیسور اشتهار یافته و خودش مایل باین تشهیر کردیده و این نکته را هم نباید از نظر دور کرد که وجود

زنان بغیر از قابله گی در عالم علم و فن به چیز دیگری لزومی ندارد زیرا که با وجود کفایت مردان باحتیاجات مردم زنان را از وظائف مقدسه خانوادی و تشکیل زندگانی عائله وی جدا کردن مضر عالم مدنیت است و خصوصاً که بناء به تحقیق (هوفمان) نام طبیب و مشهور فیلسوف آلمان مغز زنان بحساب وسط کمتر از مغز مردان است بمیزان صد غرام این است که ایشان بمقامات عالیه علمیه ارتقاع نتوانند بکنند هر چندی که بعضی مردم مدعی آنست که اگر زنان را به کارهای مهمه وادار کنیم و تربیه مردان را در آن ها عملی بنمائیم آنها هم مثل مردان میشوند در تمامی جهات ولی نظر بفکر راقم طوری که اطلاع رسانیده‌ام این ادعاء خالی از وجه بوده و بلا دلیل است و بافرض صدق بودن دعوا ایشان که پس از تحمل زحمات و مشکلات که زنان هم مثل مردان میشوند آن هم مضر جامعه بشریه و مخالف مدنیت و منافی استراحت عمومیه است زیرا که اکثر وظائف یا بکلی تعطیل خواهد یافت یا موکول به مردان خواهد شد لذا اینگونه فکرهای باطله و خیالات فاسده لایق مذاکرهٔ اشخاص باشرافتمند نبوده و سزاور اشغال نمودن فکر ارباب فضل و هنر نبوده و نیست و عوض این قبیل آمال و مقاصد دور و دراز مبارزه کردن با ماده خبیثه الکول بهتر است که از اهم ترین وظائف متدینین و متمدنین است که بافراد بشریه تعلیم دهند که تمامی امراض و مضرات از این منبع شئامت و معدن خبائث تولید میگردد و این معناء برای العین مشهود است اومید از حقیقت اسلام این که نتیجه این اقدامات اولیاء امور این گونه امور از میان

(تذئیل سیم)

در موضوع علم و کیفیت تعلیم و مقدمات تحصیل بر علاقه مندان دیانت اسلامی معلوم است که در عالم خلقت هیچ مسلك و هیچ دینی بر علم و تعلیم چون داعیان و مؤسسان اسلام اهمیت نداده و در این رساله سابقاً سمت تحریر یافته و بازبانهای مختلفه و عبارات متعدده تحریص بر تحصیل نموده اند تارة بعبارة فقهه و تفقهه و تارة اخری با عبارت طلب و تعلیم یاد داده اند چنانچه فرموده اند (تفقهوا فی الدین فان من لم یتفقهه فی الدین فهو اعرابی) (فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه یتفقهوا فی الدین) و ایضاً (طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه) و اطلبوا العلم ولو باالصین وایضا (العلم فی الصغر کاالنقش فی الحجر) و بعضا در موقع تمجید علم و تقدیس مرتبه معلم فرموده اند (من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا) و حضرت مولی الورای بصاحب سر خود کمیل ابن زیاد النخعی در موضوع تقدیس مقام علم خطبه فرموده که کاملا مقامات علمیه را به بهترین وجهی بیان فرموده (یا کمیل العلم خیر من المال العلم یحرسك و انت تحرس المال (اجمالا در جزء تربیه دیانتی لازم است که افراد متدینین اسلامی را حاضر نمایم بر اینکه کلیه افراد را دوره ابتدائی تحصیل علوم ضروریه نمودن بر ایشان واجب و عملی بشود تا اینکه تاریخ ملّیت و کیفیت تربیه اطفال را برای دختران و زنان در مدارس تعلیم دهند و خصوصاً دختران با اصول اسلامي واجب است مقدار از فقهه و مسائل دیانتی و اصول اقتصاد و خانواری و درجه ابتدائیه حفظ الصحه و بعضی علوم دیگری را تحصیل کنند چون زنان

جاهله در صورت عارفه نبودن بحقوق خودشان نمی توانند فرزندان با لیاقت و با شرافت بجامعه ملّیه هدیه کنند و از اهم ترین مواد لازم بودن انتخاب معلمین بااخلاق و با عقیده است برای تعلیم بجهت اینکه مقام معلمی در عالم ملّیت مقام بلندی را حائز است چون اصلاح اخلاق جامعه وترقی مملکت منوط بکیفیت تعلیم است اگر معلمین با دیانت و صحیح‌العمل اولاد وطن را حب‌دین و وطن را یاد دهد در آنصورت در موقع تعرض دشمنان دین بحوزه مملکت جانبازی افراد در صفحات تاریخ حیرت بخش ناظرین میشود طوری که سابقة مسلمین در غرناطه و اندلس و مصر و ایران همین حال را داشتند بالعکس اگر معلم بی قید در امور دیانتی بوده و از حیث شهامت مذهبی در مرتبه انحطاط و تنزل بوده باشد و به نقطة معینه اعتماد و استنادی ندارد بلاشك از آنکسانی که از آنچنان معلمین تربیت شده و تعلیم یافته قدر نعمت عظمی دیانت را ندانسته و شرافت مملکت را محفوظ نخواهند داشت اگر رجوع بتواریخ ملل حیه عالم بنمائیم خواهیم دید که جهانگیری وفتوحات قوم جسور (اسپارطه) از روی تربیه صحیحه و تنزل و انحطاط یونان ایضا از اثر تعلیم بی قیدی و بی مبالاتی در قدیم‌الازمان مبنی بر این اصول و مبنی بر این قاعده است و ترقی ایران و عظمت آن مملکت باستان جدا و جدیدا (اثر بد تعلیمات معلمین است پس لازم که معلم معتقد بدیانت و خودش صحیح‌الفکر و العمل بوده اولاد روحانی خود را بسوی اخلاقیات جلب نماید تعجب از این است که مسلمانان چند سال است که باین مسئله اهمیت نداده اولاد خودشان را بهر لاابالی و بی عقیده که ظاهر خود

را آراسته و از پیرایه معنوی عاری بوده می سپارند و چشم از معایب ذاتیه آن می پوشند امید از اقدامات اولیاء امور اینکه پس از امتحانات علمیه و عملیهٔ اشخاص لایق باین خدمت مهم تعین نمایند و آنچنان وظیفه مهمه را بهر جوان کم تجربه و یا اینکه بی عقیده موکول ننمایند (من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا) از کلام قیمت دار حضرت مولی الانام است و اشعار است براین که وظیفه تعلیم یك شغل عالی است و باید که شخص مهم مشغول بانکونه وظیفه مهمه باشد نه هر شخص بی تجربه و کم مایه و بی فکر اجمالا در صورت قابل ولایق بودن معلمین اشخاص قیمت دار بجامعه ملّیه حاضر میشوند بخلاف عکس آنچه ذکر شد

(تذئیل چهارم)

در موضوع کیفیت تبلیغ و دعوت بر مقصد عالی دیانت بدیهی است که راهنمائی نوع بشری از وظائف مقدسه انسانیه است (اگر بینی که نا بینا و چاه هست ـ اگر خاموش بنشینی گناه هست) و دیانت اسلامی این معناء عالی را باعبارات مختلفه بیان و در جزء احکام شرع از تکالیف اسلامیه مقرر فرموده و آیات و احادیث داله بر وجوب استحباب امر بمعروف و نهی از منکر بسیار است و محتاج بذکر نیست و عقلا هم از واجبات عقلیه است وملل حیه عالم اصول مطلوبه دعوت و تبلیغ بر مرام مقدس دینی را باشکل مخصوص از لوازم پیشرفت امور دولتی و سیاستی میدانند و از حصه مصارف امور معارفی مقدار مخصوصی به تبلیغ و دعوت و جاسوسی که یك شعبه مخصوصه ایست

صرف و خرج مینمایند و روحانیان مسیحی در راه ترویج دیانت مبالغی صرف نموده و رساله ها و کتابها طبع و نشر میکنند و قسیس اعظم لندن در سالی هفتاد و پنج میلیون کتاب در زبانهای مختلفه بنام تبلیغ و دعوت طبع و نشر می کنند و داعیان چرب زبان باطراف دنیا گسیل اول ورود بالطائیف صیل افکار محیط آنمحل را مشوش و مغشوش میدارند و بواسطه دکتر ها در مریض خانها و مؤسسات بشریه بنام محبت عمومیه نوعیه مقصد شخصی و سیاسی و دینی را بکار میبرند اگر با دعوت و ابلاغ نائل مرام نشوند پس از چند روز کلهٔ سیاسی نمایان شده مداخله ببعضی امورات شخصی یك ملت و یا دولتی کرده باعث اغتشاش داخلی شده و استفاده ها میکنند و در صورت عدم نیل با قوهٔ جبریه و اسلحه ناریه حقوق حقهٔ ملل ضعیفه را غصب و نفوس مظلومه را با انواع فجایع اتلاف میکنند اجمالا سعی و جدیت ملل نصارائی در موضوع تبلیغ حیرت بخش ملل سائره است و اکتشافات جزائر جدیده مسکونه و غیر مسکونه که در هر سالی از ایشان بظهور میرسد که تعجب آور است ملاحظه نمائید دو جلد سیاحتنامه (کنرال استانلی) آمریکائی از طرف اداره جریده (هرالد) بکشف جزائر (تانقانیقا) و کشف خط استواء برای اصلاح امور معارف و خدمت بدیانت و سیاست چه اندازه زحمات را متحمل و مشقات را متقبل شده و آن شخص مجد چند سال در ایام مسافرت باو حشیهای آفریقا مصاحب بوده و لوازم زندگانی چند ماهه را در کشتی تهیه و در دریای تانکانیکا مدت متمادی گشت و گذار نموده و گاهی در راه نیل بمقصد غرق شدن در

آن دریای وحشتناك را در مقابل چشم مرتسم مینمود و غالبا اتفاق افتاده که از افراد ملت مسیحی در راه مرام در کشتیها غرق و با مکتوبها در شیشه های سربسته روی دریا افکنده پس از مدت بعیده خبر فوت خودشان را باهالی محلی و عائله خودشان میرساانند و یك شعبه دیگری از اصول دعوت منحصر بجاسوسی بوده مقاصد مهمه دولتی و سیاسی را ترویج مکینند قضیه جالب توجه در کیفیت پیشرفت امور جاسوسی که مقدمه دعوت و تبلیغ است ذکر مینمائیم طوریکه در اواخر دورهٔ جنك بین المللی عمومی در موقع تقابله قواء روس و آلمان یکفرقه از قشون روس از کنار رود (واسیلاء) مرور می نمود ناگاه یکنفر پیره زنی جلب توجه فرمانده قواء لشکری نموده در قیافه سائله کنار راه ایستاده و بعصای خویش تکیه کرده فرمانده امر به تفحص آن زنان داده پس از تحقیقات لازمه منکشف گردید که همان ضعیفه یکنفر جاسوس آلمان بوده وسرعصاء که تکیه کرده قوه الکتریك و طرف دیگر انعصاسیم مخابره است بزمین وصل شده و تمام جزئیات قشون روس و اسرار دولتی را بمرکز خودشان خبر میدهد رجوع بمقصد شود مسئله دعوت و تبلغ برای اطلاعات از اصول مقدسه اسلامیه بوده و در باب جهاد مقدمة عنوان شده از مواد فقهه اسلام و باب جهاداست که شخص در موقع ضرورتاگر بخواهد نذر کند یا عهد نماید خوبست چنین نذر کند که از سه روز الی چهل روز بااسب واسلحهٔ خویش حفظ حدوداسلامی را نموده و حوادث واقعه رااطلاعاً بمرکز اسلام خبر دهد و سائر احکام اسلام بر همین منوال اشعار انرومی

دارد در موضوع اهمیت دعوت پس بر مسلمانان لازم و بلکه واجب است برای
تشئید مبانی سلطنت و استحکام اصول مقدسه شریعت بمسئله دعوت اهمیت فوق
العاده داده یك عده کافیه از واعظ و مبلغین که واجد شرائط لازمه و بصیر
بمقتضیات زمان و خبیر از اوضاع عالم است برای اعزام دعوت بر مقصد بولا-
یات بعیده انتخاب نموده باین گونه اقدامات عملیات مبلغین مسیحی وتلقینات جا
سوسهای دول اجنبی را عقیم گذارند طوریکه در مورد کشتار بیرحمانه اهالی
قفقاز از طرف ملت ارامنه با تلقین دول معظمه نصارائی داعی مدیر امور روحا
نی یك منطقه وسیعه بوده و برای العین مشاهده میکردم که از نبودن مبلغ
از مسلمانان اهالی مظلومه بدون اطلاع از اصل قضیه چون گوسفند بی شبان از
اثر تبلیغات وحیله های مبلغین نصارائی به یك محل جمع میشدند بنام استماع
نطق انها بفاصله چند ساعت قواء نظامی از کمین خارج و مجمع مظلومین را
مقبره ایشان قرار می گذاشتند و هکذا سائر مناطق اسلامی از عمده ترین وسائل
دعوت و وسائط پیشرفت امور دیانت و سیاست دولت دستگاه معظم تعزیه داری
حضرت سرور مظلومان روحی له الفداء است و لازم است قدر این جوهر نفیسه
را دانسته و فلسفه عالی آن وقعه مهمه را بافراد ملت ترزیق و تلقین شود
و تمام مقاصد ملی در سایه آن مجلس عالی و عمومی باهالی ابلاغ شود البته
بدیهی است که در ممالك خارجه برای اعلام یك ماده مهمه و جمع نمودن
یکمدنه چه زحمات را متقبل هستند ولی از برکت نفوس مقدسهٔ اولیاء دین
جمعیت کثیرهٔ با نصب یك بیرق مشکی همه جمع شده و با کمال دقت حاضر

بقبول هر گونه تبلیغات هستند پس لازم است که با جملات قیمت دار کلمات معجز سمات حضرات معصومین اذهان سامعین را تنویر نموده و حکمت شهادت جان نثاران طریق دیانت را به بهترین شکلی تصویر نموده و مردم را حالی نمایند که محض گریه و مجرد ناله در این مقام به تنهائی کافی نبوده بلکه در مورد دفع ظلم و قبول نکردن اعمال اشخاص ظالم و مداخله کردن عناصر غیر صالحه و رجال غیر لائقه بر امورات مسلمانان پیروی بودن به آن سرور مظلومان فلسفه همان گریه و ندبه است که در موقع لزوم آزادانه و اصرارانه فدای نفس از اصول مقدسه عزا داری است طوری که شرافت ترین اعمال بشری بذل نفوس است در راه ترقی دیانت و محافظهٔ شئونات ملت چنانچه یکعده قلیله در مقابل نفوس کثیره شجیعانه اثبات وجود نموده و مدافعه حقوق را اولین معلمین نوع بشری بوده و با قضیه عاشوراء زینت بخش تواریخ عالم انسانیت شده وقضایای مهمه را زیر پرده حقانیت خودشان مستور داشته فتوحات اسکندری

(تذئیل چهارم)

و استیلاات ناپالیونی نسیاً منیسا گشته و قضایای نادرة الوقوع مثل عبور (مونتکیه) و فتح قلعه وپر دین بدستیاری قشون (حضیر) از اهمیت افتاده و گذارشات شاه عباس کبیر با آن عدالت و دفع دشمنان دین از طرف قریبن الشرق نادری و معامله کریم خان زندی با آن شهرت ذاتیه چندان فروغی نه داشته ولی جنك هفتاد نفری در یك صحرای بی قلعه و بلا استحکام مهی هر سال بایك اهمیت تاریخی باتمام جوش و خروش و یك نوع جنبش عمومی

عرض اندام مینماید و در مقابل هزاران موانع و مشکلات رونق تازه‌وفروغ
بی اندازه که دارد غیر از حقانیت واقعیه و مظلومیت معنویه و بذل نفوس محترمه
در راه ترقی شریعت و خلاص مظلومین چیزی دیگر نبوده و نیست لذا علاوه
از مذهب جعفریه سائر مذاهب اسلامیه بتازکی ملتفت شئونات حقیقیه آن فاجعه
عظمی و رزیه کبرای راشده چون کتاب ینابیع المودة شیخ سلیمان نقشبندی
المشرب و حنفی المذاهب بخارائی تالیف شده وچون فضولی شاعر ترکی اشعار
و قصاید انشاء کرده و چون کاظم پاشای عثمانی رساله ها بلغة کربلاء ترتیب
داده بانظار قارئین جلوه نمون میدارد و غیر از مسلمانان از اهالی سائر
دیانات رساله ها و کتاب ها نشرنموده و اقرار به شهامت نفسیه و اثرات واقعیه
آن قصیه هایله مینمایند چون کتاب (راولسیوسینز) یا خود سیاسة الحسینیه تالیف
(ماربین) آلمانی و رسالة (ژوزیف) فرانسوی و بت پرستها چه اندازه معتقد
حقیقت این فاجعه هولناك هستند در هندوستان و باعث اسلامیت هزاران نفوس
هندیه شده وزیر ملك شاه قاسم هندی در موقع مغلوبیت و فرار شاه اسیر و
دستگیر انکلیسها شده با اینکه وزیر بت پرست بوده و بودائی مذهب بوددر
حینیکه امر بکشتن او نمودند آبی خواست که بنوشد بمحض مشاهدهٔ آب‌دل
آنحال اسف اشتمال آب‌را بر زمین ریخته بالبداهه مترنم این مقال شد (محروم
گشت از تو لب تشنهٔ حسین - ای آب خاك شو که ترا آبرو نماند
لاجمالا کلام عالی آن شهید راه دیانت در مقابل صف اعداء روز عاشوراء
بیکس و تنها که فرموده اند (الا هل من ناصر ينصرنا.) عموم پیروان خود را به

کمك اسلام دعوت فرموده و کوش عموم اهل دنیا را با تفسیر (کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء) پر کرده پس قدر نعمت عظماء دیانت را دانسته بتوسط داعیان اسلام قلوب متدینین آن دین حقیقی را از فساد اخلاق تصفیه و ریشهٔ جبن و رزالت را قلع و قمع و با ملکات فاضله و روح شهامت پر کرده طوری دعوت نمایند که جان و مال را در قبال حفظ شئونات مملکت و شرافت دیانت به چیزی نشمرده در موقع لزوم چون روح واحد در ابدان مختلفه قیام و برای دفع دشمنان دین کلمهٔ واحده اقدام بنمایند و کلیه صدقات و اثلاث و اوقاف و نذورات و اعانات از هر شهری و قریه ها با نظارت دولت و تصدیق مراجع اسلام جمع آوری شده برای تکمیل نواقص ملیه صرف و بقایای آن کونه واردات را برای محافظه بیضهٔ اسلام در مقابل دشمنان سالی یك کشتی جنکی بدریا افکنده و درهر ماه از هر شهری یك قطعه آیروپلان بنام اعانه دولت اسلامی ضمیمه قواء حربیه حاضره نمایند و بعضی مدارس عمومی تاسیس بنمایند که متشعب به شعبات متعدده شده از یك شعبه محصلین فقهیه و حکمت و فلسفه و تفسیر و از شعبه دیکری داعیان و مبلغان عالم بمقتضیات عصریه با لوازم تبلیغات با طراف کسیل شده و از شعبه دیکرش مهندسین و معلمین و صاحب منصبان با درایت واشخاص با لیاقت بجامعهٔ ملیه تقدیم شود خصوص در این عصر سعادت که امنیت کامله بر پا و اصول منحوسهٔ (کاپتالسیون) الغاء و از هر جهت شرایط موجود و موانع مفقود اکر خدا نکند مسلمانان مخصوص ایرانیان قدر این نعمت عظما را ندانسته مشغول عیاشی

و تنبلی و عطالت شده معنی عصر سعی و عمل را ملتفت نشده و به تقلید خشك و خالی اجانب تمایل کنند انوقت خوف آن میرود که مذلت از سر گیرد (اندر طبیعت است که باید شود ذلیل — هر ملتیکه راحتی و عیش خو کنند)

امیدوارم که از توجهات اولیاء دین و اثر اقدامات اولیاء امور تحت مراقبت یکانه زمام دار امور مسلمین قائد توانا عنقریب آنچه در این سطور ترقیم شده بموقع شهود و اجراء گذاشته شده و معنای کامل (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه) باتمام حقیقت خود جلوه نمون گردد و مبلغین و داعیان در موضوع تلقین و تبلیغ مسئول این مرام عالی در پیشگاه خالق متعال و انظار افراد هستند

(تذئیل پنجم)

در موضوع تفکیك دیانت از سیاست مقدمه ذکر می شود که روح شهامت اسلامیه در کالبد توده ایرانیه یك اندازه سست شده و تنزل داشته واز فقدان غرور ملی گوش بصدای هرصاحب اغراض دنیه و منتظر به تقلید اعمال خارجه بوده بر عکس مشهور بعضی نویسندگان مصرع ای هزاران لعن تقلید باد را تحریف کرده و میگوید ای خلق را تقلید شان آباد کرد حالی که این قضیه تقلید جنبه کلیتی نداشته در بعضی مقام لایق تقدیس در مقام دیگری مستحق تقبیح است هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد و سابقا در این بحث یك فصل مخصوص بمذاکره آن نموده‌ایم و در خاتمه این کتاب باعنوان مخصوص تفکیك سیاست از دیانت این معناء را کاملا ایضاح می نمائیم که یکی از مسائل عمده و مطالب مهمه که امروز مورد بحث علماء ملل دنیاء است و از حیث اهمیت درجه

حیواة و ممات را حائزاست نسبت بر علاوه‌مندان دیانت و همان مسئله موضوع تفکیك سیاست از دیانت است طوری که دین مسیحی کنونی عاری از مزایای اخلاقیه و خالی از نکات سیاسیه است مبنی بر این نصارائیان مجبور به‌تفکیك دیانت از سیاست شدند چون دینیکه اصول جهاد و قانون قصاص و کیفیت اجراء احکام قضائی و سائره نداشته باشد البته پیروان آن دین مجبوراست که نظری بدیانت که صرف امور وجدانیه است نماید و نظر دیگر به سیاست و مدنیت اخلاقیه هم بنماید و چنان شد که طبیعی است آنچه لازم است که هر فرد بشر حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت) راقم بنام حقیقت اسلام مینگارد آنانیکه از مسلمین در موضوع تفکیك سیاست از دیانت تقلید نصا-رائیان کرده و چند قدمی هم جلوتر رفته بعضا دین را مانع ترقی فرض می نمایند آنان کسانی هستند که از مزایای دین اسلام بی اطلاع و یك اندازه اثرات جهل است که دراو ظهور مینماید و آن قبیل اشخاص اسیران قیودات نفسیه بوده و از اعمال قوهٔ عقلیه که قوهٔ فکریه مینامیم محرومند و تفکر نمی کنند که دینی که بایك سلسه منهیات شرعیه در جزء احکامات دینیه نسل شریف بشر را از همه اقسام افات و امراض ساریه اعم از سفلیس و سوزاك و جذام و تعدی زرات ذره بینی خلاص نموده و بایك ماده خشنه علاج واقعه را پیش از وقوع کرده و ایضا با تحریم عمل شنیع و غیر شرعی استمناء نوع انسانی را از انقراض و فساد اخلاق وضعف وهزام و تمامی بدبختیها مستخلص داشته ـ البته آنانکی که از فقه اسلام حظی داشته و اطلاع دارد میدانند اگر

در ماه مبارك رمضان كسى منى از خود آورده سه كونه كفارات زاباید ادا
كند غلام آزاد كردن و شصت روز روزه كرفتن و شصت مسكين را طعام
دادن و علاوه از اين حاكم شرع و قاضى اسلام تعذيرش خواهد نمود اين
ماده بخودى خودش دليل حقانيت اين دين و واجب الاتباع بودنش را مدلل مى
دارد و عين ترقى و محض سياست است ملاحظه فرمائيد علماء طب عصر حاضر
را كه علماء حفظ الصحه اوروپا در باره ترسانيدن از اين مرض مهلك تاليفاتى
دارند ومخصوصا از حكماى شهير موسوم (بلاله مند) و ايضاً (برومند) كلمات
قيمت دارى دارند كه از اساس اسلام اقتباس شده و ميكويند كه در نزد اطفال
معصوم با زنان مزاح و مذاكرات ناكفتنى و ناشدنى را ننمائيد طورى كه
دين اسلام نهى داشته چون فكر شان بايكنوع انتباه حسى حادر [illegible] مان كونه
اعمال خواهد شد و مضرات استمناء را باطور تلخيص و اجمال ذكر مى‌نمائيم
اولا در بعضى اشخاص كه سن شان بچهل سالكى نرسيده مرض استمناء باعث
كم نورى‌چشم ايشان‌شده و در جوانى طراوت حسن را زايل‌وصوت‌ايشان‌منخفض
ورنك‌شان‌را پريده و كم‌روح وتار وموى‌ايشان قبل ازايام پيرى‌سفيد خواهد كرد
و دربعضى جوانان چون در ايام جوانى تخم توالد را با استمناء ضايع كرده‌اند
باعث قطع نسل خواهد شد و باالاخره بمرض (عنين) مبتلاء خواهند شد و در
اصطلاح حكماء عصرجديد (پريا پسم) كه يكنوع الم تناسلى است ودر بعضى
(برماتسم) و سرعت انزال منى خصوصا در زنان بمناسبت حساسيت نوعيه
ايشان عصبانى و بمرض رحم مبتلاء خواهند شد و از نتائج وخيمه استمناء

یکی اینکه هر کسیکه عادت باستمناء نموده باشد لابد پس از مدتی مبتلاء به سرعت انزال خواهد شد در آن دورهٔ مرض بقراریکه در کتب فیزیولوژی یعنی علم وظائف الاعضاء توضیح داده شده از بیست مثقال خون سرخ یك مثقال منی تولید میشود کسیکه شانزده مثقال منی ضایع چنانست که سیصد و بیست مثقال منی از جسم خود بهدر اتلاف کرده اجمالا راقم در کتاب (اصول ازدواج اسلام) تفصیلا در اطراف این قضیه و علاج مادی و معنوی این مرض مشئوم از روی اساس اسلام توضیحاتی داده‌ام مراجعه شود پس بایك ماده تحریم و کفاره و تحذیر امراض متعدده را از پیروان و متدینین خود دور نموده و از حیث نظریه سیاسیه جهاد فقهه اسلام را ملاحظه نمائید و اجمال فلسفه تشریع جهاد اسلام را در کتاب مبدء الاسلام بیان نموده‌ام کدام قانون بشری تابحال واقف از نکات عدیده باب جهاد اسلام شده و میتواند بشود کدام بشری است که اعتراض باصول جهاد اسلام بنماید که عین سیاست و محض عدالت است چند سال قبل بر این از تمامی ملل عالم در این عصر انکشاف و دور ترقی نمایندهای جمع شد در جمعیت اقوام با اتحاد رأی مقرر داشتند که استعمال غاز مهلك و خفه کنی را در جنکها حرام کنند و معلوم نیست که موفق بشوند ولی جهاد اسلام یکهزار و سیصد و چهل هشت قبل بر این امر فرموده که (و یحرم القاء السم علیهم) یعنی حرام است در موقع محاربه با دشمن بکار بردن زهر و ایضا (یحرم المقام فی بلد الشرك لمن لایقدر علی اظهار شعائر الاسلام) یعنی اقامت آنانیکه علائم اسلام را آشکار اجراء

نمی توانند بکنند حرام است در بلاد مشرکین تمامی نواقص مملکتی و اتحاد ملتی را این نکته جمع نموده علاوه ملاحظه فرمائید قانون حقوق اسلام را در کتاب قضاوت و شهادت و حدود و دیات و قصاص و سائره از قبیل تساوی حقوق در موقع مدافعه و محاکمه میان سلطان و رعیت و تفریق و جدائی افکندن میان شهود در مورد عارض بودن شبهه در کلمات شان و نظارت بر امورات ایتام و اموات و محبوسین در روز ورود قاضی جدید به شهری و نوشتن و عکس برداری از مخاصمین در موقع مرافعه (رجوع بکتاب شیخ بهائی جامع عباسی) تا آخر کتاب قضاوت و تامین حقوق قضائی و دیه اللهی باتادیب و تعزیر در صورت فحش و سب کسی بدیگری ودیة گذاشتن وقصاص کردن در مورد اتلاف حتی طبیب بدون التزام داخل امور جراحی و سائر عملیات طبیه بشود وضرری وارد آورد ضامن است همچنین است دلاك وسائر از باب صنایع که باب حدود و قصاص و دیات متکفل بیان آنگونه قضایاء می باشد مراجعه کنید و باب تجارت و مکاسب چه اندازه نکات را داراءاست و قرآن عظیم‌الشان اسلام در باب استعلاء و علو بر ملل دیگر با یك کلمهٔ جامعه امر فرموده (فاعدوا لهم مااستطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله) یعنی تکمیل قواء لازمه نمائید بهر اندازه که قادر هستید تا اینکه از شما در ترس و هراس اندر باشند دشمنان خداء الاسلام یعلو ولایعلی علیه کلامیست که پیروان خود را بعلو همت دعوت میکند و شاهد صدق مقال ما است اجمالا آنچه ذکر شد عین سیاست و محض مدنیت

حاضره است که عقل بشری از درك حقایق علمیه‌اش قاصر است با وجود این یا از روی جهالت یا از روی غرض‌رانی میباشد که با فکار بعضی از مسلمانان تزریق شده که باید مسلمانان در راه ترقی و تعالی و معاصر بودن با ملل حیه دیانت را از سیاست جداء و سواء کنند و بعضی دیگر در این عقیده مصرند که دین مانع ترقی و ضد تعالی میباشد لازم است که مسلمانان در موضوع عقب نماندن از قافلهٔ تمدن که تغیر دیانت و یا اینکه ترك دینداری بنمایند و غالبا افراد اسلامی گوش به سخنان هرزه گویان و یاوه سرایان میدهند و بعضی از دول اسلامی چند سال قبل بر این اعلان تفکیك سیاست از دیانت را نمودند حالی که چندان فکری ندارند مگر در اندلس و غرناطه و مصر و بغداد و آناطولی مسلمانان چند صد سال قبل بر این حکمران کره و فاتح کرهٔ ارض و معلم ملل عالم و یکه تاز معرکه سیاست و شهسوار میدان مدنیت بودند مگر دیندار نبودند یا اینکه دیانت را از سیاست جداء کرده بودند هیچ کدام نبود بلکه اسلام را عامل بودند و مسلمانان ملتفت نیستند که (بولشه و یکها و قومونیزمها) منکر دیانات و ضد انسانیت بوده بعضی اشخاصی هستند که از محور انسانیت خارج شده و در محیط وحشت و بربریت با اصول جلادی انسان کش بوده و حقوق نفوس مظلومه را غصب میکنند و در هر شب و روز هزاران جوانان با عقیده و با شرافت را طعمهٔ ماهیان دریا یا اینکه فدای راه سیاست ظالمانه دونان و رزیلان کرده افراد عائله ایشان را چشم براه انتظار گذاشته برای پیشرفت مقاصد ملعونانه خودشان تمام وجدانیات و معنویات وحقایق را زیر

پا گذاشته برای ترویج مرام و پوشیدن عیوب و قبایح خودشان با صرف نقود
مطالب مضره را و افکار خبیثه را به اذهان ساده دلان تلقین میکنند که بلکه
بدین وسیله چند روزه سیاست (ما کیا ویلی) ایتالی را در عالم اجراء
و حقوق مظلومین را زیر پا گذارند حالیکه ملتفت نیستند که باطن معنویات
و حقیقت دیانات تبلیغات ملعونانه منکرین الوهیت را نتیجه عکس العملی بخشیده
روزی خواهد شد که انتقام جوانان باحس و باشرافت عناصر قفقازی از
آن قبیل اشخاص که ضد بشریت هستند کشیده خواهد شد پس معلوم شد که
تفکیك سیاست از دیانت صرف کلام جاهلانه بوده و دین را مانع ترقی دانستن
قول مغرضانه ایست که آنانیکه اسیران مشهودات نفسانیه بوده از این لحاظ
ضد دیانت میباشند بدین وسیله با زحمات و تبلیغات میخواهند مردم را از دین
و دیانات با یکنوع دلسردی دور کنند حالی که قطع نظر از خصوص دین
اسلام با نظر ساده کلیه ادیان اصول تکامل و طریق ترقی را به پیروان
خویش یاد میدهد و اما خصوص دین اسلام بدیهی است که عالم اسلام با آن
ترقیات محیر العقول که در قرون قبل دارا بودند و مدتی است که دوچار
ضعف و انحطاط گردیده سبب آن ترقی نبود مگر عمل بحقایق قرآن وعلت
این انحطاط نیست مگر دود و مهجور شدن از احکام اسلام و علاوه از این یك عامل
دیگری در میان است که ترقی و انحطاط ملل مربوط بیك تصادفات تاریخی است که
گاهی روح سعی وعمل را تهیج و تشویق میکنند و گاهی مردم را در دریای تن پروری
و عیاشی و شهوت رانی غوطه ور میکنند و بالخصوص در روح ایرانیان

شور تقلید اوروپائی یك جنبه خاصی دارد می بیند که اوروپائیها ماشین بخار
قوة برق بی سیم طیاره و سائره اختراع کرده تصور میکنند وقتی از سیاسیون
آنها یك مسئله تفکیك سیاست از دیانت را بمیان مسائل متناوبه داخل کرده
و یا دین مسیحی را مانع ترقی فرض کرده ما ایرانیان تمامی آن ترقیات را
حمل به تفکیك یا تغییر دین مینمائیم و ملتفت نیستم که آن دین مسیحی کنونی
است نه دین اسلام امید از معنویت دین اسلام و از اثر اصلاحات یکانه حارس
و نکهبان آن دین الهی شهریار گیتی مدار **اعلیحضرت شاهنشاه ایران** این
است که روح شهامت را در ابدان پوسیده جوانان مملکت احیاء و بوسائل
ممکنه د موضوع تبلیغ و دعوت مسلمانان ملتفت خواهند شد که دین اسلام
نخستین مربی کامل انسان و یکانه مصلح با حقیقت جامعه بشر است و دین اسلام
اولین مظهر حقیقت و سر چشمه معنویت است دین اسلام آینهٔ جهان نمائی است
و کاشف اسرار و رموز خلقت و چون کلیه تالیفات عاجزانه راقم در موضوع
الغاء اصول منحوسهٔ کاپتالسیون (امتیازات دول اجنبیه قویة بر علیه دول ضعیفه
اسلامی است تالیف شده که در عصر فرخنده الغاء کننده اصول کاپتالسیون
اتفاق افتاده و از مهمترین خدمات شاهنشاه دل آگاه است و از عمده ترین
اعیاد ملّی بشمار است لذا بر تمامی علاقه مندان دیانت و مملکت لازم است
کـه بنام باقی بودن آن در صدد معاونت بر آمده و در طبع و نشر سائر
مجلدات ابراز لیاقت بنمایند ـ تمام شد این کتاب تمدن الاسلام باب اولش که
پنج فصل است و هر فصلی پنج شماره است و با پنج تذئیلات خاتمه یافته است

در هفدهم شهر ربیع الاول ۱۳۴۷ و تصحیح شده در ۱۷ ماه صفر ۱۳۴۹
و نسئل الله ان یجعله خالصا لوجهه الکریم و ان یرزقنا من فضله العمیم و نحمدالله
علی اتمامه اللهم نشکو الیك فقد نبینا و غیبة ولینا و کثرة عدونا اللهم انصر
سلطاننا و اید جیوشنا وانصرنا علی اعدائنا اله الحق آمین بحق محمد و اهل بیته
الطیبین الطاهرین اجمعین علیهم سلام الله الملك الحق المبین آمین ثم بالخیر و
السعاده و یتلوه الجلد الثالث عظمت الاسلام

و در خاتمه چند ماده بنام نجابت اسلامی و اصالت ایرانی از چند طبقه
منوره مملکت باستانی خواستارم

اولا آقایان روحانیون با حقیقت نسبت باین قبیل مقاصد دینیه و موسسات
ملیه یار و معین بوده و در این دورهٔ مهم در خانه نشسته و دست بر وی دست
نگذاشته و منتظر نباشند که بعضی دزدان طرار بنام دین و دعوت عنان محاجه
را بطرف نوامیس اسلام و شعائر دیانتی مسلمانان سوق ندهند و چند نفر از
اشخاص بصیر و خبیر جمع شده در هر شهری از شهر های اسلامیه
با تصویب اولیاء امور (الدین والملك توءامان) را در نظر گرفته در تشئید
مبانی سلطنت اسلامیه و دعوت بر حقایق بر جسته دینیه حوزه تشکیل نمایند
و افراد جوانان مملکت چشم بصیرت گشوده باطراف عالم نگربسته معاصر
بودن باین دوره عصر سعی و عمل را در نظر گرفته اوقات گرانبهای خودشان را در
مطالعهٔ رومانهای تالیف شده در پاریس امرار کرده وافکار زهرناکرا بافراد مملکت
عزیز خودشان تزریق ننمایند که نتیجه غیر از شهوت رانی و عیاشی و الکولی

و افیونی و قاقانی بودن چیزی دیگری نیست بلکه قسمتی از وقت صرف کتاب های دیانتی و اخلاقی و اجتماعی اسلامی بنمایند هم تصفیه افکار نموده وهم معاونت باینکونه مقاصد دیانتی مینمایند و چون راقم بلا معین و بدون معاونت غیر محض بنام مهاجرت و پناهندگی باین خاك پاك كه ملجاء عموم ملتجین است یك خدمت موریاته در موضوع تبلیغ و دعوت و انتباه افکار عمومی فرض کرده بطبع و تالیف مبادرت نموده ام که از یك نفر فاقد وسائل اجتماعی اینکونه دعوت یك اندازه اهمیتی دارد لذا لازم است که بنام معاونت به تالیف سائر جلدها از بذل مبلغ جزئی مضایقه ننمایند

و چون نظر عاجزانه‌ام خدمت بمملکت و هدیه ناچیزانه است درپیشگاه انظار محترمین ملّت و درج مطالب مهمه از روی مدارك مثبة و موثوقه و غرض عبارت پردازی و تطبیق باصطلاحات رمان نویسی عصر حاضر نبوده لذا اگر طرز انشاء و کیفیت تسلسل در کلمات بروفق ذوق وسلیقه نباشد با نظر کریمانه بمدارك مهمه نظر نمایند نه در الفاظ شیرین و کلمات نمکیان و اگر سهوی بر خورند موجب الانسان محل السهو و النسیان عفو نمایند واگر قابل اغماض نبوده بنام مؤلف ابلاغ دارند از طبع ثانی



اثر قریحه سرشار آقای شیخ جابر (خوئی)

شد محتجب زدار فنا صادق امین — سال هزار وسیصد و پنجاه و یک بین

لبیك گفته دعوت حق را بشهر قم — شد روح او مقارن ارواح اکرمین

کرده اثر بعالم اسلام موت او — گشته امام عصر ازین ماجرا غمین

اسلامیان به تازه مصیبت دوچار شد — گشتند زین قضیه همه زار و ماتمین

لیکن زیمن لطف خداوند ذوالجلال — در تحت ظل مرحمت حجة زمین

شیخ اجل عالم با علم و با عمل — آن واعظ مهاجر و شیخ قاسم امین

از همت نتائج افکار عالیا — تالیف کرده بود کتابی در ثمین

چون اسم آن تمدن اسلام کرده بود — پس روح تازه داد باسلام و مسلمین

اینروزها شدند موفق به طبع آن — الحق تحفه ایست نفیسه بما امین

تاریخ طبع و فوت همان شخص محترم — شد متفق چو خسف قمر برق انجمین

این هم بعصر سلطنت شاه پهلوی — مطبوع با نظارت عمال [illegible]

یارب نگهدار تو سلطان وقت را — باشد همیشه مسندات فاعلی همین

